

جلد اول

درام نویسان جهان

تالیف: منصور خلج



جلد اول

بسم الله الرحمن الرحيم

درام نویسان جهان

تألیف: منصور خلج



انتشارات برگ

تهران، ۱۳۷۷



انتشارات برگ

درام نویسان جهان (جلد اول)

تألیف: منصور خلیج

طرح جلد: حسن نیلجیان

چاپ اول: ۱۳۷۷ - تیراژ: ۳۳۰۰ نسخه

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: موسسه انتشارات سوره

نقل و چاپ نوشته ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

ISBN: 964-471-392 - 3

شابک: ۳-۳۹۲-۴۷۱-۹۶۴

فهرست شخصیت های مندرج در جلد اول

نام نمایشنامه نویس	سال	ملیت	صفحه
اشیل	۴۵۶-۵۲۵ ق. م	یونان	۷
سوفکل	۴۹۵-۴۰۵ ق. م	یونان	۱۴
اورپید	۴۸۴-۴۰۷ پیش از میلاد	یونان	۲۴
آریستوفان	۳۸۰-۴۴۸ ق. م	یونان	۳۴
مناندر	۲۹۲-۳۴۳ پیش از میلاد	یونان	۴۲
پلوتوس	۱۸۴-۲۵۴/۴۴ ق. م	ایتالیا	۴۶
ترنس	۱۵۹-۱۹۵ ق. م	ایتالیا	۵۱
سنکا	۴ سال پیش از میلاد تا ۶۵ میلادی	ایتالیا	۵۵
لوپه دووگا	۱۵۶۲-۱۶۳۵ م.	اسپانیا	۶۱
کالدرون	۱۶۸۱-۱۶۰۰ م.	اسپانیا	۷۰
کریستوفر مارلو	۱۵۹۳-۱۵۶۴ م.	انگلستان	۷۷
ویلیام شکسپیر	۱۶۱۶-۱۵۶۴ م.	انگلستان	۸۳
بن جانسن	۱۶۳۷-۱۵۷۲ م.	انگلستان	۱۰۳
پیر کرنی	۱۶۸۴-۱۶۰۶ م.	فرانسه	۱۱۲
ژان راسین	۱۶۹۹-۱۶۳۹ م.	فرانسه	۱۲۱
مولیر	۱۶۷۳-۱۶۲۲ م.	فرانسه	۱۲۷
لسینگ	۱۷۸۱-۱۷۲۹ م.	آلمان	۱۳۶
یوهان ولفگانگ فون گوته	۱۸۳۲-۱۷۴۹ م.	آلمان	۱۴۴
شیلر	۱۸۰۵-۱۷۵۹ م.	آلمان	۱۵۲
کلایست	۱۸۱۱-۱۷۷۷ م.	آلمان	۱۵۹
کارل کتورک بوخنر	۱۸۳۷-۱۸۱۳ م.	آلمان	۱۶۶
یوهان اگوست استریندبرگ	۱۹۱۲-۱۸۴۹ م.	سوئد	۱۷۳
هنریک ایبسن	۱۹۰۶-۱۸۲۸ م.	نروژ	۱۸۰

۱۸۸	اوکرائین	۱۸۵۲-۱۸۰۹ م.	نیکلای گوگول
۱۹۵	روسیه	۱۹۰۴-۱۸۶۰ م.	آنتوان چخوف
۲۰۷	روسیه	۱۹۳۶-۱۸۶۸ م.	ماکسیم گورکی
۲۱۷	بلژیک	۱۹۴۹-۱۸۶۲ م.	موریس مترلینگ
۲۲۵	ایتالیا	۱۹۳۶-۱۸۶۷ م.	لوئیجی پیرآندللو
۲۳۳	ایرلند	۱۹۵۰-۱۸۵۶ م.	جورج برناردشاو
۲۴۰	فرانسه	۱۹۴۴-۱۸۶۶ م.	رومن رولان
۲۴۹	اسپانیا	۱۹۳۶-۱۸۹۸ م.	فدریکو گارسیا لورکا
۲۵۷	آمریکا	۱۹۵۳-۱۸۸۸ م.	یوجین اونیل
۲۶۴	آمریکا	تولد ۱۸۹۷ م.	تورنتون وایلد
۲۷۰	آمریکا	تولد ۱۹۱۵ م.	آرتور میلر
۲۷۸	آمریکا	تولد ۱۹۱۴	تنسی ویلیامز
۲۸۴	ایرلند	۱۹۶۴-۱۸۸۰ م.	شون اوکیسی
۲۹۱	سوئد	۱۹۵۶-۱۸۹۸ م.	برتولت برشت
۳۰۵	سوئیس	تولد ۱۹۱۱ م.	ماکس فریش
۳۱۳	سوئیس	تولد ۱۹۲۱ م.	فردریک دورنمات
۳۲۲	فرانسه	۱۹۴۴-۱۸۸۲ م.	ژان ژیردو
۳۳۱	فرانسه	تولد ۱۹۱۰ م.	ژان آنوی
۳۴۱	فرانسه	۱۹۸۰-۱۹۰۵ م.	ژان پل سارتر
۳۴۹	فرانسه	۱۹۶۰-۱۹۱۳ م.	آلبر کامو
۳۵۷	ایرلند	۱۹۴۱-۱۸۸۲ م.	جیمز جویس
۳۶۳	فرانسه	۱۹۸۹-۱۹۰۶ م.	ساموئل بکت
۳۶۹	رومانی	۱۹۹۴-۱۹۱۲ م.	اوژن یونسکو
۳۸۰	روسیه	۱۹۷۰-۱۹۰۸ م.	آرتور آدامف
۳۸۵	انگلستان	تولد ۱۹۲۹ م.	جان آزرین
۳۹۰	انگلستان	تولد ۱۹۳۰ م.	هارولد پنیتر
۳۹۹	آمریکا	تولد ۱۹۲۸ م.	ادوارد آلبی

مقدمه

قلم را آن زبان نبود که سر عشق گوید باز
ورای حد تقریر است شرح آرزومندی
حافظ

کتابی که پیش روی شماست جلد نخست از مجموعه درام‌نویسان جهان است که دربرگیرنده شرح آثار و احوال پنجاه نمایشنامه‌نویس بزرگ جهان از زمان باستان تا عصر حاضر است. برخی بر این عقیده‌اند که تاریخ زندگی یک نویسنده، کتابها و آثار است که از او برجای می‌ماند و درواقع بهنگام نوشتن است که نویسنده وجدان زندگی کردن را احساس می‌کند. گروه دیگر با دقت در زندگی هنرمندان و سیر آن، دریافته‌اند که چگونه بارقه‌های شخصیتی این اشخاص گاه از زمانشان نیز فراتر رفته و زندگی عملی آنها خود دربرگیرنده نکاتی است آموزنده که به مراتب از شخصیت‌های آثار آنان جذاب‌تر است تا آنجا که گاه بیان ما از توصیف آن عاجز است. بهر حال اینها نظراتی است که هر یک در جای خود درست و قابل تحقیق و بررسی است. اما نگارش کتاب حاضر نخست بصورت علاقه شخصی نگارنده به زندگانی این هنرمندان و سپس بازتاب آن به صورت آثار هنری و نمایشی این نویسندگان در مواردی برایم بسیار جذاب آمد

دریافتم که آنها همگی بگونه‌ای مصرانه در مفاهیم زندگی به جستجو و کنگاش برخاسته‌اند و هرکدام در افق اندیشه خود چشم‌اندازهایی از هوش و نبوغ بشری را به ما نشان داده‌اند. آنها به واقع فرزندان زمان خود و همه‌اعصار بوده‌اند.

در اینجا با تواضع خاطر نشان می‌سازم که کارم بی‌نقص نیست و جستجوگری هستم در طلب آموختن از این‌رو از خوانندگان محترم خواستارم که محدودیت‌هایی را که نگارش این گونه کتابها اعم از در دسترس نبودن منابع کافی و نیز تنوع زیانهائی که نمایشنامه‌نویسان کشورهای مختلف به این زبانها آثارشان را نگاشته‌اند و همچنین عدم دسترسی به بسیاری از آثار این نویسندگان که تهیه آنها در ایران مبسر نیست و در خارج از ایران نیز به جستجوی بسیار در کتابخانه‌ها نیازمند است را در نظر داشته باشند. امیدم آن است که این اثر برای مشتاقان و پژوهندگان این زمینه از ادبیات کتابی مفید و قابل استفاده باشد.

ترتیب گزینش شخصیت‌ها نخست براساس دوره‌حیات نویسنده و سپس اهمیت آثار نویسنده برای خوانندگان فارسی زبان است.

برای نام برخی از آثار این نویسندگان که معادل فارسی آن دستیاب نبود ترجمه‌هایی تحت‌الفظی انتخاب شده که از خوانندگان و صاحب‌نظران ارجمندی که به معادل مناسبتری دست می‌یابند سپاسگزار می‌شوم که مرا از راهنماییهای خود بهره‌مند سازند. بدان امید که در ادامه‌کارم بتوانم کمبودهای جلد نخست را رفع نمایم.

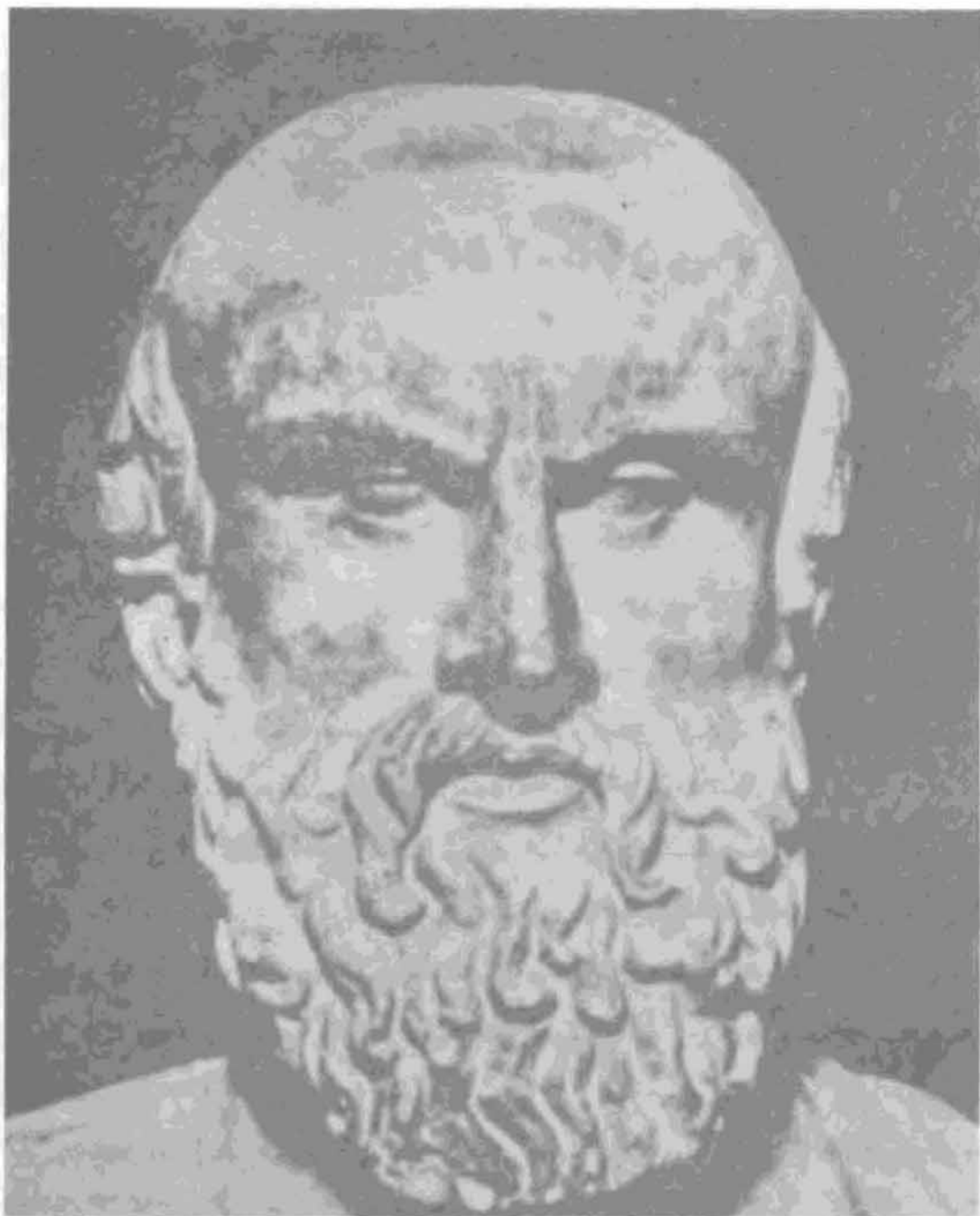
در خاتمه این کتاب را به همه‌کسانی که خالصانه در راه اعتلای تاتر این سرزمین کوشش می‌کنند تقدیم می‌کنم.

منصور خلج

(اسخیلوس Aeschylus)**اشیل (۴۵۶-۵۲۵ ق.م)**

اشیل قدیمترین تراژدی‌نویس یونان است که نمایشنامه‌های او بدست ما رسیده است.^۱ در سال ۵۲۵ پیش از میلاد مسیح دیده بجهان گشود، پدرش افوریون Euphorion از مالکین محترم یونان و از خاندانی بزرگ بود. مدارک زیادی از زندگی او در دست نیست. اما آنچه مسلم است این است که وی در سی و پنج سالگی با شجاعت تمام در شمار سپاهیان یونانی بود که در جنگ‌های «ماراتن» Marathon شرکت نموده و ده سال بعد در جنگ‌های عمده آتن و متحدانش که علیه خشایارشا فرمانروای ایران جنگیدند پیکار کرد و برای نخستین بار تراژدی‌هایی را در هفدهمین المپاد^۲ بمعرض نمایش گذاشت.

وی در جشن‌های دیونیزوس بزرگ Great Dionysia که آنرا آلفیلیون Elaphebolion نیز می‌گفتند و نمایشنامه‌ها در ایام آن اجرا می‌شد و یکی از بزرگترین اعیاد آئینی و مذهبی در یونان باستان بشمار می‌رفت شرکت کرد. نخستین جایزه را در سال ۴۸۴ ق.م دریافت کرد و از آن پس يك چند نام‌آورترین و محبوب‌ترین شاعر آتن بود. تراژدی‌ها در تئاتر دیونیزوس که در دامنه آکروپولیس^۳ بود و در بالای آن معبد دیونیزوس^۴ قرار داشت در نزدیکی آتن برگزار می‌گردید.



اشیل

نمایی از آکروپولیس و ادوین در یونان



مراسم قربانی به درگاه خدایان و اجرای سرود و آواز به همراه غایش ها اجرا می شد. در این جشن به بهترین غایشنامه های تراژدی و کمدی جوایزی اهدا می گردید. اشیل به روهم سیزده بار جایزه نخست مسابقات را بخود اختصاص داد.

حدود ۷۲ تا ۹۰ غایشنامه به وی منتسب است که از مجمرع آنها تنها هفت غایشنامه امروز بدست ما رسیده است که تعدادی از آنها به فارسی نیز ترجمه شده است. این آثار عبارتند از: پرومته در زنجیر^۶ Prometheus Bound، پرومته از بند رسته Prometheus Unbound، ابرانیان^۷ The Persians، نیایشگران The Suppliants، هفت نفر بر ضد تب The Seven Against Thebes، که شامل سه غایشنامه مشتمل بر سه تراژدی بهم پیوسته است که در آن داستان خاندان سلطنتی تب بازگو می شود.

آخرین اثر اشیل تریلوژی^۸ Trilogie اورستیا Oresteia نام دارد که مشتمل بر آگاممنون Agamemnon، خونه فوروته Choephoroe و انومیندس Eumenides می باشد در این مجموعه سه قسمتی قدرت خلاق و اندیشه کمال یافته اشیل را مشاهده می کنیم.

قطعاتی نیز از دیگر غایشنامه های اشیل باقی است که بدلیل ناقص بودن آنها بازسازی طرح و چهارچوبشان امکان پذیر نیست. از میان آنها می توان از، آتاماس Athemas، ادونیا Edonias، فرزندان هرکول The children of Heracles، مردان جوان Yong Men، باساریها Bassarai، باکخای Bakchai، توراندازان Diktyulkoi، آگیاسس Agiasas، ابفی ژنی Iphigeneia و زنبوران غسل را نام برد.

تاریخ نگارش پرومته در زنجیر دقیقاً معلوم نیست. در این اثر که الهام بخش بسیاری از نویسندگان و هنرمندان اعصار مختلف است اشیل حکایت پرومته پسر Japet و پسر عم زئوس را بازگو می کند که بدون اجازه از زئوس آتش را که در اختیار خدایان بود به انسانها پیشکش می کند آتشی که با خود روشنائی و دانائی را به همراه دارد. خدایان بدلیل اینکار او را در المپ به زنجیر کشیدند تا بدین وسیله اظهار عجز و بندگی نماید. اما پرومته با آنکه هرمس Herme's پیک زئوس به نزدش می آید تا او را به نرمی بکشانند و به عذرخواهی و توبه وادارند پرومته گناهی برخود نمی شناسد. عاقبت زئوس طوفانی نازل می کند که پرومته را به قعر زمین فرو برد.

اشیل در این غایشنامه اندیشه ستیز و مقابله را مطرح کرده است زئوس پرومته را شکست می دهد اما درواقع اوست که در مقابل پرومته بزانو درمی آید، رودروئی و مواجهه پرومته با زئوس، شناختن خود و برخورد با حقیقت است. پرومته از طریق آتش به زمین می پیوندد و با زمین که مساوی مادر است نبرد جاودانی را با زئوس که نماد قدرت است آغاز می کند. آتش تمهیل پاکی و

یگ صدنه از پرمونه در زنجیر. یونان



گناه و رهائی است که از دل خاک بیرون می‌جهد و در دل خاک زنده می‌ماند.
 قدرت تصور و عمق احساسات و لطف بیان اشیل موجب شده است که وی در زمره بزرگترین
 شعرای تغزلی جهان درآید. مرگ او بسال ۴۵۶ اتفاق افتاد بر سنگ قبر او نوشته شده است:

اشیل، پسر اوفورین آتنی
 اینجا در خاک بارور «گلا» مدفون است
 دلیری او در جنگ شناخته‌همگان است
 و جنگ ماراتن و ایرانیان گواه آنند

پانویس ها

۱. پیش از اشیل تراژدی نویسانی همچون تسپیس *Tespis* و فرنیخوس *phrynichos* در قرن ششم پیش از میلاد بوده اند که آثاری از آنها برجای نمانده است.
۲. جنگ معروف ماراتن *Marathon* در سال ۴۹۰ ق.م در نزدیکی قصه ای بهمین نام اتفاق افتاد.
۳. از المپ *Olymp* می آید و آن را المپوس *Olympos* نیز گویند، و آن نام کوههای متعددی در یونان باستان بوده است. یونانیان این سلسله کوهها را محل اقامت خدایان می دانستند و مسابقات و آئین های مذهبی در دامنه آن انجام می گرفت.
۴. آکروپلیس *Akropolis* نام قلعه و معبدی بر فراز صخره ای بلند در آتن قدیم.
۵. دیونیزوس *Dionysos* که به نام باکوس نیز معروف است رب النوع باروری و تاکستانهای شراب و پسر زنوس است. او هر بار توسط زنوس خدای خدایان زنده شده و پس از طی دوره ای از بین می رود. سرودهایی که درباره او خوانده می شود. بازگوکننده دورانهای زندگی اوست.
۶. پرومته در زنجیر. نوشته اشیل. ترجمه شاهرخ مسکوب. تهران نشر اندیشه ۱۳۵۵. ۸۰ ریال.
۷. ایرانیان. نوشته اشیل. ترجمه کامیاب خلیلی تهران انتشارات سروش.
۸. نریلوژی. با نمایشنامه سه قسمتی. به سه نمایشنامه تراژدی مربوط و به دنبال هم گفته می شود.

منابع

- ۱ - Adictionary of the Theatre John Russell Taylor Penguin Reference Book
۲. تاریخ ادبیات یونان، ا.ج.جی. رز. ترجمه ابراهیم یونسی. انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۸.
۳. تاریخ تئاتر جهان اثر *Oskar G Brockett*. جزوه دانشگاه اپندیانا. با توضیحات دکتر پرویز محنون. دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران. ۱۳۵۱
۴. فرهنگ اساطیر یونان و رم. جلد ۱ و ۲. پیرگره مال. ترجمه دکتر احمد بهمنش. انتشارات امیرکبیر. تهران.

(سوفکلس Sophocles)**سوفکل ۴۹۵-۴۰۵ ق.م**

در سال ۴۹۵/۶ پیش از میلاد مسیح، یعنی ۳۰ سال پس از تولد اشیل^۱، در دهکده‌ای بنام کولونوس COLONEUS نزدیک آتن، کودکی بدنیا آمد که بعدها یکی از بزرگترین درام‌نویسان جهان گردید.

پدرش تاجری^۲ متمکن بود و خودش از لحاظ زیبایی و سلامت اندام از سرآمدان زمان خود بود. چنین به نظر می‌رسد که سوفکل ظاهراً شوق و رغبتی به بازیگری داشته و برآن بود تا هنرپیشه شود، دویار هم در نمایشنامه‌های خود در نقش‌های مختلف ظاهر شد، اما بعدها توجهش را تمام و کمال مصروف نوشتن کرد. سوفکل شاید در زمره خوشبخت‌ترین درام‌نویسان جهان بشمار آید. چراکه در دوره‌ای زندگی می‌کرد که یونان از لحاظ فرهنگ و تفکر بشری به درجه درخشانی گام نهاده بود. این دوره به عصر پریکلِس^۳ شهرت دارد و سوفکل بسیار مورد عنایت رهبران و بزرگان و مردم بود.

یونانیان در آن زمان هر سال به افتخار پیروزی که در جنگ سالامیس^۴ Salamis نصیبشان شده بود جشنی برپا می‌کردند، یکی از مراسم این جشن این بود که عده‌ای از جوانان ورزیده سرودهایی



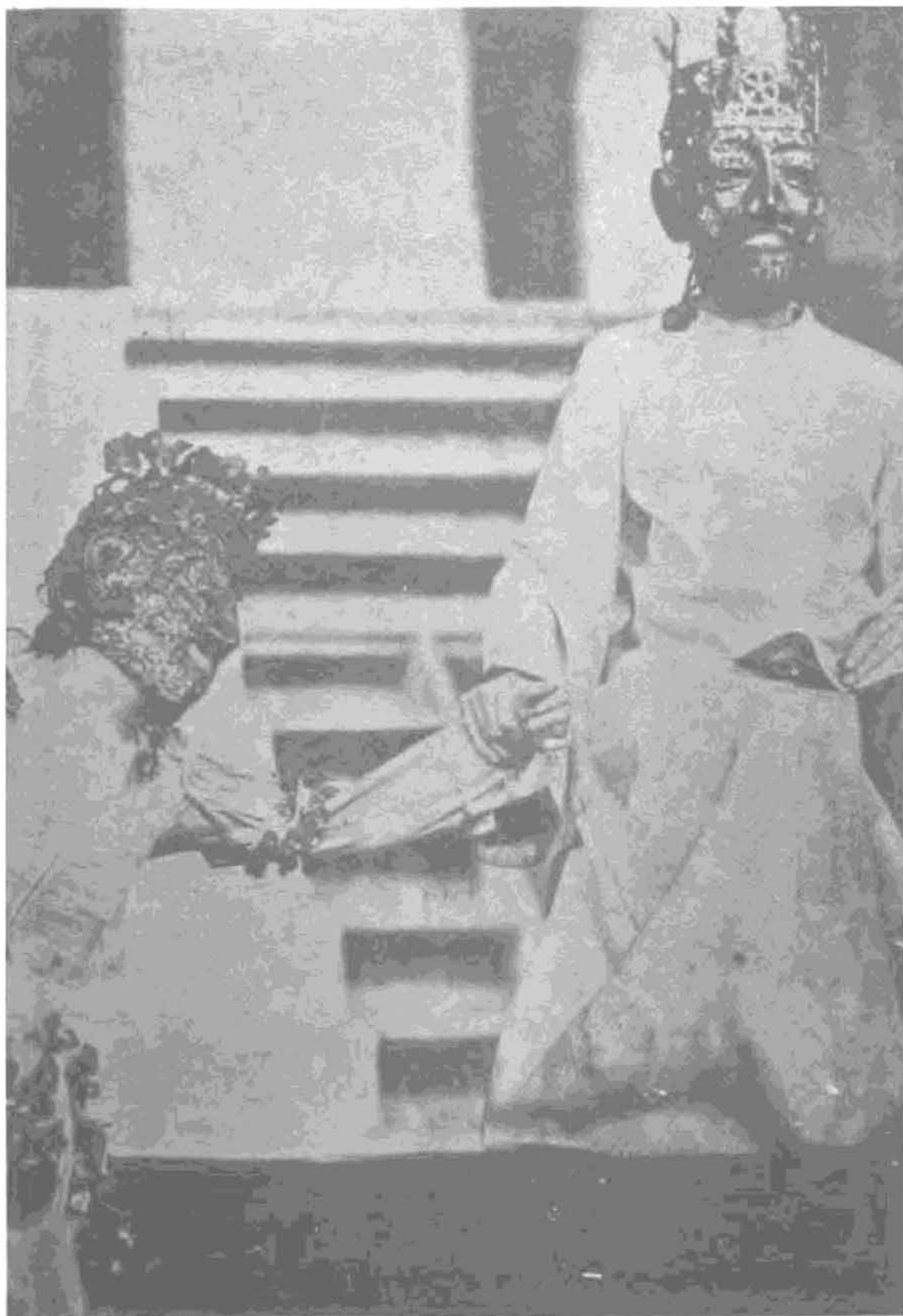
سوفوکل

را بصورت دسته‌جمعی می‌خواندند. سوفکل در شانزده سالگی بعنوان سردسته این گروه سرودخوان انتخاب شد دوازده سال بعد سوفکل خود را آماده دید که در مسابقات و جشن‌هایی که تراژدیها در آن به نمایش درمی‌آمد شرکت نماید. براساس شواهدی که بدست آمده نزدیک به یکصدویست و پنج نمایشنامه به وی منسوب است. از میان آنها تنها هفت نمایشنامه اکنون برجای مانده و در دست است. سوفکل هجده‌بار در مسابقات برنده جایزه نخست بعنوان بهترین تراژدی‌نویس شد، نخستین جایزه را در سن ۲۵ سالگی برنده شد و آخرین جایزه در هشتاد و پنج سالگی، او تراژدی‌نویسی را از اشیل آموخت و برای نمایشنامه‌های خود طرحی معین تنظیم کرد و حادثه‌ای هم در آن بوجود آورد. بعلاوه وی اولین نویسنده‌ایست که اشخاص حقیقی و واقعی از برای نمایشنامه‌های خود خلق کرده است. شخصیهایی که او می‌آفریند، همه مردمانی هستند زنده و جاندار که صاحب تمام خصوصیات بشری می‌باشند و او با استادی و چیره‌دستی تمام به تشریح حالات درونی و کیفیات روحی قهرمانان نمایشنامه‌های خود می‌پردازد. بهمین جهت می‌توان گفت که وی اولین نویسنده‌ای است که اصول روانشناسی را در نوشته‌های خود بکار برده است.

یکی از بهترین آثاری که سوفکل خالق آن است، نمایشنامه «ادیپ‌شهریار» است. شاید از میان شخصیهایی تراژدی و اساطیری کمتر کسی سرنوشتی به پیچیدگی و دردناکی ادیپ (بمعنی پا پینه‌بسته) که فرمانروای شهر تب است داشته باشد. او و خاندانش ناخواسته مورد نفرین خدایان واقع شده‌اند و تقدیری شوم برای آنها مقدر گردیده است. ادیپ از این پیش‌بینی و بازی تقدیر آگاهی یافته و درصدد فرار از آن برمی‌آید و معصومانه برای خنثی نمودن نقشه‌های خدایان به تلاش می‌پردازد بدیختانه هر قدمی که ادیپ برمی‌دارد او را به ورطه نابودی نزدیکتر می‌کند، جستجوی بی‌امان ادیپ برای یافتن حقیقت، تلاشی در جهت تباهی و سقوط بیش نیست.

سوفکل عقیده‌راسخی به تقدیر داشت و آدمی را بازیچه دست آن می‌دانست. ادیپ نمونه‌ای است. برای این نظر سوفکل که، دانش بشر در برابر آگاهی خدایان هیچ است. این طرز تفکر در سراسر نمایشنامه‌های او به روشنی مشهود است. در نمایشنامه ادیپ می‌گوید.

«ای پسران و دختران ولایت تبس، بنگرید، این است ادیبوس که روزگاری از همه مردم بزرگتر بود و مفتاح معما و اسرار نهانی را در دست داشت. شوکت و جلال او به پایه‌ای رسیده بود که همه‌کس در این عصر و زمان به او رشک می‌برد. اما حال بنگرید دست تقدیر چگونه بوغ حادثات را بر سر او گذارده است. پس از کار او عبرت بگیرید و بدانید که فرزند آدمی باید و پیوسته به عاقبت کار خود بنگرد از این رو



یک صحنه از اودیپ شهریار، تئاتر آلمان، برلن، ۱۹۱۹



پیکره سوفوکل

پیکره سوفوکل، موزه متروپولیتان، نیویورک

تا آدمی به آسودگی در گور خود نخسبد، نمی تواند خود را نیکبخت پندارد^۵.

آنتیگونه^۶ Antigone، اثر دیگر سوفکل نیز یکی از زیباترین آثار نمایشی جهان است داستان این اثر ادامه نمایشنامه ادیپ است. نمایش از زمانی شروع می شود که دو پسر ادیپ در نتیجه جنگ و ستیز بین خود، هردو از بین می روند و کرونون بر تخت شاهی می نشیند. کرونون دستور می دهد که جسد اته ارکلس Eteocles بعنوان يك قهرمان با رعایت تشریفات خاص دفن شود. ولی جسد برادرش پولینی-س Polinices بجرم خیانت به کشور در عرضه پیکار باقی بماند، سلب حقوق تدفین بنا بر سنت و آئین یونان قدیم عملی خلاف دین محسوب می شد، بین کرونون و آنتیگونه خواهر این دو برادر و دختر شجاع و رنج کشیده ادیپ، در نتیجه این اختلاف، کشمکش آغاز می شود، جسد برادرش را بخلاف فرمان حکومت با مراسمی بخاک می سپارد و بخاطر این سرپیچی او به مجازاتی سخت محکوم می شود.

سوفکل با ارائه يك مسئله اخلاقی جاودانه یعنی برخورد بین وظیفه خصوصی و وظیفه عمومی بعدی بسیار غنی به اثر می بخشد. در پایان، تراژدی با مرگ آنتیگونه، همون Haimon نامزدش و ملکه همسر کرونون و مادر همون به پایان می رسد و کرونون با قامتی شکسته از صحنه خارج می شود.

آخرین نمایشنامه ای که از سوفکل بجای مانده و یحتمل آخرین نمایشنامه ای است که او نگاشته است اودیپوس در کلنوس (Oedipus at Colonus) نام دارد. در این اثر که بدنبال نمایشنامه ادیپ شهریار می آید. ادیپ نابینا و دردمند درحالی که آنتیگونه به همراه اوست، در طی سرگردانیها و آوارگی های خویش به کولونوس جایی که زادگاه سوفکل در حاشیه آتن است می رسد، اینجا مکانی است که آپولون به او وعده داده بود که در آن خواهد مرد. در این اثر سوفکل با تخیلی غنی و زیبا سرگذشت ادیپ را به پایان می رساند.

الکترا^۷ Electra، آژاکس^۸ Ajax، زنان تراخیس^۹ (تراخینی ها) Trackiniae، فیلوکتت^{۱۰} Philactetes نمایشنامه های دیگر سوفکل هستند که به فارسی برگردانده شده اند.

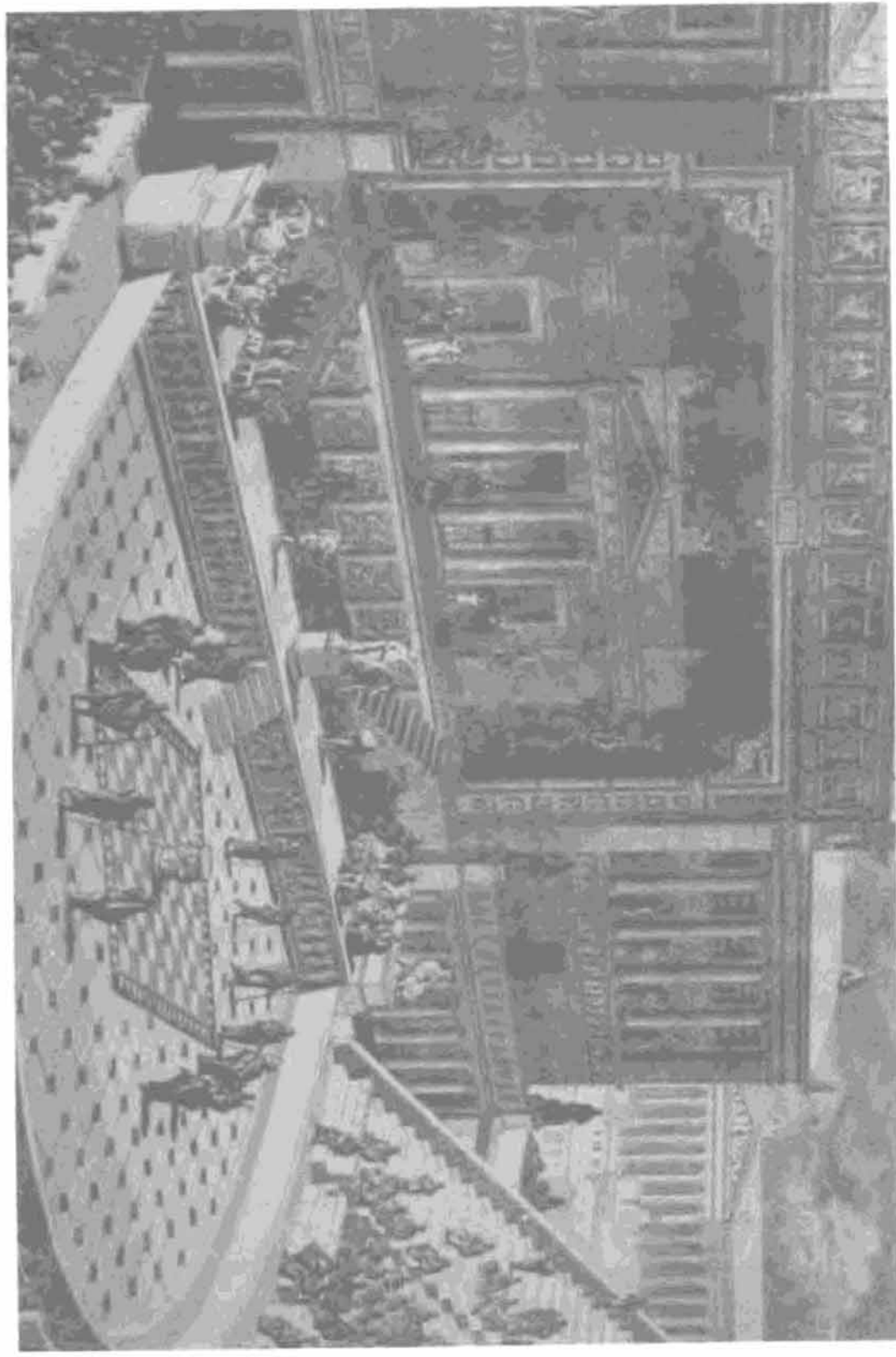
در سالهای اخیر قطعه بلندی از یکی از نمایشنامه های ساتیری^{۱۱} این نویسنده به نام تعقیب کنندگان بدست آمده است که از نمونه های نادر اینگونه آثار است که بدست ما رسیده است. این نمایشنامه ظاهراً نمایشنامه ساده و کوتاهی بوده و موافق با جوهر روح و آمیخته با سبک روحی و خوش دلی چنین نویسنده ای است. موضوع آن تولد هرمس^{۱۲} Hermes و نخستین ماجراهای مربوط به وی است. چنانکه در سرودهای هومر^{۱۳} روایت شده است.

از نمایشنامه های دیگر سوفکل نیز اطلاعاتی بدست آمده است از میان آنها می توان از

نمایشنامه‌های زنان اسیر Captive Women، حبشی‌ها Ethiopians، آئیگنوس Aigeus، آموکوس Amykos، ازدواج هلن Marriay of Helen اریس Eris، تجاوز به هلن The Rape of Helen، آپیگونوی Epigonoi، هیپونوس Hipponus، غیبگویان Diviners، لاکانیای Lakainai، زنان لموسی Lemniai، موزها Muses، پاندورا Pandora و شبانان Shepherds نام برد.

سنگه نوشته‌پاروس Paros می‌گوید سوفکل در هنگام مرگ ۹۲ سال عمر داشت و مرگش بسال ۴۰۵/۴۰۶ پیش از میلاد بوده است.

سجده پرست در مسجد نبویه کرمان



۱۶۱۰ سالگرد میلاد حضرت علی (ع) در مسجد جامع اصفهان



۱. اشیل یا اسخیلوس Aeschylus ۴۹۶-۵۲۵ ق.م.
۲. براساس نوشته‌ها پدر سوفکل کارگاه شمشیرسازی یا فلزکاری داشته که در آن عصر که تاریخش بطور عمده مشتمل بر جنگها است صنعت پرداختی بوده است.
۳. در این دوره پریکلز Pericles سیاستمدار و خطیب و جنگاور آتنی در یونان حکومت می‌کرد، او مردی خردمند بود و با فلاسفه و هنرمندان در امور حکومت مشورت می‌کرد و از ذوق و قریحه آنان بهره می‌گرفت.
۴. خشایارشا (۴۸۵-۴۶۵ ق.م) مصمم به تلافی شکست پدرش داریوش اول از یونانیان شد. یونانیان که خیر عزیمت سپاه ایران را شنیدند به دفاع از سرزمینشان پرداختند و جنگ‌های متعددی از جمله در تنگه سالامیس Salamis رخ داد، این جنگ دریایی در سال ۴۸۰ ق.م رخ داد.
- ۵ و ۶. Oedipus، ادیپ شهریار، برای اطلاع بیشتر رجوع شود به افسانه‌های تبای، اثر سوفکلز، ترجمه شاهرخ مسکوب و مقاله «دربارۀ دانانی گنجهکار و تقدیر او» در همین کتاب، تهران ۱۳۵۲ شرکت سهامی انتشارات خوارزمی.
۷. الکترا Electra ترجمه محمدسعیدی، تهران ۱۳۳۵ بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۸. آژاکس Ajax اثر سوفکل ترجمه محمدسعیدی بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- ۹ و ۱۰. زنان تراخیس و فیلوکت اثر سوفکل، ترجمه محمدسعیدی ۱۳۳۵ تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. ساتیرها Satyr خدایان طبیعت، جنگل یا روستا را می‌گفتند که همراهان یا ملتزمین دیونیزوس بوده و بصورت‌های مختلفی از جمله قسمت بالای بدن آنها شبیه انسان و نیمه پائین بدن آنها را بصورت بدن اسب نمایش می‌دادند. ساتیریک Satiric که بمعنی هجوآمیز و طعنه زننده است ظاهراً از همین کلمه گرفته شده.
۱۲. هرمس Hermes پسر زنوس و مایا Maia.
۱۳. هومر Homer، شاعر و حماسه‌سرای یونان قدیم تولد و مرگ بین قرن دهم تا هشتم قبل از میلاد.

منابع

۱. تاریخ ادبیات یونان، اچ.جی.رز، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۸.
۲. افسانه‌های تبای، اثر سوفکل ترجمه شاهرخ مسکوب، تهران انتشارات خوارزمی.
۳. فرهنگ اساطیر یونان و روم جلد ۱ و ۲، پی‌گریمال، ترجمه دکتر احمدبهمنش، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۴. تاریخ تئاتر جهان، اثر Oskar G. Brockett، جزوه دانشگاه ایندیانا، با توضیحات دکتر پرویزمنون، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۵۱.

5- A Dictionary of The Theatre, John Russell Taylor Penguin References Book.

6- Encyclopedia of World Drama Mc Graw - Hill Volum 4.

Euripides

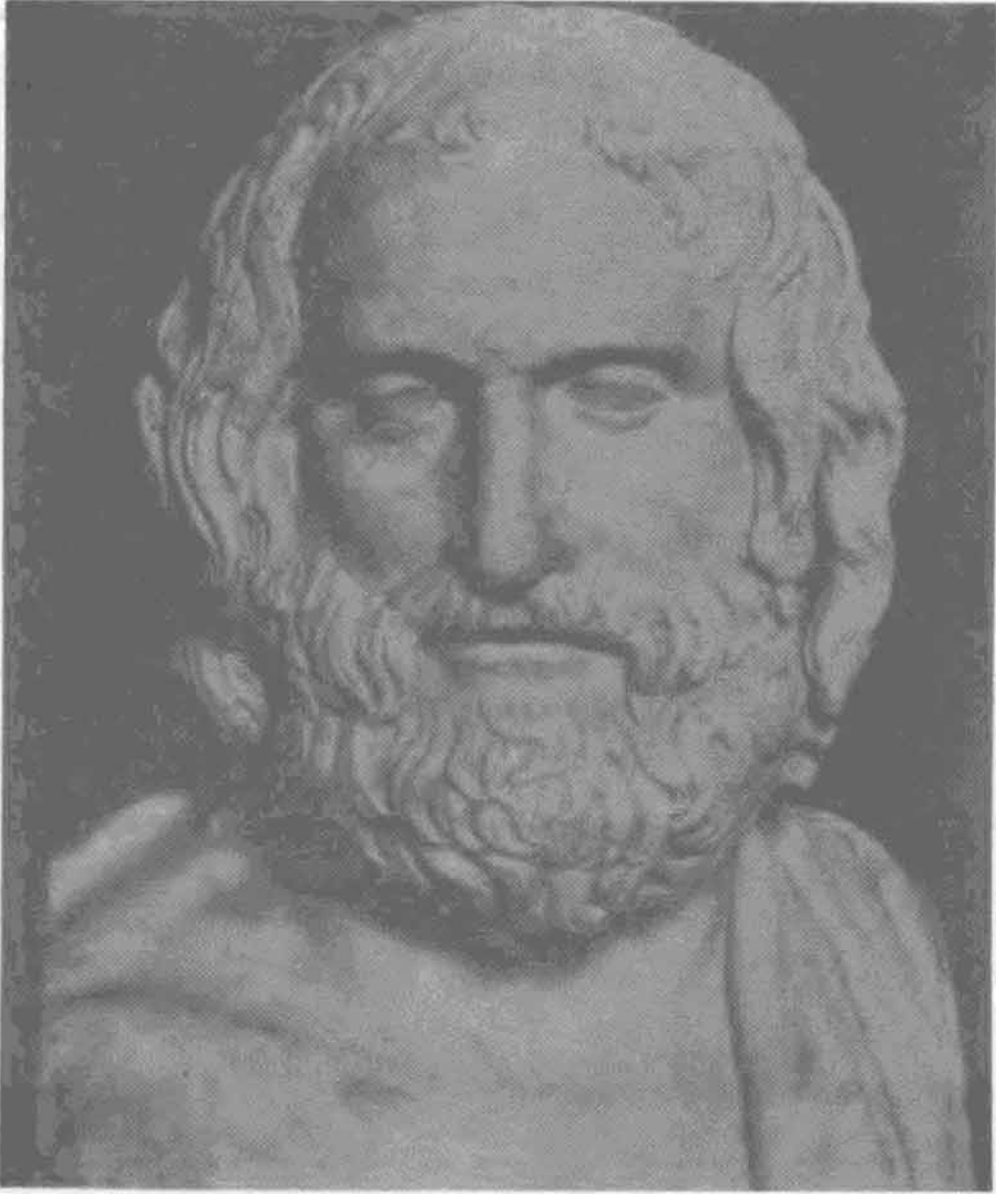
اورپید (۴۸۴ - ۴۰۷ پیش از میلاد)

اورپید در مثلث بزرگ تراژدی‌نویسان یونان، (اشیل، سوفکل، اورپید) شاید از جنجال برانگیزترین نویسندگان عصرش بود، تولد این درام‌نویس بزرگ دقیقاً روشن نیست. احتمال می‌رود در سال ۴۸۴ پیش از میلاد مسیح متولد شده باشد.

او فرزند تاجری از اهالی سالامین^۱ بود. مردی روشن‌بین و واقع‌گرا. اورپید نخستین موفقیتش را مرهون پدرش است، چه او بود که فرزندش را واداشت تا ورزشکار توانائی گردد، نقاشی بیاموزد، موسیقی یاد بگیرد و زیرنظر استادان عصرش به فراگیری فلسفه بپردازد و بعدها درام‌نویسی بزرگ شود.

در بیست‌وپنج سالگی به نوشتن پرداخت و در طول پنجاه سال نویسندگی، نود و دو نمایشنامه به او منسوب است. بیست و دو بار در مسابقات و جشن‌های دیونی‌زوس شرکت کرد، ولی تنها پنج بار جایزه نخست را نصیب خود ساخت.

از این نویسنده نوزده نمایشنامه اکنون بطور کامل در دست است. از این نوزده نمایشنامه هفده‌تای آنها تراژدیست، یکی از آنها نمایشنامه «آلسست»^۲ است که درامی تخیلی است که با خوشی و شادمانی غیرمنتظره‌ای پایان می‌گیرد و یکی دیگر نمایشنامه‌ی «سیکلوپها»^۳ است که



اور یید

درامی هجوآمیز است و موضوع آن از افسانه‌های ایلید اقتباس گردیده.

نقطه‌نظرها درباره‌ی اورپید متفاوت است. طرفداران سوفکل و اشیل، مقام اورپید را پائین‌تر از این دو دانسته‌اند و بطور کلی اورپید را موافق سنت تاتر کلاسیک نمی‌دانند، گروه دیگری نیز بر این نظرند که اورپید افراد جامعه را بهتر از سوفکل و اشیل تشریح می‌کند و برای غایش امکان و وسعت عمل بیشتری به هنرپیشگان داده و از لحاظ احساسات شاعرانه برتر می‌باشد.

این نویسنده نسبت به اشیل و سوفکل خود را مقید به حفظ سنت کلاسیک نموده و بیشتر همچون یک نویسنده جوینده‌ی روش‌های نو، در پی تجربیات تازه بود.

مضمون اصلی و عمده‌ی نمایشنامه‌های قدیم‌تر و ماقبل اورپید، رابطه‌ی بین انسان و قدرت دنیای لایتناهی خدایان و اساطیر می‌باشد. این مضامین در نمایشنامه‌های اورپید جای خود را به رابطه‌ی فردی با فرد دیگر داده است و مانند آنچه که در «درام‌نو» با آن آشنائی داریم، اساس و نکته مهم آن اینست که شخصیت (کاراکتر) یک فرد سازنده‌ی سرنوشت اوست.

شیوه‌نگارش اورپید در تاریخ ادبیات کلاسیک یونان، واقع‌گرایانه و حقیقت‌جو است، شاید او نخستین درام‌نویسی باشد که افراد معمولی را به روی صحنه آورد و اشراف و طبقات بالا را نیز بهمان گونه که زندگی مرسوم خودشان است معرفی و ترسیم نمود و بهمین دلیل جنبه‌های خارق‌العاده در نمایشنامه‌های او چندان چشمگیر نیست. اورپید در آثارش با قدرت خدایان اساطیری به ستیزه می‌پردازد و با خرافات رایج درباره‌ی آنان به مخالفت برمی‌خیزد، وی عقایدی را که پیرامون آنها ابراز می‌شده است کهنه و اغراق‌آمیز می‌شمارد. اورپید حقیقت وجود انسان را با تمام زشتی‌ها و زیباییهایش توصیف می‌کند و برخلاف سنت‌ها و قراردادهای رایج زمانش آنها را تشریح می‌کند. او همچنین کشمکشهای روانی و ناراحتی‌های روحی انسان‌ها را در آثار خود بازگو می‌کند. احساس عمیق روحیه‌ی بشری و تحلیل سرچشمه‌های عادات از خصوصیات کار هنری اورپید است. در آثار او از «کر» کمتر استفاده می‌شود، در عوض از تعداد بیشتری از هنرپیشه و بازیگر استفاده می‌نماید.

وارد نمودن افکار فلسفی در تاتر، کوششی در جهت نوکردن افسانه‌های کهن و ابداع موضوعهای نو برای نوشتن نمایشنامه از ابداعاتی است که اورپید در انجام آنها بسیار موفق است. ابن شاعر و درام‌نویس نوآور علیرغم دیگر نویسندگان هم‌عصرش که آثارشان سرشار از جمله‌پردازی باشکوه و عبارات مطمئن است قهرمانان نمایشنامه‌های خود را واداشت تا با لهجه‌های عامیانه و ساده با یکدیگر سخن بگویند و حتی برای اشعار هنری «همسرایان» آهنگ‌های تازه‌ای

نقش از سقف عرش داخلی پارتون آن گروه می تواند احتمالاً در دوران باستان وجود داشته باشد





یک صحنه از نمایشنامه هیپولیت اثر اورپیید. تئاتر ملی فنلاند ۱۹۷۴

ابداع نمود. هرچند شناخت شخصیت اورپید و بدعت‌های تازه‌اش در کارهای هنری موجب گردید که دیرتر از معمول قبول عامه یابد و شاید بهمین جهت آن چنان که شایسته‌ی او بود در زمان حیاتش از محبوبیت کافی برخوردار نگردید لیکن پس از مرگش روزبروز بر شهرت او افزوده گشت.

در بیشتر نمایشنامه‌های اورپید شخصیت زن به نحو چشمگیری مطرح است و بینش و بصیرت زن بطرز قابل ملاحظه نشان داده می‌شود. در نمایشنامه آلمست اورپید با ظرافت تمام فداکاری و از خود گذشتگی همسری را که از خودپرستی و بی‌مهری شوهر نسبت به خویش آگاه است بازگو می‌شود. در این اثر اورپید نشان می‌دهد که این زن چگونه آماده جانبازی و فداکاری در راه شوهر است.

در نمایشنامه آندروماک^۹، که از ایلباد اثر حماسی هومر الهام گرفته شده است، آندروماک دختر پادشاه تب را می‌بینیم که همسر هکتور یکی از قهرمانان تروا است. او نیز شوهرش را عاشقانه و بقرار دوست دارد. جنگ تروا در می‌گیرد و هکتور برای نبرد تن‌به‌تن با آشیل عازم میدان نبرد می‌شود.

میدان نبرد پرخطر است و امکان بازگشت از آن نیز بسیار محتمل است و داع آندروماک با هکتور قهرمان صحنه‌ای زیباست که بسیاری از نویسندگان پس از وی را تحت تأثیر قرار داده است.

در نمایشنامه مده‌آ^{۱۰}، که در سال ۴۳۱ نوشته شده است اورپید زنی را ارائه می‌کند که ستمی تحمل‌ناپذیر وی را بصورت انسانی کینه‌جو درآورده است. مده‌آ شخصیت اصلی نمایشنامه زنی است که می‌تواند با منتهای اخلاص دوست‌بدارد و فداکاری کند، او بخاطر شوهرش از پدرش دست کشیده و برادرش را گشته و گنجینه‌خانوادگی را که «پشم زرین» است به یغما برده و نقشه خیانت‌آمیز قتل پلیاس را ترتیب داده است. اما نسبت به همسرش زنی وفادار بوده و دو پسر برای او بدنیا آورده است. اما اینکه همسرش را می‌بیند که از وی می‌خواهد که او را ترک کند تا بتواند با دختر کرنون ازدواج کند. این امر بر مده‌آ چنان گران می‌آید که نقشه قتل یاسون و تمام کسان او را می‌کشد و در پایان نیز در صحنه‌ای دلخراش کودکان خود را بدست خود می‌کشد.

عشق و حسد احساساتی تند و آتشین‌اند که با مهر مادری بهم می‌آمیزد و تراژدی مده‌آ را بگونه تأثرانگیز به انتها می‌برند.

در نمایشنامه زنان تروا^{۱۱} که نبوه‌کار اورپید را به بهترین وجهی نمایان می‌سازد با ظرافتی خاص بگامی ملاحظه و لطف طبیعی کودکان و بی‌پاهی آنان را در گرودار ستیزه‌ها و جنگ و جدال بزرگسالان مشاهده می‌کنیم.

نمایشگاه اجرا، جعبه‌ها را کنار میز و تخته‌ها را کنار یکدیگر می‌نشانند



ایون^۶ Ion، ایفی ژنی در تورید^۴، ایفی ژنی در اولیس^۵، زنان فنیقی^۱، الکترا^۲، هکاب^۳، باکانه^۲، اورست^۴، هراکلس^۵، فرزند هراکلس^۶، هلن^۷، ملتسمان^۸، از دیگر آثار اورپید هستند که در آنها شخصیت زن حضوری چشمگیر دارد.

شاید بتوان گفت که اورپید مسائل مربوط به زن را بهتر از هر نویسنده‌ی عصر خود درک و تحلیل کرده است. و همین امر سبب گردید تا دشمنانش اتهاماتی بر وی وارد نمودند و محاکمه‌اش کردند. اورپید در سالهای پایانی عمر به مقدونیه مهاجرت کرد. مردم مقدونیه مقدم او را گرامی داشته و در مدت هجده ماهی که اورپید در آن سرزمین سپری کرد مورد احترام مردم بود و سرانجام در زمستان سال ۴۰۷ ق.م در سن ۷۷ سالگی زندگی را بدرود گفت. مردم مقدونیه جنازه‌اش را با شکوه تمام تشیع نمودند و آرامگاهی مجلل در «پِیلا» برایش برپا داشتند.

اورپید در زمان حیاتش کم حرف و کناره گیر بود و اوقاتش را بیشتر صرف مطالعه و لذت بردن از طبیعت می کرد تمایل و رغبتی به معاشرت با مردم از خود نشان نمی داد. امروزه همه صاحب نظران در این عقیده متفق القولند که او یکی از غایب‌نامه نویسان بزرگ همه اعصار محسوب می شود.

پانویس

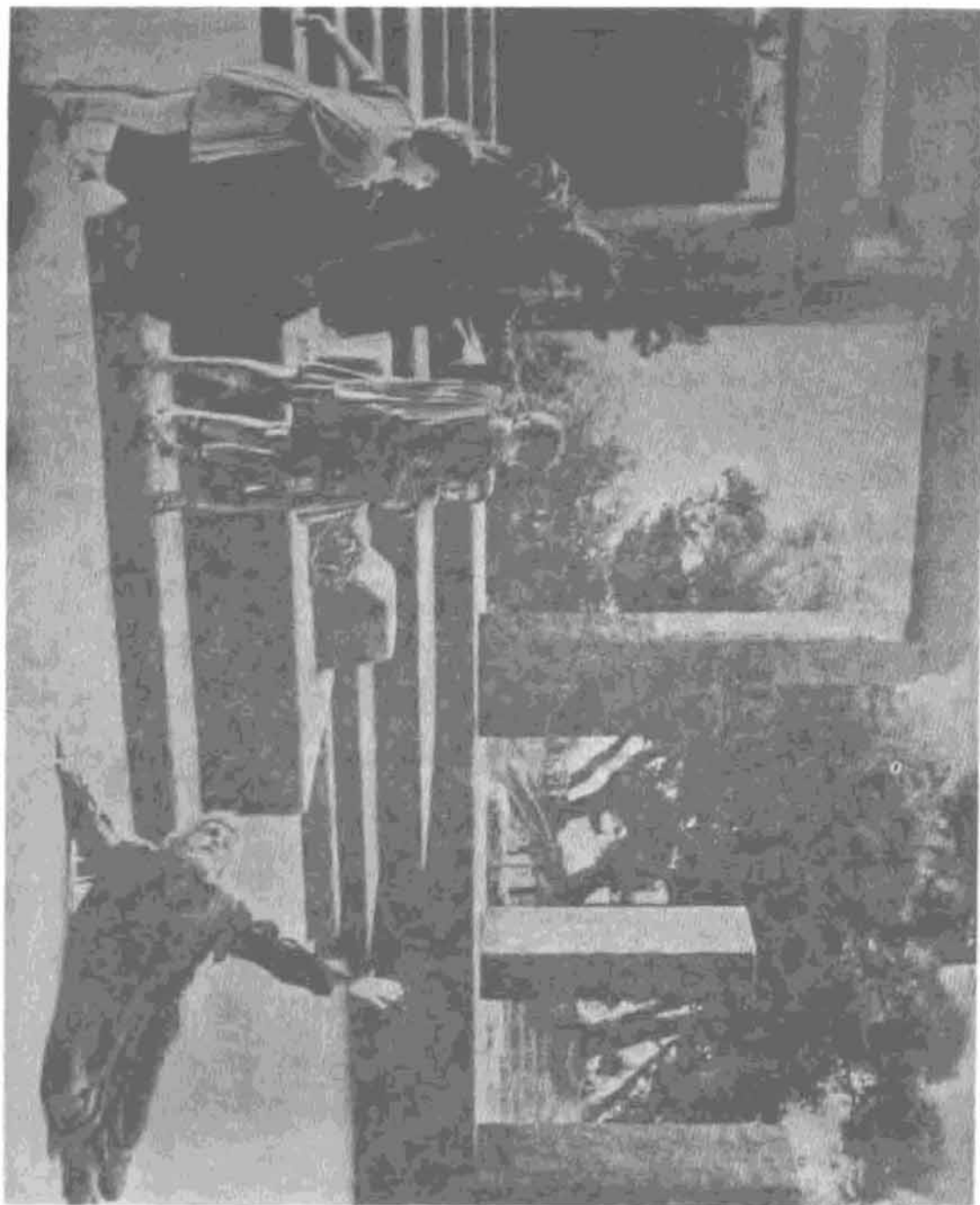
۱. سالامین Salamin جزیره ای در یونان، در ساحل غربی شبه جزیره آتیک.
۲. آلست Alceste (هلن و سه نمایشنامه از اورپید. ترجمه محمدسعیدی بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۳. Sirotop.
۴. آندروماک Andromache.
۵. مدآ Modae، اثر اورپید ترجمه ابوالحسن وندهور، انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۹.
۶. زنان تروا Trojan Women.
۷. ایون Ion (هلن و سه نمایشنامه از اوری پید ترجمه محمدسعیدی بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸. ابفی زنی در توریذ Iphigenia in Tauris.
۹. ابفی زنی در اولیس Iphigenia in Aulis.
۱۰. زنان فینقی Phoenician Women.
۱۱. الکترا Electra.
۱۲. هکاب Hecuba همراه مدبا ترجمه ابوالحسن وندهور انتشارات امیرکبیر.
۱۳. باکانه The Bacchae.
۱۴. اورست Orest.
۱۵. هراکلس Heracles.
۱۶. فرزندان هراکلس The Children of Heracles.
۱۷. هلن Helen (و سه نمایشنامه از اورپید. ترجمه محمدسعیدی. بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۸. متقاضیان (ملتسمان) Suppliants.

منابع

1- Encyclopdia of World Drama Vol 2 Mc Graw Hill

۲. تاریخ تئاتر جهان، اسکار. لکبراکت، جزوه دانشگاه ایندیانا ۱۹۶۴. با توضیحات دکتر پرویز مخون.
۳. مقدمه مدبا و هکاب (دو نمایشنامه از اورپید، ترجمه ابوالحسن وندهور)، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴. هلن و سه نمایشنامه از اورپید، هلن، آلست، هیپولیت، ایون ترجمه محمدسعیدی، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹.
۵. نشریه دو هفته‌گی اداره هنرهای دراماتیک، شماره ۵، ۱۳۳۷.
۶. مجله تماشا، ۱۳۵۴ مقاله تئاتر در یونان، ابرج زهری.

یک نمونه از نمایشنامه فرزانگان، اجرا، تئاتر ملی یونان



Aristophane**آریستوفان «۳۸۰-۴۴۸ ق م»**

آریستوفان در سال ۴۴۸ قبل از میلاد بدنیا آمد. از زندگی و احوال وی اطلاع زیادی در دست نیست تنها می دانیم که او پسر شخصی بنام فیلیپوس^۱ بوده و چون خود وی اشاره می کند به اینکه در آنیگنا^۲ می زیسته. بعد نیست که خانواده اش در آنجا ملک و مالی داشته و کودکی آریستوفان نیز در همان ناحیه سپری گردیده. اما ظاهراً در این باره که آتنی تمام عیاری بوده است تردید وجود دارد و شاید همین امر سبب گردید همچنان که خودش می گوید تا مدتی نتواند نمایشنامه هایش را با نام حقیقی خود به نمایش بگذارد و در اوقات مختلف کمدیهایش را تحت نام دیگری به اجرا می گذاشت.

از مجموع آثارش جز دوازده کمدی کامل و قطعات پراکنده بدست نیامده است. این آثار عبارتند

از:

سال ۴۲۵ ق م

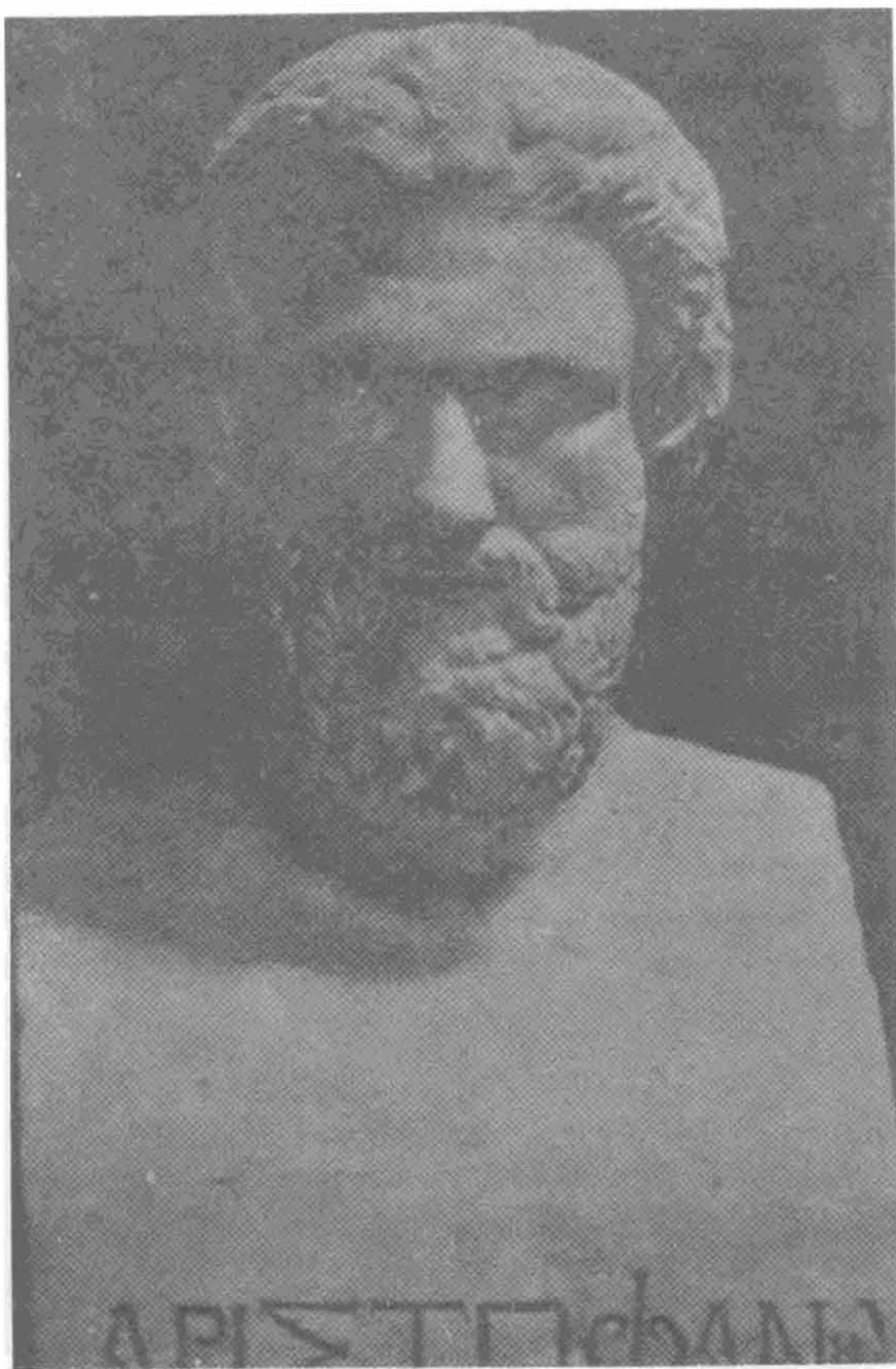
The Acharnians

آشارینها

» ۴۲۴ «

The Knights

قهرمانان (نحیب زاده ها)



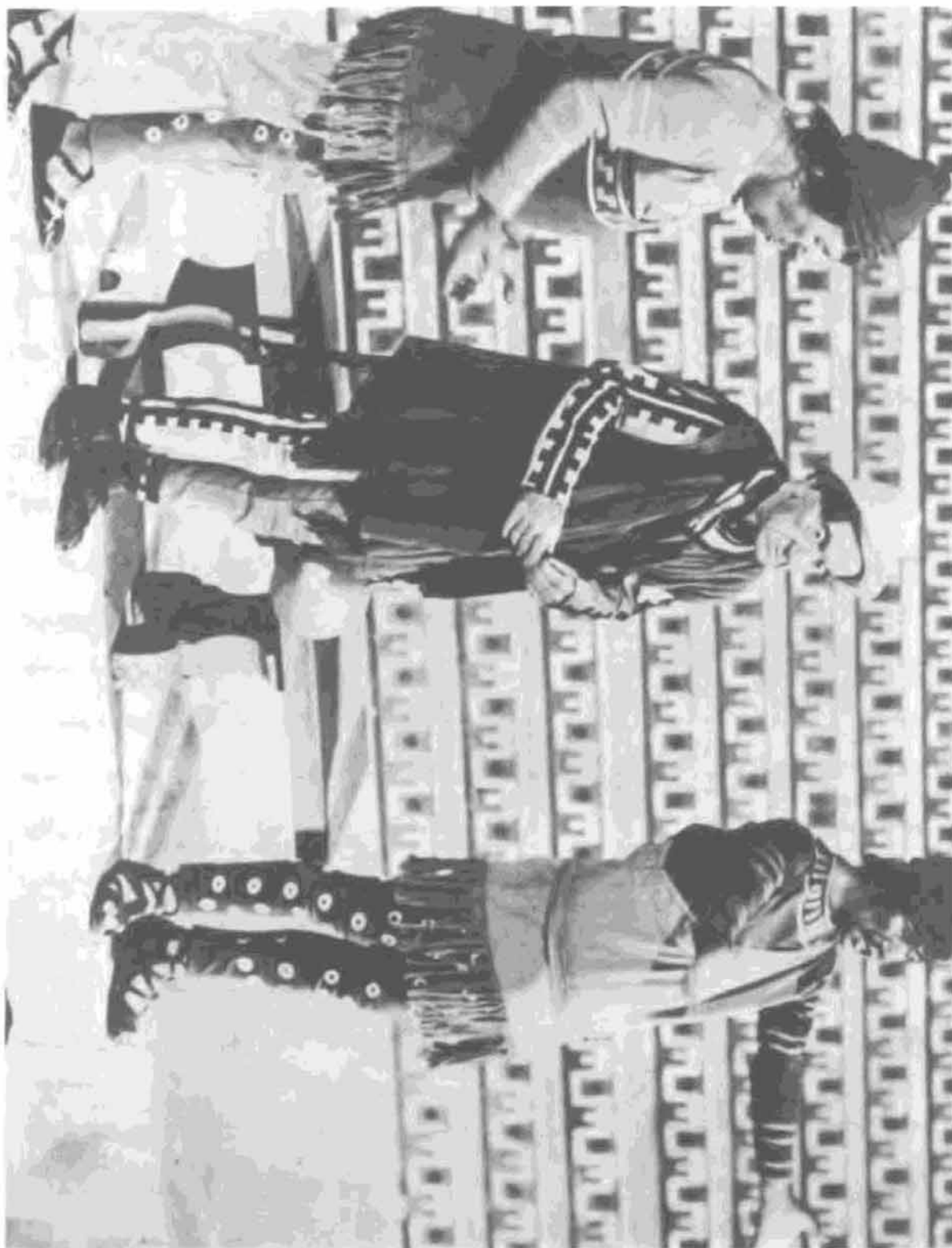
آریستوفان

۴۲۱	»	The Peace	صلح
۴۲۳	»	The Clouds	ابرها
۴۱۴	»	The Birds	پرندگان
۴۱۱	»	Lysistrata	لیستراتا
۴۰۵	»	The Frogs	قورباغه‌ها
۴۲۲	»	The Wasps	زنبورها
۳۹۲	»	Women in Parliament	مجمع زنان
۴۱۰	»	Thesmophoriazusae	تسموفوریا زوس
۳۹۱	»	Ecclesiazusae	آکلزوسبازس
۳۸۸	»	Plutus	پلوتوس

نخستین نمایشنامه آریستوفان با نام آرشانیا^۲ یا مردم آشارن در سال ۴۲۵ ق.م در یکی از جشن های یونانی به نمایش گذاشته شد. اما آریستوفان پیش از آن با ارائه دو نمایشنامه سورخواران^۳ و بابلیها^۴ که هر دو اثر مفقود شده‌اند و از محتوای آنها اطلاع درستی نداریم شهرتی کسب کرده بود. محققین ذکر کرده‌اند که آریستوفان در زمان حیات هنری خود چهل و چهار نمایشنامه نوشته است.

با نبودن مدارک کافی مشکل بتوان بدرستی معلوم کرد که چگونه کمدی شکل و قالبی را یافت که در آثار آریستوفان می‌بینیم. تنها شواهدی نشان می‌دهند که در زمانهای قدیم در آتن و شهرهای اطراف آن اجراهایی نمایشی بنام کوموس Komos و یا رقص‌ها و آوازهای دستجمعی که اجراکنندگانشان اغلب لباس‌های مضحک بتن می‌کردند و صورتک بر چهره می‌زدند و بیاری پاره‌ای تدابیر خود را به هیأت جانوران ارائه می‌کردند مرسوم بوده است. این نمایش‌ها صرفاً برای وقت‌گذرانی نبوده و اغلب غایتی دیگر نیز داشته است و بسا اوقات جزو نوعی مراسم اعیاد مذهبی بودند. ارسطو معتقد بود که کمدی از رهبران این گروه‌ها که وی ایشان را به لفظ فالیکا Phallika می‌خواند نشأت گرفته است.

هم‌چنین می‌دانیم که کمدی در یونان مدتها پس از آنکه تراژدی به اوج خود نزدیک می‌شد، رشد کرد. در آغاز کمدی جای خاصی در جشن‌های یونان باستان اشغال نمی‌کرد تا اینکه در حدود سالهای ۴۸۷ ق.م بعنوان بخشی جدید در جشن «دیونیزوس بزرگ»^۵ راه یافت، از آن پس یکروز از جشن فوق‌الذکر اختصاص به اجرای پنج کمدی داشت. اما پیش از هر چیز باید واقعیتی قابل تأمل را یادآور شویم و آن اینکه بزرگترین کمدی‌نویسان تاریخ تناتر همچون آریستوفان و مولیر^۶ هر دو به



خلق آثاری پرداخته‌اند که رسالت آنها برملا کردن نابسامانیهای اجتماعی و مبارزه با آن بوده است. اچ. جی. رز در تاریخ ادبیات یونان، آریستوفان را چنین توصیف می‌کند، «اما عظمت آریستوفان به سنت‌های بنیادینی و مسائلی که وی در آن کار می‌کرد استوار نیست. وی علاوه بر اینکه شاعری بزرگ و مردی بسیار ظریف و نکته‌بین بود به معنای وسیع کلمه نوع پرست و نودوست هم بود. شخصیت اصلی نمایشنامه‌هایش همیشه آدمی است عادی بصورتی که خود می‌دید و پیامش اگر بتوان در جمله‌ای خلاصه‌اش کرد سودمندی و نقش ذوق و عقل سلیم در چنین شخصی است. و اگر بین کیفیت را از خلال تمایز بقاعدگی‌های ناشی از جنل و تعصب و بی‌منطقی ارائه می‌کند از بین نویسندگان و مصنفان یونانی وی از همه به اصول مقیدتر است و از همه‌ایشان نسبت به انبای بشر احساس اشتراک فکر و احساس می‌کند. حال آنکه ظاهر کارش در بسیاری موارد زشت و مستهجن می‌نماید».

اثر دیگر آریستوفان نمایشنامه‌ی کمدی صلح^۴ است که در سال ۴۲۱ ق م نمایش داده شد. یعنی درست چند روز پیش از آنکه پیمان ترک مخاصمه به جنگ‌های آتن و اسپارت بمدت ۵۰ سال خاتمه دهد. موضوع این نمایشنامه تبلیغ بسود صلح و آشتی مردم به اتحاد و وحدت یونان است.

می‌دانیم که آریستوفان در زمان جنگهای پلوپونز^۵ که بین آتن و اسپارت جریان داشت می‌زیست. این جنگ که ۲۰ سال پس از جنگهای ایران و یونان روی داد یونان را تضعیف کرد و عاقبت به زوال آتن انجامید.

سقوط آتن لطمه زیادی به فرهنگ، تمدن و هنر آن عصر وارد کرد. آریستوفان که در واقع آخرین نویسنده بزرگ یونان باستان بشمار می‌رود هنرمندی صلح‌دوست بود و بیش از همه نویسندگان یونان باستان آثار خود را وقف پرداختن به این جنگ‌ها و خطرات آن برای مردمان عصرش نمود. حتی در شرایطی که ابراز چنین نظریاتی برای او خطرناک می‌نمود.

قابل توجه‌ترین مشخصه کمدیهای آریستوفان که به «کمدی کهنه» (نامی که به کمدیهای این دوره می‌دهند) شهرت دارند عبارتست از تفسیرها و گزارش‌هایی که وی در نمایشنامه‌هایش درباره جنگ‌های پلوپونز می‌دهد. این کمدیها غالباً برگرد یک محور اصلی دور می‌زنند و آن پایان خوش آنهاست.

آریستوفان در سال ۳۹۲ یا ۳۸۹، نمایشنامه مجمع‌زنان را به نمایش گذاشت. این اثر در قیاس با دیگر آثار وی نمایشنامه‌ایست خالی از طعن و طنز شخصی. در آن نقش گروه همسرایان بمیزان بسیار زیاد گاهش یافته و طرح آن بسیار جالب است. زنان آتنی نقشه می‌کشند که کار حکومت را بدست خویش گیرند. صبح یک روز که از خواب برمی‌خیزند، لباس شوهرانشان را بتن می‌کنند و در

نقش پرستار در امور درمانی و بهداشتی



مجلس ملی احصاء می نمایند. آنها قانونی وضع می کنند که بموجب آن کلیه اختیارات حکومت را به استاد اسکه اشان یعنی زنان تنها عناصر محافظه کار و پابرجا و استوار کشورند بخود منتقل می کنند. سپس حکومتی شکل می دهند. بقیه نمایش صحنه های جالب و خنده دار است که زندگی را در تحت این نظام ارائه و تصویر می کنند و نمایش با دعوت به تاسی جمعی که نام خوراک اصلی آن از هفت سطر متجاوز است پایان می پذیرد.

آخرین نمایشنامه ای که از او برجای مانده است پلوتوس^{۱۱} نام دارد که متعلق به ۳۸۸ ق.ه است. آریستوفان پسری داشت که بعدها شغل پدر را دنبال کرد نامش «آرازوس^{۱۲}» بود و در نمایشنامه آخر پدر را او به نمایش گذاشت. سال وفات آریستوفان را ۳۸۰ ق.ه ذکر کرده اند.

پانویس

- 1- *Philippoi*
- 2- *Aegina*
- 3- *The Achamians*
- 4- *Banqueters*
- 5- *Babylonians*
- 6- *Great Dionysos*
- 7- *Jean Baptiste Poquelin Moliere*

۸- تاریخ ادبیات یونان، ایچ.جی.ریز، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، انتشارات امیرکبیر صفحه ۳۳۲.

- 9- *The Peace*

۱۰- پلویونز *Peloponnes*، نام شبه جزیره جنوبی یونان و میدان جنگهای آتن و اسپارت.

- 11- *Plutus*
- 12- *Araros*

منابع

- 1- *Adictionary of The Theatre*, John Russel Taylor
- 2- *Encyclopedia of World Drama* McGraw Hill Vol1

۳- تاریخ ادبیات یونان ایچ.جی.ریز، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران انتشارات امیرکبیر.

۴- تاریخ تئاتر، اثر O.G.Brackett، دانشگاه ایندیانا، ۱۹۶۴، دکتر پرویز مخون

Menander**۲۹۲-۳۴۳ پیش از میلاد****مناندر**

مناندر نماینده نویس یونانی سال ۳۴۲/۳ قبل از میلاد در يك خانواده متمکن در آتن دیده به جهان گشود. از زندگانش اطلاع چندانی در دست نیست. تا چند سال پیش از مناندر جز نامی برجای نبود و تنها آثاری که از او در دست بود مجموعه‌ای از قطعات پراکنده این نویسنده بود که زیاد گویای سبك و سیاق نویسندگی اش نبود. اما کشفیاتی که اخیراً در مصر انجام شده است بیشتر نوشته‌های او را از درون ابهام بیرون آورد. تاریخ تولد و مرگ او را به اختلاف یکسال (تولد ۳۴۲.۳۴۳، وفات ۲۹۲ یا ۲۹۱ پیش از میلاد ذکر کرده‌اند.

سالهای زندگانی مناندر مصادف است با سقوط قدرت آتن بدست فیلیپ^۱ پادشاه مقدونی و سپس فرزندش اسکندر ملقب به کبیر، در اواسط عمر مناندر شاهد بقدرت رسیدن و کشمکش جانشینان اسکندر بود. جانشینان اسکندر نیز پس از چندی جای خود را به رقبائی تازه نفس و جنگاور دادند. ابنان امپراطوری روم بودند که قدرتمند و نوپا وارد میدان شده و داعیه جهانگشائی داشتند.

در این ایام گرچه دوران فتوحات آتن روبه افول نهاده بود، اما آتن همچنان از اعتباری فرهنگی و هنری برخوردار بود. زندگی خصوصی مناندر چنانکه از آثارش پیداست زندگی آرام و توأم با کار



مئندر

ادبی وی بوده است محققین بر این عقیده‌اند که منادر بین سالهای ۳۲۰ تا ۲۹۷ ق.م. ۱۰۵ تا ۱۰۹ غایشنامه نوشته است. نخستین آنها در سالهای ۲۴-۳۲۳ ق.م. بنمایش درآمد. در سال ۳۱۵ ق.م. وی در مسابقات غابشی بدریافت جایزه نخست نائل آمد و بر روپهم ۸ بار در این مسابقات برنده شد.

اینک با گذشت سالیان می‌توان دید که منادر و سیک و سباق او منشأ کمیدی جدیدی شد که بیشتر به اطوار شخصیت‌ها و ارانه حرکات و شکاتشان می‌پردازد. هرچند او هیچگاه سعی نکرد تا نویسنده‌ای شوخ و مسخره باشد و همواره درصدد بود تصاویری از طبیعت آدمیان را تحت سراط اوضاعی تحمل‌ناپذیر ارانه کند و در این کار موفق هم شد.

منادر را بنیانگذار کمیدی جدید می‌دانند. این نوع کمیدی بدوره پادشاهی اسکندر^۲ و جانشینان وی مربوط می‌شود و خصوصیات خاص و اخلاقیات این دوره را با ظرافت و واقع‌بینی بازگو می‌کند.

موضوع و شخصیت‌های این آثار از زندگی مردم یونان و مسائل روزمره آنان همچون کشمکش‌ها و حوادث عشقی، رویدادهای خانوادگی، گرفتاری‌های مالی و نظایر آنها گرفته شده است. این امر همچنان که می‌دانیم برعکس کمیدی‌نویسان قبل، که از افسانه‌ها و اساطیر و افراد سرشناس الهام می‌گرفت شبوه جدیدی در کمیدی بوجود آورد. در آثار منادر هیچ‌گاه از شخصیت‌ها انتظار قهرمانی فردی و حکمت زیاد نمی‌رود و همواره انتقادهایی از حوادث و اوضاع بعمل می‌آید. تیپ‌هایی همچون روستائی ساده‌لوح، زن‌روسی، طفیلی، مرد خسیس و طماع و غیره که برخی تا به امروز در تئاترها شاهد هستیم توسط منادر به تئاتر کشانیده شد. این‌ها طی سالان ریشه بسیاری از شخصیت‌های کمیدی^۳ دلازته و کمیدی‌فرانسوی^۴ محسوب می‌شوند.

آثار منادر نخستین بار توسط پلوتوس^۵ و ترنس^۶ غایشنامه‌نویسان رومی ترجمه و اقتباس کردند و بعدها نیز من غیرمستقیم نفوذ فراوانی بر نویسندگان سلهای بعد از خود اعمال نمود و آثار این نفوذ را هنوز هم بروشنی می‌بینم.

در سال ۱۹۰۵ قسمت اعظم یکی از غایشنامه‌های وی در کتابخانه اسکندریه بدست آمد و کمی بعد غایشنامه دیگری از این نویسنده بنام بدقلق The Grouch بطور کامل کشف شد. این اثر سیک و نگرش این نویسنده را بخوبی بازگو می‌کند. از دیگر آثار منادر می‌توان غایشنامه‌های حکمیت The Arbitration، دختری از ساموس The girl from Samos، دختر گیس‌پریده The Shom girl، سرتراشیده و پشم چیده Shaven and Shorn، و قهرمان Hero را نام برد.

پانویس ها

- ۱- فیلیپ Philippe. پادشاه مقدونیه قدیم و پدر اسکندر.
- ۲- اسکندر Eskandar. پادشاه مقدونیه و پسر فیلیپ. فوت ۳۲۳ پیش از میلاد. مردی باهوش و مطلع از علوم عصر خود و جنگاوری بیباک بود. وی پس از فتح مصر و ایران دختر داریوش سوم را بزنی گرفت. آنگاه عازم هندوستان شد و تا ایالت پنجاب پیش رفت. در ۳۲ سالگی در بابل درگذشت.

3- Com media dell'arte

۴- Comedie Francaise.

۵- پلوتوس Plautus. کمدی نویس رم باستان ۲۴۴-۱۸۴ ق.م.

۶- ترنس Terence. کمدی نویس رم باستان ۱۵۹-۱۹۰ ق.م.

منابع:

1- Adictionary of the Theatre. John Russell Taylor

- ۲- تاریخ تئاتر، اثر Oskar. G. Brockert. جزوه دانشگاه ایندیانا، ۱۹۶۴، با توضیحات دکتر پرویز مکنون.
- ۳- تاریخ ادبیات یونان، اچ.جی. رز. ترجمه ابراهیم یونسی. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۴- مجله قماش، ۱۳۵۴، تئاتر یونان، ایرج زهری.
- ۵- تاریخ تمدن، ویل دورانت، کتاب دوم، یونان باستان، ترجمه فتح الله مجتبیانی، انتشارات اقبال، ۱۳۳۹

Plautus

۱۸۴-۲۴۴/۲۵۴ ق.م

پلوتوس

تیوس ماکیوس پلوتوس^۱ قدیمی‌ترین نمایشنامه‌نویس رمی است که آثاری از او در دست است. سال ۲۵۴ یا ۲۴۴ پیش از میلاد در سارسینا^۲ در خانواده‌ای از بردگان بدنیا آمد. از کودکی چندان اطلاعی در دست نیست، در سنین جوانی وارد يك گروه نمایشی شد و با این گروه به مسافرت پرداخت به شهر رم نیز سفر کرد و این شهر که در آن زمان مظهر تفریحات و جذبه‌های گوناگون بود او را بخود جلب کرد و در آنجا ماندگار شد و به کار نمایش پرداخت. قریب ۱۳۰ نمایشنامه را به او نسبت می‌دهند. هرچند محققین در صحت برخی از این آثار دچار تردید هستند.

آثار نخست پلوتوس عموماً نمایشنامه‌هائی بودند که از زبان لاتین ترجمه و اقتباس کرد. در میان آنها بخصوص آثار نمایشنامه‌نویس معروف یونانی مناندر^۳ را می‌توان ذکر کرد. اما بدلیل آنکه هیچیک از آثار اقتباس شده‌او برجای نمانده لذا منبع هیچکدام را بدرستی نمی‌توان مشخص کرد.

پلوتوس بزودی خود شروع به نوشتن نمایشنامه کرد، آنچه مسلم است این است که وی عناصر رمی فراوانی به نمایشنامه‌های خود افزود و همچنین از تجربیات نمایشنامه‌نویسان یونان نیز بهره گرفت. از میان آثار پلوتوس ۲۱ نمایشنامه تا به امروز بدست آمده است و این آثار بطور یقین محرز



پلوتوس



صحنه ای از یک تراژدی رمی، نقاشی روی دیوار

شده که متعلق به این نمایشنامه نویس اند.

این آثار عبارتند از کمدی الاغها^۱، تاجر^۲، جعبه جواهر^۳، گلدان طلا^۴، آمفی تریون^۵، اسیران^۶، مناخمس^۷، خانه افسون شده^۸، پارسیان^۹، کارتازیان^{۱۰}، طناب^{۱۱}، ترینوموس^{۱۲}، دهاتی^{۱۳}، استیکوس^{۱۴}، سریاز لاف زن^{۱۵}، پسودولوس^{۱۶}، از میان این آثار تنها تعداد معدودی تاریخ مشخص دارند. بهر حال همگی این آثار بین ۲۰۵ تا ۱۸۴ پیش از میلاد نوشته شده اند.

در آثار پلوتوس به وفور با تیپ‌هایی چون جوانان خوش گذران و لذت طلب، پیرمردان خسس، دلالها و ولگردان، برخورد می‌نمایم. پلوتوس با بکارگیری موسیقی در نمایشنامه‌هایش، جبه‌های مفرح و شاد را در تئاتر گسترش و وسعت بخشید. استفاده از پرولوگ^{۱۷} و استفاده از شیوه اجرایی نمایش در نمایش از ابتکارات این نویسنده بشمار می‌رود.

یکی دیگر از جنبه‌های مهارت پلوتوس در این بود که به موضوعاتی که قبلا در کمدی‌های یونان به نمایش درآمده بود رنگ و بوی ملی و محلی می‌داد و چون قصد اصلی وی خنداندن و نشان دادن ضعف‌های اخلاقی مردم زمانش بود با تأکید و تکرار لحظات کمدیک و موقعیت‌های خنده‌آور، اشخاص بازی خود را در لحظات و موقعیت‌های بعید و مسخره و مضحك قرار می‌داد از این رو به اینگونه آثار، کمدی اشتباهات^{۱۸} گفته می‌شود.

تک‌گوئی‌های پر از لطیفه که توسط غلامها به کنار از نقش ادا می‌شد و ارتباط مستقیم بازیگران با تماشاگران و خطاهای بیشمار آدمهای نمایش از ابتکارات وی محسوب می‌شود. زبان پلوتوس خاص خود اوست همراه با کلماتی که در آنها نوعی موسیقی بکار گرفته شده است.

از آنجا که پلوتوس بعنوان بازیگر در بسیاری از نمایشنامه‌های آن عصر ایفای نقش می‌نمود تجربیات فراوانی در زمینه بازیگری بدست آورد.

مرگ پلوتوس را بسال ۱۸۴ پیش از میلاد ذکر کرده‌اند. آثار پلوتوس پس از مرگش مرتب به صحنه رفت و مورد توجه مردم قرار گرفت. امروزه نیز در کمدی‌های مدرن تأثیرات این نویسنده را بخوبی می‌بینیم. ویلیام شکسپیر^{۱۹}، کمدی اشتباهات خود را از مناخمس و آمفی تریون الهام گرفت مولیر^{۲۰} موضوع نمایشنامه خسس را از گنجینه طلا و ژان ژیردو^{۲۱} نمایشنامه نویس معاصر فرانسوی نمایش آمفی تریون خود را از اثر پلوتوس اقتباس کرد.

پانویس

- 1- Titus Maccus Plautus
- 2- Sarcyena
- 3- Mnenander
- 4- The Comedy of Asses
- 5- The Merchant
- 6- The Casket
- 7- Pot of Gold
- 8- Am[oltrump
- 9- The Captives
- 10- Menaechni
- 11- The Haunted House
- 12- The Persian
- 13- Car the genien
- 14- The Rope
- 15- Trinummus
- 16- The Cput
- 17- Stichus
- 18- The Braggart Warrior
- 19- Pseudolus

۲۰. پرولوگ Prologue واژه‌ای یونانی است که معادل فارسی آن پیشگفتار می‌شود.

21- Comedy of Errors

22- William Shakspear (۱۵۶۴-۱۶۱۶)

۲۳. ژان باتیست پوکلن معروف به مولیر. Moliere , (۱۶۷۳-۱۶۴۲ م).

۲۴. ژان ژیردو Jean Giraudoux نماینده نویسنده فرانسوی (۱۹۴۴-۱۸۸۲ م).

منابع

1- World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia Volum 3

2- A Dictionary of Theatre John Russel Taylor Penguin Reference Books.

۳. تاریخ تئاتر اثر Oaker. G. Brockett. جزوه دانشگاه اهندیانا، با توضیحات دکتر ممتون.

Terence

۱۵۹ - ۱۹۵ ق.م

ترنس

نام اصلیش پابلیوس ترنتیوس آفر^۱ معروف به ترنس و از اهالی کارتاژ^۲ بود. تولدش را ۱۹۵ یا ۱۸۵ پیش از میلاد ذکر کرده‌اند. هنگامی که پسر خردسالی بود بعنوان اسیر جنگی از کارتاژ به رم برده شد و بعنوان برده شروع به کار کرد. در رم توانست بمدد زیرکی و پشتکارش دانشی بیاموزد و باسواد شود. آنگاه مورد لطف اربابش که از سناتورهای رم بود قرار گرفت و آزاد شد. مدتی بمطالعه غمایشنامه‌های یونانی پرداخت و خود نیز شروع به نوشتن غمایشنامه به زبان لاتین کرد و بزودی با مشاهیر عصر خود طرح دوستی و مراوده ریخت.

در رم آن روزگار غمایش‌هائی اجرا می‌شد که آنها را در ردیف کمدیهائی که بر اساس بریده‌سازی ساخته می‌شد منظور می‌دارند. این کمدیها که به اتلاتی^۳ مشهورند ابتدا در شهری بنام اتلا^۴ در نزدیکی ناپل امروز بازی می‌شد و بهمین دلیل به همین نام شهرت داشتند. موضوعات این غمایش‌ها که بسیار خنده‌دار بوده‌اند عموماً درباره زندگی روزمره مردم، کشمکش‌های عشقی و خانوادگی بود و تبپ‌هائی چون جوان عاشق‌پیشه، مرد روستائی ساده لوح، پیرمرد خسیس و طماع را عرضه می‌کرد. این تبپ‌ها مجرور مورد توجه نویسندگان قرار گرفت و در اغلب کمدیهای اروپائی بخصوص کمدیا دلارته^۵ تکامل یافت.



ترنس

ترنس با الهام از کمدیهای اتلانی چند غایشنامه نوشت. براساس تحقیقات انجام شده شش غایشنامه از این نویسنده در دست است. این آثار به ترتیب سال نگارششان عبارتند از: آندریا^۱ ۱۶۶۶ پ.م. مادرزن^۲ (یا مادر خوانده) ۱۶۵۰ پ.م. خودآزار^۳ ۱۶۴۳ پ.م. خواجه^۴ (یا مقطوع النسل) ۱۶۱۱، فورمبو^۵ ۱۶۱۱ و برادران^۶ ۱۶۰۰ (پ.م).

آثار ترنس از ارزش‌های ویژه‌ای برخوردار است. زبان غایشنامه‌های او زبان روان محاوره‌ای و مؤدبانه است. داستان غایشنامه‌هایش را از منابع گوناگون یونانی فراهم می‌آورد و درهم می‌آمیزد. در پرداخت شخصیت و ساختن دو خط موازی داستانی که بوی امکان می‌داد تا جنبه‌های متناقض رفتار آدمی را نشان دهد بسیار مسلط بود و از تحمیل عناصر رومی به داستان‌های یونانی‌الاصل که انتخاب می‌کرد نیز پرهیز داشت.

آثار ترنس یخ‌خصوص در عصر رنسانس و بعد از آن بار دیگر مورد مطالعه، تدریس و اقتباس قرار گرفت. مولیر غایشنامه مردم‌گریز را از خودآزار ترنس اقتباس کرد.

ترنس عمر طولانی نداشت و در سن ۳۶ سالگی در رودخانه غرق شد. مرگش را بسال ۱۵۹ پیش از میلاد ذکر کرده‌اند.

پانویس ها

1- *Publius Terentius Afer*

۲. کارتاژ Carthage

3- *Aeterna*

4- *Aetia*

5- *Com media dell'arte*

6- *Andria*

7- *Mother in law*

8- *Salv Tor*

9- *Eunuch*

10- *Phormio*

11- *The Brothers*

منابع

1- *Adictionary of the Theatre*, John Russell Taylor. Penguin.

۲. تاریخ تئاتر، اثر Oskar. G. Brocken، جزوه دانشگاه ایندپانا، ۱۹۶۴، با توضیحات دکتر پرویز گمنون.

۳. تاریخ ادبیات یونان، اچ.جی. رز، ترجمه ابراهیم یونس، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸.

۴. مجله قماش، ۱۳۵۴، تئاتر یونان، امیرج زهری.

۵. تاریخ تمدن، ویل دورانت، کتاب دوم، یونان باستان، ترجمه فتح الله مجتبیانی، انتشارات اقبال، ۱۳۳۹.

Seneca

سنکا (۴ سال پیش از میلاد تا ۶۵ میلادی)

لوسیوس آنه‌نوس^۱ سنکا بزرگترین تراژدی‌نویس رومی در سال ۴ پیش از میلاد در کوردوبا^۲ متولد شد. چیزی نگذشت که به‌مراه خانواده‌اش به رم رفت و همانجا ماندگار شد. در رم شروع به تحصیل کرد و برای مدتی سفری بمصر رفت و در آنجا مطالعاتش را دنبال کرد.

سنکا پس از اتمام تحصیلاتش به شغل وکالت پرداخت و پس از مدتی بخدمت کالپگولا^۳ حکمران رم درآمد. دوران حیات سنکا مصادف بود با عصر بی‌ثباتی در سیاست و اخلاق، امپراطوران می‌آمدند و می‌رفتند و رمیان هیجان‌زده گاه به دنبال آن و گاه در پی دیگری به این‌سو و آن‌سو کشانیده می‌شدند.

سنکا همواره در پی آن بود تا راهی بیابد. راهی متعادل و به اندازه، راهی برای مقاومت و تقویت نیروی تحمل و امید به آینده.

از نظر عقاید سنکا رواقی^۴ مشرب بود. این فلسفه را در رم نزد آتالوس Attalus^۵ آموخت. مکتب رواقیون با Sticisme، که بنیانگزار آن «زنون»^۶ فیلسوف و حکیم معروف یونان بود که در آن عصر فلسفه‌ای رایج بود و به آن دلیل که زنون در رواق رنگینی که در زبان یونانی Stoa گفته می‌شد تدریس می‌نمود به این مکتب رواقی می‌گفتند، سنکا مدتها از خوردن گوشت پرهیز کرد و به



سنگا

روش های مرتاضانه زندگی کرد، در تمام عمر بیماری سنگی نفس و ناراحتی ربه باعث ناراحتش بود. تا آنجا که بارها بفکر خودکشی افتاد، هنگامی که پدرش وفات کرد از آنچه بعنوان میراث به او رسیده بود گذران نمود و شغل فضاوت را رها کرد و به نوشتن پرداخت، آنگاه ازدواج کرد و تا پایان عمر با همسرش با ثبات زندگی نمود. هنگامی که کره موتیوس کوردوس Gremutius Cordus که از آشنایان او محسوب می شد به امرکالیکولا مجبور به خودکشی گردید، سنکا رساله ای در تسلیت و مرثیه او نگاشت. این رساله باعث ختم کالیکولا گردید، تا آنجا که تصمیم به اعدام سنکا گرفت. اما دوستان سنکا برای کالیکولا دلیل ها آوردند که سنکا در هر صورت بواسطه ابتلا به بیماری سل بزودی خواهد مرد. کالیکولا از مرگ سنکا چشم پوشی کرد، اما او را به جزیره کرس تبعید کرد. مدت ۸ سال سنکا در جزیره کرس ابتدا با آرامشی ریاضت مآبانه و رواقی، خوشتن را با نوشتن تسکین داد، همچنانکه سالیان تلخ آهسته می گذشتند سنکا به نوشتن تراژدی پرداخت. در سال ۴۸ میلادی آکرینا^۶ مادر نرون با علاقه ای که به فرزند یازده ساله اش داشت در جستجوی آموزگاری چون ارسطو برای تعلیم و تربیت پسرش بود، دستور داد سنکا را از تبعید بازگردانیدند. سنکا مدت پنجسال آن جوان را تعلیم داد، به سنای روم راه یافت و مدت پنجسال نیز مشاور و راهنمای امپراطور در امور مملکت بود.

در طی این ده سال سنکا یک رشته رسالات سیاسی و اخلاقی را بمنظور بهبود و تربیت نرون تحریر نمود. در این رسالات بخوبی قدرت قلم سنکا مشهود است. در همین ایام او تا مرتبه ریاست نویسندگان و سیاستمداران روم ارتقاء یافت. با وجود ثروت زیاد همچون مرتاضان بروی تشکی خشن می خوابید و غالباً تنها آب می نوشید، و چنان به امساک غذا می خورد که در هنگام مرگ بدنش بسیار ضعیف شده بود، کاخ امپراطوری را « زندان غم انگیز غلامان » می خواند، و آرزو می کرد که ایکاش همه عمرش را وقف مطالعه کرده بود. در سن ۶۴ سالگی از امپراطور نرون اجازه خواست تا از سمت خود در دولت استعفا کند اما امپراطور با درخواست او موافقت نکرد، پس از حریق عظیمی که در سال ۶۴ میلادی روم را به آتش کشید نرون از همگان خواست که در تجدید بنای شهر روم همکاری نمایند سنکا بخش اعظم ثروت خود را برای این منظور اهداء کرد.

چیزی نگذشت که سنکا نیز همچون کسانی دیگری از چشم نرون افتاد و سه سال بعد نرون خواست « که سنکا بمیرد ». سنکا نیز منشی خود را طلبید و نامه ای در وداع با مردم روم تقریر کرد و آنگاه رگهایش را زد.

سنکا دستمایه آثارش را از نمایشنامه نویسان بزرگ یونان گرفت ولی نمایشنامه هاش رنگ تقلد

و دنباله‌روی نداشت نه در زبان نمایشی و نه در شکل و نه در روح و جوهر آنها.

انسان در این آثار گرچه می‌باید قانون آسمانی را بپذیرد و خدایان همچنان مالک الرقابند، لیکن الزاماً به تأیید آنها و پذیرش درست بودنشان مجبور نیست. خدایان می‌توانند انسانی را شکست دهند، آزارش کنند، اما انسان هنوز می‌تواند احساس کند، احساسی در ژرفای وجودش، با این بیان که «من از آنها بهترم». آنها می‌توانند مرا بکشند اما نمی‌توانند این حقیقت را که من در اخلاق برتر از ایشانم نابود کنند. هرچه می‌خواهند بگویند و بدان دست یازند، من دستان خود را به نادرست نیالوده‌ام، آری حق با من است» و این همان جوهره فلسفه رواقیون یعنی «اراده آزاد» است، اراده آزاد مشوق و موجب تحرك است.

وقتی انگلیسی‌ها به نوشتن تراژدی پرداختند، آنان به نمونه‌ای نیاز داشتند نمونه‌های یونانی برایشان چندان کششی نداشت، آنچه برایشان مجذوب‌کننده بود آثار سنکا بود، درام‌نویسان بزرگ یونان درام‌های مذهبی می‌نوشتند. درام‌هایی که به رابطه اخلاقی بین خدایان و انسانها می‌پرداختند و همواره يك هدف آموزشی و اخلاقی داشتند، اجرای این نمایشنامه‌ها همچون مراسم مذهبی سرگرم‌کننده بودند.

آثار سنکا را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: يك دسته آثار نمایشی شامل تراژدی‌های او. دسته دوم تحقیقات فلسفی و دسته سوم شامل آثار سیاسی است که خطابه‌ها و رسالات او را در برمی‌گیرد. قریب ۹۰ نمایشنامه به او منسوب است که هیچک از آنها در زمان حیات خود او به اجرا درنیامد. بلکه پس از گذشت قرن‌ها مورد توجه نویسندگان و هنرمندان قرار گرفت.

امپراطوری رم در سال ۱۴۶ پیش از میلاد بر یونان مسلط شد و پس از آن به تدریج همه قلمرو هلنی را در خود تحلیل برد. اما تحت تأثیر شدید فرهنگ یونانی قرار گرفت و قسمت اعظم هنر و ادبیات روم پس از ۲۴۰ ق.م اکثراً بر الگوهای یونانی استوار بود. سنکا نیز با الهام از تراژدی‌های یونانی چون مده‌آ، فدر، ادیپ، زنان فنیقی، آگامنون، زنان تروا، هرکول در اوتا و هرکول دیوانه را بازآفرینی کرد، از آنجا که رومیها تقریباً از گرایش‌های فلسفی، که ویژه یونانیهاست فارغ بودند و بیشتر مردمی اهل عمل بحساب می‌آمدند و مسائل نظری توجهشان را جلب نمی‌کرد، در اعیاد و تعطیلاتشان نیز مسابقات ورزشی، شعر و موسیقی، نمایش‌های پانتومیم، ارابه‌رانی، مبارزه تا حد مرگ بین افراد و گلاباتورها، جنگ‌های دریائی که بر روی دریاچه‌های ساختگی برگزار می‌گردید در کنار تئاتر مردم را سرگرم می‌کرد. در تراژدی‌های سنکا عموماً صحنه نمایش با خشونت و شهوت خونین درهم می‌آمیزد، و زندگی قهرمانان از درون و بیرون شکافته می‌شود و گاه منفجر می‌گردد. گونی سنکا می‌خواسته با جشن‌های خونین روم آن زمان و مسابقات رزمی گلاباتورها در صحنه

تئاتر رقابت کنند.

زبان سنکا نیز از خشونت و تحرك انباشته است. اینها سبب شد هنگامی که ادبیات باستان پس از قرن‌ها مجدداً احیاء گشت آثار سنکا سرمشق نویسندگان بسیاری گردید بخصوص در انگلستان درام‌نویسان عصر الیزابت بسوی او جلب شدند و آثارش الهامبخش بسیاری از نویسندگان گردید.

1- Lucius Annaeus Seneca

۲. کوردوبا Corduba، ناحیه‌ای در اسپانیا.
۳. کایوس کالیگولا Kayus Caligula امپراطور روم (۴۱-۱۲ میلادی). Caliga که کالیگولا از آن می‌آید به معنی چکمه سربازی است. و لقبی بود که سربازان به کایوس امپراطور روم داده بودند.
۴. رواق به معنی ایوان یا پیشگاه خانه است. رواقی یا رواقیون Sticoma به پیروان مکتبی فلسفی گفته می‌شود که معتقد به پیروی از طبیعت و زندگی بر پایه ریاضت و تقوا است. کمال مطلوب انسان در این مکتب عدالتخواهی، نیکوکاری و خدمت به هم‌نوع است. برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب فلسفه رواقی، نوشته ژان-پرن ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. چاپ کتابهای سیمرخ ۲۵۳۶.
۵. زنون Zenon حکیم و فیلسوف رواقی مذهب یونانی (۲۴۶-۳۳۶ پیش از میلاد).

6- Corse

۷. اگریپین اوگوستا Agrippin Augusta زن دوم کلودئوس مادر نرون.

منابع

1- Encyclopedie World Drama Mc Graw Hill Volum 4(S-Z)

2- Dictionary of the Theatre John Russell Taylor Pen Guin Refrence Book

۳. تاریخ تمدن، ویل و آریل دورانت، عصر لونی چهاردهم، ترجمه پرویز مرزبان، اقبال ۱۳۶۳.
۴. مقدمه کالیگولا، اثر آلبر کامو، ترجمه شورانگیز فرخ، تهران مروارید.
۵. تاریخ باستان د. یاکوف ترجمه مهندس صادق انصاری، دکتر علی‌الله همدانی، محمدباقر مؤمنی جلد سوم رم، نشر اندیشه تهران.
۶. دن‌گیشوت‌های عصر ما، چهار مقاله، (آغاز هنر نمایی، جان بورجس ویلسون) ترجمه علی‌گبیری، انتشارات حقیقت.
۷. تاریخ تناتر جهان، اسکار گ. براکت، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، نشر نقره و مازیار ۱۳۶۳ جلد اول.
۸. فرهنگ فارسی دکتر محمد معین، جلد پنجم، تهران انتشارات امیرکبیر.

Lope de Vega

لوپه دووگا (۱۶۳۵-۱۵۶۲م)

لوپه فیلکس دووگا کارپیو^۱ مشهور به لوپه دووگا شاعر، نمایشنامه نویس و رمان نویس اسپانیایی به روایتی در بیست و پنجم نوامبر ۱۵۶۲ (و به روایت دیگر در دوم دسامبر همانسال) در مادرید پایتخت اسپانیا بدنیا آمد. از دوران کودکی و نوجوانی او زیاد غمی دانیم. آنچه مسلم است او فرزند پیشه‌وری از طبقات پائین اجتماع مادرید بود، در کودکی یتیم شد و در دوازده سالگی همراه با کاروانی به شمال آفریقا سفر کرد، در جوانی وارد خدمت نظام شد و به لباس ارتشبان درآمد، در یکی از لشکرکشی‌هایی که علیه پرتغالیها صورت گرفت حضور داشته و جراحاتی نیز برداشته، پس از بهبودی سپاهیگری را رها ساخت و برای مدتی تحصیلاتش را در آکادمی سلطنتی دنبال کرد، با کمک و راهنمایی یکی از اقوام خود تحصیلات عالی‌اش را در رشته الهیات در دانشگاه‌های سالامانکا^۲، و الکالا^۳ ادامه داد.

حدود پنجسال منشی مخصوص دوک آلبا (Douk Alba) بود. یکی از نخستین رمان‌هایش را بنام «آرکادیا»^۴ را به دوک آلبا تقدیم کرد. نخستین ازدواجش با یک بازیگر تناتر بود که پدرش نیز سرپرستی یک گروه را بعهدده داشت، بسیاری خواسته‌اند که در اثری از او موسوم به «لادورتنا»^۵ تصویری واقعی از عشق‌های لوپه دووگا ببینند و قطعات بسیار پرهیجان این اثر را از آن خود او



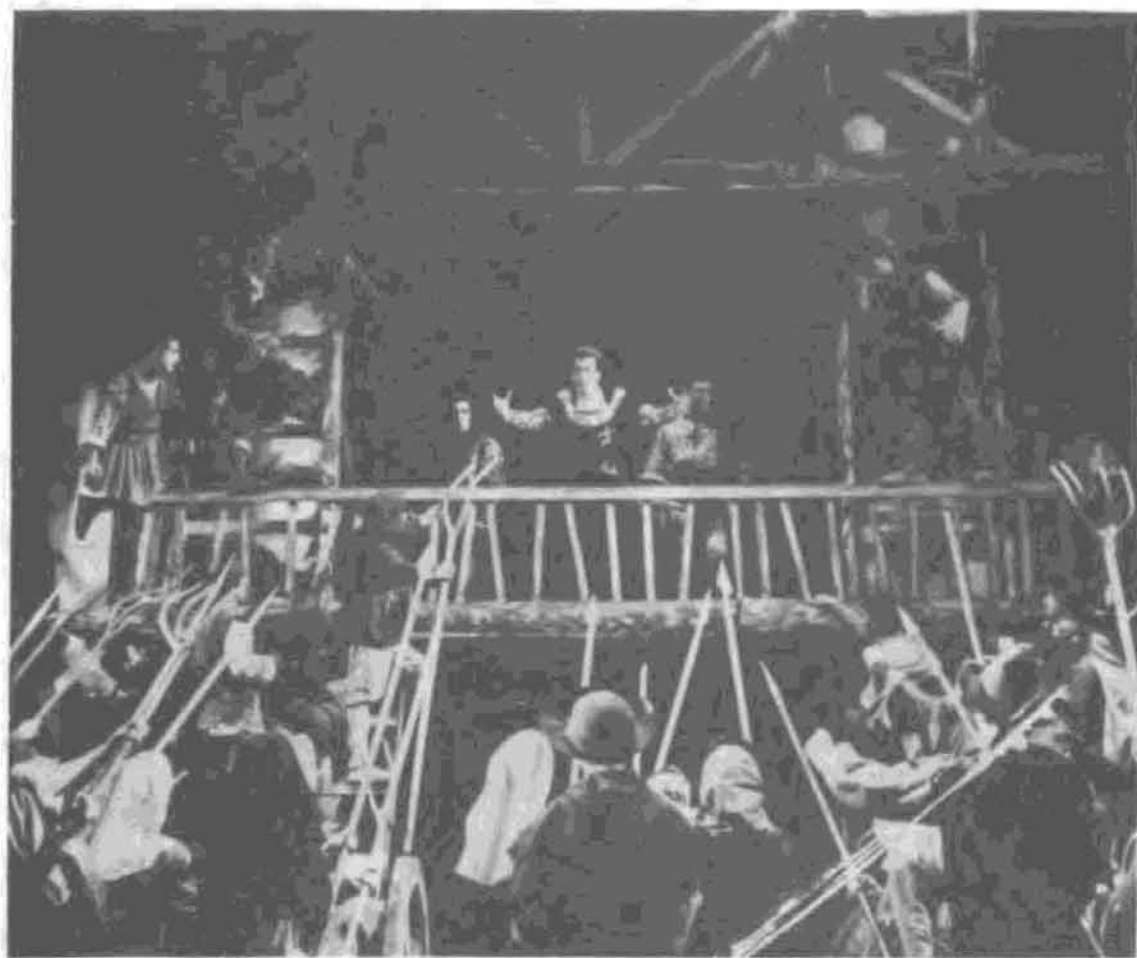
تصویر لویه دووگا اثر خمینو

بدانند. ما در اسب مجال پرداختن به این امر را نداریم. اما شواهدی که در دست است نشان می‌دهد که در سال ۱۵۸۷ لویه‌دووک به اتهام سرودن اشعار علیه پدرزن و تمام اعضای خانواده‌اش و اتهاماتی که به آنان وارد آورده است طی محاکمه‌ای به هشت سال تبعید و دوری از پایتخت محکوم گردید. در اینکه این محکومیت چقدر در زوال عشق نخست او تأثیر داشته است به درستی نمی‌توان سخن گفت. اما این را می‌دانیم که هنوز مدت زیادی از زندگی او در تبعید نگذشته بود که مخفیانه به پایتخت آمد تا دختر دیگری را که مورد علاقه‌اش بود به ازدواج خود درآورده با خود ببرد و چون دریافت بود که زندگی در پایتخت برایش دشوار است به «بالسنه» رفت که در آن زمان يك مرکز درخشان ادبی بشمار می‌آمد.

در سال ۱۵۸۸ برای دومین بار ازدواج کرد. اما همسر دومش نیز بفاصله چند سال درگذشت و دو دختر کوچکش نیز در سنین کودکی مردند و لویه‌دووکا پس از این مصائب در سال ۱۶۱۴ به‌جامه روحانیون درآمد و هم خود را صرف مطالعه منابع کلیسا و نوشتن کرد. در سال ۱۶۲۷ درجه دکترای افتخاری در الهیات به او تعلق گرفت.

حادثه دیگری که در روح حساس او تأثیر به‌سزائی گذاشت آن بود که یگانه فرزندش بنام «آنتونیا کلارا»^۲ در سال ۱۶۲۴ توسط مردی ربوده شد و این امر بر سلامت او تأثیر فراوانی برجای گذاشت و چیزی از این ماجرا نگذشته بود که بدنبال يك بیماری کوتاه در ۱۶۲۵ چشم از جهان فرو بست. پیکر او را در کلیسای سن سباستین مادرید بخاک سپردند.

عصری که لویه‌دووکا در آن زندگی کرد به دوره باروک^۳ مشهور است این دوره را عصر طلایی تئاتر اسپانیا نام نهاده‌اند. چرا که یکی از درخشانترین ادوار تاریخ ادبی و هنری اروپا محسوب می‌شود. طی سالهای ۱۵۵۰ تا ۱۶۵۰ هنر تئاتر در ممالك اروپائی پس از يك دوره رخوت و افول که با آغاز عصر مسیحیت آغاز و تا پایان قرون وسطی ادامه یافته بود یکبار دیگر شکوفا شد و آنچنان بسط و گسترش یافت که نظیر آنرا در دیگر ادوار تاریخ تنها یکبار در یونان قرن پنجم پیش از میلاد می‌توان سراغ کرد. تئاتر دوره باروک بالاخص در سه کشور انگلستان اسپانیا و ایتالیا شکوفائی بیشتری داشت. در انگلستان نمایشنامه‌نویسانی چون ویلیام شکسپیر^۴، کریستوفر مارلو^۵، بن جانسون^۶ و نمایشنامه‌نویسان دیگری، هنر نمایشنامه‌نویسی را به اوجی رفیع رسانیدند. در ایتالیا هنر اپرا و تئاتر محبوب کم‌دیادلارته^۷ تولد یافت و بزودی در سراسر اروپا گسترش یافت. در اسپانیا لویه‌دووکا و کالدرون دولابارکا^۸، به‌مراه فعالیت بیش از سیصد گروه آزاد تئاتری در شهرهای بزرگ و کوچک به تئاتر این سرزمین روحی دوباره بخشیدند. قسمت درخور توجهی از نیازهای نمایشی گروه‌های متنوع در اسپانیا را نمایشنامه‌های لویه‌دووکا تأمین می‌کرد. بسیاری از



یک صحنه از نمایشنامه گودال گوسفندان

اثر لویه دووگا، اجرا مادرید

محققین او را پرکارترین نماینده نویس جهان در طول تاریخ می‌شناسند. آثار نمایشی او را تا ۱۸۰۰ نمایشنامه رقم‌رزداند. سهولت در بدیهه‌سرانی و بدیهه‌نویسی در مورد او ضرب‌المثل شده بود بر این رقم تعداد زیادی رمان، داستان کوتاه، شعر و مقاله را هم باید اضافه کرد، حتی اگر نیمی از رقم/۱۸۰۰ نمایشنامه این نویسنده پرکار صحیح باشد در اینصورت هم هنوز از نظر کمیت آثارش از دیگر درام‌نویسان جهان درخور توجه است.

بخشی از آثار او که بنام او توساکرامانتال^{۱۲} معروف‌اند بدون اسم مانده است، زندگی جستجوگر و متنوع این نویسنده بوی فرصت داد تا چکامه‌های فراوان و همچنین داستانهای متعددی برشته تحریر درآورد. شاید کمتر شاعر و نمایشنامه‌نویسی در زمان حیاتش باندازه لویه‌دووگا مشهور شده باشد. او محبوب و معبود مردم مادرید شد و همه لب به تمجید و تحسین او گشودند، پاپ درجه اجتهاد در علوم الهی را بوی اعطا کرد و شهرتش بزودی اروپا را فراگرفت و آثارش الهام‌بخش بسیاری از نمایشنامه‌نویسان شد.

لویه‌دووگا برخی از آثار خود را با دقت و حوصله نوشته است. اما برای نگارش برخی دیگر از آثار خود بنا بگفته خودش بیشتر از یکشب مجال نداشته است، این شتابزدگی گاه موجب ضعف‌هایی در آثار او شده است. در آثار او خصوصیات مردم کوچه و بازار بخوبی نشان داده شده است. او با الهام از افسانه‌های مذهبی تورات و انجیل، قصه‌های ایتالیایی و اسپانیایی، اساطیر و فرهنگ عامه و افسانه‌های شوالیه‌گری گذشته و مهتر از همه زندگی واقعی مردم دوروبرش آثار فراوانی خلق کرد.

آثار نمایشی لویه‌دووگا را در مجموع می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: نخست نمایشنامه‌های مذهبی که مآخذ آنها روایات و قصص کتاب مقدس است. از مهمترین این آثار می‌توان از نمایشنامه‌های تولد مسیح (پیش از ۱۶۱۳) و فرشته‌ای در لباس انسان را نام برد. این آثار مانند نمایشنامه‌های میستری^{۱۳} و میراگل^{۱۴} Miracle در قرون وسطی برخی از معجزات و حکایت‌های زندگی حضرت مسیح و قدیسان را بازگو می‌کند. دسته دوم متشکل از نمایشنامه‌های اسطوره‌ای و باستانی است همچون ونوس و آدونیس^{۱۵} (پیش از ۱۶۰۳) و جلال اسکندر (پیش از ۱۶۲۰).

دسته سوم نمایشنامه‌هایی که زمینه تاریخی دارند. برخی از آنها مربوط به تاریخ اسپانیاست. مانند نمایشنامه‌های «کشف دنیای جدید توسط کریستف کلمب (پیش از ۱۶۱۴) و «اولین سلطان کاستیلا (پیش از ۱۶۰۳) تعداد دیگری تاریخ دیگر ملل اروپا را بازگو می‌کند، مانند نمایشنامه‌های «کشور اتوکار» که درباره سرزمین آلمان است (پیش از ۱۶۱۴) و «دوک بزرگ



۱۳۱۱ هجری قمری - تهران - اجرای یکی از آثار کالدرون در آلمان

اجرای یکی از آثار کالدرون در آلمان

مسکو. مربوط به تاریخ روسیه (حدود ۱۶۱۶). اما عمده‌ترین دسته آثار لویه‌دووگا شامل نمایشنامه‌های کمدی اوست. این آثار از نظر تعداد بیشترین و از نظر کیفیت نمایشی از زمره‌بهنرین دسته آثار این نویسنده بشمار می‌روند.

نمایشنامه‌های کمدی بالاپوش و خنجر، کنیز و معشوقش (۱۶۲۵) معجزه‌هی‌اعتنایی (پیش از ۱۶۳۲) و شوالیه حقه‌باز (پیش از ۱۶۰۳) از زمره کمدی‌های جذاب و دلنشین لویه‌دووگا بشمار می‌روند. در این آثار نویسنده مباحث و مسائل اخلاقی، انتقادی و عشقی را در قالب نمایشی با ظرافتی خاص بیان می‌دارد.

کمدی‌های «لویه‌دووگا» دارای ساختمان سه‌پرده‌ایست. در آنها وحدت زمان و مکان رعایت نمی‌شود و هر پرده تعدادی مجالس کوتاه و بلند را دربر می‌گیرد. نمایش این مجالس در عصر «لویه‌دووگا» مشکلی را ایجاد نمی‌نمود چه در تئاتر او استفاده از دکور مرسوم نبود. مکان نمایش این کمدیها، معابر عمومی بود و تئاترهایی ملقب به کورال Corral، کورال در اصل تئاتری بود موقتی. شامل يك تختگاه که از چوب زرد و تخته که معمولاً در انتهای کوچه‌ای بن‌بست و نسبتاً عریض بنا می‌شد، در مقابل نیمکت‌هایی برای تماشاگران قرار می‌دادند، از آن نیمکت‌ها آنهایی می‌توانستند استفاده کنند که قادر به پرداخت ورودیه درخور توجهی بودند، انبوه جمعیت هم در پس نیمکت‌ها می‌ایستادند و نمایش را مجاناً تماشا می‌کردند. همبظور ساکنین خانه‌های مشرف به کوچه هم اجراها را رایگان از پنجره منازلشان می‌دیدند. تئاتر «لویه‌دووگا» با این خصوصیات از مردمی‌ترین تئاترهای جهان در طول تاریخ محسوب می‌شود.

«سگ‌باغبان»^{۱۵} نمایشنامه‌ای کمدی در سه پرده است و از نمونه کاملترین آثار ابن هنرمند محسوب می‌شود. در این نمایشنامه دیانا که کنتمسی از اشراف صاحب نام است فریفته‌منشی خود تنودور می‌شود. اما غرور اشرافی او مانع از آن می‌شود که عشق خود را به منشی‌اش ابراز کند و از سوی دیگر نمی‌تواند خود را راضی کند که تنودور با مارسل دختری که جز، ندیمه‌های اوست ازدواج کند. زن دلباخته در این اثر یادآور يك ضرب‌المثل اسپانیاییست که می‌گوید «سگ اگر نخواهد غذا بخورد مانع غذا خوردن دیگران هم می‌شود».

بالاخره ترستان نوکر تنودوره به حيله‌ای دست می‌زند و وضع را روشن می‌کند. به این معنی که نوکر افسانه‌ای می‌سازد حاکی از آنکه تنودوره، ارباب او نوه اشرافزاده‌ای سالخورده است و این مرد کنت لودوویک نام دارد. تنودوره نزد دیانا اعتراف می‌کند که او ابداً اشرافزاده نیست و این داستان را نوکر او ساخته است. این کمدی را به سبب آنکه نویسنده‌اش اقدام به تحلیل روانی شخصیت‌هایش کرده است ستوده‌اند.

یکی دیگر از معروف ترین غمایشنامه های او بنام گودال گوسفندان^{۱۶} (حدود ۱۶۱۴) است این اثر را در زمره نخستین غمایشنامه های مردمی جهان منظور می دارند. در این غمایشنامه روستاییان دهی علیه ارباب ظالم خود که به دختر جوانی تجاوز کرده است قیام می کنند و او را می کشند زیرا ارباب حتی در زیر شکنجه هم به گناهان خود اعتراف نمی کند، شاه که از کشته شدن ارباب ده بخشم آمده، قاضی و بازپرسی را برای بررسی چگونگی این قتل به ده می فرستد مردم در مقابل سئوالات بازپرس تنها يك جواب می دهند. گودال گوسفندان سبب قتل ارباب شده. در پایان غمایش شاه اتحاد و یگانگی مردم را تحسین می کند و گناه آنان را می بخشد.

از آثار دیگر این نویسنده می توان غمایشنامه های خورشید ساکن پیش از ۱۶۰۳) محاصره فتافه (پیش از ۱۶۰۳) پولادمادرید^{۱۷}، (پیش از ۱۶۱۸) ستاره سویل، دوست داشتن و نشناختن پادشاه بدون تاج و تخت، یقینی بر يك شك^{۱۸} و غیرممکن ترین چیز را نام برد. لویه دووگا مابل عمیق انسانی را در آثار خود طرح نمود و همواره از حق و عدالت طرفداری کرد. سروانتس درباره او گفته است «وگا به نحو عالی پدیده طبیعت است و به همان خوبی که بر کافرانترین سوداها تسلط دارد بر مذهبی ترین هیجان ها نیز تسلط دارد او نمونه ای بزرگ از تناثر اسپانیاست.

پانویس‌ها

10- Lope Felix de Vega Carpio

۲. سالامانکا Salamanca از قدیمیترین دانشگاههای اروپا، سالامانکا در اواخر قرون وسطی و در دورهٔ رنسانس مرکز فرهنگی اسپانیا و منبع علوم الهی در این سرزمین بود.

۳. والکالا Valccala

۴. آرکادیای Arkadiya

۵. لادوروتا LaDorotea

6- Antonyio Kalara

۷. باروک Barock به شیوهٔ هنری رایج در فاصلهٔ سالهای ۱۶۰۰/۱۷۵۰م اطلاق می‌شود در لغت بمعنی نامنظم و عجیب است. این شیوهٔ هنری در سالهای آخر قرن شانزدهم در شهر رده ظهور رسید.

۸. ویلیام شکسپیر William Shakespear (۱۶۱۶-۱۵۶۴).

۹. کریستوفر مارلو Christopher Marlowe (۱۵۶۴-۱۵۹۳).

۱۰. جانسون Ben janson (۱۶۳۷-۱۵۷۲).

۱۱. کمدی دلا رته Commedia dell, arte.

۱۲. کالدرون دولا بارکا Calderon de la Barca (۱۶۸۱-۱۶۰۰).

۱۳. اوتوب کرامنتال Ottosakramantal (در راه های مذهبی)

۱۴ و ۱۵. میستری Mystery Piag و میراکل Miracle Play به مجموعه‌های نمایشی اطلاق می‌شود که در قرون وسطی توسط کشیشان و طلبه‌های مذهبی در کلیساها و دبرها اجرا می‌شد این نمایش‌ها برپایهٔ بیان مردم، راه یافت و گسترش بیشتری پیدا کرد. این آثار بخاطر تهذیب اخلاق و تحسین دادن به مخاطبین کتاب مقدس و معجزات و کرامات زندگی حضرت مسیح و مرگ و قدیسان در قرون وسطی بسیار رایج بود.

۱۶. ونوس و آدونیس Venus and Adonis

۱۷. (۱۶۱۵) The Gar dener's Dog

18 _ The sheep Well

19 _ Madnd Steel

20 _ A Certanty For a Doubt

منابع

۱- Aactionary of The Theater John Russell Taylor Penguin Penguin Books

2- World Drama. Encyclopedia Mc Grow Hill Vol:4

۳. تاریخ قدن، ویل واریل دورانیت کتاب هفته، آغاز عصر خود ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران جیبی ۱۳۴۸ صفحه ۳۲۸.

۴. تاریخ تئاتر جهان اسکاتلرک، براکت.

۵. فعلک مه هنر، شماره ۶. کالدرون و تئاتر اسپانیا، همایون مقیمی

۶. نشریه دوفتنکی اداره هنرهای دراماتیک سال پنجم شماره ۹.

Pedro Calderon de la Barca

کالدرون (۱۶۸۱-۱۶۰۰م)

پدرو کالدرون دولابارکا شاعر و درام‌نویس اسپانیایی و یکی از استادان نمایشنامه‌نویسی عصر باروک در سال ۱۶۰۰ در مادرید در خانواده‌ای متمکن بدنیا آمد. پدرش در زمان فلیپ دوم و سوم Philippe سمت وزارت دارایی را عهده‌دار بود. کالدرون تحصیلات ابتدایی را به‌سر آداب و رسوم خانوادگی در یکی از مدارس مذهبی مربوط به سوعیان فراگرفت. اهمیتی که ضمن تربیت او به موضوعات مذهبی داده شد در زندگی او کار او تأثیر بسیار کرد. آنکه برای تحصیل در رشته حقوق به دانشگاه سالامانکا که از مراکز فرهنگی و تحقیقی مهم اروپاست رفت. پس از چندی پی برد که ذوق و قریحه نمایشنامه‌نویسی رهایش نمی‌کند. از این رو علم حقوق را نیمه‌کاره رها کرد و از ادامه آن چشم پوشید. مدتی هم به لباس نظام درآمد و در زمره سواره نظام در جنگ‌های هم‌سرک کرد و در یکی از این نبردها که بن اسپانیا و ایتالیا در گرفت بر اثر دلاوری‌هایی که از خود نشان داد به کسب درجه افتخار نایل آمد. اما در سیج دو سال حکم بی‌امان سلامتی دچار اشکال گردید و به‌حار از خدمت نظام کدرد گرفت و برای مدتی به‌خدمت یکی از نجیب‌زادگان درآمد.

یکی از نخستین اشعارش زمانی که بیست‌سال از عمرش می‌گذشت بریده‌حارذای شد و این تشویق سبب گردید تا بیشتر به شعر و ادبیات بپردازد. در یکی از نمایشنامه‌هایش بی‌پروا



کالدرون

اشاراتی صریح به باوه‌سرانی یکی از کشیشان مشهور داشت که به سبب آن مدتی به زندان افتاد. اما آوازه شهرتش کم‌کم به همه جا رسید و با وساطت افراد سرشناس آزاد گردید.

در سال ۱۶۳۵ فیلیپ چهاره شاد اسپانیا او را به عنوان دراه‌نویس دربار بجای لویه‌دوویگ انتخاب کرد. کالدرون مدت ۱۶ سال این سمت را عهده‌دار بود و طی این مدت فرصت یافت تا نمایشنامه‌های زیادی بنویسد و آنها را توسط گروهی حرفه‌ای در شهرهای مختلف اسپانیا و با تناثرهای دربار اجرا نماید.

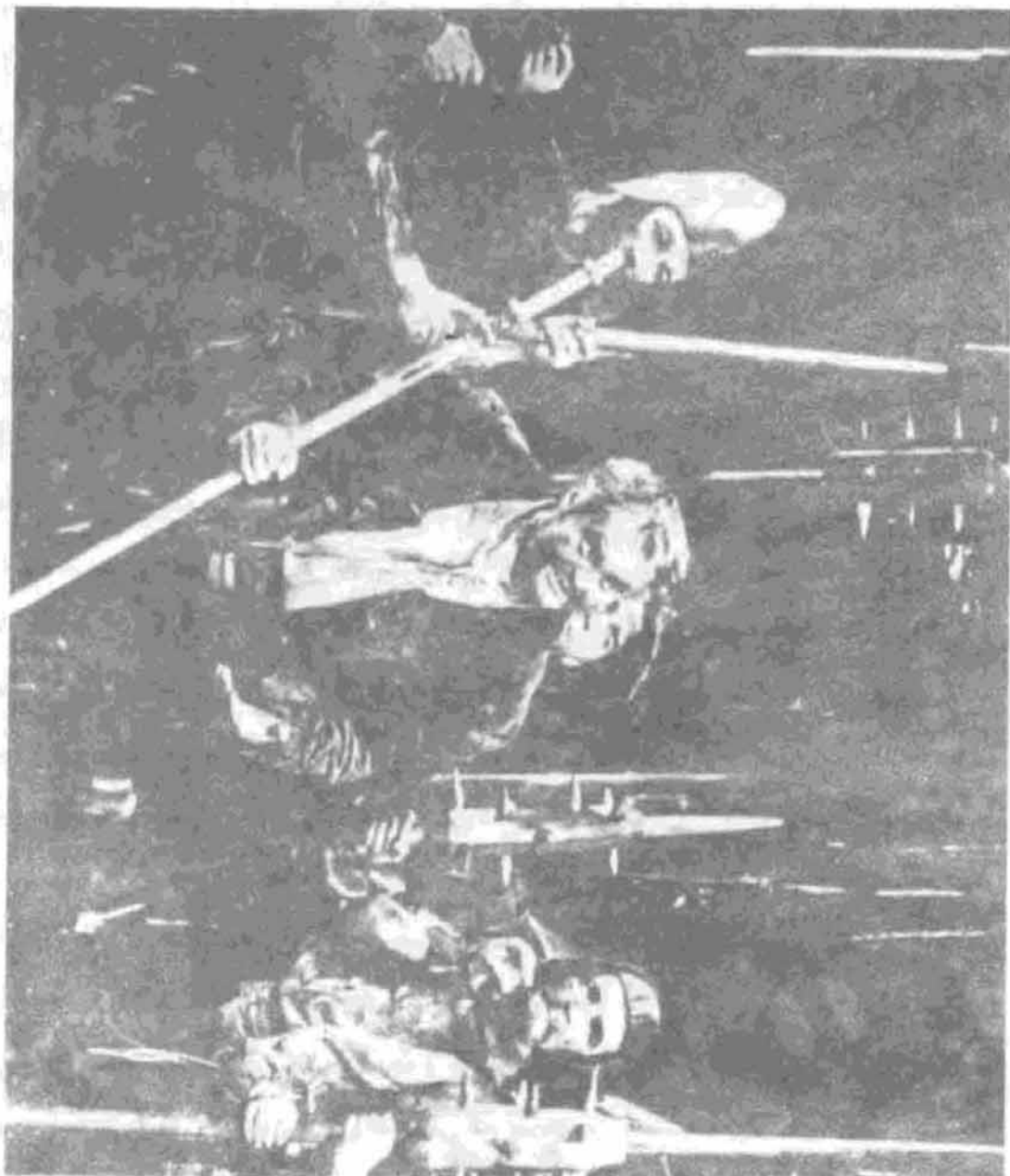
کالدرون در سال ۱۶۵۱ از سمت خود در دربار اسپانیا استعفا داد و بگفته برخی از محققین ازجمله ویل‌دورانت بر اثر مصائبی که دامنگیر فرزندانش شده بود زندگانی توانا با ریاضت در پیش گرفت و در سلك روحانیون درآمد و مدت ده سال در ناحیه‌ای در طلیطله (Tolaytala) به عنوان کشیش به انجام امور مذهبی پرداخت. طی این مدت نمایشنامه‌هایی نیز نوشت.

آثار نمایشی کالدرون را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. نخست نمایشنامه‌های مذهبی که آنها را اوتوساکرمینتال می‌خوانند، این آثار در زمره بهترین آثار وی محسوب می‌شوند. در این آثار قدرت غزل‌سرانی نویسنده به‌مراه اعتقادات مذهبی که تقویت‌کننده روح و محتوای این گونه آثار اویند نمایشنامه‌های بسیار مؤثر و با احساسی برجای گذاشته است. در اغلب این نمایشنامه‌ها، نویسنده تعصبات کاتولیکی را در قالب حوادث و اتفاقات نمادین همراه با دیالوگهای زیبا مطرح می‌کند. دراه‌های غرسمذهبی کالدرون که در دسته دوه قرار می‌گیرند شامل نمایشنامه‌های کم‌دی و نمایشنامه‌های جدی او می‌شوند. این آثار تا مدتهای طولانی، حتی پیش از نمایشنامه‌های لویه‌دوویگ دارای شهرتی جهانی بودند. این آثار را کالدرون بین سالهای ۱۶۲۲ تا ۱۶۴۰ نوشته است. در کم‌دی‌های او عموماً يك داستان پرماجرایی عشق و سوءتفاهم با پایان خوش به سرانجام می‌رسد.

یکی از معروفترین و بهترین نمایشنامه‌های کالدرون اثری است به نام «زندگی يك رؤیاست»^۳ که در سال ۱۶۳۶ انتشار یافت. این نمایشنامه که از افسانه‌های قدیم الهام گرفته شده است بنابر نظر محققین و دراه‌شناسان به لحاظ داشتن مفاهیم عمیق و نحو‌نگارش تناثر در عصر باروک حائز اهمیت است.

ماجرای این نمایش از آنجا آغاز می‌شود که «باسیلوس»^۴ پادشاه لهستان فرزند خود را که بنایگی دنیا آمده به دلیل آنکه اخترشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که او در آینده بر علیه پدر سر به شورش برخواهد داشت، بمردی می‌سپارد تا او را در جنگل‌ها سزد تا طعمه حیوانات وحشی گردد اما کودک بخواست تقدیر نمی‌میرد و در همان جنگل بی‌بهره از شرایط مناسب برای تربیت رشد می‌کند. پس از گذشت سالیان پادشاه که پیر شده از کار خود پشیمان شده و دستور می‌دهد تا

۱۹۵۳ - ناسازگار کادرون در آلمان - اجرای یکی از آثار



فرزندش را بباید و به شرکت در امر سلطنت بگمارند، فرزند که برای امر خطیری چون سلطنت هیچگونه تعلیمی ندیده است پس از چندی چنان ستمگرانه رفتار می کند که اطرافیان او را به ملائمت و اطاعت می خوانند. بالاخره هنگامی که او بخود می آید بار دیگر خود را در غاری در غل و زنجیر می یابد، به او گفته می شود که پادشاهی او بجز خواب نبوده است. نمایشنامه با این نسخه که حوادث و پیروزیهای زندگی تا چه اندازه ناپایدار و زودگذر و گاه همچون خواب و وهمی بش نیست پایان می یابد. ذکر این نکته ضروریست که در دوره باروک و از نظر هنرمندان این عصر تناثر شباهت قریبی با شکل زندگی داشته است، در نظر انسان دوره باروک زندگی همچون تناثر يك خواب یا رؤیا و همچون حبابی بر آب زودگذر است، جهان مانند يك صحنه بزرگ تناثر است که انسانها بازیگران آن هستند و هرکس نقش خویش را در این صحنه بزرگ ایفا می کند. جمله معروف تناثر آئینه زندگیست زائیده طرز نگرش این عصر است.

نمایشنامه دیگر کالدرون با نام «بزرگترین تناثر جهان»^۷ بگونه ای دیگر بازگوی همین نگرش عصر باروک به زندگیست.

یکی دیگر از نمایشنامه های کالدرون بنام «قاضی سالامیا»^۸ (حدود ۱۶۴۲) تجدید بنای دقیقی از نمایشنامه های متقدمینی چون لویه دووگا و نمایشنامه نویسان پیشتر است، این اثر به سبب جافتادگی در ساختمان و طرح ماجرا بش از دیگر آثار این نویسنده مورد تحسین قرار گرفته است. جادوگر شکفت انگیز^۹، نمایشنامه دیگر کالدرون، داستانی شبیه دکتر فاستوس اثر کریستوفر مارلو^{۱۰} و فاست اثر گوته دارد، در این اثر دانشمندی بنام قبرسی Cyprian در شهر انطاکیه زندگی می کند، او موفق می شود دونلی را که میان دو تن از دانشجویان بر سر عشق ژوستینا در گرفته است بصورتی مسالمت آمیز رفع کند و موافقت آنان را جلب نماید تا برای دانستن عقیده ژوستینا به نزد او برود، اما خود قبرسی پس از دیدن دختر شیفته و بی قرار او می شود، دختر در آغاز او را از خود می راند ولی در دلش حس می کند که نسبت به او اشتیاق دارد. آن دو دانشجویی که از این عشق طرفی نبسته اند خود را با محبت لیویا Livia خواهر ژوستینا تسکین می دهند، قبرسی که در کرداب عشق و هوس سخت واله و گرفتار شده برای رسیدن به مقصود، روح خود را به شیطان تسلیم می کند. در پایان نمایش هنگامی که قبرسی و ژوستینا تربت شهادت می نویسند، ژوستینا به عشق خود اعتراف می کند.

یکی دیگر از نمایشنامه های کالدرون به نام جن jinn (۱۶۴۹) نیز در رمد گرانرین آلمانی نوشته شده است. این اثر به بحث ساختمان گیم و محکمش و نیز بهره گیری از موقعیت های کسب و

جافتاده غالباً در تئاترهای اروپائی بر صحنه می‌رود.

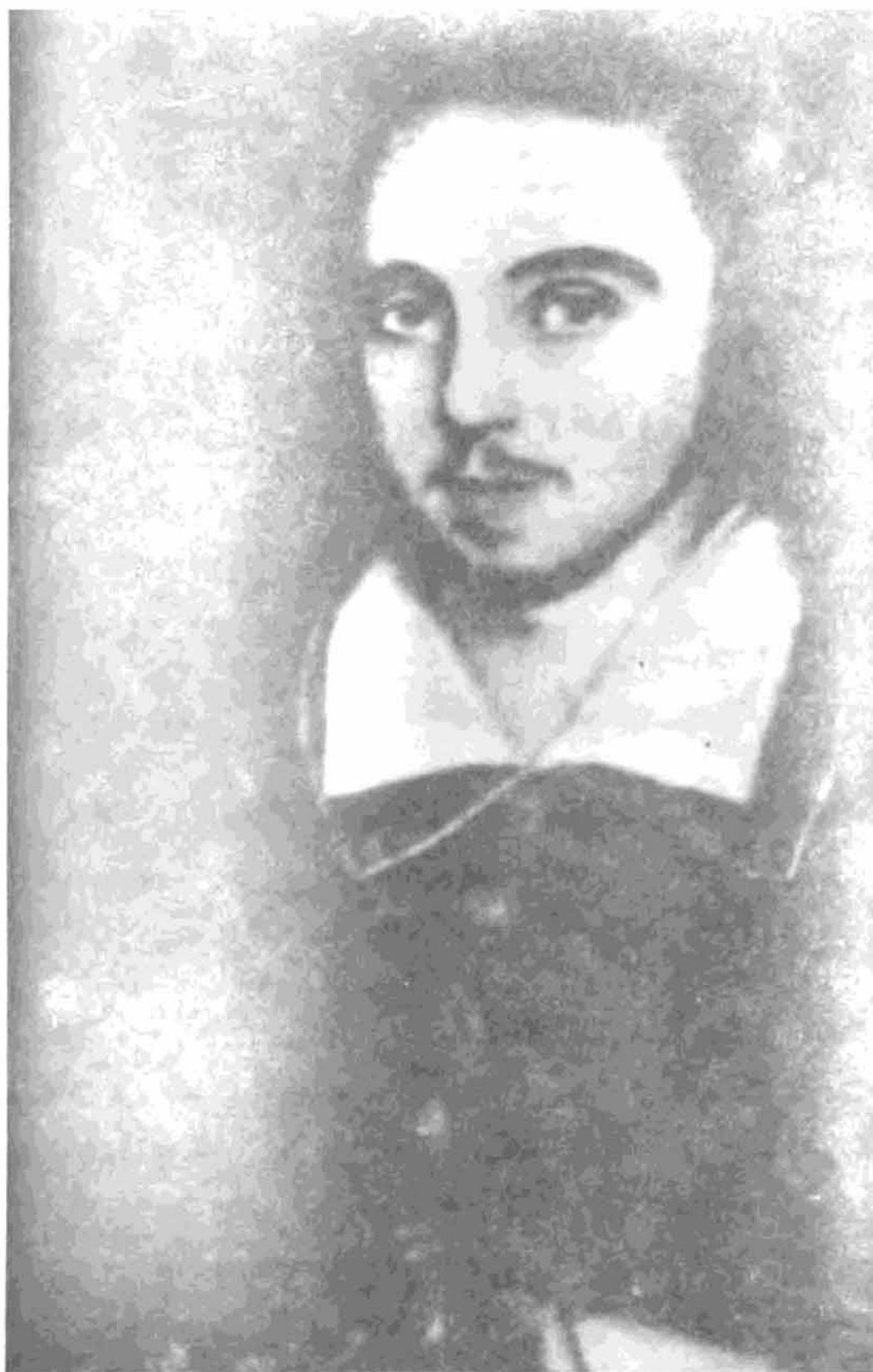
پرنس کنستانت^{۱۱}، ارا به بهشت^{۱۲}، عشق، افتخار و قدرت^{۱۳}، محاصره بردا^{۱۴}، بانوی خیالی^{۱۵}، شاهزاده بزرگ‌فزا^{۱۶}، راز کینه‌جویی و راز توهین^{۱۷}، عشق و دلربائی^{۱۸}، افسون عشق، پرسش صلیب^{۱۹}، مهمانی بالتازار^{۲۰}، از دیگر نمایشنامه‌های کالدرون‌اند.

امروزه از میان آثار کالدرون حدود ۷۳ نمایشنامه مذهبی و ۱۰۸ نمایشنامه غیرمذهبی اعم از کمدی و غیره برجای مانده است. کمدی‌های کالدرون غالباً از مضامین عاشقانه و قهرمانی ادبیات ملی و اساطیر توده‌ای اسپانیا مایه می‌گیرند. کالدرون بنا به گفته محققین پس از آنکه از همه نعمت‌های جهان بهره‌مند شد، در هشتاد و یک سالگی چشم از جهان فرو بست. او در عین حال بزرگترین نویسنده تئاتر کاتولیک دوران کلاسیک و از مظاهر دوران باروک است. کالدرون در نمایشنامه زندگی رؤیاست درباره این جهان و هستی انسانی چنین می‌گوید «پیداست که در روشنائی ناپایدار این جهان زیستن جز خواب دیدن نیست. بشر خود را در خواب می‌بیند و هنگامی بیدار می‌شود که پرتو بامدادی و اسرارآمیز مرگ بر او می‌تابد. در حقیقت در سرتاسر جهان همگی، هر اصل و نسبی داشته باشند خواب می‌بینند، زندگی چیست؟ چیزی است که تنها به نظر می‌آید. سرابی است که به دروغ می‌درخشد، نشاطی خیالی و آسایشی فریبنده است، زیرا زندگی خوابی بی‌س نیست، وقتی رویاها خوابی بیش نیستند.

Christopher Marlowe کریستوفر مارلو (۱۵۹۳-۱۵۶۴م)

کریستوفر مارلو از نویسندگان هم عصر ویلیام شکسپیر و بن جانسون در انگلستان عصر الیزابت است. در مورد درام‌نویسان معاصر شکسپیر دو نظر عمده وجود دارد. برخی از منتقدین بر این عقیده‌اند که نویسندگان این دوره صرفاً به این دلیل که با شکسپیر مربوط بوده و ناچار پرتوی از او بر ایشان تابیده شده است، بیشتر از آنچه که باید بزرگ شده‌اند. برخی دیگر برآنند که ذوق و استعداد قابل ملاحظه این درام‌نویسان، بدلیل اینست که این عصر تحت سبطه نبوغ شکفت‌انگیز شکسپیر قرار گرفته است کمتر از آنچه که شایسته آنان است مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. بهر حال هر دو نظر در جای خود قابل تعمق است. آنچه مسلم است درام‌نویسان عصر الیزابت که گروه قابل ملاحظه‌ای را تشکیل می‌دهند، دامنه استعدادهایشان نیز بسیار متنوع و وسیع است، می‌توان گفت که اگر شکسپیر در این عصر نبود که هم در کمندی و هم در ترازوی بهترین معرف و نماینده نمایشنامه‌نویسی عصر الیزابت باشد، چه بسا آثار دیگر نویسندگان این دوران خیلی بیشتر از اینها بروی صحنه می‌آمد.

یکی از این نویسندگان کریستوفر مارلو است که در کار درام‌نویسی هنرمندی نوآور و خلاق بود. چه بسا اگر عمر طولانی‌تری داشت (مارلو کمتر از ۳۰ سال زندگی کرد)، آثاری خلق می‌کرد



کریستوفر مارلو

که در نوع خود بسیار جالب و ارزشمند می‌بود. آثار برجای مانده از او حاکی از آنست که مارلو در این زمینه از نیرو، خلاقیت و تداوم لازم جهت خلق تراژدی‌های زیبا بهره‌کافی داشته است و ابیات بلند و سحرآمیز او حکایت از استعداد او در این زمینه است. مارلو وزن یکتواخت و کم‌مایه‌ای را که متقدمین در درام‌نویسی بکار می‌بردند، کنار گذاشت و بجای آن شعر بدون قافیه را انتخاب کرد و بکار برد. این شیوه‌نگارش شعری در دست شکسپیر تکامل یافت.

مارلو از کودکی باهوش و بسیار با قریحه بود. تحصیلات ابتدائی را در شهر کانتربری گذراند و سپس وارد دانشگاه کمبریج شد. با این منظور که پس از فراگرفتن تعلیمات مذهبی و پایان تحصیلات در زمینه الهیات، در جرگه روحانیون درآید. اما در اثر مطالعه کتب مربوط به علوم طبیعی و مادی و همچنین روح سرکشی که داشت، خویش را برای خدمت کلیسا مناسب نیافت و ذوق و استعداد خویش را در جهت نگارش نمایشنامه مصروف ساخت. در اوایل کار که نخستین نمایشنامه‌اش را در تماشخانه نمایش می‌دادند، شخصاً بعنوان بازیگر، قسمتی از نمایشنامه را بازی کرد. آثار مارلو عبارتند از: «تیمورلنگ»^۱. «۱۵۸۷» که در آن داستان کشورگشایی‌های تیمور سردار و پادشاه مغول (۷۳۶-۸۰۷م) که بخش اعظم آسیا را همچون مغولستان، خراسان، هند، عثمانی، مسکو، دمشق، و بغداد را به تصرف خود درآورد. خلافت بغداد را سرنگون کرد و کشوری وسیع و دولتی عظیم ایجاد کرد. تیمور پس از ازدواج با دختر خان کاشغرا «لقب گورکان بمعنی داماد» گرفت. در جنگ با والی سیستان پای راستش بشدت زخمی شد و تا پایان عمر می‌لنگید و بدین جهت او را تیمورلنگ خواندند. مارلو در این نمایشنامه ضمن پرداختن به خصلت‌هایی چون حرص و آز در انسان و میل به عظمت و قدرت، بالاخره نشان می‌دهد که چگونه این صفات به تباهی انسانها می‌انجامد.

دکتر فاوستوس^۲، اثر دیگر مارلو احتمالاً دومین نمایشنامه اوست. این اثر براساس زندگی يك دانشمند آلمانی است که در آستانه جستجوهای عالمانه‌اش وجدان و ایمان خویش را قربانی می‌کند. ویل دورانت بر این عقیده است که «در قرون وسطی در علم اخلاق چنین آمده بود که لذت فهمیدن لذت غم‌انگیزی است و در علم زیاد اندوه زیاد وجود دارد و طبق این فرضیه، علاقه به آموختن نوعی گناه بشمار می‌آمد، با وجود این حس جاه‌طلبی مردم مخالف این نهی و تحریم بود و حتی بعضی‌ها برای دست‌یافتن به اسرار و قوای پنهانی از جادوگری و شیطان‌استمداد می‌کردند. مارلو فاوستوس را به عنوان يك پزشك حاذق و معروف ویتنبرگ Wittenberg معرفی می‌کند که از حدود معلومات خود راضی نیست و در فکر دست یافتن به وسایل جادوگری است تا بدان وسیله بر همه چیز دست یابد.

۱۶۶۴ سقیتوفا کتک شیشمه از منحصه یک



محققین بر این عقیده‌اند که هیچیک از آثار مارلو از لحاظ اهمیت موضوع پایه دکتر فاوستوس نمی‌رسد. گوته (۱۸۳۲-۱۷۴۹) بعنوان سرمشق عالی درام فاوست^۲ اثر مشهور خود را که درامی فلسفی و عمیق است با الهام از دکتر فاوستوس به رشته تحریر درآورد، این تراژدی نه تنها آمال و آرزوهای نویسندگان را بخوبی آشکار می‌کند، می‌توان آنرا آئینه افکار و آرمانهای قرن شانزدهم دانست. غرور و تکبری که مارلو در فاوستوس دست یافتن به دانش در نهاد بشر پدید آمده بود و اینطور تصور می‌شد که با کشفیات مهمی که در زمینه‌های علم و صنعت نصیب بشر گردیده انسان به کنه اسرار جهان دست یافته و هم‌رازاها در برابر اندیشه و خرد آدمی آشکار شده است.

آنچه نماینده دکتر فاوستوس را مورد پسند طبقات مختلف مردم تا به امروز قرار داده است کشمکش است که فاوستوس با شیطان (مفستوفیلس^۳) دارد و در پایان فاوستوس آزادگی، دین و پاکی خویش را در مقابل وقوف به اسرار جهان به شیطان تسلیم می‌کند.

دو اثر دیگر مارلو یکی یهودی مالت^۴ است که عاقبت شوم طمع و ثروت پرستی را مجسم می‌نماید. و دیگری ادوارد دوم^۵، که اثریست تاریخی، درباره ادوارد پادشاه انگلستان (۱۳۰۷-۱۳۲۷) که پس از منازعات طولانی با اشراف بزرگ بریتانیا بالاخره خلع و کشته شد.

موضوع نمایشنامه‌های او شهرت طلبی، طمع بیش از اندازه در به دست آوردن ثروت و حرص و قدرت طلبی بشر است. قهرمانان نمایشنامه‌های مارلو اگرچه با زیر پا گذاشتن فضائل انسانی برای مدتی به آرزوهای خود دست می‌یابند اما عاقبتی شوم و مرگی ناگوار آنان را از پای درمی‌آورد.

علاوه بر درام‌های مذکور، منظومه زیبایی به نام «هرو و لیاندر» از مارلو برجای مانده است. نمایشنامه‌های مارلو هرچند از نظر ساختمان، بافت نمایشی و رفتار شخصیت‌ها متوسط است اما خواننده یا تماشاگر بی‌اختیار به زیبایی گفتار و نیروی بیان و تجسم مناظر بسیار مدش و با عظمتی که قلم وی خلق نموده جلب می‌گردد.

کریستوفر مارلو در سال ۱۵۹۳ در منازعه‌ای به ضرب کارد از پای درآمد و به زندگی وی که می‌توانست بسیار پربار باشد خاتمه داده شد.

پانویس ها

1- Tamburlaine the Great ١٠١٥٨٧

۲. دکتر فاوستوس *The Tragical history of Doctor Foustus* ترجمه لطفعلی صورنگر، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰.

۳. فاوست *Faust*، ترجمه ابدالله مبشری، تهران ۱۳۴۲، انتشارات توس.

4- Mephistopheles

5- The jew of Malta

6- Edward II ١٠١٥٨٧

منابع

۱. تاریخ تمدن، (کتاب هفتم) ویل واریل دورانت، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، انتشارات جیبی، ۱۳۴۸.

۲. تاریخ تئاتر جهان، اسکار. کبراکت، ترجمه هوشنگ آزادی‌ور، تهران، نشر نقره و مازیار، ۱۳۶۳.

3 -Dictionary of Theatre, John Russel Taylor Penguin Reference Book.

4 -Encyclopedia of World, Drama Mc Graw Hill.

William Shakes Peare**ویلیام شکسپیر ۱۶۱۶-۱۵۶۴م**

ویلیام شکسپیر در بیست و سوم آوریل ۱۵۶۴ در استراتفورد^۱ متولد شد، بر اساس دفتر ثبت کلیسای استراتفورد ویلیام شکسپیر در روز بیست و ششم همان ماه غسل تعمید یافته.

پدرش جان شکسپیر^۲ مالک دباغ و فروشنده دستکش و مادرش ماری آردن^۳ از یک خانواده اصیل و ثروتمند در همان ناحیه بود، این زوج صاحب هشت فرزند شدند که سه تن از آنان در کودکی درگذشتند و چهار پسر و یک دختر از آنها باقی ماند که به ترتیب ویلیام^۴، ادموند^۵، ریچارد^۶، ژیلبرت^۷ و جوان^۸ نامیده شدند.

سالهای نخست زندگی ویلیام در آسایش و رفاه سپری شد. دوران ابتدائی تحصیل را در یک مدرسه زبان به فراگیری زبانهای لاتین و یونانی گذرانید، در آن زمان در انگلستان زبان لاتین از مهمترین دروس مدارس بود.

در سال ۱۵۷۷ هنگامی که سیزده سال بیشتر نداشت پدرش ورشکست شد و خانواده اش به فقر و تنگدستی گرفتار گردید. ویلیام شکسپیر تحصیل را نیمه کاره رها کرد و شروع بکارهای مختلفی کرد تا از این طریق خانواده اش را یاری کند.

آشنائیش با تئاتر از طریق نمایشنامه های بازیگران سیاری که به شهر استراتفورد می آمدند انجام



ویلیام شکسپیر

گرفت. این آشنائیا علاقه فراون او را برانگیخت. تردیدی نیست که شکسپیر متعلق به خانواده‌ای بود که علاقه بسیاری به هنرهای نمایش داشت و مطمئناً او در جریان این نمایش‌ها صحنه‌هائی را شاهد بود، که اثرات آن را بعدها در آثارش مشاهده می‌کنیم.

هیجده ساله بود که با آن‌هاثاوی^۱ ازدواج کرد. همسرش هشت سال از او بزرگتر بود و این اختلاف سن در زندگی زناشویی آنها سبب بروز اختلافاتی بوده است. در داستان «مرد شب بیستم» شکسپیر بعنوان هشدار به ازدواج‌هائی که داماد جوانتر از عروس است، بگونه‌ای یادآور، تجربه‌ی زندگی خود را بازگو می‌کند. در سال ۱۵۸۵ هنگامی که بیست و یکسال بیشتر از عمرش نمی‌گذشت پدر سه فرزند بود و در ۱۵۸۸ زادگاهش استراتفورد را ترک کرد و در شهر لندن اقامت اختیار کرد. در همین شهر با علاقه‌ای که به تئاتر داشت بسراغ تماشاخانه‌ها رفت و کم‌کم بدرون آنها راه یافت مدتی بکار تصحیح و اصلاح نمایشنامه برای تئاترهای لندن اشتغال داشت. براساس مدارک موجود حدود سالهای ۱۵۹۱ شروع به نوشتن نمایشنامه کرد. نخستین اثرش منظومه‌ای است به نام «ونوس و آدونیس»^۲ که در سال ۱۵۹۲ نوشته شد و توسط انتشارات ریچارد فیلد^۳ به بازار عرضه گردید. يك سال بعد منظومه‌ی دیگری به نام تجاوز لوکرس^۴ از شکسپیر توسط همان انتشارات بچاپ رسید. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که شکسپیر در فاصله ۱۵۹۲-۱۵۹۸ حداقل دوازده نمایشنامه نوشته است.

نویسنده‌ای به نام فرانسیس میرس^۵ در کتابش که رساله‌ای است درباره‌ی اخلاق، دین و ادبیات و در سال ۱۵۹۸ بچاپ رسید، از شکسپیر هم نام می‌برد و آثار او را با آثار سنکا^۶، پلوتوس^۷، هوراس^۸، هومر^۹ سوفکل^{۱۰} قابل مقایسه شمرده است. در سال ۱۵۹۶ هملت^{۱۱} تنها پسرش در سن یازده سالگی از دنیا رفت، غم و اندوه این مصیبت در روحیه و آثارش بعد از این واقعه بخوبی مشهود است. برخی از محققین بر این عقیده‌اند که آغاز دوره‌ی تیره در آثار شکسپیر با مرگ فرزندش هم‌زمان است. در لندن شکسپیر به‌مراه يك گروه تئاتری به نام «چمبرلین»^{۱۲} شروع بکار تئاتر کرد. در سال ۱۵۹۷ یکی از نخستین نمایشنامه‌های کمدی او بنام «تلاش بیهوده عشق»^{۱۳} در حضور ملکه نمایش داده شد و بسیار مورد توجه قرار گرفت. شکسپیر از این زمان مورد لطف و حمایت دربار قرار گرفت و با دریافت مقرری به‌دور از قیدوبند و سانسور به آفرینش آثار جدید پرداخت. نمایشنامه هملت^{۱۴} در ۱۶۰۳ برای نخستین بار منتشر شد و يك سال بعد هنگامی که همین اثر بصورت کاملتری منتشر گردید در زمره‌ی بهترین آثار شکسپیر قرار گرفت. در همین هنگام نمایشنامه‌های هرچیز خوب است که پایانش خوب است^{۱۵} اتللو^{۱۶} و زنان شاد ویندسور^{۱۷} به شهرت وی افزود و شهرت بازیگری‌اش هم بکمال رسید. گروه چمبرلین در ماه مه ۱۶۰۴ نمایشنامه کمدی



یک صحنه از تاجر ونیزی - اثر ویلیام شکسپیر

فستیوال استراتفورد - ۱۹۸۵

اشتباهات^{۲۰} و در ژانویه ۱۶۰۵ نمایشنامه درد عشق از دست رفته^{۲۱}، هائری پنجم^{۲۲}، و تاجر ونیزی^{۲۳} را در دربار اجرا کرد. این اجراها دربار انگلستان را بشدت افسون کرد.

گروهی که شکسپیر در آن بود بخاطر اجراهایش در بین مردم و نیز بزرگان دربار به محبوبیتی شایان دست یافته و به خاطر گسترش دامنه فعالیتهايش در ۱۶۰۷ موفق شد سالن قماشخانه‌ای را در يك صومعه متروك خریداری کند. این سالن كوچك گنجایش زیادی نداشت اما حسنش آن بود که تنها تئاتر سرپوشیده لندن محسوب می‌شد، احتمال دارد که شکسپیر نمایشنامه‌های تیمون آتنی^{۲۴}، آنتونی و کلئوپاترا^{۲۵}، کوریولانوس^{۲۶} را که در زمرد آثار برجسته‌او هستند برای اولین بار در همین محل به صحنه آورده باشد. نمایشنامه شاد لیر^{۲۷} که یکی از بزرگترین آثارش محسوب می‌شود را در سال ۱۶۰۶-۷ نوشت. پیش از آن تراژدی مکبث^{۲۸} را که از تاریخ اسكاتلند گرفته شده بود منتشر کرد. گویا در عرضه تئاتر از این پس همه چیز برای این مرد ممکن به نظر می‌رسید.

همین ایام دخترش ازدواج می‌کند و کمی بعد مادرش می‌میرد، شکسپیر برای مدتی به زادگاهش استراتفورد بازمی‌گردد، زندگیش بیشتر از همیشه بین سالنهای تئاتر لندن و خانه‌اش در نیویلیس^{۲۹} جریان دارد. در سال ۱۶۱۱ لندن را ترك می‌کند و به زادگاهش و جانی که کودکی را سپری کرده بازمی‌گردد تا سه اثر زیبای خود را به نامهای «سیمبلن»^{۳۰} «افسانه زمستانی»^{۳۱} و «طوفان»^{۳۲} را در آرامش و صفا خلق کند و تا مدتها بجز مسافرتهاى کوتاه به پایتخت از این انزوا خارج نشد و آخرین سالهای زندگیش را در آرامش و صفای روستا گذراند. بگفته پرستلی، «او بخاطر شگفتی و شادمانی نسلهای مردم عادی، در اعماق وجود خوش فرو رفت و در ژرفای آن برکنار ورطه‌ها آویخت، چندان که به مرزهای جنون نزدیک شد، و به اوجهای شادی و رقت و عشق و محبت دست یافت».

در ماه مارس ۱۶۱۶ شکسپیر بیمار شد و این بیماری در ۲۴ آوریل همان سال هنگامی که او ۵۲ سال بیشتر نداشت او را از پای درآورد. در بیست و پنجم همان ماه در کلیسای محلی استراتفورد او را بخاك سپردند، و آرامگاه او و همچنین خانه‌اش، همواره زیارتگاه دوستداران ادبیات و هنر گردید.

گنجینه بی نظیری که شکسپیر از خود بجای گذاشت قریب سی و هشت نمایشنامه را در برمی‌گیرد که در آنها از داستانها و نمایشنامه‌های قدیمی و نیز تاریخ و اساطیر و بسیاری منابع دیگر الهام گرفته است. وی آثار مهم ادبیات جهان را مطالعه کرده بود، دو منبع مهمی که برای شکسپیر قابل استفاده بود یکی وقایع نامه انگلستان، اسكاتلند و ایرلند و دیگری زندگینامه مردان بزرگ اثر پلوتارک^{۳۳} است که عموماً آثار تاریخی مربوط به روم باستان از آنها اقتباس شده است.



صحنه ای از نمایشنامه تلاش بیهوده عشق

اثر ویلیام شکسپیر



۱۳۸۶ - ۱۳۸۷ - ۱۳۸۸



یک صحنه از مکبث - اثر ویلیام شکسپیر

لندن ۱۹۷۷

آثار شکسپیر را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد، تاریخی، کمدی و تراژدی‌ها.

در نمایشنامه‌های تاریخی بیشتر با گذشته سرزمین انگلستان بخصوص دوران جنگهای معروف به رز Rose مواجه هستیم، در این آثار بخوبی مهارت شکسپیر را در بکار گرفتن مسائل تاریخی برای صحنه تئاتر می‌بینیم از آن جمله می‌توان از نمایشنامه‌های ریچارد سوم^۱، هنری ششم^۲ و هنری هشتم^۳ نام برد در کمدی، شکسپیر سبک‌های مختلفی را آزموده است نمایشنامه کمدی اشتباهات^۴، براساس نوشته‌ای از پلوتوس^۵ تنظیم شده است، رام کردن زن سرکش^۶ و زنان بیوه ویندسور^۷ از نوع کمدی‌های فارس^۸ بشمار می‌روند، رویا در شب نیمه تابستان^۹، هرطور که بخواهید^{۱۰} و شب دوازدهم^{۱۱} از نوع کمدی رمانتیک هستند. هرچیز خوب است که پایانش خوب باشد، کیفر متعادل بودن^{۱۲} و تربلوس و کرسیدا^{۱۳} در ردیف نمایشنامه‌های جدی هستند که آنها را کمدی تاریک^{۱۴} می‌نامند.

اما در تراژدی است که شکسپیر نبوغ خود را به اثبات می‌رساند. او از پی‌قرنها بعد از اشیل^{۱۵} و سوفکل به تراژدی تحولی جدید و بعدی جهانی بخشید. گرچه تفاوت عظیمی بین مفهوم یونانی تراژدی و مفهوم شکسپیری آن وجود دارد، قهرمانان تراژدی‌های یونان باستان از اراده آزاد و انتخاب بهره‌ای ندارند، سرنوشت انسان را خدایان در اختیار دارند و از تقدیر گریزی نیست. و انسان قادر به مقابله و ستیز با خدایان نمی‌باشد. اما قهرمانان شکسپیر قدرت انتخاب دارند و از اراده آزاد بهره‌مندند. اما بدلیل ضعف‌هایی که در شخصیت قهرمانان نهفته است دچار سقوط می‌گردند، مکبث مردی بلندهمت و جادطلب ولی ضعیف است، اتللو شجاع، بیباک اما حسود است هملت باهوش و زیرک است اما از اتخاذ تصمیم عاجز است اینها می‌توانستند بیاموزند که چگونه عیب‌هایشان را بشناسند و خود را به انسانهای بهتری ارتقاء دهند و سرنوشتشان را خود در اختیار گیرند، هیچ‌چیز بیرون از وجودشان آنها را از اتخاذ و گزینش راه درست بجای مسیر نادرست و یا راهی اندوده‌ساز و فاجعه‌آفرین مانع نمی‌گردد.

هملت، رمثوژولیت^{۱۶}، اتللو، لیرشاه، ژولیوس سزار^{۱۷}، مکبث، آنتونی و کلئوپاترا، ریچارد سوم، هنری چهارم، تراژدی‌هایی هستند که شکسپیر با هنرمندی تمام آفریده است. نمایشنامه تیتوس آندرنیکوس^{۱۸}، از آثار سنکا نمایشنامه‌نویس رومی الهام گرفته شده است. از دیگر آثار شکسپیر می‌توان از نمایشنامه‌های هنری ششم^{۱۹} قسمت اول، دوم و سوم، دو نجیب‌زاده از ورونا^{۲۰}، ریچارد دوم^{۲۱}، شاه‌ژان^{۲۲}، هیاوی بسیار برای هیچ^{۲۳}، هنری چهارم^{۲۴} قسمت اول و دوم، هنری پنجم^{۲۵}، هاریسن^{۲۶} اندازه به اندازه^{۲۷}، پریکلس^{۲۸}، هنری هشتم^{۲۹} و مجموعه اشعار نام برد.



صحنه ای از نمایش هیاهوی بسیار برای هیچ

فستیوال تئاتر کانادا ۱۹۸۷



صحنه ای از نمایشنامه زنان شادویندسور

فستیوال استراتفورده ۱۹۸۵



مکبث اثر ویلیام شکسپیر

اجرا توسط هنرمندان تناتر سنگال در تناتر ملل - پاریس



لیرشاه - اثر ویلیام شکسپیر



صحنه‌ای از نمایشنامه هملت اثر ویلیام شکسپیر

- 1- Stratford-on-Avon
- 2- Shaksper
- 3- Mary Arden
- 4- William
- 5- Edmond
- 6- Richard
- 7- Cibr
- 8- Joun
- 9- Aenne Hathaway
- 10- Venus and Adonis
- 11- Richardfild
- 12- The Rape of Lucrece
- 13- Francis Miras

۱۴. Seneca سنکا تراژدی‌نویس بزرگ رومی (۴ سال قبل از میلاد ۶۷ میلادی).
۱۵. پلوتوس Plautus قدیمیترین نمایشنامه‌نویس روم باستان (۲۴۴-۱۸۴ قبل از میلاد).
۱۶. Horace شاعر رومی (۶۵.۸ پیش از میلاد).
۱۷. Homer هومر شاعر یونانی تولد و مرگ بین قرن دهم تا هشتم ق.م.
۱۸. Sophocles نمایشنامه‌نویس یونانی ۴۹۵-۴۰۶ پیش از میلاد.

- 19- Hamnet
- 20- Chamberlain's Men
- 21- Love's Labour's Lost
- 22- Hamlet
- 23- All's Well That Ends Well
- 24- Othelo
- 25- The Merry Wives of Winds
- 26- Comedy of Errors
- 27- Love's Labour's Lost
- 28- Henry VI
- 29- The Merchant Venice
- 30- Timon of Athen's
- 31- Antony and Cleopatra
- 32- Conio Ionus
- 33- King Lear
- 34- Macbeth
- 35- New Piece
- 36- Cymdeline

- 37- *The Winter's Tale*
- 38- *Tempest*
- 39- *Plutarch* تاریخ نویس (۴۶. ۲۷ میلادی)
- 40- *Richard III*
- 41- *Henry VI*
- 42- *Henry VIII*
- 43- *Comedy Oferrors*
- 44- *Plautus*
- 45- *The Taming of The Sherw*
- 46- *The Merry Wives of Windsor*
- 47- *Farce*
- 48- *A Midsummer Nighe's Dream*
- 49- *As you liker*
- 50- *Twelfth Night*
- 51- *Measur for measure*
- 52- *Troilus and Cressida*
- 53- *Dark Comedy*

۵۴. *Aeschylus* اشیل از نخستین تراژدی نویسان جهان در یونان (۴۵۶-۵۲۵)

- 55- *Romeo and Juliet*
- 56- *Julius Caesar*
- 57- *Titus Andronicus*
- 58- *Henry VI Part, Part*
- 59- *Two Gentlemen of Verona*
- 60- *Richard*
- 61- *King Jhohn*
- 62- *Mach ado About Nothing*
- 63- *Henry V Part I; Part*
- 64- *Henry5*
- 65- *Harrison*
- 66- *Measure for Measure*
- 67- *Penciles*
- 68- *Henry*

منابع

- 1- *A Dictionary of the Theatre, John Russell Taylor*
- 2- *World Drama Mc Graw-Hill Encyclopedia Vol 4*

۳. شکسپیر، زندگی نامه، نقد و نظر، مجموعه چند مقاله، جان پاریس، ترجمه نسرین پورحسینی چاپ انتشارات تئاتر شهر.

۴. شاهکارهای شکسپیر، ترجمه و نگارش م.ب. آذینفر.

۵. مقدمه تلاش ببهوده عشق، اثر ویلیام شکسپیر ترجمه دکتر علاءالدین بازارکادی، بنگاه ترجمه نشر کتاب.

۶. سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم بونسی، سازمان جیبی.

۷. فصل نامه هنر شماره (۵) زمستان ۶۲، بهار ۶۳، فرهنگسرای نیاوران.

آثار شکسپیر که بفارسی ترجمه شده

شکسپیر، ویلیام (۱۵۶۴-۱۶۱۶)

Shakespeare, William

اتللو Othello ترجمه داریوش شاهین، تهران، مهرگان، ۱۳۵۴.

چاپ اول، بارانی ۱۳۴۴.

شکسپیر.

تراژدی مکبث Macbeth ترجمه فارسی با متن انگلیسی، فرنگیس شادمان (نمازی)، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۰، ۵۱+۱۰۱ صفحه.

شکسپیر

تراژدی قیصر، در ۵ پرده Julius Caesar، ترجمه فرنگیس شادمان نمازی تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱، ۱۷۷ صفحه، چاپ اول ۱۳۳۴.

شکسپیر

پنج درام از شکسپیر، ترجمه علی اصغر حکمت، تهران ۱۳۲۶، ۲۰۸ صفحه.

شکسپیر

تاجر ونیزی The Merchant of Venice، ترجمه علام‌الدین بازارگادی تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰، ۱۸۲ صفحه مصور.

شکسپیر

ریچارد سوم ترجمه رضا براهنی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۳، ۲۱۱ صفحه، مصور.

شکسپیر

اتللو، ترجمه محمود اعتمادزاده، تهران، نشر اندیشه ۱۳۴۹، ۱۷۱ صفحه چاپ اول ۱۳۳۷ بهاء ۱۸۰ ریال.

شکسپیر

اشتباهات خنده آور، The Comedy of Errors ترجمه عباس آرین پور کاشانی، تهران.

شکسپیر

پنج حکایت از ویلیام شکسپیر، ترجمه نوذر، تهران ۱۳۳۰، ۱۲۷ صفحه.

شکسپیر

تیمون آتنی Timon of Athens ترجمه رضی معظمی، تهران، آسیا ۱۳۵۱، ۱۴۷ صفحه، ۷۵ ریال.

شکسپیر

جولیوس قیصر و شرح حال شکسپیر: Julius Caesar ترجمه میرزا محمدخان بهادر، بصره ۱۲۰۴، ۱۹۴ صفحه.

شکسپیر

داستان غم‌انگیز اتللو مغربی دروندیک Othello ترجمه ابوالقاسم ناصرالملک (قراگوزلو) زیر نظر حسینعلی قراگوزلو، تهران، زمان، ۱۳۴۷ چاپ اول، پاریس ۱۹۶۱م.

شکسپیر

دو جوان در شهر ورونا، Two Gentlemen of Verona ترجمه ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.

شکسپیر

رمنو و ژولیت یا لیلی و مجنون غرب Romeo and Juliet ترجمه عزیزالله سامان، تهران، مروج ۱۳۱۷، ۳۰۰ صفحه.

شکسپیر

رویا در شب نیمه تابستان ترجمه مسعود فرزاد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۲، ۱۸۴ صفحه، چاپ اول ۱۳۲۰ بهاء ۱۵ تومان.

شکسپیر

شاهکارهای ویلیام شکسپیر، ترجمه م.ب آذینفر، تهران، ۱۳۳۹ و ۲۵۲ صفحه، بهاء ۷۵ ریال.

شکسپیر

شاهکارهای شکسپیر، هاملت، رمنو و ژولیت، مکبث، ترجمه سلطان حمیدامیر سلیمانی تهران، خاور، ۱۳۰۷، ۶۸ صفحه.

شکسپیر، ویلیام

شب دوازدهم، کمدی در پنج پرده Twelfth Night، ترجمه افضل وثوقی تهران، رادیو تلویزیون ملی ایران ۱۳۵۴، ۱۱۰ صفحه.

شکسپیر، ویلیام

طوفان Teh Tempest ترجمه ابراهیم یونسی، تهران، نشر اندیشه ۱۳۵۱ ص ۱۷۴، بهاء ۲۰۰ ریال.

شکسپیر، ویلیام

قصه زمستانی The Winter's Tale ترجمه ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.

شکسپیر، ویلیام

کوریلانوس Coriolanus ترجمه علاءالدین بازارگادی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۷.

۲۲۷ صفحه مصور.

شکسپیر، ویلیام

لیر شاه King Lear ترجمه جواد پیمان، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۳۹. ۲۰۰. ۷۸

صفحه بها...

شکسپیر، ویلیام

غایشنامه خنده آور شب دوازدهم یا (هرچه بخوای) ترجمه علاءالدین بازارگادی تهران بنگاه

ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۴ قیمت ۲۴ تومان.

شکسپیر، ویلیام

غایشنامه غم انگیز آنتونی و کلئوپاترا. ترجمه علاءالدین بازارگادی. تهران، بنگاه ترجمه و نشر

کتاب ۱۳۴۴. ۲۲۷ صفحه مصور. ۲۶ تومان.

شکسپیر، ویلیام

غایشنامه رمثو و ژولیت، ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۵۱. صفحه ۲۲۳. چاپ اول ۱۳۴۴.

شکسپیر، ویلیام

هفت داستان، شامل، رویای شبی در تابستان و اشتباهات مضحك، جنجال زیاد بر سر هیچ،

دلدادگان «تاجر ونیزی، شب دوازدهم» تلخیص کننده س.ک ویلیامز، ترجمه فریده قرچه داغی تهران،

بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۷، ۱۷۳ صفحه.

شکسپیر، ویلیام

همانطور که دلت می خواهد. As you like it ترجمه ابوالفتح اوژن بختیاری، تهران.

شکسپیر، ویلیام

هملت Hamlet ترجمه داریوش شاهین تهران، فخررازی ۱۳۴۴، ۲۷۸ صفحه مصور.

شکسپیر، ویلیام

هملت مسعود فرزاد، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب. ۱۳۴۸. ۲۷۲ صفحه چاپ اول ۱۳۱۹.

مجله موسیقی.

شکسپیر، ویلیام

هیاهوی بسیار برای هیچ Much ado About Nothing ترجمه عبدالحسین نوشین، تهران کتابخانه
ایران ۱۳۲۹، ۱۲۸ صفحه.

شکسپیر، ویلیام

هملت شاهزاده دانمارک Hamlet ترجمه محمود اعتمادزاده (به آذین)، تهران، نشر اندیشه ۱۳۵۱،
۲۲۸ صفحه، ۱۸۰ ریال.

شکسپیر، ویلیام

تلاش بیهوده عشق، ترجمه دکتر علاءالدین بازارگادی، تهران ۲۵۳۶، بنگاه ترجمه و نشر کتاب
۲۱۱ صفحه بها، ۳۸ تومان.

شکسپیر

مکبث ترجمه دکتر عبدالرحیم احمدی با مقدمه مورس مترلینگ، تهران ۱۳۵۴ «چاپ چهارم»
چاپ اول «۱۳۳۶» انتشارات نشر اندیشه ۱۹۲ صفحه ۲۲۰ ریال.

شکسپیر

به تربیت درآوردن دختر تندخوی ترجمه حسینقلی سالور (عمادالسلطنه)
بها: ۴۰۰ ریال تهران نشر نقره ۱۳۶۴.

Ben Jonson**بن جانسن (۱۶۳۷-۱۵۷۲م)**

بنجامین جانسن^۱ که از او بنام بن جانسن یاد می‌شود. هنرپیشه، شاعر و نمایشنامه‌نویس مشهور دوره الیزابت، در یازدهم ژوئن ۱۵۷۲ در ناحیه وست‌مینستر^۲ لندن به دنیا آمد.

نژادش اصلاً اسکاتلندی بود و پدرش ابتدا ثروتی داشت که بعدها در کشمکش‌های مذهبی دوره سلطنت ملکه ماری تنودور^۳ که در انگلستان بوقوع پیوست دارائی خود را از دست داد و در مسلک کشیشان درآمد. ملکه ماری که یک کاتولیک متعصب بود با همه پیروان ادیان و مسلک‌های دیگر دشمنی داشت و این نفرت تا بدانجا بود که در دوران فرمانروائی او بیش از سیصد نفر را بجرم بی‌دینی زنده‌زنده در آتش سوزاند. بهر حال پدر بن جانسن عمرش چندان نپائید و یکی دوماه پس از ولادت او پدرش چشم از جهان فرو بست و مادرش که با تنگدستی و فقر دست بگریبان بود برای ادامه زندگی شوهر دوم برگزید. ناپدریش به شغل بنائی اشتغال داشت، بن جانسن برای ورود به مدرسه ناچار بود با ناپدریش کار کند و درآمد اندکش را برای خرج تحصیل پس انداز کند. در یک آموزشگاه خصوصی کلیسای سن مارتین^۴ تحصیلات ابتدائی را فراگرفت و سپس به آموزشگاه وست‌مینستر وارد شد. در آنجا به تحصیل ادبیات یونان و رم پرداخت، در ۱۵۸۹ برای کمک به خانواده‌اش ناگزیر شد درسش را رها کند و با ناپدریش به کار بنائی بپردازد. اما از آنجا که این



بن جانسن

شغل را هیچوقت دوست نداشت به سپاهی از سربازان انگلیسی که عازم جبهه‌های فلاندر^۳ بودند پیوست (بین ۹۷ تا ۱۵۹۱) بزودی از شغل سربازی هم خسته شد و به لندن بازگشت يك چند در جستجوی کار بود. برای مدتی بهمان حرفه سابق یعنی بنائی پرداخت، و با دختری بنام آن‌لونی^۴ آشنا شد و با او ازدواج کرد (۱۵۹۴).

آنها صاحب چهار فرزند شدند و این زن با همه سختی‌ها تا زمان مرگ از شوهرش جدا نشد. آشنائی بن‌جانسن با گروه بازیگران تئاتر مسیر زندگیش را تغییر داد. يك چند بعنوان بازیگر در گروه‌های سیار تئاتر شروع بکار کرد و با نمایشنامه‌نویسان آن زمان آشنا شد. سپس به اصلاح و تصحیح نمایشنامه‌های گوناگون پرداخت تا اینکه یکی از دست‌اندرکاران تئاتر بنام توماس‌ناش^۵ باو پیشنهاد کرد که در نوشتن نمایشنامه با وی همکاری کند. بن‌جانسن پذیرفت و حاصل این همکاری نمایشنامه طنزآمیزی بود بنام جزیره سگها^۶، که در آن سخت به طبقه حاکمه تاخته بود. این اثر در سال ۱۵۹۷ بصحنه رفت لیکن از سوی شورای سلطنتی این اثر «فتنه‌انگیز» تلقی شد و دستور داده شد اجرای آنرا متوقف و نمایشنامه را هم تعطیل نمایند، و عوامل این اثر را توقیف کنند. بن‌جانسن برای مدتی به زندان افتاد، بعد از چند ماه با پرداخت وجه‌اضمانی از زندان آزاد شد. یکسال بعد اولین کمدی او در تماشخانه گلوپ^۷ بصحنه رفت، ویلیام شکسپیر که هشت‌سال از وی بزرگتر بود، در این نمایشنامه بازی داشت.

از این سال تا اواخر ۱۵۹۷ اطلاع زیادی از احوال او در دست نیست، همینقدر می‌دانیم که در تئاترهای بسیار بکار بازیگری سرگرم بوده است، اما یکی از دلایلی که وی در بازیگری به موفقیتی نرسید و حتی بنحوی مزاحم ادامه کارش گردید ابتلا به بیماری اسکربوت^۸ است، در نتیجه این بیماری صورتش زیاد خوش‌منظر نبود، از سوی دیگر لجاجت و بجا نیاوردن مرتب خضوع و خشوع در نزد اشراف غالباً برایش دردسر ایجاد می‌کرد.

در سال ۱۵۹۸ نخستین اثر موفق او به‌صحنه رفت، این اثر يك نمایشنامه کمدی بود با نام «هر انسانی اسیر مزاج خویش است»^۹. این نمایشنامه در زمان اجرا مورد تمسخر یکی از بازیگران گروه رقیب بنام گابریل اسپنسر^{۱۰} قرار گرفت، بن‌جانسن که سخت از این امر رنجیده‌خاطر شده بود، او را به دونل دعوت کرد، حاصل این مبارزه تن‌به‌تن کشته شدن رقیب و زخمی شدن خود بن‌جانسن بود. او را به جرم آدم‌کشی به زندان انداختند. در زندان به مذهب کاتولیک درآمد و شروع به مطالعه در زمینه الهیات نمود.

پس از چندی با حمایت مقامات کلیسا محاکمه شد و با استفاده از امتیازات مخصوص افراد روحانی که برطبق آن ایشان را شرعاً و نه عرفاً محاکمه می‌کردند آزاد گردید، با این حال بعد از



صحنه ای از اجرای «ولپن» اثر بن جانسن

محاکمه بنا بر رسم آن زمان علامتی با آهن گذاخته بر دست او حك شد تا اگر بار دیگر مرتکب قتل گردید او را به آسانی بازشناسند.

يك چند شروع به کار نمایش کرد اما بار دیگر در اواخر سال ۱۵۹۸ به سبب عدم پرداخت بدهیش به هنرپیشه‌ای به نام رابرت براون^{۳۲} روانه زندان شد. اما بزودی با ضمانت یکی از دوستان سرشناسش آزاد گردید. بن جانسن پس از آزادی نمایشنامه دیگری نوشت تحت عنوان «هر انسانی خارج از مشرب خویش است»^{۳۳}. این اثر در سال ۱۵۹۹ توسط گروه بازیگران شکسپیر به صحنه رفت. در این نمایشنامه بن جانسن به همکاران خود پیشنهاد کرد که لندن را همانگونه که هست نشان دهند. او می‌گفت «آینه‌ای به بزرگی صحنه‌ای که در آن بازی می‌کنیم در برابر مردم بگذاریم»^{۳۴}. اجرای این اثر هرچند بر تعداد دشمنان نویسنده‌اش افزود اما از پولی که نصیبش شد توانست بدهی‌های عقب‌افتاده خود را بپردازد.

در همین احوال کم‌دی دیگرش را تحت عنوان خوشگذرانیهای سینتا^{۳۵} را آماده نمود که در آن کلیسا را مورد استهزاء و انتقاد قرار داد.

نمایش بعدیش بنام سقوط سجاوس^{۳۶}، ۱۶۰۳ تراژدی چندان موفق نبود. در اطراف این نمایشنامه که بعقیده برخی از مردم، مطالب سیاسی خطرناکی را مطرح می‌کرد سروصدا بالا گرفت و بن جانسن را به دادگاه کشاندند. در دادگاه او متهم به خیانت شد ولی بدون هیچ‌گونه کیفر و مجازاتی آزاد شد.

شعرباف^{۳۷} نمایش دیگر بن جانسن هجو یکی از شاعران هم‌عصر اوست و آن‌گاه ترك خانه و کاشانه‌اش پیش می‌آید اما در طول این مدت موفق گردید عمده‌ترین اثر طنزآمیز خود را به نام ولپن^{۳۸} به رشته تحریر درآورد (۱۶۰۵)، ولپن پیرمردیست پیر و مکار که برای فریب دیگران و بدست آوردن هدایا خود را به بیماری می‌زند، دیگران در صدند که به نوعی میراث‌خوار این پیرمرد طماع شوند، اما تیر همگی آنها به سنگ می‌خورد. نمایشنامه که نشان دهنده فساد طبقات اجتماع در آن عصر است سخت مورد توجه قرار گرفت و نام نویسنده‌اش را بلندآوازه کرد.

نمایشنامه «آهای بطرف شرق»^{۳۹} (۱۶۰۵) را بن جانسن با همکاری «ج. چاپمن»^{۴۰} نوشت. این نمایشنامه را دولت به بهانه این که در آن به اسکاتلندیها و پادشاهانشان اهانت گردیده مورد تعقیب قرار داد و همه دست‌اندرکارانش را بازداشت نمود. پس از چندی با وساطت دوستان آنانرا آزاد کردند.

نمایشنامه دیگر او به نام «نقاب‌سیاهی»^{۴۱} همچون آثار یونان باستان با بکارگیری و استفاده از

ماسک و لال بازی تنظیم شده است که این شیوه در آن عصر نیز معمول بوده است. دوران سلطنت جیمز اول در انگلستان مایه رونق بازار آثار نمایشی بن جانسن گردید. در این زمان او برای دربار نمایش می نوشت، برای تئاترهای عمومی هم چند نمایشنامه نوشت که معروفترین آنها، اپی سن^{۲۲} یا زن کم حرف، کاتی لینا^{۲۳}، و کیمیاگر^{۲۴} را می توان ذکر کرد.

کیمیاگر یکی از آثار درخشان بن جانسن محسوب می شود که امروز هم در تئاترهای جهان مکرر به صحنه می رود. این اثر سرگذشت يك نجیب زاده انگلیسی را بازگو می کند که بهنگام شیوع طاعون خانه خود را در اختیار خادمش می گذارد و به روستائی دوردست پناه می برد. خدمتگزار در غیاب اربابش خانه را محل رفت و آمد جمعی از افراد ماجراجو از جمله کیمیاگری به نام سابل^{۲۵} قرار می دهد و حوادثی که توسط این کیمیاگر بوجود می آید و سپس بازگشت نجیب زاده از روستا کمدی دلنشینی به وجود می آورد. آن گاه بن جانسن يك کمدی به نام بازار مکاره بارتولئو^{۲۶} می نویسد که در آن فرقه مذهبی «پیورتین»^{۲۷} ها را مورد انتقاد قرار داد.

در حوالی ۱۶۱۴ بن جانسن در مقام نمایشنامه نویسی مشهور و ادیبی سرشناس مورد توجه محافل ادبی و هنری قرار گرفت. سروالترالی که از دوستانش بود از وی خواست تا در نگارش کتاب تاریخ جهان^{۲۸} او را یاری نماید. رالی پس از اتمام کار سرپرستی پسر خود را به بن جانسن سپرد و آنها را برای مدتی روانه پاریس کرد، و پس از دوسال در سال ۱۶۱۶ به لندن بازگشت و نمایش بعدیش را به نام شیطان خر است^{۲۹} را عرضه کرد.

در سال ۱۶۱۸ سفری به اسکاتلند کرد و سپس برای مدتی در ادینبورگ^{۳۰} مستقر شد. در سال ۱۶۲۱ ریاست و سرپرستی نمایشات دربار باو واگذار شد و پس از مرگ شکسپیر او رهبر مسلم صنف شاعران به شمار می رفت و در حکم ملك الشعراي دربار انگلستان بود و برای مدتی وضع زندگیش رضایت بخش بود. اما این آرامش دیری نپایید. در سال ۱۶۲۳ خانه اش طعمه حریق شد و کتابخانه ای که در آن نسخه های منحصر به فرد آثارش در آن بود همه سوخت و خاکستر شد.

از شواهد موجود چنین برمی آید که از ۱۶۲۵ به علت نزاع با مقامات دربار و هم چنین درگذشت شاه جیمز پادشاه انگلستان مقرر می شود که او نیز قطع گردید و اجرای چند اثرش با شکست روبرو شد، بار دیگر فقر چهره کربه خود را بر او نمایاند. دشمنانش هم بی کار نشستند و در سال ۱۶۲۸ به او تهمت شرکت در قتل یکی از اشراف سرشناس انگلستان به نام بوکینگهام^{۳۱} وارد نمودند و او مدتها گرفتار بازجویی و بازپرسی بود تا سرانجام بی گناهیش به اثبات رسید. در همین سال در اثر بیماری قسمتی از بدنش فلج شد به حدی که دیگر قادر نبود از بستر خویش بیرون آید. وقتی فقر فشارش

را بیشتر کرد همه نمایشنامه هایش را به مبلغی معادل دویست لیبره فروخت، چارلز اول در سال ۱۶۲۹ پس از اطلاع از فقر و بیماری بن جانسن مبلغ صد لیبره برای او فرستاد. اما روزی روز شهرتش روبه افول نهاد، همسر و فرزندانش هم مردند و او یکه و تنها در بستر بیماری و فقر مدت هشت سال در شرایط ناگوار به سر برد، اثری که از این دوره از او برجای مانده منظومه ای است با نام شبان دردمند^{۳۴}، که ناقص برجای ماند، این منظومه دراماتیک در حقیقت شرح حال ملال انگیز سالهای آخر زندگی اوست.

سراجم در ششم اوت ۱۶۴۷ در سن ۶۵ سالگی در لندن چشم از جهان فرو بست. او را در وست مینستر به خاک سپردند و بر سنگ گورش این جمله را نوشتند: «ای بن جانسن نایاب». بن جانسن پس از شکسپیر بزرگترین درام نویس زمان خود محسوب می شود. وی علاوه بر نمایشنامه نویسی اشعار غنائی دل انگیزی هم سروده است و در زمینه نقد آثاری از وی برجای مانده. اما کم دیهای اوست که نامش را همیشه زنده می دارند. در این آثار که نشانگر دقت و تیزبینی نویسند آنهاست کاریکاتورهائی از مردمان زمان خود را همراه با خصلت هائی چون پول پرستی طمع، خست و حقه بازی ترسیم می کند و اعمال و رفتار حماقت آمیز برخی انسانها را مورد انتقاد قرار می دهد.

- 1- Benjamin Jonson
- 2- Westminster
۳. ماری تئودور *Mary Tudor*. دختر هانری هشتم وزن فیلیپ دوم، او به دلیل ستم و جور فراوانی که بر پروتستانها روا داشت به ماری خونخوار معروف شد. وفاتش به سال ۱۵۵۸ م رخ داد.
- 4- Saint Martin
۵. فلاندر *Flandre* با فلامانی *Falamany*. سابقاً به همه سرزمین هانی که میان رود اسکر و دریای شمال بود اطلاق می گردید.
- 6- Anne Lewis
- 7- Thomas Naash
- 8- Isle of Dogs
- 9- Globe
۱۰. *Scurbut* بیماری کمبود ویتامین ث که باعث شل شدن لثه ها و ریختن دندانها می شود.
- 11- Every Man in his Humour
- 12- Gabriele Spencer
- 13- Robert Browne
- 14- Every Man out of His Humour
۱۵. نقل از تاریخ تمدن ویل دورانت، فصل ششم عصر خرد. ترجمه اسماعیل دولتشاهی شرکت سهامی جیبی ۱۳۴۸. تهران.
- 16- Cynthia, S Revels
- 17- Sejanus his Fall
- 18- Poetaster
۱۹. *Volpone Or the Fox*. نوشته بن جانسن ترجمه عبدالحسین نوشین ۱۳۵۷، امیرکبیر.
- 20- Eastward Ho
- 21- G. Chapmane
- 22- Masque of Blackness
- 23- Epicoene of the Silent Woman
- 24- Catiline His Conspiracy
- 25- The Alchemist
- 26- Subtle
- 27- Bartholome
۲۸. *Puritans* شعبه ای از پرستان ها که در امور مذهبی و اخلاقی معتقد به سختگیری بودند. زمانی که خاندان استوارت به آزار آنان پرداخت بسیاری از ایشان به امریکا مهاجرت کردند.
۲۹. سروالترالی *Sir. W. Raleigh* دریانورد معروف انگلیسی. او از نزدیکان ملکه الیزابت بود.
- 30- History of World,
- 31- The Devil is an ass
۳۲. *Edinburgh* یا بنجنت اسکاتلند در ساحل لیث (Leith)

33- Buckingham

34- The Sad Shepherd

بوکینگهام امروزه ناه کنت نشینی در انگلستان است

منابع

1- Benjanson by J B Bambrough Longama greens and Cold 1959

2- World Drama. Bc Graw Hill Encyclopedia (Volume2)

3- Dictionary of The Theatre John Russel Taylor

۴. پایان نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک موضوع بن جانسن، نوشته کیوان شمیرانی دانشکده هنرهای دراماتیک سال تحصیلی ۱۳۵۲.

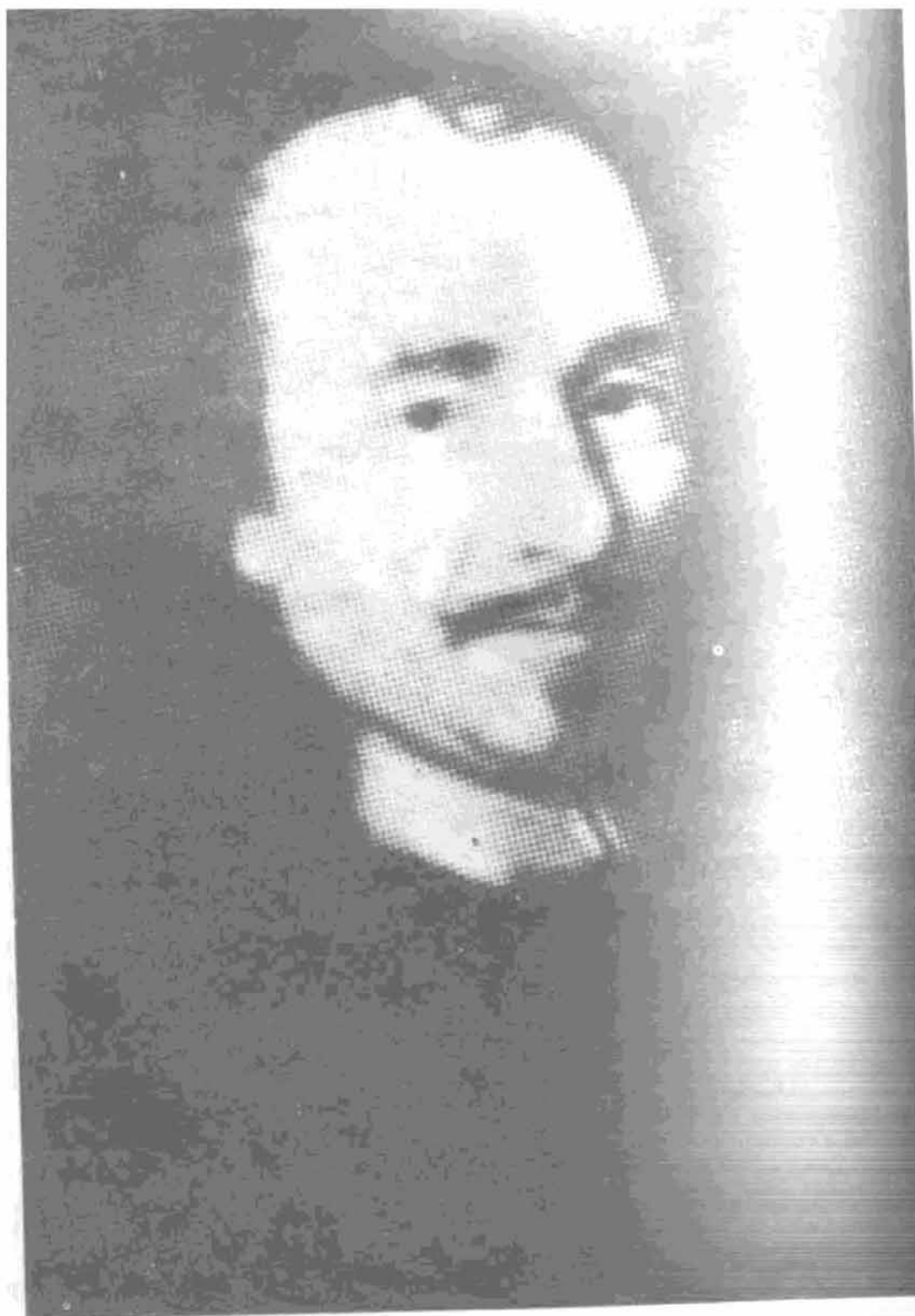
۵. تاریخ تمدن ویل دورانت، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، (آغاز عصر خرد، کتاب هفتم) شرکت جیبی

۶. مقدمه ولین، اثر بن جانسن، ترجمه عبدالحسین نوشین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷

Pierre Corneille**پیر کرنی**
(۱۶۸۴ - ۱۶۰۶م)

پیر کرنی شاعر و نمایشنامه‌نویس فرانسوی در سال ۱۶۰۶ در شهر روئن یکی از شهرهای فرانسه دیده به جهان گشود. پدرش وکیل دعاوی بود. پیر دوران کودکی را در زادگاهش سپری کرد و پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه با تشویقهای پدر و به پیروی از او در رشته حقوق به تحصیل پرداخت. در هجده سالگی با پشتکاری که داشت سمت وکالت یافت، لیکن علاقه‌اش به شعر و شاعری سبب شد تا از کار وکالت دست کشیده به سرودن شعر و نوشتن نمایشنامه بپردازد. طی سالهای ۱۶۲۲-۱۶۱۵م. اشعاری به زبان لاتین از او انتشار یافت که دو جایزه نصیبش کرد.

متأسفانه از ایام جوانی و دوران تحصیل او اطلاعات دقیق و موثقی در دست نیست. همین قدر می‌دانیم که در سن نوجوانی قبل از پایان دوره دبیرستان با نخستین عشق زندگیش که دوشیزه‌ای از اهالی روئن بود روبه‌رو شد و نخستین اشعارش را که ملهم از این عشق بود، سروده است. خانواده کرنی همگی از تربیتی مذهبی بهره‌مند بودند، هرچند مدتی به وکالت مشغول شد ولی از آنجا که روحیه خاص این حرفه را نداشت هرگز نتوانست این شغل را به صورتی پیگیر دنبال کند و جز يك بار در تمام مدت وکالتش اقامه دعوا نکرد. کرنی باهوش و فراستی که داشت به زودی



پیرکونی

مورد توجه ریشلیو^۱ صدراعظم فرانسه در زمان لونی سیزدهم قرار گرفت و تحت حمایت دربار مقامات ادبی برجسته‌ای یافت.

نخستین نمایشنامه کرنی به نام مه‌لیت^۲ در سال ۱۶۲۹ به پایان رسید، این نمایشنامه اثری کم‌دی است که در پاریس به صحنه رفت و مورد استقبال قرار گرفت، برخی از محققین معتقدند که این اثر، کم‌دی نویسی فرانسوی را به راه تازه‌ای انداخت. کلی تاندر^۳ اثر بعدی کرنی نمایشنامه‌ای تراژدیست که در سال ۱۶۳۱ نوشته شد.

پس از آن چند نمایشنامه کم‌دی به نامهای زن بیوه^۴ ۱۶۳۲، کالری قصر^۵ ۱۶۳۲، میدان سلطنتی^۶ ۱۶۳۳، و خدمتکار^۷ (۱۶۳۳) را نوشت و سپس تحت تأثیر آثار یونان باستان تراژدی مده‌آ^۸ را در سال ۱۶۳۴ نگاشت. نمایشنامه سید^۹، مشهورترین اثر کرنی در سال ۱۶۳۷ نوشتن آن به اتمام رسید و بزودی به صحنه رفت، این اثر نقطه اوجی در شهرت کرنی و درام نویسی فرانسوی محسوب می‌شود. کرنی در این اثر نبردی را که میان عقاید کهنه و نو درگرفته بود شدت بخشید. ماجرای غم‌انگیز بر گرد موضوع جدال بین عشق و وظیفه همراه با روح قهرمانی انتقام و شرافت دور می‌زند. این اثر در زمان خود انگیزه مباحث فراوانی شد تا آنجا که ریشلیو قضاوت و ارزیابی درباره این اثر را به فرهنگستان واگذار کرد، فرهنگستان فرانسه نیز این اثر را به خاطر وفاداری به آرمان و موازین نئوکلاسیک^{۱۰} ستایش کرد، لیکن واکنش‌های دیگران کرنی را آزوده ساخت تا آنجا که به مدت سه سال نمایشنامه‌ای نوشت، در سال ۱۶۴۰ با ماری دولامپیر^{۱۱} ازدواج کرد و این دو بعدها صاحب شش فرزند شدند که یکی از آنها سالها بعد در یکی از جنگها کشته شد.

بین سالهای ۱۶۴۴ تا ۱۶۴۰ کرنی بار دیگر بصورتی فعال به نوشتن نمایشنامه پرداخت. آثاری که کرنی طی این سالها خلق کرد امروز بعنوان بهترین مشخصه سبک این نویسنده مورد بررسی قرار می‌گیرد. این آثار عبارتند از نمایشنامه‌های هوراس ۱۶۴۰^{۱۲}، سینا^{۱۳} ۱۶۴۱، پولیوکت^{۱۴} ۱۶۴۲، پیمپه^{۱۵} ۱۶۴۳، و ردگونه ۱۶۴۴^{۱۶}.

قهرمانان این آثار همگی مرگ با افتخار را بر بدنایمی و ذلت ترجیح می‌دهند.

کرنی علاوه بر تراژدی الگونی نیز برای کم‌دی بوجود آورد، کم‌دی دروغگو^{۱۷} ۱۶۴۵، غالباً بعنوان اولین کم‌دی فرانسوی قبل از مولیر^{۱۸} شناخته می‌شود.

ریشلیو صدراعظم ادب پرور فرانسه در سال ۱۶۴۲ چشم از جهان فروست و يك سال بعد نیز لونی سیزدهم درگذشت، فقدان این دو جامعه ادبی اروپا را متأثر ساخت.

در سال ۱۶۴۷ کرنی به عضویت فرهنگستان فرانسه برگزیده شد و در همین سال به عنوان بزرگترین درام نویس زمان خویش ملقب گردید. نمایشنامه‌های هراکلیوس^{۱۹} ۱۶۴۶/۱۶۴۷.



صحنه ای از نمایشنامه «سید» اثر کرّی



صحنه ای از نمایشنامه نیکومد اثر پیر کرنی

اجرا در پاریس

دن سانچو در آرگون^{۲۱} ۱۶۴۹، آندرمه^{۲۲} ۱۶۵۰، پرتیس پادشاه مباردی^{۲۳} ۱۶۵۱، نمایشنامه‌های بعدی کرنی است که تا پیش از سال ۱۶۵۲ نوشته شد، در اینسال نمایش پرتیس پادشاه مباردی در برخورد با تماشاگران با شکست روبه‌رو شد و همین امر سبب گردید کرنی برای مدتی از نوشتن کناره گرفت، اما این کناره‌گیری چندان به دراز نکشید. در سال ۱۶۵۹ کرنی با نمایشنامه‌ادیپوس^{۲۴} که اقتباس از اثر سوفکل نمایشنامه‌نویس یونانی است بار دیگر به نوشتن روی آورد، پشم زرین^{۲۵} ۱۶۶۰، سرتوریس^{۲۶} ۱۶۶۲، اتو^{۲۷} ۱۶۶۴، اگزیلوس^{۲۸} ۱۶۶۶، آتیل^{۲۹} ۱۶۶۷، تینوس پرنیس^{۳۰} ۱۶۷۰، پل‌چترا^{۳۱} ۱۶۷۲، و سورنا^{۳۲} ۱۶۷۴ از دیگر نمایشنامه‌های این نویسنده است که در آخرین دهه دوران نویسندگی خود به خلق آنها همت گمارد، کرنی پس از به اتمام رسانیدن آخرین نمایشنامه‌اش سورنا، از نویسندگی کناره گرفت و میدان را به رقیب جوان خود راسین^{۳۳} سپرد. سرانجام در سال ۱۶۸۴ کرنی پس از ۷۸ سال زندگی توأم با افتخار در حالی که سی‌ودو منظومه ارزشمند از خود به یادگار می‌گذاشت چشم از جهان فرو بست. کرنی مشهورترین تراژدی‌نویس دهه ۱۶۴۰ بود، او انسانها را آن‌طور که می‌خواست می‌دید و تصویر می‌کرد نه آن‌گونه که هستند، از این‌رو روانشناسی شخصیت‌های چندان عمق نمی‌یابند. رفتار شخصیت‌ها بر اصول مشخصی چون مبارزه بین عشق و شرافت است و پیروزی شرافت بر عشق امری کاملاً قطعی و از پیش مورد ستایش کرنی و نویسندگان نئوکلاسیک است. در نمایشنامه‌سید، شاهد کشاکش عشق و شرافت بگونه زیبا و ستودنی هستیم، در نمایشنامه‌هوراس میهن‌پرستی محور اصلی اثر است، در سینا گذشت و مهربانی، در مده قدرت روح و شکست‌ناپذیری آن در برابر مصائب و بدبختی‌ها و در پولبوکت فداکاری در راه يك آرمان. کرنی در نمایشنامه‌هایش نسبت به اخلاقیات جامعه بسیار متواضع است و به آنها بیشترین بها را می‌دهد و انسانها را به احترام به این امر ملزوم می‌سازد از این‌رو تئاتر کرنی عمدتاً جنبه اخلاقی و تربیتی زیادی دارد. اما این‌ها سبب نمی‌شود تا نسبت به نگاه او به وقایع و حوادث تاریخی با تردید نگاه کنیم چرا که کرنی از معدود نویسندگانی است که بر حوادث تاریخی و تحلیل وقایع بسیار چیره‌دست و با مطالعه است. درحقیقت تابلوهایی که از رخدادهای تاریخی در آثار او مشاهده می‌کنیم همراه با بیانی شاعرانه و پرداختهای دراماتیک شاید در زمره به‌یاد ماندنی‌ترین آثار این دست نمایشنامه‌ها در خاطره‌ها ثبت شود.

در اغلب نمایشنامه‌های کرنی تأکید اصلی گاه به بررسی لحظات تاریخ گذاشته می‌شود و عشق و احساسات بخودی خود در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرد. خود کرنی در این باره گفته است «در بن

اثر نمایشی قهرمانی، عشق نمی تواند نقطه اتکا، سلسله حوادث قرار بگیرد زیرا چه بسا عشق که در لحظات مختلف دچار سستی و فتور می شود، ترجیح می دهد که در چنین نمایشنامه هائی از عشق و احساسات به عنوان آرایش اثر استفاده شود نه به عنوان رکن اصلی نمایش.

ابتکار و مهارت کرنی در انتخاب کلام و قدرت تشخیص وی در بیان نمایشی، تراژدی های ارزنده ای را خلق کرد، هرچند عده ای از نویسندگان این گونه بیان را مبالغه آمیز و گاه تصنعی می دانند اما با شناخت بیشتر می بینیم که در قرن هفدهم به خصوص در زمان لونی چهاردهم^{۳۴} که به دوران پادشاه آفتاب شهرت یافت با ترکیب جامعه عصر کرنی و آداب و سنت های رایج در فرانسه شاید ربانی که کرنی در آثارش برگزیده است همان چیزی است که کمال مطلوب می توانست باشد.

۱. رومن Rouen شهری در شمال فرانسه بر کناره رود سن.
۲. ریشلیو Richelieu (۱۵۸۵-۱۶۴۲) کاردینال و وزیر لونی سیزدهم شخصیت‌های برجسته فرانسه است. او پس از کسب قدرت همه توان خود را برای ترویج ادبیات و هنر فرانسه به کار انداخت. فرانسه در عصر او رهبر فرهنگی اروپا گردید. فرهنگستان فرانسه را تأسیس کرد و تنگنری به سبک ایتالیایی در فرانسه و در قصر خود احداث نمود.
- 3- Meire or the False Letters
- 4- Chitandre
- 5- The Widow
- 6- The Place Corridor
- 7- Place Royale
- 8- The Maidservant
- 9- Medea
۱۰. مید Cid، اثر گرینی در مجموعه سه نمایشنامه، لوسید، سینا، سورنا، ترجمه دکتر عیسی سپهبدی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۱۱. نتوکلاسیک Neo Classique، این شیوه نخست در ایتالیا زائیده شد و سپس به سراسر اروپا گسترش یافت. نتوکلاسیک از اواسط سده هفدهم تا اواخر سده نوزدهم شیوه غالب نقد هنری شناخته می‌شود.
- 12- Marie de Lamerriere
۱۳. هراس Horace (تراژدی در پنج پرده) ترجمه محمدعلی معیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
۱۴. سینا Cinna در مجموعه سه تراژدی کلاسیک، ترجمه دکتر عیسی سپهبدی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
- 15- Polyseuctes
۱۶. پمپه The Death of Pompey (مرگ پمپنی) تراژدی در پنج پرده، ترجمه محمدعلی معیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
۱۷. ردگونه، شاهزاده خانم پارتی Rodognne Princess of Parthia، ترجمه محمدعلی معیری، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۴.
- 18- The Liar
۱۹. مولیر Moliere (۱۶۷۳-۱۶۲۲)،
- 20- Heraclius
- 21- Don Sancho of Aragon
- 22- Andromeda
- 23- Pertharites. King of the Lombards
- 24- Oedipus
- 25- The Golden Fleece
- 26- Sertorius
- 27- Otto
- 28- Agestaus
- 29- Attila
- 30- Titus and Berenice
- 31- Pulcheria

۳۲. سورن سورنوس . ترجمه دکتر عسی سبهدی، دانشگاه تهران، ۱۳۳۵.
۳۳. ژان راسین Jean Racine ۱۶۹۹-۱۶۳۹.
۳۴. لونی چهاردهم . پسر لونی سزدهم . هنگ . مرگ پدر و حاشینی اش پنج ساله بود . ۱۶۳۸-۱۷۱۵ . نخست بدوی مدرش امور فرانسه را اداره می کرد تا اینکه در سال ۱۶۶۱ به طور مستقیم اداره امور کشور را به دست گرفت، او با قدرت حکومت کرد و به علم و فرهنگ توجه بسیار مبذول داشت.

منابع

1- World Drama Encyclopedia Mac Graw Hill Volumi

2- Dictionary of the Theatre John Russel Taylor.

3- Cornele Theatre Preface Jhon Scblumbeger Paris

۴. بررسی تئاتر کونی . هم . میراعظمی . با ن نامه دوره لیسانس . دانشگاه هنرهای دراماتیک سال ۱۳۵۱-۵۲
۵. فرهنگ فارسی . دکتر محمد معین . تهران . انتشارات امیرکبیر . ۱۳۶۳.
۶. تاریخ قدیم . وایل دورانت . اریل دورانت اعصر لونی چهاردهم . ترجمه پرویز مرزبان . تهران . انتشارات اقبال . ۱۳۴۹ . صفحه ۱۷۰.

Jean Racine**ژان راسین (۱۶۳۹-۱۶۹۹م)**

ژان راسین نمایشنامه‌نویس و وقایع‌نگار مشهور فرانسوی در سال ۱۶۳۹ دیده به جهان گشود. طفل خردسالی بیش نبود که پدر و مادرش را از دست داد و به‌ناچار سرپرستی او را پدربزرگ و مادربزرگش عهده‌دار شدند. آنها راسین را به مدرسه فرستادند و در راه پیشرفت او تا آنجا که در توانشان بود از چیزی دریغ نکردند. در شانزده‌سالگی پدربزرگش نیز درگذشت و او بار دیگر بی‌سرپرست شد، ناگزیر راهی پورت‌رویال^۱ شد تا نزد دیگر اقوامش زندگی کند.

در بهار ۱۶۵۸ هنگامی که به مناسبت ازدواج لونی چهاردهم (۱۶۳۷-۱۷۱۵م) با شاهزاده خانمی اسپانیایی، در فرانسه مراسم جشن و سرور برپا بود، راسین که نوزده‌سال بیشتر نداشت تحت‌تأثیر حال‌وهوای آن عصر قطعه شعری سرود و به دربار برای لونی امپراطور فرانسه فرستاد. این شعر که منظومه‌ای لطیف و عاشقانه بود مورد توجه شاه و ملکه قرار گرفت و سبب گردید تا به فرمان پادشاه پاداشی نقدی به سراینده آن اهداء شود. راسین در آن زمان دانشجوی رشته فلسفه بود و این جایزه نه فقط سبب تشویق و ترغیب او به ادبیات شد بلکه سبب آشنایی او را با نویسندگان و هنرمندان دیگری همچون لافونت^۲ و مولیر^۳ فراهم ساخت. در سال ۱۶۶۲ در سن بیست‌و‌چهار سالگی تحصیلات خود را در رشته‌های ادبیات و فلسفه و علوه الهی به پایان رسانید.



ژان راسین



نمایشنامه بره نیس - اثر راسین پاریس ۱۶۷۰ م.

اولین نمایشنامه راسین به نام « تبانید^۱ » در سال ۱۶۶۴ توسط هنرمندان تئاتر سلطنتی در پاریس به صحنه رفت نقش نخست این نمایش را « ژان باپتیست پوکلن معروف به مولیر، به عهده داشت.

دومین اثر راسین نمایشنامه اسکندر کبیر^۲ ۱۶۶۵ نام دارد. هم‌چنان‌که از نام اثر پیداست درباره اسکندر پسر فیلیپ مقدونی سردار جهانگشای یونانی است که در طول تاریخ شخصیتش با اساطیر و افسانه‌ها درهم آمیخته است و هنرمندان بسیاری با الهام از زندگی او حماسه‌ها ساخته‌اند. دو هفته پس از اجرای نمایش اسکندر کبیر، راسین اجازه اجرای آن را به گروه دیگری سپرد که با گروه مولیر حالتی رقابت‌آمیز داشتند، و نیز از ماده‌مازل دوپارک^۳ یکی از بازیگران عمده در گروه مولیر خواست تا جهت ایفای نقش، به گروه بعدی به پیوندد، این دو مسئله موجب شد بین مولیر و راسین کدورتی به وجود آید که تا پایان عمر بهبود نیافت.

اثر دیگر راسین به نام آندروماک^۴ در سال ۱۶۶۷ در پاریس به صحنه رفت و سبب تثبیت شهرتش شد، این اثر که بنا بر نظر بسیاری از درام‌شناسان از ارزشمندترین آثار این نویسنده محسوب می‌شود اقتباسی از اثر اورپید^۵ نمایشنامه‌نویس بزرگ یونان است. ماجرای آن سرگذشت غم‌انگیز آندروماک دختر شاه یونان و همسر هکتور^۶ یکی از قهرمانان ترواست که در منظومه هومر به نام ایلیاد^۷ نیز آمده است.

در طول دهه بعد شهرت راسین روز به روز روبه فزونی نهاد و آثاری همچون بریتانیکوس^۸ ۱۶۶۹، « پره‌نیس^۹ ۱۶۷۰، «بازید^{۱۰}، «مهرداد^{۱۱} ۱۶۷۳، «ایفی ژنی^{۱۲} ۱۶۷۴، و «فدر^{۱۳} ۱۶۷۷ را خلق کرد نمایشنامه فدر را اکثر صاحب‌نظران شاهکار راسین می‌دانند، در این اثر فدر نامادری هیپولیت^{۱۴} و همسر تزه^{۱۵} عاشق ناپسری خود می‌شود، این عشق که از دایره اعتدال خارج و گناه‌آلوده است از جانب هیپولیت قابل پذیرش نیست و او رفتاری توأم با نجابت و بی‌اعتنایی را نسبت به نامادریش درپیش می‌گیرد، فدر که به خواست خود نمی‌رسد گرداب‌هانی از دناوت و هوس در سر راه هیپولیت فراهم می‌سازد، در یکی از صحنه‌ها طوری ترتیب می‌دهد تا هیپولیت را متهم سازد که قصد تجاوز به او را داشته است تزه پدر هیپولیت حکم نابودی پسرش را صادر می‌کند هیپولیت در اثر پیش‌آمدی می‌میرد و فدر که از کرده خود به شدت پشیمان شده در اوج نومیدی خود را بدار می‌آویزد.

در سال ۱۶۷۳ راسین به عضویت فرهنگستان فرانسه درآمد و برای مدتی از درام‌نویسی کناره گرفت. لونی چهاردهم شاه فرانسه راسین را به سمت وقایع‌نگار دربار برگزید. در سالهای آخر عمر راسین بنابه تقاضای مادام دومنتان^{۱۶} همسر دوم لونی، که از زنان با فریحه

و هنردوست بود بار دیگر به نوشتن پرداخت، دو نمایشنامه استر Esther ۱۶۸۹ و آتالی ۱۶۹۱ Athalie آخرین نمایشنامه‌های راسین است که آنها را به مدرسه دخترانه مادام دو متتان هدیه کرد. این دو اثر در زمره آثار فصیح و شیوای راسین محسوب می‌شوند.

راسین در طول زندگی آثار نویسندگان یونان و رم را مطالعه کرد و از آنها بسیار بهره گرفت، در آثار خود از دانشی که درباره اساطیر باستان داشت کمال استفاده را کرد به تشویق بوالو^{۱۴} که منتقدی چیره دست بود از تاریخ اساطیر و افسانه‌های گذشته موافق منظور خود استفاده کرد و با تلطیف آنها آثاری آفرید. آنچه که در نظر پیر کرنی^{۱۵} نمایشنامه‌نویس معاصرش قید و بند به شمار می‌رفت، برای راسین وسیله نیل به قدرت بود.

شهرت او تا به آنجا رسید که او را به مقام بهترین تراژدی‌نویس تئاتر فرانسه برگزیدند. راسین نسبت به ویرژیل^{۱۶} و حماسه ارزشمند او بنام آنه‌ئید^{۱۷} بسیار تعلق خاطر داشت و به نظر می‌رسد که مطالعه این اثر و تأثیر آن سبب گردید که او به سوی سرگذشت تراژیک آندروماک ترغیب شود. راسین علاوه بر تراژدی‌های که نام آنها ذکر شد یک کمدی هم بنابر توصیه مولیر و بر اساس یکی از کمدی‌های آریستوفان^{۱۸} نوشت، اسکارک. براکت در کتاب تاریخ تئاتر جهان درباره راسین می‌نویسد: «راسین نویسنده‌ای توانا در خلق حرکت دراماتیک از میان تضادهای درونی و شخصیتی قهرمانان خود است او به عکس کرنی که شخصیت‌های ساده را در داستانهای پیچیده قرار می‌دهد، شخصیت‌های آثارش انسانهای پیچیده‌ای هستند که در داستانی ساده قرار گرفته‌اند. راسین تصاویر تراژیک خود را در چهارچوب آرمان نئوکلاسیک به شکل مناسبی جا داد.^{۱۹}»

1- Port Royal

۲. لافونتن La Fontaine (۱۶۲۱-۱۶۵۹م) نویسنده افسانه‌های منظوم فرانسوی

۳. ژان بابتست پوکلن معروف به مولیر (۱۶۷۳-۱۶۲۲) Jean Baptiste Poquelin Moliere

4- Lathebaud

۵. اسکندر کبیر Alexandre Le Grand

6- Dupark

۷. آندروماک Andromaque، اقتباس از اثر اورپید Eurpide درام‌نویس یونان باستان. آندروماک در اساطیر یونانی دختر پادشاه تب بود که به همسری هکتور Hector قهرمان جنگ تروا درآمد، او شیفته و بی‌قرار شوهرش بود و وداع او با هکتور یکی از شورانگیزترین بخش ایلیاد است.

۸. اورپید Eurpide، نمایشنامه‌نویس یونان باستان (۴۰۶-۴۸۴ ق.م)

۹. هکتور، Hector قهرمان تروائی است که در جنگ تروا به دست آشیل کشته می‌شود.

۱۰. حماسه ایلیاد Iliad اثر هومر Homer، تولد و مرگ بین قرن دهم و هشتم قبل از میلاد.

ترجمه سعید نفیسی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، چاپ سوم ۱۳۴۹

11- Britannicus

12- Berenice

13- Bajazet

14- Mithridate

15- Iphigenie

16- Phedre

17- Hippolyte

۱۸. تزه Thesee، از معروفترین قهرمانان یونان باستان که سرزمین پلوپونز صحنه هنرنامه‌های وی بوده، تزه، يك نسل پیش از جنگ تروا می‌زیسته

19- Madame de Main Tenon

۲۰. بوالو Boileau شاعر و هجونویس و منتقد فرانسوی ۱۷۱۱-۱۶۳۶م. وی به تقلید از هوراس Horace شاعر لاتینی، هم خود را مصروف شعر اخلاقی و هجائی کرد و در انتقاد ادبی زبردست بود.

۲۱. پیرکرنی Pierre Corneille، نمایشنامه‌نویس فرانسوی ۱۶۸۴-۱۶۰۶م.

۲۲ و ۲۳. آنه‌ئید The Aenid، اثر ویرژیل Vergil حماسه‌سرایی ایتالیایی ۱۹-۷۰ پیش از میلاد.

۲۴. آریستوفان Aristophanes درام‌نویس یونان باستان ۴۸۰-۴۴۸ ق.م.

۲۵. تاریخ تئاتر جهان، اسکار، گ‌براگت

منابع

1- ADic tionary of The Theatre J.kussel Taylor Penguin Reperenc Book

2- Encyclopedia of World Drama, McGraw Hill Volm3

۳. سیری در بزرگترین کتابهای جهان، حسن شهباز، جلد اول، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۳

۴. سیری در ادبیات غرب، جی‌بی پرستلی ترجمه ابراهیم یونسی چاپ شرکت سهامی کتابهای جیبی.

۵. فرهنگ اساطیر یونان و رم، پیر گریمال، ترجمه دکتر احمد بهمنش، انتشارات امیرکبیر جلد دوم.

۶. فرهنگ فارسی، معین، جلد پنجم (اعلام) انتشارات امیرکبیر

Moliere

مولیر (۱۶۷۳-۱۶۲۲ میلادی)

ژان باتیست پوکلن . معروف به مولیر در پانزدهم ژانویه ۱۶۲۲ در پاریس متولد شد . پدرش به شغل تجارت اشتغال داشت و در دربار لونی سیزدهم به عنوان حنس فروش سلطنتی رفت و آمد می کرد . سالهای کودکی مولیر در پاریس گذشت . ده ساله بود که مادرش را از دست داد . در نوجوانی با آنکه سرگرم تحصیل بود در کنار پدرش کار می کرد . این انتظار می رفت که او هم مانند پدر تجارت را پیشه خود کند . ابتدا برای تحصیل او را به مدرسه کلمون^۱ فرستادند و تحصیلات مقدماتی را در همین مدرسه فرا گرفت آن گاه وارد مدرسه حقوق شد و به دریافت دانش نامه در این رشته موفق شد . یک چند مصمم شد که شغل پدر را دنبال کند . به این لحاظ شغلی در دربار به دست آورد و پیش خدمت مخصوص دربار^۲ لونی^۳ گردید . در همین ایام توسط دوستانش با تناتر آشنا شد . به خصوص آشنایش با خواهران «بزار»^۴ که در آن زمان گروه بازیگران کوچکی را تشکیل داده بودند مسیر زندگی او را تغییر داد . استعداد سرشار و قدرت ابداع سبب گردید تا مولیر تناتر را جابگاه واقعی خود بباید و پس از رها کردن حرفه تجارت در سن بیست و یک سالگی طی نامه ای از پدرش خواست تا آنچه از مادر به عنوان ارثه برجای مانده است به او واگذار شود تا با پول آن به اتفاق چند تن از دوستان خود تماشخانه تأسیس کند .



مولیر



تصویر پشت جلد نمایشنامه خسیس، چاپ ۱۶۸۲.

گروه بژار پس از پیوستن مولیر به آنها و تنظیم برنامه‌های تازه نام خود را به «گروه تئاتر نامدار»^{۱۰} تغییر داد.

آغاز کار این گروه با دشواری و مشکلاتی توأم گردید. اجراهای نخست این گروه با عدم استقبال تماشاگران روبرو شد. هزینه‌های تأسیس تماشخانه مولیر را مقروض کرد و با طلبکاران برای مدتی گرفتار محکمه و زندانی شد. اما مشکلات و گرفتاریها نتوانست در تصمیم او خللی وارد کند. مولیر به همراه گروهش شروع به سفر نمود و مدت دوازده سال در شهرهای مختلف فرانسه آثارشان را به معرض تماشا می‌رساند.

مولیر از ابتدای همکاری با گروه بژار، دل در گرو عشق «مادلن بژار»^{۱۱} بست و این علاقه بالاخره منجر به ازدواج گردید و آن دو شریک زندگی و شریک حرفه‌ای یکدیگر شدند.

در سال ۱۶۵۸ هنگامی که سی‌وشش بهار از زندگیش سپری می‌شد با شهرت و تجربه‌ای غنی بار دیگر قدم به پاریس گذاشت. نمایشنامه «طبيب فراری»^{۱۲} یکی از نخستین آثار او در شهر لیون^{۱۳} به نمایش گذاشته شد. مقارن همین ایام مولیر در تالار لوور^{۱۴} پاریس نمایشنامه نیکومد^{۱۵} اثر کرنی را به نمایش گذاشت.

هرچه شهرت و موفقیت مولیر بیشتر می‌شد حاسدان و دشمنانش که تاب انتقادهای قلم او را نداشتند و از سوی دیگر منافعشان به خطر می‌افتاد افزون‌تر می‌گردید. در میان آنها رقیبان حرفه‌ای، منتقد، کشیش، پولدار نوکسه، رباخوار و همچنین برخی از نجیب‌زادگان و درباریان نیز دیده می‌شدند. لیکن دوستی و حمایت لوئی چهاردهم شاه جوان فرانسه از مولیر و نیز آشنایش با لافونتین^{۱۶} نویسنده مشهور و معاصرش به او این امکان را می‌داد تا با مخالفین خود مقابله نماید و برای پاسخ‌گویی به هر يك اثری خلق کند.

دکتر عاشق^{۱۷}، ۱۶۵۸، مسخره‌بازیهای با ارزش^{۱۸}، ۱۶۵۸، مکتب شوهران^{۱۹}، مکتب زنان^{۲۰} (این اثر شهرت زیادی برای مولیر به همراه آورد و مبلغ یکهزار فرانک جایزه تحت عنوان شاعر برجسته کم‌دی نصیب او کرد) ژرژداندن یا شوهر خیالی^{۲۱}، ۱۶۶۰ تارتوف^{۲۲} (در تالار ورسای به صحنه رفت اما بعد از پنج شب از نمایش آن جلوگیری به عمل آمد به دلیل آن که در حضور شاه به مادر او برخورد کرده بود) و ازدواج اجباری^{۲۳}، در سال ۱۶۶۵ نمایشنامه دون ژوان^{۲۴} به مدت پانزده شب اجرا شد اما به دلیل مخالفت اسقف پاریس با آن به طور غیرمترقبه‌ای اجرای آن متوقف گردید.

در همین سال مولیر به سمت مسئول نمایشات گروه سلطنتی دربار انتخاب شد. میزانتروپ یا مرده‌گریز^{۲۵}، ۱۶۶۶، طبیب اجباری^{۲۶}، ۱۶۶۶، آمفی‌تریون^{۲۷}، ۱۶۶۸، خسیس^{۲۸}، شهری جنتلمن^{۲۹}



صحنه ای از نمایشنامهٔ نیرنگهای اسکاپن، پاریس ۱۹۵۶

۱۶۶۹. نبرنگ‌های اسکاپین^{۲۲}، اسکارنارل^{۲۳}، زنان دانشمند^{۲۴}، مریض خیالی^{۲۵} و عشاق باشکوه^{۲۶} از دیگر آثار او هستند.

برای مدتی زندگی خصوصی مولیر دچار بحران شد و از همسرش مادلن بزار جدا گردید و با آرماندوبزار^{۲۷} خواهر مادلن که ۲۱ سال از او جوانتر بود ازدواج کرد. مولیر با آرماندو نیز احساس خوشبختی نمی‌کرد. از سوی دیگر راسین^{۲۸} نویسنده نامی هم عصر او که سابقه دوستی با مولیر داشت برخلاف انتظار او آثارش را برای اجرا در اختیار گروه رقیب مولیر قرار داد. اینها گرچه روح مولیر را آزرده ساخت اما او را مأیوس نکرد و او همچنان راه خود را دنبال می‌نمود. آخرین اثرش با نام مریض خیالی در تاریخ فوریه ۱۶۷۳ در پالهرویال^{۲۹} به صحنه رفت و با موفقیت بی‌نظیری روبه‌رو گردید. در چهارمین شب اجرای این اثر در حالی که خودش نقش «آرگن»^{۳۰} را ایفا می‌نمود ناگهان دچار حمله گردید و پس از آنکه خون زیادی استفراغ کرد او را به بستر بردند اما او هرگز از آن بستر برخاست و همان‌شب چشم از جهان فرو بست.

مولیر در غایشنامه مشهورش خسیس از زبان یکی از شخصیت‌هایش چنین می‌گوید:

«گرچه زندگی من با رنج‌ها و شادیها توأم بوده است، ولی همیشه خود را سعادتمند یافته‌ام و امروز که زیر فشار زحمت و مشقات درهم شکسته شده‌ام بدون اینکه بتوانم بر روی هیچ‌یک از خوشیها و لذات زندگی تکیه کنم می‌بینم که بایستی میدان را ترك کنم. ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن مولیر را این‌طور تعریف می‌کند.

«مولیر یکی از چهره‌های درخشان تناتر به شمار می‌رود. در آثار وی آنچه به خصوص نظر خواننده را جلب می‌کند اشارات فلسفی و هجوهای تند و هزل شیرین آنهاست. این آثار در پایه و شالوده خود مبتنی بر فلسفه خردگرانی استوار بودند که باطناً موردپسند متفکران قرن هجدهم قرار داشت.

مولیر با کوششی خستگی‌ناپذیر با فکرهای نو و با عشق و هیجان فوق‌العاده همواره به تناتر اندیشید و کوشش نمود تا از رفت‌وآمد به صحنه تناتر، گفتگو با هنرپیشگان و متصدیان تناتر به هنگام تمرین تجربه‌های فراوانی کسب نماید و سعی داشت قلم آنچه را که فکر می‌کرد و می‌آموخت با درکی عمیق و شاعرانه شناسائی کرده به روی صحنه بیاورد. او در عین صفا و سادگی کمدی‌هائی خلق کرد که در آنها جنبه‌های انتقادی بسیار قوی متاهده می‌شود.

در وجود مولیر تنها جبهه نویسندگیش نیست که تعلق به تاریخ فرانسه دارد. بلکه شخصیت خود این مرد است که جزئی از میراث فرهنگی آن کشور به شمار می‌رود. همان مدیر تناتر باوق و

محنت کشیده همان شوهر فریب خورده و بخشنده و همان غمناکانه نویسی که اندوه درون را در زیر
خنده ظاهر می پوشاند با همان بازیگر دردمندی که مبارزه خود را بر ضد فضل فروشی، تعصب دینی،
خرافه پرستی و ریاکاری تا دم واپسین ادامه داد.

پانویس

1- Jean Baptiste Poquelin

2- College de Clermont

3- Bejart

4- Illustre Theatr

5- Madeleine Bejart

۶- نمایشنامه طبیب فراری اولین اثر مولیر است که در شهر لیون Lyon به نمایش گذاشته شد
۷- لیون Lyon شهری است در فرانسه و محل تلاقی دو رود رن و سن.

8- Louvre

۹- نیکومد Nicomede ، نمایشنامه‌ای اثر پیر کونی نمایشنامه‌نویس فرانسوی ۱۶۰۶-۱۶۸۴م.
۱۰- ژان دولافونتن Jean de La Fontaine نویسنده افسانه‌های منظوم فرانسوی ۱۶۲۱-۱۶۹۵م

11- Le Docteur amoureux

۱۲- مسخره بازیهای با ارزش Les Precieuses ridicules

۱۳- مکتب شوهران L. Ecole des maris

۱۴- مکتب زنان L. Ecole des Femmes

15- Georges Dandin , ou le mari Contondu.

۱۶- تارتوف Tartuffe سه نمایشنامه: میرزا کمال‌الدین (تارتوف) عروس بی‌جهاز، طبیب اجباری ترجمه و اقتباس
محمدعلی فروغی تهران یغما ۱۳۵۲.

۱۷- ازدواج اجباری (عروسی مجبوری) ترجمه حسینعلی قاجار تهران ۱۲۹۰.

۱۸- دون ژوان Don juan و ou le Festin de Pierre

۱۹- مردم گریز (میزانتروپ) Misanthrope ترجمه محمود هدایت، تهران، امیرکبیر ۱۳۳۸.

۲۰- طبیب اجباری Medecin malgré lui . ترجمه و اقتباس محمدحسن اعتماد السلطنه تهران خورشید ۱۲۹۱.

۲۱- آمفی‌تریون Amphitryon

۲۲- کمدی خسیس L'Avar Comedie ترجمه محمدعلی جمالزاده تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶

۲۳- شهری جنتلمن Les Bourgeois Gentilhomme

۲۴- نیرنگ‌های اسکاپن Les Fourberies descapin ، ترجمه نادعلی همدانی انتشارات رادیو تلویزیون ۱۳۵۴

۲۵- اسکارنارل Sganarelle

۲۶- زنان دانشمند Les femmes savantes ، ترجمه حسن‌ره‌آورد تهران چاپخانه علمی ۱۳۲۴.

۲۷- مریض خیالی Lemalade imaginaire ترجمه مینولاچوری، تهران، خاور. قبل از ۱۳۳۳

۲۸- عشاق باشکوه Les Amants magnifiques

29- Amando Bejart

۳۰- ژان راسین Jean Racine، نمایشنامه‌نویس فرانسوی

۳۱- پال‌روئال Palais Royal (یا تالار سلطنتی)

۳۲- آرگن Argan

منابع

۱- Dictionary of Theatre, John Russell Taylor Penguin Reference Book

2- Encyclopedia of World Drama, McGraw Hill Vol 3

۳. تاریخ تئاتر جهان اسکار. گ. براکت ترجمه هوشنگ آزادی‌ور. نشر نقره مازیار.

۴. یابان‌نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک. پروین وحیدپور. دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۳

۵. سیری در ادبیات غرب، جی. بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی. جیبی.

۶. یابان‌نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک عزت‌الله زمانی (مولیر پیامبر اخلاق) دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۳

Lessing

لسینگ ۱۷۸۱-۱۷۲۹ م

گوت هلدافرایم لسینگ^۱ در ۲۲ ژانویه ۱۷۲۹ در ناحیه کامنتس ساکسونی^۲ در آلمان در خانواده‌ی مذهبی به دنیا آمد، اجدادش همگی کشیش بودند و پدرش نیز به پیروی از آنان کشیشی پروتستان مذهب بود. لسینگ تحصیلات ابتدائیش را در همان ناحیه زادگاهش فرا گرفت و سپس در سال ۱۷۴۶ پدرش او را برای تحصیل در رشته الهیات روانه دانشگاه لایپزیک^۳ کرد. اما لسینگ به زودی پی برد که به این رشته علاقه‌ای ندارد و در عوض ذوقی در امور هنری، به خصوص تناتر دارد.

ابتدا تصمیم داشت همچون مولیر که شدیداً مورد علاقه‌اش بود در مقام نویسنده و بازیگر نمایشنامه بنویسد و خودش آنها را اجرا کند. به همین منظور اوقات بسیاری را در پشت صحنه تناتر کارولین نیبرتاتر^۴ صرف نمود، هرچند در این راه چندان موفق نشد لیکن تجربیات فراوانی کسب کرد که در آثار اولیه‌اش به خوبی دیده می‌شود. این آثار کم‌دیوانی متأثر از آثار نمایشنامه‌نویسان فرانسوی بودند که مشخص‌ترین آنها نمایشنامه «دانشجوی جوان»^۵ نام دارد که در سال ۱۷۴۸ نوشته شد، در این اثر لسینگ به طرز زیرکانه‌ای عقاید خرافی را به تمسخر گرفت و انتقاداتی هم به برخی از نظرات و عقاید معاصرانش نمود. دو نمایشنامه «روح آزاد»^۶ و «فودن»^۷ در ۱۷۴۹، را لسینگ



لَسِيَنَك

بعد از غماشنامه دانشجوی جوان نوشت. علاقه و توجه او به تئاتر موجب رنجش و ناراحتی پدر و مادرش گردید. او را به خانه فراخواندند و مواخذهاش کردند. لسینگ دیگر نمی خواست رشته الهیات را دنبال کند. خانواده اش هم حاضر نبودند فرزندشان رشته تئاتر را ادامه دهد. پس از بحث و جدلی طولانی آنها در این امر به این نتیجه رسیدند که وی به لایپزیک بازگردد و در رشته پزشکی به تحصیل پردازد. اما تحصیل پزشکی هم نتوانست توجه او را که معطوف به تئاتر بود به خود جلب کند. پس از يك سال پزشکی را رها کرد و در حالی که بیست سال بیشتر نداشت لایپزیک را ترك کرد و به برلین رفت و با نوشتن نقد و ترجمه مقالات در یکی از روزنامه ها شروع به کار کرد. برای مدتی هم به ویتنبرگ^۱ رفت و تحصیلاتش را در دانشگاه این شهر به اتمام رسانید و مجموعه ای از اشعارش را منتشر کرد و به زودی در این شهر به شهرت رسید لیکن اقامتش در ویتنبرگ هم چندان به طول نیاخامبد و بار دیگر به برلین بازگشت و به صورت جدی تری نوشتن را پیسته خود کرد. غماشنامه دویزده سارا سامسون^۲. اثری بود که لسینگ تحت تأثیر نظرات دنی دیدرو^۳ به رشته تحریر درآورد. در این اثر لسینگ سعی نمود تا برای نخستین بار تراژدی را از قالب مرسوم قهرمانی و افسانه ای به محیط های خانوادگی متوجه سازد. او با این نگرش خود به تئاتر تحول عظیمی در درام نویسی زمان خویش به وجود آورد. در سال ۱۷۵۰ مجموعه مقالاتش را درباره تئاتر منتشر کرد و سپس کتابی انتقادی بر ترجمه آلمانی هراس^۴ اثر پیر کرنی نوشت. شهرت لسینگ روز به روز افزونتر می شد. بار دیگر به لایپزیک بازگشت و سالهای ۵۷ تا ۱۷۵۵ را در این شهر به سر برد.

از سال ۱۷۵۸ به برلین بازگشت و دست به انتشار يك مجله فرهنگی و ادبی به نام «نظری به ادبیات»^۵ زد. در این مجله برای نخستین بار ویلیام شکسپیر به خوانندگان آلمانی معرفی شد.

لسینگ که در جوانی خود متأثر از نویسندگان فرانسوی بود پس از چندی با درام فرانسوی به مخالفت پرداخت. او برای تئاتر دو دوره طلایی قائل بود. یکی درام یونان باستان و دیگر. درام عصر الیزابت. لسینگ معتقد بود که شکسپیر سرمشق واقعی برای هر غماشنامه نویسی می تواند باشد. شهرت لسینگ هرچه افزونتر می شد. بیشتر مورد توجه قرار می گرفت. در سال ۱۷۶۰ حکمران شهر بریسلو^۶. او را به عنوان منشی مخصوص در دستگاه خویش به کار گمارد و لسینگ برای مدتی (تا ۱۷۶۵) دور از جنجال و در محیطی آرام به مطالعه آثار کلاسیک پرداخت و چکیده عقاید و مطالعاتش را در يك مجموعه بزرگ به نام لانوکن^۷ (۱۷۶۶) منتشر کرد. انتقادهای تندی که لسینگ از تراژدی فرانسوی می کرد پادشاه پروس را که هنوز به شدت تحت تأثیر ولتر^۸ بود از وی ناراضی ساخت و وی ناچار به هامبورگ رفت. هامبورگ در آن زمان يك شهر آزاد بود و مثل اغلب شهرهای دوك نشین اروپایی به تقلید از فرانسه. ایرانی در آن بنا نهاده بودند که این اپرا پس



صحنه ای از نمایش امیلیاکالوتی - اجرا ۱۹۵۱

از کوشش‌هایی به تئاتر تبدیل شد و مردم آلمان توانستند نمایشنامه‌های ارزشمندی را به روی صحنه تئاتر شهر هامبورگ تماشا کنند.

لسینگ از سال ۱۷۶۷ در هامبورگ اقامت گزید و به عنوان مشاور ادبی و منتقد حرفه‌ای تئاتر هامبورگ شروع به کار کرد. در همین سال موفق شد یکی از کمدی‌های خود را به نام مینافون بارنهم^{۱۶} را که در نوع خود بداعت‌های تازه‌ای به همراه داشت را به اتمام برساند.

این اثر یکی از نخستین کمدی‌های ارزشمند ادبیات آلمانی محسوب می‌شود. در این نمایشنامه ماجرای زنی بازگو می‌شود به نام مینا Minna که پی می‌برد نامزدش تلهم^{۱۷} قصد ترک او را دارد. زن در کمال فقر و تنگدستی به تعقیب نامزدش می‌پردازد و به انواع حيله‌ها برای حفظ او متوسل می‌شود اما هیچکدام مؤثر نمی‌افتند. تلهم سنگدلانه از او می‌گریزد و تن به ازدواج نمی‌دهد، تا اینکه نامه‌ای از جانب فردریک شاه همه چیز را برعکس می‌کند. این نامه مشخص می‌کند که تلهم مأموریتی از طرف پادشاه داشته است و دلیل امتناعش از ازدواج وظایفی بوده که بر عهده‌اش گذاشته شده است. در پایان ازدواج مینا و تلهم به انجام می‌رسد و آنان به خواست قبلی خود می‌رسند و همه چیز به خوبی و خوشی پایان می‌یابد.

در این نمایشنامه لسینگ سعی کرده بود تا اختلافات و دشمنی‌های داخلی را که بین ایالت‌های مختلف آلمان منجر به جنگ و خونریزی‌های طولانی شده بود مطرح نماید و حکام محلی را به عنوان مسببین جنگ و برادرکشی مورد انتقاد قرار دهد.

لسینگ در دوران توقفش در هامبورگ به عنوان چهره‌ای درخشان و صاحب‌نظری با نفوذ در ادبیات و هنر محسوب می‌شد. کتاب مشهور او به نام «درام‌نامه هامبورگ»^{۱۸} حدود سالهای ۱۷۶۷-۶۹ منتشر شد. لسینگ در این کتاب نظرات انتقادی و اصلاحی خود را که بالغ بر یکصد مقاله می‌شد برشته‌تحریر درآورد. در این مقالات شرح‌احوال متقدمین بزرگی که راه را برای ایجاد تئاتر ملی در آلمان هموار ساخته بودند ذکر نمود. بسیاری این کتاب را موجد پیدا شدن دوره بزرگ ادبیات و درام آلمان می‌شناسند. لسینگ پس از این اثر یک رساله فلسفی درباره خواب و مرگ نگاشت. در این اثر نیز او با جهل و عقاید خرافی به ستیز برخاسته بود.

با بروز مشکلاتی در راه ادامه کار تئاتر ملی هامبورگ، لسینگ از سال ۱۷۷۰ تا پایان عمر به سمت کتابدار دوک برانسویک در ولفن‌بوتل^{۱۹} مشغول بود و فرصت نوشتن را هرگز از دست نداد. در سال ۱۷۷۲ یک تراژدی به نام امیلیا کالونی^{۲۰} را به اتمام رسانید. داستان این اثر شرح حال دختر جوانی است که در شب عروسیش به وسیله شاهزاده‌ای هوسران ربوده می‌شود. وقتی پدر دختر از این ماجرا مطلع می‌شود و دخترش را پیدا می‌کند او را بنا به درخواست خود دختر با خنجر از پای

درمی آورد تا به دین وسیله حبشیت و شرافت از دست رفته خویش را جبران نماید.

در همین سال لسینگ در سن ۴۷ سالگی ازدواج کرد. اما طعم خوشبختی در کانون زندگی خانوادگی در زندگیش چندان نپائید، و دو سال بعد زن و فرزند خردسالش هر دو درگذشتند و رنج و حرمانی سخت بر روح حساس او به جای نهادند.

پس از این واقعه يك دوره کشمکش درونی بین قیود خشك سنتی و عقاید فلسفی، افکار او را به خود مشغول نمود که حاصل آن درام منظوم ناتان هوشمند^{۲۱} است (۱۷۷۸م). این اثر که ماجرای آن به زمان جنگهای صلیبی باز می گردد، استقامت مذهبی را تشریح می کند و مردم را به ترك تعصبات اعتقادی و نژادی دعوت می نماید.

لسینگ در پانزدهم فوریه ۱۷۸۱م در سن ۵۲ سالگی در برونسویک (Brunswick) چشم از جهان فرو بست. آثار وی دریچه جدیدی بر تناتر آلمان گشود و تأثیر چشم گیری در بیداری افکار مردم عصرش ایفا کرد.

در سالهای ۱۷۹۰ یعنی کمی پس از مرگ لسینگ تناتر آلمان از نظر شکوفائی به مرتبه رفیعی نائل آمد و تلاش های لسینگ توسط گوته و شیلر نویسندگان بزرگ تناتر آلمان مورد تأیید قرار گرفت و تکامل یافت. از دیگر آثار لسینگ در زمینه تناتر، نمایشنامه فیلتوتاس^{۲۲} ۱۷۵۹، در زمینه آثار تحلیلی و انتقادی کتابهای درك تناتر^{۲۳} و یادداشت هائی درباره ادبیات معاصر^{۲۴}، در زمینه آثار فلسفی، کتابهای نجات^{۲۵} ۱۷۵۴، اثبات روح و نیرو^{۲۶} ۱۷۷۷، نوشته هائی از يك ناشناس^{۲۷} و مخلوق^{۲۸} را می توان نام برد.

پانویس ها

1- Gotthold Ephraim Lessing

2- Kamenz Saxony

۳- لایپزیک Leipzig

4- Caroline Neuber Theatre

5- The Yong Scholar

6- Der freigeist

7- Die teuden

8- Wittenberg

9- Miss Sara Sampson

۱۰- دنی دیدرو Denis Diderot، فیلسوف فرانسوی و یکی از معاصرین دائرةالمعارف فرانسه است (۱۷۸۴-۱۷۱۳م)

۱۱- هراس Horace، تراژدی اثر پیر کرنی Comeille Pierre نام کتاب Vademecum

12- Literorg rauw

13- Breslav

14- Laokoon

۱۵- ولتر Volter، فیلسوف و نویسنده فرانسوی و یکی از بزرگترین شخصیت های فرانسه در قرن هجدهم (۱۷۷۸-۱۶۹۴م)

16- Minna Von Barnheim

17- Tellheim

18- Hamburgische Dramaturgie

19- Duke of Brunzwik, Wolfenbuttel

20- Emilia Gallati

21- Nathan the Wise

22- Educator of the Humanrace

23- Philoteis

24- Beitruga Zur Historic und Aubnahm des Theatse

25- Briefe dieneueste Litbrotuse betreibend

26- Rettungen

27- Überden Beweis des Gesites und Kroft

28- Ein Mehreeses aus den Popiem eines unesanannten

29- Eine Duplik

منابع

1- World Drama, McGraw Hill Encyclopedia Volume3

2- Dictionary of The Theatre, John Russell Taylor

۳- تاریخ فرهنگ آلمان، ویلهلم گسمان، ترجمه دکتر محمد ظروفی، تهران، انتشارات توس، ۱۳۵۱.

۴- نقد ادبی، عبدالحسین زرین کوب، (جلد دوم) تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱. صفحه ۴۱۸.

۵- ادبیات آلمان از قدیمی ترین ایام تا کنون J.F.Angellos، (ژ.ف.آنژلو)، ابرنه پوریافر، با مقدمه سعید نفیسی، چاپخانه داد اصفهان.

johann Wolfgang Von Goethe

یوهان ولفگانگ فون گوته (۱۸۳۲ - ۱۷۴۹م)

گوته، شاعر دراهن‌نویس، کارگردان، مدیر تئاتر و ادیب بلندآوازه آلمانی در ۲۸ اوت ۱۷۴۹ در فرانکفورت متولد شد پدرش به شغل پیشکاری دربار منصوب بود و مادرش از خانواده‌ای از نجبای آلمانی به حساب می‌آمد. یوهان تحصیلات ابتدایی را به همت پدر و مادرش با باری معلمین خصوصی که پدرش برای او انتخاب کرده بود فرا گرفت. در شانزده سالگی برای ادامه تحصیل در رشته حقوق و هرغی — به لایپزیک^۱ رفت. پس از سه سال به فرانکفورت بازگشت و پس از گذراندن یک دوره کسالت مجدداً در سال ۱۷۷۰ برای ادامه تحصیلاتش به استراسبورگ^۲ رفت. در این ایام مدتی را به مطالعه آثار سکسپیر^۳ گذراند و تحت محذوب او شد. در سال ۱۷۷۳ نمایشنامه پرومته را که افساس از امر معروف اسل بود تصنیف کرد.

کونه در اسامی که به تحصیل حقوق مشغول بود با جوانی دوست شد که بعدها دول و حکمران وایمار^۴ شد او که کارل اکوست^۵ نام داشت در سال ۱۷۷۵ از گوته دعوت کرد تا به عنوان مشاور به نزد او برود و گوته از آن تاریخ بیش از نیم قرن مشاور دول و کارگردان تئاتر و ایماز بود. نخست با گروهی از بازیگران آماتور به کار تئاتر پرداخت و به مرور صاحب گروهی از بهترین بازیگران تئاتر شد. کونه در وایمار صاحب مقام و مناصب فرهنگی و دولتی برجسته‌ای شد. از جمله



گوته



تصویری مربوط به نمایش ایفی ژنی - اثر گوته

مدتی به سمت استادی دانشگاه مشغول تدریس بود. آنگاه به نمایندگی مجلس انتخاب گردید مدتی نیز ریاست کتابخانه سلطنتی را عهده‌دار بود. اما در همه این احوال بیشترین فرصتش را صرف تئاتر و نوشتن نمایشنامه می‌نمود، گوته تا پایان عمرش در وایمار ماند و تنها چند سفر به دیگر ممالک اروپا رفت از جمله به مدت دو سال (۱۷۸۶ تا ۱۷۸۸م) در ایتالیا توقف کرد. سفر ایتالیا برای گوته بسیار ثمربخش بود و در نظرات و اندیشه‌های او دگرگونی و تحولی را باعث گردید.

گوته در ایام جوانی به طرفداران نهضتی که به «طوفان و هجوم»^۴ شهرت داشت پیوست و هنگامیکه بیست و چهار سال داشت با نوشتن گوتزفون بر لیشترین Cotzvon Berlechingen که نمایشنامه‌ای تاریخی و قهرمانی درباره یکی از سرداران آلمانی اوایل قرن شانزدهم است از زمره برجستگان این نهضت گردید. این نهضت که محتوایی رومانتیک داشت در حوالی سالهای ۱۷۷۰ در آلمان آغاز شد و تا سال ۱۸۳۰ دوام آورد. در سال ۱۷۷۰ روحانی جوان و پرشوری به نام یوهان گوتفردن هردر Herder فیلسوف و شاعر و منتقد آلمانی (۱۷۴۴-۱۸۰۳) به استراسبورگ رفت و در آنجا با گوته که جوانتر از وی بود و در رشته حقوق تحصیل می‌کرد دیدار کرد. هردر علاقه‌ی وافری به شعر داشت و نیز معتقد بود که اشعار اولیه‌ی هر ملتی منعکس‌کننده تاریخ و سرگذشت و پیشینه معنوی آن ملت است. او بر این عقیده بود که مردم آلمان با نبوغ خویش روح‌زاد بومی سرزمینشان را بیان کنند.

روی سخن «هردر» در باب اهمیت والای نیرو و توانایی در ادبیات و شور و احساس ناشی از آن، در میان جوانان خاصه دانشجویان آلمان شور غربی برانگیخت. نبوغ‌های جوان و سرکش این دعوت را بی‌درنگ پاسخ گفتند. و نام «طوفان و هجوم» که نام یکی از آثار فریدریش ماکزیمیلیان کلینگر^۵ بود بر خود نهادند. پیروان این نهضت با حساس و عواطف انسانی بیشتر از عقل و منطق اهمیت می‌دادند، هرگونه آسایش طلبی را ترد می‌نمودند. طبیعت و رجعت به آن‌را می‌ستودند و به شخصیت فردی و قهرمان پرستی اهمیت فراوان قائل بودند، به هیجان‌های انسانی بسیار بها می‌دادند و با عادات و رسوم اجتماعی کهنه به شدت مخالفت می‌نمودند.

گوته در سال ۱۷۹۱ به سرپرستی تئاتر سلطنتی وایمار انتخاب شد و مدت ۲۵ سال این سمت را بر عهده داشت و تأثیرش بر تئاتر غرب در این ربع قرن درخور توجه است. این دوره را دوره تئاتر کلاسیک وایمار می‌نامند و نقطه عطفی در تئاتر آلمان محسوب می‌شود و همچنین شهر وایمار در این زمان به مقام فعالترین شهر تئاتری اروپا درآمد. گوته آثار بزرگترین نمایشنامه‌نویسان جهان را بر صحنه آورد. شیلر^۶ هنرمند دیگر آلمانی طی ملاقاتی که در سال ۱۷۷۴ در شهر جنا Jene با گوته داشت به تشویق وی در سال ۱۷۹۹ شهر جنا را ترک کرد و نزد گوته به وایمار آمد. همکاری این دو



صحنه ای از فاوست اثر گوته - آلمان ۱۹۶۲

سبب بسط و گسترش هرچه بیشتر هنر تئاتر گردید.

آثار گوته بسیار متنوع است چنانچه شامل چندین تراژدی، چند نمایشنامه تاریخی، آثار فلسفی، آثار اساطیری و چند نمایشنامه کمدی است. گوته یک سال بعد از نوشتن نمایشنامه کوترزن برلینشتن^۱ داستان زیبای «سرگذشت ورت»^۲ را انتشار داد که شهرت بسیاری نصیب نویسنده جوان کرد.

استلا Stella نمایشنامه‌ای تراژدی و عاشقانه است متعلق به سال ۱۷۷۵ است که در آن شرح عشق دو زن تنها را به مردی نالستوار بازگو می‌کند.

اگمت^۳ یک تراژدی تاریخی است و یکی از بهترین آثار ادبی دوران جوانی گوته است، اگمت قهرمان نمایشنامه از امرای ناحیه گلدن Geldern است و سرداری است آزاده و شجاع که در یک توطئه توسط دوک آلبا، Alba ناجوانمردانه به دست مرگ سیرده می‌شود. نمایشنامه دیگر گوته ابفی‌ژنی در تورید^۴ است که از اساطیر یونان باستان ملهم است.

فاوست^۵ معروفترین اثر گوته به یقین بیشترین سالهای عمر این هنرمند را معطوف خود کرد. فاوست از نمایشنامه دکتر فاوستوس^۶ اثر کریستوفر مالرو اقتباس شده است و سرگذشت دانشمندی است که عمر خود را در راه دانش صرف کرده و از عشق و مواهب زندگی دوری جسته است، شیطان بر او ظاهر می‌شود و با او پیمان می‌بندد که اگر بنده او گردد در عوض هرچه که بخواهد در اختیارش خواهد گذاشت. درواقع شیطان یا مفیستوفلیس^۷ بخش دیگری از وجود انسان است، در این معامله حقیقت زندگی برای فاوست دانشمندی که زندگی‌اش را به تحقیق می‌گذراند مکشوف می‌شود.

زندگی لابتنهای و دارای دور تسلسل است و کوشش بی‌پایان انسان برای یافتن حقیقت همواره موضوعی بشری است. فاوست به همراه شیطان به سفر می‌رود، سفر به وادی‌های گوناگون لذت‌های زمینی، عشق، دنیای تخیلات، آسمان و افسانه‌ها، گرچه در آخرین وادی شیطان بر فاوست پیروز می‌شود ولی در نهایت روح فاوست آمرزیده می‌شود. گوته سه ماه پس از پایان رسانیدن آخرین قسمت فاوست ۱۸۳۲ چشم از جهان فروبست. در هنگام مرگ وصیت کرد تا او را در وایمار به خاک سپارند.

دیگر آثار گوته عبارتند از: طبیعت عشاق^۸ ۱۷۶۷ کلاویکو^۹ ۱۷۷۴، اروین و المیر^{۱۰} ۱۷۷۵ دختر تنی^{۱۱} ۱۸۰۳، استلا^{۱۲} ۱۸۰۳، گلاودنیه فون^{۱۳} ویلابلا، تورگاتو تاسو^{۱۴} ۱۷۸۱ و شریکان جرم^{۱۵}.

گوته علاوه بر کارهای ذکر شده در زمان اقامتش در وایمار تعداد زیادی نمایشنامه به صحنه برد و آثاری را هم از ادبیات سایر ملل به زبان آلمانی برگرداند. از میان این آثار می‌توان رمنو و ژولت

و هانری چهارم اثر ویلنای شکسپیر، پرندگان اثر آریستوفان و آثاری از ولتر و کرنی نویسندگان فرانسوی را نام برد.

دیوان شرقی^{۲۰} اثر دیگر گونه که برای خوانندگان فارسی زبان اثر آشناییست در زمره آثار که نظیر شعر و حکمت اروپائیان محسوب می شود که درباره ادبیات فارسی نگاشته شده است. گونه با خواندن غزلیات خواجه حافظ شیرازی شوق و رغبت فراوانی نسبت به شعر فارسی پیدا کرد و به مطالعه ادبیات و شعر شاعران ایرانی پرداخت. کتاب دیوان شرقی حاصل شیفتگی گونه به ادبیات مشرق زمین است.

۱. لایپزیک Leipzig از شهرهای کشور جمهوری دموکراتیک آلمان در ناحیه ساکس.
۲. استراسبورگ Straasburg شهری در آلمان.
۳. ویلیام شکسپیر (۱۵۶۴-۱۶۱۶م).
۴. وایمار Wemar شهری در آلمان.
- 5- Carrel August
۶. مکتب طوفان و هجوم Storm and Stress با طوفان و طغیان.
۷. یوهان گوتفردین هردر Johann Gottfried Von Herder فیلسوف و شاعر و منتقد آلمانی ۱۷۴۴-۱۸۰۳م.
۸. Storm and Stress نام نمایشنامه‌ای از شاعر و درام‌نویس آلمانی کلینگر Klinger که در سال ۱۷۷۷ انتشار یافت. و ۹. شیلر Schiller. نمایشنامه‌نویس آلمانی و معاصر گوته ۱۷۵۹-۱۸۰۵م.
- 10- Gotz Von Berlechingen
- 11- Verner
۱۲. اگمنت Egmont اثر گوته ترجمه محمدباقر هوشیار، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۴.
۱۳. ایفی‌ژنی در تورید Iphignia in Teurs ترجمه محمدسعیدی، تهران، صفی‌علیشاه.
۱۴. فاوست Faust اثر گوته ترجمه دکتر اسدالله مبشری، انتشارات توس.
۱۵. دکتر فاوستوس، اثر کریستوفر مارلو Christopher Marlowe نمایشنامه‌نویس انگلیسی ۱۵۶۴-۱۵۹۳م. ترجمه لطفعلی صورتگر، تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۰.
- 16- Me Phistopheles
- 17- The wayward Lover
- 18- Clavigo
- 19- Erwin and Elmira
- 20- The Natural Daughter
- 21- Stella
- 22- Claudine Von Villa Bella
۲۳. Torquato Tasso، که بر اساس زندگی درام‌نویس و شاعر ایتالیایی در عصر رنسانس نگاشته شده.
- 24- The Accomplices or Fellow Culprits
۲۵. دیوان شرقی West-Ostlicher Diwan، اثر گوته ترجمه شجاع‌الدین شفا، ابن سینا تهران

منابع

- 1- Encyclopedia of World Drama McGraw Hill(Volum2)
- 2- ADictionary of the Theatr, John Russell Thaylor, Penguin Referenc Books
۳. سیری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
۴. فصلنامه تئاتر، شماره ۳ مقاله یوهان و لفانک فن گوته، نوشته پرویز مخون، از انتشارات قسمت برنامه‌های نمایش وزارت فرهنگ و هنر.
۵. تاریخ فرهنگ آلمان باختصار، اثر ویلهلم گسمان، ترجمه دکتر محمد ظروفی، انتشارات توس.

Schiller

شیلر (۱۸۰۵ - ۱۷۵۹م)

یوهان کریستف فردریش فن شیلر^۱ شاعر و درام‌نویس آلمانی در دهم نوامبر ۱۷۵۹م یعنی درست ده سال پس از تولد گوته^۲ در ووتنبرگ^۳ آلمان دیده به جهان گشود. پدرش پزشک جراح بود که بعدها وارد خدمت نظام شد و برای قشون دولتی طبابت کرد و بالاخره به شغل بازرسی باغات سلطنتی شاهزاده ووتنبرگ درآمد. یوهان از کودکی عشق و علاقه سرشاری به شعر و نویسندگی داشت. هنگامی که ۹ سال بیشتر نداشت برای نخستین بار به تماشای تئاتر رفت و همین دیدار او را مجذوب صحنه تئاتر کرد.

مدت هفت سال در مدرسه‌ای که مخصوص فرردان مقامات دولتی بود و از شرایط تحصیلی دشواری برخوردار بود به آموختن رشته حقوق پرداخت. در همین دوران با آثار ژان ژاک روسو^۴، ویلیم شکسپیر^۵ و گوته آشنا شد و به مطالعه آثار آنها پرداخت پس از آنکه این مدرسه با نام آکادمی^۶ به شهر اشتوتگارت منتقل شد تغییر رشته داد و به تحصیل طب پرداخت. پس از پایان تحصیل به سمت پزشک قشون مشغول کار شد. در همین سالها نهضت طوفان و هجوم^۷ در میان نسل جوان آلمان رشد و گسترشی چشمگیر یافت و عرضه ادبیات را به شدت تحت نفوذ خود درآورد. نمایشنامه کوتزن‌برلنستین^۸ اثر مشهور گوته که ملهم از تفکر این نهضت بود همچون جرقه‌ای بر



شیلر

ذوق و استعداد جوانان آلمانی فرود آمد و سبب برانگیختن آنان شد، شیللر جوان نیز بالطبع تحت تأثیر قرار گرفت و از طرفداران این نهضت شد.

در سال ۱۷۸۱ هنگامی که بیست و دو سال بیشتر نداشت نخستین نمایشنامه خود را با نام راهزنان^۱ منتشر کرد. این نمایشنامه یک سال بعد در تئاتر مانهایم^۲ به معرض نمایش گذاشته شد و با موفقیت شایانی روبه‌رو گردید. این اثر که تحت تأثیر نهضت طوفان و هجوم نوشته شده بود، سراسر حاکی از عصیان و شورش بر علیه آداب سن و قوانین جامعه آن روز آلمان بود. بدین لحاظ می‌توان آن را در زمان خود اثری انقلابی و پرشور تلقی کرد چراکه بر اساس شواهد موجود در میان مردم تأثیری شدید برجای گذاشت به طوری که شاهزاده ووقیرگ که از دانش و ذکاوت بی‌بهره نبود به قصد جلوگیری از این سبک و سباق نویسندگی و تأثیرات آن حکمی اکید صادر نمود. شیللر تا مدتی به ظاهر به طبابت پرداخت و چندی نیز از خاک ووقیرگ مهاجرت کرد. طی این مدت از نوشتن دست برداشت. نمایشنامه‌های خدعه عشق^۳ و توطئه فیسکو^۴ به همراه یک مجموعه شعر، از آثار این دوران نویسندگی شیللر است که به آثار دوره نخست کار نویسندگی او مربوط می‌شود، از مشخصات این آثار انتقادهای نویسنده به شرارت و خودکامگی و فساد فرمانروایان و دستگاه حکومتی آنان در طول قرون و اعصار است.

در سال ۱۷۸۱ در تئاتر مانهایم به عنوان درام‌نویس شروع به کار کرد و به زودی به سمت مدیر تئاتر دربار ارتقاء یافت. در سال ۱۷۸۵ به لایپزیک^۵ رفت و شروع به مطالعه فلسفه کرد به کانت^۶ علاقمند شد و نوشتن نمایشنامه دون کارلوس^۷ را نیز آغاز نمود.

شیللر در این دوران با همه شهرتی که داشت از نظر مالی فقیر بود و برای گذران امور خود با مشکلات مالی زیادی دست به گریبان بود. در سال ۱۷۸۷ در تئاتر شهر هامبورگ به عنوان شاعر و درام‌نویس شروع به کار نمود. مطالعه تاریخ و آشنایی با فلسفه، نفوذ و تأیید مکتب «طوفان و هجوم» را در او تقلیل داد. در سپتامبر سال ۱۷۸۸ نخستین ملاقات گوته و شیللر دست داد در آن هنگام شیللر ۲۹ سال داشت و گوته ده سال از او بزرگتر بود و هر دو نویسندگانی سرشناس بودند، هفت سال بعد از این دیدار گوته از شیللر دعوت نمود که به وایمار رفته در آنجا با او همکاری کند. شیللر دعوت گوته را پذیرفت و این دوستی و همکاری متجاوز از ده سال یعنی تا مرگ شیللر مستحکم برجای ماند. گوته درباره این دوستی گفته است «برای من حکم تازه بهاری را پیدا نمود و تمام وجود من از نو در کمال برومندی جوانه زد و شکفته و شاداب گردید.» آثار این همکاری در زمینه نوشتن چند نمایشنامه مسهود است. شیللر نمایشنامه معروف خود والشتین^۸ را که از آثار ارزنده اوست و همچنین نمایشنامه ویلهلم تل^۹ و فاوست^{۱۰} اثر بزرگ و جاودانه گوته حاصل همکاری

صفحه ای از اجرای دون کارلوس اثر شپیلر - آلمان ۱۹۷۲





محنه ای از نمایش ویلهلم تل - اثر شیلر آلمان ۱۹۵۹

و همفکری این دوران است.

آثار دیگر شیلر عبارتند از ماری استوارت^{۱۰} (۱۸۰۰)، که در آن ماجرای زندگی ماری ملکه انگلستان (اسکاتلند) بازگو می‌شود و با تاریخ انگلس آشنا می‌شوم.

دوشیزه اورلن^{۱۱} اثر دیگر شیلر نمایشنامه‌ای است رمانتیک درباره ژاندارک و معجزاتی که به او منسوب است.

نمایشنامه والنشتین^{۱۲} اثر دیگر شیلر یک تریلوژی^{۱۳} (سه قسمتی) است، قسمت اول با ناه اردو^{۱۴} در ۱۷۹۸ نوشته شد و قسمت دوم پیکولومنی^{۱۵} و قسمت سوم با ناه مرگ والنشتین^{۱۶} در ۱۷۹۹ نوشته شد. عروس مسین^{۱۷} نمایشنامه دیگر شیلر در زمرة آثار سالهای آخر زندگی وی محسوب می‌شود.

جوهر درام شیلر در طرح مسائل و مشکلات انسانها است. لغزش، گناه، تضاد، اخلاق و کشمکش‌های گوناگون مابین انسانها از یک سو و جامعه از سوی دیگر، و تلاش در جهت رسیدن به کمال انسانی که شیلر از امانوئل کانت آموخته بود همراه با طلب آزادی و پاکسازی نفس از اعمال و خطاهای فردی است.

زمانی که در آلمان نازیها به قدرت رسیدند آثار شیلر به تیغ سانسور سپرده شد، این امر به دلیل روحیه آثار این نویسنده است که همواره بر علیه ناپسامانیهای اجتماع معترض بود و آثارش او را درام‌نویسی سیاسی معرفی می‌کند.

کتاب تاریخ جنگهای سی‌ساله^{۱۸}، از جمله آثار شیلر است که در زمینه تاریخ نگاشت و ارزش تحقیقی آن درخور توجه است.

شیلر نسبت به آثار شکسپیر و اوریپید^{۱۹} علاقه زیادی ابراز می‌نمود. آثاری از این دو نویسنده را به زبان آلمانی ترجمه کرد، در سالهای آخر عمر شیلر به دلیل بیماری سل دچار ضعف و ناتوانی شد و بیشتر مجبور به استراحت بود، در سال ۱۸۰۵ بیماری او شدت گرفت و عاقبت در روز نهم ماه مه این بیماری او را از پای درآورد.

1- Johann Christoph Friedrich Von Schiller

۲. گوته Coethe نایب‌نامه‌نویس آلمانی ۱۸۳۲-۱۷۴۹م.

۳. ووتنبرگ Wurttemberg، یکی از ایالات قدیمی آلمان در جنوب غربی این کشور.

۴. ژان ژاک روسو Jean Jacques Rousseau نویسنده و متفکر فرانسوی ۱۷۷۸-۱۷۱۲م.

۵. ویلیام شکسپیر William Shakespear ۱۶۱۶-۱۵۶۴م.

۶. آکادمی Academie، نام باغی بود در آتن پایتخت یونان قدیم که در آن افلاطون به شاگردان خود فلسفه درس می‌داد و بعدها این اسم به انجمن‌های دانشمندان و ادیبان اطلاق گردید. (فرهنگ فارسی معین).

۷. طوفان و هجوم Storm and Stress، در سال ۱۷۷۷ نایب‌نامه‌ای تحت عنوان طوفان و هجوم از شاعر آلمانی به نام کلنجر Klinger انتشار یافت که موجب به وجود آمدن مکتب جدیدی در دراه‌نویسی آلمان شد. در واقع پیروان این مکتب علیه ناپسامانیهای اجتماعی و سنن و قوانین پوسیده و کهنه آلمان طغیان و قیام کرده بودند.

8- Goltz Von Berlechingen

۹. راهزنان The Robbers، و توطئه فیسکو. ترجمه ابوالحسن میکده. تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۴

۱۰. مانهایم Mannheim شهری در کشور آلمان فدرال در ناحیه وورتمبرگ.

۱۱ - خدعه عشق Love and Intrigue ترجمه یوسف اعتصامی تهران ۱۳۲۵.

12- Fiasco or The Conspiracy of Genoa

۱۳. لایپزیگ Leipzig شهری است در کشور جمهوری دموکراتیک آلمان در ناحیه ساکس.

۱۴. امانوئل کانت Emanuel Kant فیلسوف آلمانی ۱۷۲۴-۱۸۰۴ میلادی.

۱۵. دون کارلوس Don Carlos ترجمه محمدعلی حمالزاده تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۵.

۱۶. کلاسیسم Classicisme شیوای که تابع سبک با نوع آثار هنرمندان باستانی یونان و رم یا آثار هنرمندان قرن هفدهم فرانسه باشد.

۱۷. والنشتین Wallenstein.

۱۸. ویلهلم تل Wilhelm Tell ترجمه محمدعلی حمالزاده تهران بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۶.

19- Faust

۲۰. ماری استوارت Mary Stuart ترجمه هاشم کاشف تهران. شاهین ۱۳۲۶.

۲۱. دوشیره اورلئان The Maid of Orleans، ترجمه بزرگ علوی با مقدمه صادق هدایت ۱۳۴۰

22- Wallenstein

23- Trilogy

24- Wallenstein's Camp

25- The Piccolomini

26- The Death of Wallenstein's

27- The Bride of Messins

28- History of the Thirty Yars war

۲۹. اورپید Eunpride درام‌نویس بزرگ یونان ۴۸۶-۴۰۶ پیش از میلاد.

Kleist

کلایست

«۱۷۷۷-۱۸۱۱م»

ویلهلم هاینریش فن کلایست^۱ شاعر، نمایشنامه‌نویس و داستان‌سرای آلمانی در هیجدهم اکتبر ۱۷۷۷م در فرانکفورت بدنیا آمد. اجدادش از اشراف پروس^۲ بودند پدرش یواخیم فردریش فن کلایست^۳. افسر ارتش پروس بود. کلایست تحصیلات ابتدائیش را در منزل و نزد معلمین خصوصی فراگرفت در سال ۱۷۸۸ هنگامیکه یازده سال بیشتر نداشت پدرش از دنیا رفت و پنج سال بعد از مرگ پدر مادرش نیز درگذشت. فقدان پدر و مادر در روحیه حساس او تأثیری عمیق برجای گذاشت. با این حال تحصیلاتش را همچنان دنبال کرد. در سال ۱۷۹۲ در پوتسدام^۴ وارد خدمت نظام شد و به عنوان افسر گارد در سال ۱۷۹۶ در ناحیه راین^۵ در نبردی برعلیه نیروهای فرانسوی شرکت کرد و سپس موفق به گذراندن دوره‌بالای مدرسه نظام گردید. اما روحیه حساس و فردگرایانه‌اش^۶ مانع از آن بود تا خود را با قوانین و مقررات ارتش هماهنگ سازد به همین خاطر در سال ۱۷۹۹ از ارتش استعفا داد و وارد دانشگاه شد و در رشته فلسفه تاریخ به تحصیل پرداخت. اما در این مسیر هم به زودی تکالیف و دروس دانشگاهی روحیه زودرنج و عصبی او را دچار پریشانی کرد. در اوت ۱۸۰۰ تحصیلاتش را رها کرد و از این زمان به بعد يك زندگي توأم با دربدري و آوارگي را پيشه کرد.



کلیاست

در سال ۱۸۰۱ به امید اینکه شغل مناسبی به دست آورد به پاریس رفت. در پاریس تحت تأثیر عقاید و افکار ژان ژاک روسو^۶ شروع به مطالعه کرد و پس از مدتی رهسپار سویس شد. در آنجا ازدواج کرد و با گروه‌های تئاتری آشنا شد و نخستین همکاری‌اش را به عنوان بازیگر با آنها آغاز کرد.

پس از چندی از نظر روحی به شدت دچار افسردگی شد، در نوشته‌های باقیمانده از این سال‌های او بیش از هرچیز از توجه و علاقه‌اش به مرگ سخن گفته شده. در اینجا ذکر این توضیح ضروری است که در این ایام سرزمین آلمان به دولت‌های کوچکی تقسیم شده بود. مرور زمان، همراه با ترقی و پیشرفت سرزمین پروس سبب گردید تا جریانات مساعدی در جهت اتحاد نژادهای ژرمن را سبب شود، و امپراتوری آلمان را قدرقند کند، در این میان شعرا نویسندگان و سایر هنرمندان در تقویت احساسات و طنپرستانه و برانگیختن همبستگی و غرور ملی سهم بسزائی ایفا نمودند. وایمار^۷ در همین ایام با حضور شخصیت‌هایی چون گوته و شیلر به عنوان مرکز فعالیت‌های تئاتری سرزمین آلمان کلايست را به سوی خود جلب کرد. در آنجا با هنرمندان زیادی آشنا شد، گوته نخست مایل بود که وی در وایمار بماند و به فعالیت هنری بپردازد اما روحیات خاص کلايست منجر شد که گوته در این تصمیم خود زیاد اصرار نرزد و کلايست پس از توقفی نه چندان طولانی راهی فرانسه شد. سفرش به فرانسه مصادف بود با جنگ فرانسه علیه انگلستان، او تحت تأثیر احساسات خود در این جنگ بر علیه نیروهای انگلیسی شرکت کرد. دستاورد این تصمیم برای کلايست بیماری و کسالتی بود که ناگزیر او را برای مدتی در یکی از بیمارستانها بستری ساخت.

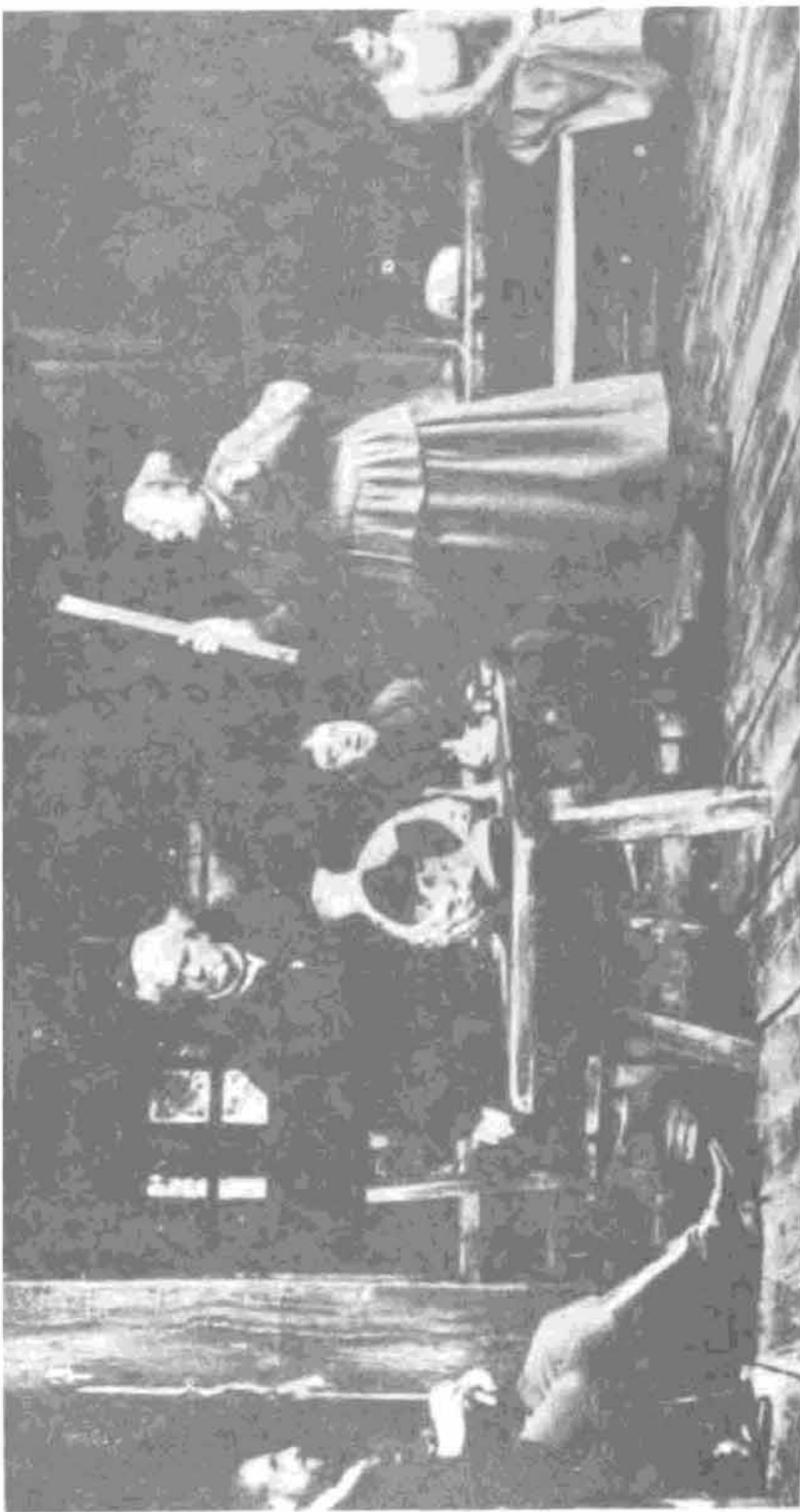
در سال ۱۸۰۴ مجدداً به آلمان بازگشت و در پوتسدام اقامت گزید.

گرچه وضع جسمی و روحیش رضایت‌بخش نبود اما سالهای ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۰ را می‌توان درخشان‌ترین دوره حیات ادبی او شمرد.

نمایشنامه خانواده شروffenشتاین^۸ نخستین اثر کلايست در ۱۸۰۴ نوشته شد. این نمایشنامه که تراژدی غم‌انگیزی است همچون تراژدی‌های نخستین یونان باستان (آثار اشیل و سوفکل) انسان را گرفتار و محبوس در دست تقدیر می‌داند که گریز از آن عملی نیست. کلايست در ماه مه ۱۸۰۵ برای مدتی به عنوان عضوی از شورای اداره کننده زمین‌های سلطنتی به کینزپرک^۹ رفت و در آنجا این فرصت را داشت که مطالعاتی وسیع در زمینه ادبیات فرانسه بنماید.

آن‌گاه از شغلش استعفا داد به امید اینکه وقت و نیرویش را صرف نوشتن کند.

در سال ۱۸۰۶ نمایشنامه آمفی‌تریون^{۱۰} که اقتباس از اثر مولیر نمایشنامه‌نویس فرانسوی است را نگاشت. در سال ۱۸۰۷ هنگام گذشتن از برلین توسط نیروهای فرانسوی به اتهام جاسوسی دستگیر



صحنه از نمایش کوزه شکسته

اثر کلايست آلمان

و زندانی شد. اما پس از مدتی آزاد شد و به درسدن^۳ رفت، نمایشنامه پانته‌زیله^۴. اثر بعدی کلايست در سال ۱۸۰۷، ملهم از اساطير يونان است. پانته‌زیله ملکه زنان جنگجو بر ضد يونانيان وارد جنگ تروا می‌شود و عاقبت به دست آشیل سردار سپاه يونان کشته می‌شود. آشیل بر مرگ او گریه کرد و زیباییش را تحسین نمود. برخی از محققين بر اين عقیده‌اند که کلايست در اين اثر به گونه‌ای با ایفی‌ژنی^۵ اثر گوته رقابت کرده است.

در همین سال کلايست باتفاق آدام مولر^۶ مجله ای به نام فی‌بوس Phebus را تأسیس کرد. اما پس از چندی به دلیل عدم حمایت مالی از سوی مقامات این نشریه تعطیل شد.

نمایشنامه کوزه شکسته^۷ اثر مشهور و جذاب کلايست هم حاصل تلاش او در همین سال است کلايست که به این اثر بسیار دل بسته بود. مایل بود که گوته آنرا تأیید و اجرا کند اما این اثر مورد بی‌توجهی گوته قرار گرفت و در نتیجه باعث دلگیر شدن کلايست نسبت به گوته گردید.

در همین سال اشغال آلمان توسط ناپلئون به طور فزاینده‌ای احساسات ضدفرانسوی را در کلايست برانگیخت. حاصل آن نمایشنامه‌ای بود به نام جنگ آرمینوس^۸ که در آن به شدت ناپلئون مورد حمله و انتقاد قرار گرفته است. این اثر در سال ۱۸۰۹ در وین به صحنه رفت اما موفقیت چندانی به دست نیاورد. از سوی دیگر پیروزیهای ناپلئون امیدهای کلايست را به یأس مبدل کرد. همان‌سال به پراگ رفت مشکلات مالی همراه با عدم سلامت روحی و جسمیش او را به شدت تحت فشار قرار داد. حوشتخانه در همین زمان ملکه لونیز^۹ که در پروس صاحب قدرت و ثروت بود او را مورد لطف و حمایت خود قرار داد و کمک‌هایش را از او دریغ نکرد اما با مرگ ملکه در سال ۱۷۱۰ دوران شکوفایی کارهای کلايست که به کارهای سلطنتی شهرت دارند نیز به پایان رسید. دو نمایشنامه کاترین فن‌هلیرون^{۱۰} در ۱۸۱۰ و شاهزاده هامبورگ^{۱۱} (۱۸۱۰) آثار این دوره کلايست هستند که در کاترین فن‌هلیرون يك زن قرون‌وسطانی از سرزمین آلمان را که عظمتش در عشق و اطاعت از معشوق است را معرفی می‌کند و در شاهزاده هامبورگ ذوقیات رومانتیک همراه با شور و عاطفه ملی خود را بازگو می‌نماید.

در اکتبر ۱۸۱۰ کلايست بار دیگر به برلین بازگشت و موفق شد نخستین مجموعه آثارش را که شامل داستانهای مشهورش بودند به چاپ برساند. همچنین دامنه فعالیت‌های سیاسی‌اش را گسترش داد و روزنامه عصر برلین را منتشر کرد و مقالاتی نیز بر علیه ناپلئون به چاپ رسانید.

کلايست مانند بسیاری از نویسندگان آن عصر سعی داشت آثاری درباره زندگی مردان شجاع و فداکار به رشته تحریر درآورد تا بدین وسیله الگوهایی جهت روحیه افراد کشورش ترسیم نماید و بدین وسیله روح قهرمانی را در مردم برانگیزد. روزنامه پس از شش ماه بر اثر فشار سانسور ناچار به

تعطیل شد. آخرین نامه‌های کلایست که در دست است حاکی از آن است که وی بر اثر مشکلات از بیماری روحی و عصبی به شدت رنج می‌برد. بالاخره در نوامبر ۱۸۱۱ کلایست درحالی که سی و پنج سال بیشتر از عمرش نمی‌گذشت خودکشی کرد. آثار او نمونه‌ای از کوشش‌های نویسنده‌ای خوش‌قریحه است که برای فرار از هرج و مرج ابهام آمیز هستی و رسیدن به وضوح و روشنی تلاش می‌کند.

پانویس

1- Wilhelm Heinrich von Kleist

۲. پروس Prussia، قسمتی از سرزمین آلمان که در قدیم کشوری مستقل بود، مساحت آن ۲۹۴۰۰۰ کیلومتر مربع گرسی آن برلن و شهرهای مهم آن عبارتند از کولونی، برسلواسن، فرانکفورت، دورتموند و دوسلدرف.

3- Joachim Friedrich von Kleist

۴. پوتسدام Potsdam از شهرهای آلمان واقع در حومه برلین و مرکز کاخ قدیمی پادشاهان پروس
۵. راین Rhein یا رن Rhen

6- Individualism

۷. ژان ژاک روسو Jean Jacques Rousseau، نویسنده و متفکر فرانسوی (۱۷۷۸-۱۸۱۲م)

8- Wemar

9- The Feus of Schrottensteins

10- Kenyzberg کیزبرگ

11- Amphitryon

12- Dersaden

13- Penthesilea

14- Iphigenia in Tauris

15- Adam Muler

16- The Broke Jug

17- The Battle of Arminius

18- Louis

19- Das Kathchau von Heilbronn Die Feuerprobe

20- The Prince of Homburg شاهزاده هامبورگ

ترجمه محسن خواجه نوری، تهران چاپخانه اختر شمال ۱۳۳۴

منابع

1- World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia (Volume2)

2- Dictionary of Theatre, John Russel Taylor, Penguin Reference Book

۳. مقدمه شاهزاده هامبورگ ترجمه محسن خواجه نوری تهران چاپخانه اختر شمال ۱۳۳۴

۴. فرهنگ فارسی، دکتر محمدمعین، تهران انتشارات امیرکبیر جلد پنج و شش اعلام.

Karl Georg Buchner

کارل کنورک بوخنر «۱۸۳۷ - ۱۸۱۳ م»

کارل کنورک بوخنر، نمایشنامه‌نویس آلمانی در اکتبر ۱۸۱۳ء در نزدیکی در ارمشتات، آبنیبا آمد. در نوزدهم فوریه ۱۸۳۷، هنگامی که ۲۴ سال بیشتر نداشت در شهر زوریخ^۱ در اثر ابتلا به بیماری تبفوس در گذشت. مرگ زودرس وی جهانسان را از داشتن فرزندی خلاق و آثاری ارزنده محروم ساخت. اگرچه زندگی بسیار کوتاه بود، اما تمامی اوقات بوخنر گویی به تلاشی بی‌امان در زمینه‌های گوناگون دانش و هنر گذشت. از همان دوران کودکی قریحه و نبوغی زودرس در علم و ادبیات و زمینه‌های اجتماعی از خود نشان داد. پدرش به حرفه پزشکی اشتغال داشت و بوخنر جوان در این زمینه همواره کنجکاو بود. پس از پایان تحصیلات ابتدایی و متوسط، بیست ساله بود که برای تحصیل در رشته طب و فلسفه عازم شهر گیسن Giessen شد. در این شهر با فردریک لودویگ ویدیک F. L. Weidig کشیش لونری مذهب آشنا شد. ویدیک رهبر گروه انقلابیون و اسناد دانشگاه بود این آشنایی در ذهن جوینده و جوان بوخنر بسیار مزتر افتاد و افکار ایده‌آلستی او را به افکار انقلابی تبدیل نمود. بوخنر با همکاری او جزوه‌ای تحت عنوان «پستیچی دهکده» ارگان گروه انقلابیون را منتشر کرد و در آن شورانگیزترین نوشته‌های انقلابی و پرشور تاریخ ادبیات آلمان را بچاپ رساند و نیز مطالبی در بررسی مسایل اقتصادی و رنج توده‌های مردم نگاشت. در سال



گئورگ بوختر

۱۸۳۵ متهم به اخلاص‌گری گردید و حکم بازداشت او را حکومت هسن Hessen صادر نمود. بوخنر برای فرار از چنگ پلیس دولت مترینخ^۲ و دست‌نشانده‌هایش در اروپا که شرایط استبدادی دشواری بر آزادیخواهان در اروپا اعمال می‌نمودند مدتی در زیرزمین خانه پدریش مخفی شد، و سپس به استراسبورک^۳ رفت. در راه هنگامیکه به مرز آلتیان^۴ رسید دستنویس نمایشنامه «مرگ دانتون»^۵ را به پایان رسانید.

در این نمایشنامه بوخنر تصویر دانتون، یکی از بزرگترین استادان سیاست انقلابی را به نمایش در آورده است. دانتون که در حوادث انقلاب فرانسه از خونریزی و کشتار پس از پیروزی رنج بسیار برده بود خود نیز قربانی آن می‌شود و سر از تنش جدا می‌کند. در این ایام اندیشه‌های انقلاب فرانسه بسرعت به همه جای اروپا راه یافته بود در آلمان میوه انقلاب فرانسه، پیدایش و گردهمایی نسل جوانی بود که علیه استبداد قیام نموده و شروع به مبارزه کرده بودند. بوخنر جوان نیز یکی از این مبارزان راه آزادی در کشورش بود. با این همه نمایشنامه «مرگ دانتون» يك نمایشنامه سیاسی، تبلیغاتی نیست. بلکه اثریست هشداردهنده برای هم پیمانان مبارز نویسنده جوان که آگاه باشند چگونه انقلابی افسار گسیخته، حتی از بلعیدن فرزندان خود نیز دریغ نخواهد کرد، همچنانکه در انقلاب فرانسه، سران انقلاب پس از پیروزی کمر به محکومیت و قتل یکدیگر بستند. بوخنر در نامه‌ای به کارل گوتزکف^۶ درباره نمایشنامه مرگ دانتون چنین می‌نویسد:

«درباره نمایشنامه غمی توانم شرح زیادی بدهم. مگر اینکه شرایط فلاکت‌باری را که در آن مجبور شدم در عرض پنج هفته آنرا به اتمام رسانم برایت توضیح دهم. این را می‌گویم تا نه درباره نمایشنامه، بلکه درباره نویسنده آن داوری کنی، حالا باید چه بکنم؟ خودم هم نمیدانم. فقط این را میدانم که به دلایل متعدد، در مقابل تاریخ شرمسارم، ولی باز هم بخودم دل‌داری می‌دهم، چون به غیر از شکسپیر همه شاعران در مقابل تاریخ و طبیعت همچون شاگردان مدرسه ایستاده‌اند.» دارمشتات ۲۱ فوریه ۱۸۳۵.»

بحرانی شدن شرایط اجتماعی بوخنر را مجبور به فرار کرد. در مارس ۱۸۳۵ از استراسبورک سر درآورد چیزی از اقامتش در این شهر نگذشته بود که دست به انتشار يك روزنامه علمی درباره اعصاب مغزی زد.

در نوامبر ۱۸۳۶ با نوشتن يك رساله جامع و در خور توجه درباره سلسله اعصاب يك نوع ماهی به اخذ درجه دکترا نائل آمد آنگاه به سویس رفت و در دانشگاه زوریخ بعنوان دانشیار تشریح مقایسه‌ای شروع به تدریس نمود.

بوخنر که در استراسبورک بود جهت شرکت در يك مسابقه نمایشنامه‌نویسی، نمایشنامه

لئونس ولنا^۸ را نوشت. این اثر در زمره زیباترین کمدی‌های شاعرانه ادبیات آلمانی محسوب می‌شود. بالاخره پس از چندین سال زندگی و پرماجرا و فعالیت‌های پیگیر در مبارزات آزادیخواهانه، بوخنر در زوریخ زندگی آرام و منظمی را آغاز کرد. بخشی از اوقاتش را صرف فعالیت‌های علمی می‌نمود و بخش دیگر را صرف نوشتن کرد. چند ماه بعد به دوستانش اطلاع داد که سه نمایشنامه را بتازگی به پایان رسانیده است، یکی از این نمایشنامه‌ها بکلی کم شد. دومی نمایشنامه‌ای است با نام پیتر و آرتینو «Pietro Artino» که حاصل آخرین روزهای زندگی نویسنده محسوب می‌شود. این اثر را بوخنر ساعاتی پیش از فرارسیدن مرگ در بستر بیماری به نامزدش سپرد و از او خواست تا این نمایشنامه بدست کس دیگری نیفتد، دختر جوان در طول زندگی خود آنرا در اختیار کسی قرار نداد. پس از مرگش نیز تلاش محققین برای یافتن متن این اثر تاکنون بجائی نرسیده است. سومین اثر نمایشنامه ویتزک^۹ Woyzeck نام دارد که به فارسی نیز برگردانیده شده است.

نمایشنامه ویتزک یکی از نخستین تراژدی‌هاییست که قهرمان آن از طبقه محرومان و واخوردگان است. او مردیست معمولی که از همه سو توسط نظام اجتماعی که در آن زندگی می‌کند و او را احاطه کرده است ضربه می‌خورد، او که زمانی بخدمت سربازی اشتغال داشته بدنبال کار سرگردان می‌شود و مانند سنگهای غلطان کف رودخانه‌ها در جامعه قل می‌خورد و سائیده می‌شود. مدتی بازیچه دست پزشکی تنگ‌نظر و متعصب قرار می‌گیرد و همچون يك موجود آزمایشگاهی با او رفتار می‌شود. زن جوان او را افسر بالادستش اغفال می‌کند. مرد بیچاره در برابر این ظلم و تعدی قادر به واکنشی چاره‌ساز نیست. در يك سپیده‌دم و در شرایط روحی بحران‌زده‌ای همسرش را که هنوز با عشقی شورانگیز دوست می‌دارد با ضربه‌های کارد می‌کشد و خود رانیز غرق می‌کند. بوخنر این اثر را بر مبنای زندگی واقعی مردی بهمین نام نوشت که پس از يك محاکمه جنجالی بر طبق رسوم آن زمان در میدان شهر او را با شمشیر گردن زدند. از دستنویس‌هایی که از بوخنر بر جای مانده است چنین استنباط می‌شود که وی در نظر داشته است پایان نمایشنامه را به جای آنکه ویتزک دست به خودکشی می‌زند او را بیای میز محاکمه بکشاند.

آلبان یرک^{۱۰} آهنگساز اتریشی بر اساس نمایشنامه اپرانی تصنیف نمود که در مجموعه‌ی آثار اجرانی اپراهای جهان جای ویژه‌ای دارد.

بوخنر نویسنده‌ای بود انقلابی و پیشتاز، دوره نمایشنامه‌نویسی او هرچند کوتاه ولیکن پربار بود و مصادف با دوره اوج ادبیات ایده‌آلیستی مکتب رومانتیک‌ها در آلمان است بوخنر از تأثیر این مکتب و نویسندگان آن چون «گوته»^{۱۱} و «شیلر»^{۱۲} برکنار ماند در آثارش به قهرمانان برجسته و حوادث چشمگیر تاریخ اهمیت چندانی نمی‌دهد. بلکه به تشریح عوالم روحی و روانی انسان‌ها و



صحنه ای از «ویتزک» آلمان ۱۹۵۳

همچنین موقعیت‌های زندگی اجتماعی آنها بخصوص در میان توده مردم می‌پرداید و در این راه به مقام و منزلت اجتماعی انسان توجه چندانی ندارد. برای او صحنه تئاتر بیش از آنکه مکانی برای نمایش وقایع استثنایی باشد، آزمایشگاه روح و روان انسانهاست. بوختر یکی از نخستین نویسندگان تئاتر آلمان است که در تجزیه و تحلیل شخصیت‌های آثار خود بر علم روانشناسی تکیه می‌کند و قهرمانان آثارش را از میان انسانهای ضعیف و پائین اجتماع انتخاب می‌کند.

از بوختر داستان کوتاهی بنام «لنتس»^{۱۲} برجای مانده است آثار بوختر از نقطه نظر ساختمان فحاشی نازده و بدیع است و در زمان خود قالب متداول تئاتر آنروز را دستخوش تحول نمود. از میان آثار او «لنونس ولنا» نمایشنامه ایست که در سه پرده تنظیم شده در حالیکه نمایشنامه «مرگ دانتون» و «ویترک» تقسیم‌بندی پرده‌ای را رعایت نمی‌کنند. بلکه هر صحنه بصورت تابلونی مجزا زنجیروار پشت سرهم قرار می‌گیرد و به قالب تئاتر داستانی نزدیک می‌شود، این شیوه نگارش بعدها مورد توجه درام‌نویسان زیادی در سراسر جهان قرار گرفت.

نبوغ بوختر در طول حیات او ناشناخته ماند و هیچیک از آثارش در زمان حیات کوتاهش اجرا نشد، اما امروز با گذشت سال‌ها انسان معاصر روح خود را در تئاتر او باز می‌یابد.

پانویس ها

۱. دارمشتات Darmstadt. شهری در آلمان در ساحل شبه رن.
۲. زوریخ Zurich شهری در سوئیس در کنار دریاچه ای به همین نام.
۳. مترنچ Metemix. سیاستمدار و صدراعظم اتریش ۱۷۷۲-۱۸۵۹. نام او با سیاست خشن و سختی بستگی یافت. و اقداماتش مانع تحولات اساسی اجتماعی بود.
۴. استراسبورگ Sireasbourg، مرکز ناحیه آلزاس و از شهرهای مهم در شمال شرقی فرانسه. این ناحیه سالیان درازی موضوع کشمکش بین فرانسه و آلمان بوده است.
۵. آلستیان Alsetiyan
۶. مرگ دانتون Dantons Tod (۱۸۳۷) که بر اساس زندگی ژرژژاک دانتون Danton. حضور کنوانسیون فرانسه، وزیر دادگستری بعد از ۱۰ اوت و یکی از رجال سیاسی دوره انقلاب فرانسه تنظیم گردید. در فرانسه بعنوان کارگردان محاکمات انقلابی و کمیته نجات عامه، سیاستی خشن را تعقیب کرد. روی پیرو را متهم به طرافداری از اعتدال کرد و سر او را در سال ۱۷۹۴ بریدند.
۷. کارل گوتزکف Karl Gutzkow نویسنده آلمانی ۱۸۱۱-۱۸۷۸ م.
۸. لنونس و لنا Leonce and Lena
۹. ویتزک (ویتسک) ولنتس، اثر کارل کتووک بوخنر، ترجمه کامران فانی سعید حمیدیان، انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۰.
۱۰. آلبان برگ Alben Berg. ۱۸۸۵-۱۹۳۵ م.
۱۱. بوهان ولفانک فن گوته (Goethe) درام نویس آلمانی ۱۷۴۹-۱۸۳۲ م
۱۲. فردریش بوهان کریستف شیلر Schiller ۱۷۳۹-۱۸۰۵ م
۱۳. لنتس Lenz، به همراه نمایشنامه ویتزک. ترجمه کامران فانی، سعید حمیدیان انتشارات پیام ۱۳۵۰

منابع

- 1- World Drama McGraw Hill Encyclo Pedia Volum 1
- 2- ADictionary Oftheatre, john Russel Taylor.

۳. مقدمه لنتس و ویتسک. ترجمه کامران فانی و سعید حمیدیان تهران پیام ۱۳۵۰

johan August Strindberg

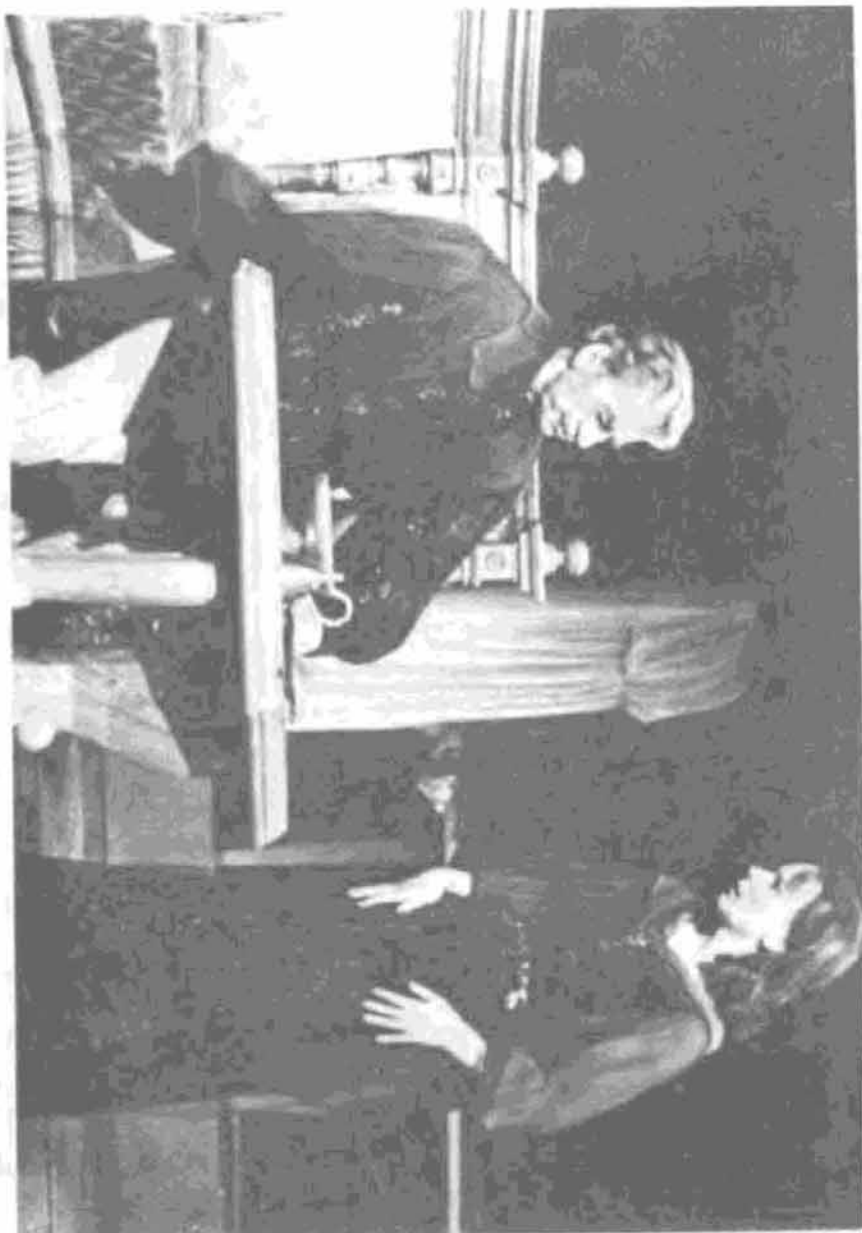
یوهان اگوست استریندبرگ (۱۸۴۹ - ۱۹۱۲ م)

اگوست استریندبرگ نمایشنامه‌نویس، شاعر و رمان‌نویس سوئدی در بیست و دوم ژانویه ۱۸۴۹م در شهر استکهلم به دنیا آمد. پدرش در يك شركت كشتیرانی کار می‌کرد و مادرش خدمتکار يك کافه بود. او دوران کودکی‌اش را بارنج و اندوه فراوان و در زیر فشارهای روحی سپری کرد. فقر مالی همچون عفریتی خانوادۀ یازده نفری آنها را آزار می‌داد، سیزده سال بیشتر نداشت که مادرش چشم از جهان فرویست و پدرش با زن دیگری ازدواج کرد. از بدو ورود این زن، استریندبرگ مورد بی‌مهری او قرار گرفت به طوری که تأثیر آن را در آثارش مشاهده می‌کنیم از سوی دیگر در مدرسه نیز وضعیت رضایت مسئولین را جلب نمی‌کرد. استریندبرگ به هرنحوی که بود دورۀ دبیرستان را به اتمام رسانید و موفق به ورود در دانشگاه شد. مدتی برای تأمین معاش روزانه و هزینه تحصیل مجبور شد کار کند، از آنجائی که تحصیل به همراه کار توانمان برایش بسیار وقت گیر بود برای مدتی تحصیل را رها کرد و مدت پنج سال به شغل معلمی پرداخت. در این مدت ذوق و قریحه خود را در زمینه نویسندگی آزمود و در این زمینه رسالاتی نوشت. سپس مجدداً به دانشگاه بازگشت و رسماً به تحصیلش ادامه داد. لیکن همواره به نارسائیهای دانشگاه با دیدی انتقادی می‌نگریست. با اینکه زندگی‌اش با مشقت و سختی می‌گذشت، اما علاقه شدیدی او به نوشتن و ذوق و اندیشه‌اش چون



استریندبرگ

مجلسه ای از ملکه کریستینا اثر استریندبرگ - فنلاند ۱۹۷۳





لارنس اولیویه در نقشی از نمایشنامهٔ رقص مردگان
نوشتهٔ استریندبرگ

شعله‌های آتش در درونش زبانه می‌کشید. نخستین نمایشنامه‌اش به نام استاد اولوف^۱ پس از ۶ ماه که از نگارش آن گذشت به صحنه رفت. آن گاه استریندبرگ برای مدتی به حرفه روزنامه‌نگاری پرداخت لکن به رودی پی برد که چرخ زندگی‌اش با نوشتن نمی‌گردد و باید کار دیگری برای خود دست‌وپا کند. به همین خاطر در کتابخانه سلطنتی استکهلم کاری یافت، کار در کتابخانه برای او فرصتی ساخت تا مطالعه کند، بنویسد و آثارش را به چاپ برساند. در سال ۱۸۷۰ در سن بیست‌ویک‌سالگی برنده جایزه آکادمی سوئد به خاطر نوشته‌هایش شد داستانهایش به مرور مورد توجه واقع گردید و نمایشنامه‌هایش نهضتی در درام نویسی به وجود آورد. او مسابلی را که از ابتدای خلقت بشر تا کنون موجب درد و رنج روحی انسانها می‌گردد با صراحت مخصوص به خود بیان کرده است. آثار دراماتیک استریندبرگ عموماً به مسائل و مباحث زندگی خانوادگی و رابطه میان زن و شوهر می‌پردازد. وی احساسات و تمایلات و اندیشه‌های زن و مرد را در زندگی مشترک با دقت و ظرافت موشکافی کرده است. سه باز ازدواج کرد که نخستین ازدواجش در سال ۱۸۷۷ روی داد. و در سال ۱۸۸۳ این ازدواج به جدائی انجامید. وی یکی از جمله اشخاص شوربخت و ناشادی بود که با زنان نمی‌توانند سرکنند و بدون ایشان هم زندگی برایشان دشوار است، طبیعتاً با چنان روحیه‌ای ازدواجهایش نمی‌توانست به خوشبختی بیانجامد، خاطراتی تلخ از زندگی زناشویی، او را نسبت به زنان به شدت دچار بدبینی کرد. چنان‌که تمام زنها را در آثار خود دیوهای خوش‌خط‌و‌خال معرفی کرده است. آثار وی که او در پایان زندگی خود نوشته است با آثار ماقبل او تفاوت فاحشی دارند و نشان می‌دهد که عقیدوی او درباره‌ی زندگی دستخوش دگرگونی شده است.

استریندبرگ در سال ۱۸۸۳ برای دیدن مراکز هنری اروپا از سوئد عازم سفر گردید و از کشورهای مختلف اروپا دیدن کرد، مدتی در سوئیس ماند و در آنجا داستان «عروسی» را نوشت. این اثر در محافل اشراف و محافظه‌کاران سوئسی سروصدا و آشوبی برپا کرد. سفر به کشورهای اروپا در مجموعه ذخایر زیادی برانداخته‌های هنری وی افزود. پس از بازگشت به سوئد به اتهام توهین به مقدسات از طرف مقامات مورد تعقیب قرار گرفت. در سال ۱۸۸۷ نمایشنامه‌ی پدر^۲ اثر ارزشمند او به صحنه رفت در این اثر بخوبی قدرت قلم نویسنده را می‌توان تشخیص داد. در این اثر شاهد زندگی کاپیتان، افسر سوارده‌نظام که فردی وظیفه‌شناس و روشنفکر است، به همراه خانواده‌اش هستیم. کاپیتان را زنانی احاطه کرده‌اند، لورا همسرش، برتا دخترش، مادرش، مادرزنش، پرستار پیرش و یک معلم سرخانه. کاپیتان تصمیم دارد دخترش را برای ادامه تحصیل بخارج بفرستد اما لورا همسرش مصمم است تا او را در خانه نگه دارد و برای آنکه رأی خود را پیش ببرد به کاپیتان

می‌گوید که برتا دختر او نیست و لاجرم نباید دستوری برای زندگش بدهد. زن‌ها با بوجود آوردن فضائی سنگین و پر از سوءظن و با کمک پزشک خانوادگی موفق می‌شود کاپیتان را به‌جنون بکشانند. در این اثر خواننده لحظه به لحظه شاهد دامی است که پیرامون کاپیتان نگونبخت تسه می‌شود.

مقارن نوشتن نمایشنامه پدر، استریندبرگ پنج رمان دیگر را که در حقیقت شرح زندگانی خود اوست به پایان رسانید مدتی در اثر فشار کار و ناراحتیهای روحی بیمار شد و برای استراحت در آسایشگاهی بستری گردید.

برخی از آثار مهم او همچون تراژدی رفص مرگ^۲ و نمایشنامه امپرسیونیستی، رؤیا،^۳ و نیز نمایشنامه سونات اشباح^۴ آثار پیچیده و غامضی هستند که کمتر در تئاترها شاهد اجراشان بوده‌ایم. ذهنی بودن آثار این نویسنده بخصوص آثار سالهای آخر عمر وی به دلیل وضع بد جسمانی روزبه‌روز به وخامت می‌رفت، گویای روحیه خاص اوست. نمایشنامه رمز گونه و سمبولیک «راه دمشق»^۵ که از سه قسمت (به‌صورت تریلوژی‌های یونان قدیم) تشکیل گردیده از جمله آثار سالهای آخر عمر وی محسوب می‌شود.

از نمایشنامه‌های دیگر این نویسنده که به فارسی نیز برگردانیده شده است می‌توان نمایشنامه توده هیزم^۶، طلبکارها^۷، میس ژولی^۸ و قوی‌تر^۹ را نام برد.

استریندبرگ در سالهای بعد از ۱۹۰۰ تئاتر ده Theatre d Essa را در استکهلم تأسیس کرد و آثار خود را در این تئاتر به‌صحنه برد. سالها آخر زندگی این نویسنده در تنهایی و انزوا سپری شد و بالاخره در ۱۴ ماه مه ۱۹۱۲ چشم از جهان فرو بست.

استریندبرگ نویسنده‌ای خلاق بود، او هم خود را تنها صرف نوشتن نمایشنامه نکرد، رمانها، مقالات زندگینامه و رسالات بسیاری نیز نگاشت. در خارج از کشورش سوند شهرت خویش را تقریباً بطور عمده مدیون نمایشنامه‌هایش است. هرچند بعضی از آثار غیر نمایشی او همچون «اعترافات يك ابله»^{۱۰} و «دوزخ»^{۱۱} در زمره آثار بسیار مشهور قرار دارند.

پانویس

1- The Master Olof

۲. نمایشنامه پدر The Father ترجمه دکتر مهدی فروغ تهران ۱۳۳۶ انتشارات ابن سینا.

3- The Dance of Death

4- Dreamplay

۵. سونات اشباح The Ghost sonata ، ترجمه حسنعلی طباطبائی، انتشارات ۱۳۵۸

6- The Road Damascus

۷. نمایشنامه توده هیزم. ترجمه پرویز تانیدی. تهران، انتشارات پرچم ۱۳۵۰

۸. نمایشنامه طلبکارها Greditors عباس نعلبندیان ناشر تلویزیون ملی ایران ۱۳۵۱.

۹. نمایشنامه میس ژولی Miss Julie ، ترجمه آری اوآسیان.

10 - The stronger

11- The Con fession of a fool

12-The Inferno

منابع

1- Encyclo Pedia World Drama Mc Graw Hill, Volum 4 (S - Z)

2- Dictionary of The Theatre John Russell Taylor

۳. نمایشنامه پدر، (مقدمه) ترجمه دکتر مهدی فروغ ۱۳۳۶، تهران انتشارات ابن سینا.

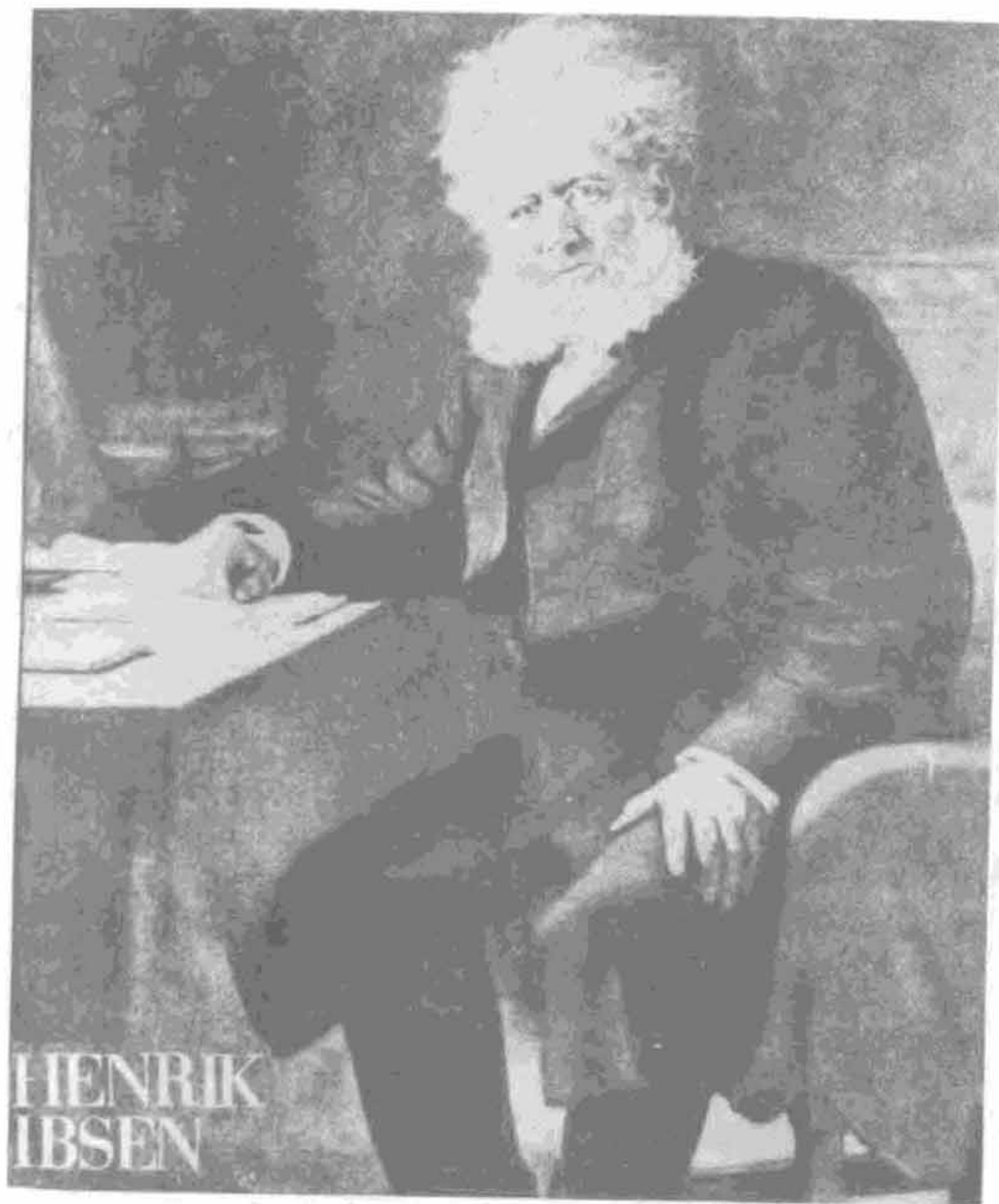
۴. نشریه دو هفتگی اداره هنرهای دراماتیک، سال پنجم شماره ۹ مرداد ۱۳۴۱.

Henrik Ibsen**هنریک ایبسن (۱۸۲۸-۱۹۰۶)**

هنریک ایبسن نمایشنامه نویس بلند آوازه نروژی در سال ۱۸۲۸ در شهر کوچکی در جنوب نروژ بنام اسکین Skien دنیا آمد. پدر بزرگش ناخدای يك كشتی تجارتي بود و پدرش به شغل تجارت الوار روزگار میگذرانید در دوران کودکی با زندگی روستایی و عناصر فرهنگ روستایی آشنایی و پیوندی معنوی پیدا کرد. چیزی نگذشت که پدرش ورشکست شد و فقر چهره کریه خود را به آنها نشان داد. بدلیل وضع بد مالی با خانواده اش در يك خانه محقر گردآمدند و با تنگدستی روزگار میگذرانیدند.

هنریک خردسال کم کم به زندگی فقیرانه عادت کرد. در آغاز کودکی به نقاشی شوق بسیار داشت. لیکن فراهم نبودن وسایل و امکانات بدلیل تنگدستی خانواده مانع شد که او این علاقه را به ثمر برساند.

در پانزده سالگی در يك دكان دارو فروشی شروع بكار کرد و قریب پنج سال از عمرش را با تحمل سختی بشغل شاگردی در این دكان گذرانید. اما خود را نیز برای شرکت در امتحان ورود به دانشگاه آماده میکرد. مدتی به مطالعه تاریخ رم قدیم و خطابه های سسرون و همچنین شرح حوادث انقلاب فرانسه در سال ۱۸۴۸ پرداخت خواندن این آثار محرك او در نوشتن نمایشنامه ای در سال



هريک ايپسن

۱۳۵۵ کی گوتیوین - ایجا لکده نیشی شینا کا ای محسنه



۱۸۵۰ شد که نام آنرا کاتی لینا Catlina گذاشت.

در همین ایام کشمکش‌های سیاسی ایبسن جوان را که سری پرشور داشت به میدان خیاست کشانید، او که طبیعی نقاد و حقیقت‌جو داشت بزودی روحش از بند و بست‌های سیاسی آزردہ شد و از آن دست کشید و به نمایشنامه‌نویسی که بسیار مورد علاقه‌اش بود پرداخت بزودی توسط یکی از دوستانش در تماشاخانه شهر برگن Bergen شغلی بدست آورد، و مدت پنج‌سال در این تئاتر مشغول کار بود. طی این مدت سفرها و مطالعاتی در زمینه کار تئاتر انجام داد، ولی بیشتر وقت خود را به مطالعه آثار نمایشی و همچنین ملاحظه احوال و علائق مردمان دوروبرش گذراند.

هنگامی که ایبسن جداً دست به کار آفرینش درام منشور خویش گردید افکار و نقد اجتماعی تازه اندک‌اندک به تئاتر راه می‌یافت و شیوه پوسیده و نابهنجار و تصنعی دیرین کم‌کم از صحنه تئاتر رخت برمی‌بست «آنچه ایبسن کرد تنها تسریع این آمد و رفت نبود بلکه ارتقاء درام منشور بسط و قدرتی عالی‌تر بود. وی همچون مهندسی، با ساده کردن و در عین حال قوی‌تر کردن دیگ بخار توانست بر میزان فشار داخل آن بیفزاید. آنچه او آفرید درامی بود به مراتب متراکم‌تر و عمیق‌تر از درامی که عصر تا به آن وقت بخود دیده بود، سبب موفقیتش کشف فنی فوق‌العاده مهمی بود که کرد و آن شیوه ساختمان نمایشنامه بود، شیوه‌ای که نمایشنامه‌نویسان پس از وی به دفعات به کار بسته‌اند و می‌بندند. بدون این شیوه هرگز قادر نمی‌بود آن وسعت و غلظت نمایان زندگی و آن تراکم و عمقی را که می‌نماید بهترین هایش واجدند ارائه کند. تماشاخانه برگن پس از پنج سال که ایبسن در آن مشغول کار بود ورشکست شد. در این مدت او چند نمایشنامه نوشت که در همین تئاتر اجرا شد و تجربیات فراوانی هم در تئاتر اندوخته بود آنگاه در تماشاخانه شهر کریستیاننا^۱ (که امروز آنرا اسلو مینامند) مشغول کار شد، و سال بعد ازدواج کرد، اما بزودی پی‌برد که در زندگی زناشویی احساس خوشبختی نمی‌کند و رنج این پیوند شاید در پیدایش بسیاری از نظراتش و برخی از آثار ارزشمندش مؤثر بوده است. نمایش «کمدی^۲ عشق» که در آن زندگی خانوادگی رامورد استهزاء قرار داده است یکی از آثار این دوران است. این نمایش جنجال فراوانی برانگیخت و حملات فراوانی را متوجه ایبسن کرد تا آنجا که منجر به تعطیل تئاتر گردید. ایبسن در این اثر و آثار دیگرش تصاویری می‌آفریند که حقایق ژرفی از دنیای طبقات مرفه را در خود دارد، این تصاویر دروغها و دورونی‌هایی را که دنیای طبقات مرفه حمایت از آنها را لازم می‌شمارد و نیز توهمات و رؤیاهایی را که این طبقات با آنها خود را گول می‌زنند و به آنها دل خوش کرده‌اند بشکلی برجسته نشان می‌دهد.

ایبسن در سال ۱۸۶۴ هنگامی که ۳۶ سال داشت به دلیل جو ناسالمی که از سوی محافل مرفه کشورش علیه او برانگیخته شده بود تصمیم به ترک وطن گرفت، مدت چهار سال در ایتالیا اقامت

گزید و دو اثر مشهور خود را به نامهای براند^۲ Brand و پیرگنت^۳ Peergynt ۱۸۶۷م رانوش. این دو اثر که پر از روح طغیان و عصیان است در واقع آئینه تمام نمای آن پدیده هائیسیت که در نروژ سده نوزدهم تکوین یافته است این دو اثر شهرت و اعتبار فراوانی برای نویسنده اش به ارمغان آوردند. نمایشنامه بعدی او ارکان اجتماع^۴ Pillars Of Society (۱۸۷۷) نام داشت که شهرت وی را تحکیم نمود.

ایبسن در سال ۱۸۷۹ نمایشنامه خانه عروسک^۵ A Doll's Hous را که شخصیت اصلی آن زنی بنام نورا است (Nora) که علیه قید و بندهای اجتماعی قیام میکند نوشت نمایشنامه ای جنجال برانگیز که بخصوص از سوی جامعه های وابسته به زنان و حقوق ایشان مورد استقبال واقع گردید. یکسال بعد نمایشنامه اشباح^۶ Ghosis را که اثریست فاقد نفوذ سبک های گذشته در آثارش را منتشر کرد. برکوفسکی^۷ در بررسی خود درباره ایبسن و آثارش معتقد است، جریان عادی نمایشنامه های ایبسن طوریست که در نهایت ما را به شناخت گناهها و خطاهای بزرگ قادر میسازد، گناهی که ارتکاب آن اساس زندگی کنونی و جاری را بوجود آورده است. در نظر ایبسن اخلاق بورژوازی چیزی جز صحنه گذاری بر گناه نیست، این خواست بورژوازیست که آثار گناه را کاملاً بزداید و یا آنرا پنهان دارد و ایبسن با سرسختی با بزکها و وسائل پوشش اختفائی جهان بورژوازی مبارزه میکند، او نشان می دهد که چه ظلمها و خسونت هایی به انسان اعمال شده و شخصیت انسان آمال طبیعی و خواسته های خود را در زندگی از دست داده است. اما بی عدالتیهایی که انسان بر خود و دیگران روا داشته بدون مکافات نمی ماند برای مثال در نمایشنامه اشباح، مکافات، حریق منزلی است که خانم آلونینگ می خواست در آن حقیقت شخصیت آلونینگ افسر بیمار و لش را مخفی نگاهدارد اما حقیقت خود نقاب را از چهره میدرد و به کمک آتش و دود، میراث بیمارگونه ای که از آلونینگ برای فرزندش مانده نمایان می شود. مکافات سقوط سولنس در نمایشنامه استاد معمار است که به زندگی نکبت بار او خاتمه می دهد، مکافات در عصیان قهرمانهای او نورا Nora در خانه عروسک المیرا در زن دریائی^۸ و دکتر استوکمان^۹ در نمایشنامه دشمن^{۱۰} مردم تجلی می یابد.

ایبسن در عرصه تشاتر مردی صمیمی، با جسارت و مؤمن بود، نظراتش همواره نسبت به پلیدی های جامعه انتقادی و قاطع بود، علم اجتماع و روانشناسی را با ادبیات در آماتیک هنرمندانه توأم ساخت، برای هر نمایشنامه ای که می نوشت ماهها و بلکه سالها زحمت مطالعه و تحقیق را بر خود هموار می کرد، در سال ۱۸۸۲ نمایشنامه دشمن^{۱۱} مردم را نوشت، در سال ۱۸۸۴ با نمایشنامه مرغابی^{۱۲} وحشی و در سال ۱۸۹۰ با نمایشنامه هداگابلر^{۱۳} نشان می دهد که برغم شایعات و افتراهایی که علیه او براه انداختند، هرگز نخواست است معلم اخلاق و یا حلال مشکلات باشد، بلکه

۱۳۸۶ - اجرا ایسن - اثر ایسن - اجتماع - صفحه ای از نمایشنامه «دارکان اجتماع»



پیش از هرچیز وی يك هنرمند اعجاب انگیز و در فن خود استاد بی مانندی است و بیان تاثیرش از صراحتی بی همتا برخوردار است و این امر توان و قدرت دید انتقادی او را می رساند. اگر بر زندگی واقعی نیروهای پلیدی حاکمیت دارند. ایسن با هنر خود آنها را به زیر سلطه می آورد. به نظر ایسن گرایش به زیبایی در جامعه سوداگر همانا تلاشی انسانی است که در گنداب و در میان واقعیات مسخ شده می خواهد به آرامش دست یابد.

ایسن در نمایشنامه هایش در نهایت سادگی و در عین حال با قدرتی بی نظیر با مطالعه روانی اشخاص و نشان دادن موقعیت های گوناگون و بررسی مسائل مختلف انسانی خواننده را بیدار و ذهنش را روشنی می بخشد. ایسن در بیست و سوم ماه مه ۱۹۰۶ در کریستیان (اسلو) چشم از جهان فرو بست.

آثار ایسن که برخی از آنها بفارسی برگردانده شده عبارتند از:

۱. استاد معمار The Master Builder ترجمه محمود توتونچیان، تهران ۱۳۴۷

۲. ابولف کوچولو، Little Eyolp ترجمه تورج سلطانی محمود مهدیان انتشارات بامداد ۱۳۵۳

۳. خانه عروسک و اشباح، ترجمه دکتر مهدی فروغ بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۹.

۴. براند Brand ترجمه محمود مهدیان، انتشارات بابک ۱۳۵۲

۵. وایکینگ هادر هیل گلاتد ترجمه محمود مهدیان، مصطفی امینی انتشارات بابک

۶. دشمن مرده، ترجمه اح. آریان پور، تهران نشر اندیشه ۱۳۴۹.

۷. دشمن ملت، محمد علی جمالزاده ۱۳۴۰ بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۴۰

۸. هداگابلر Hedda Gabler ترجمه منومشیری بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۱

۹. خانم اینگر Lady Inger Q Straat .

۱۰. مدعیان تاج و تخت (Pretenders) ۱۸۶۴

۱۱. ضیافت سول هاگ ۱۸۵۶ The Feast at Solhaug .

۱۲. امپراطور و جلیلی Em Pror and Galilean ۱۸۷۳

۱۳. روس مرس هولم Ros mers Holm (۱۸۸۶)

۱۴. جان گابریل بورگمان John Gabriel Bork man ۱۸۹۶

۱۵. وقتی که مردگان برمی خیزند Whenwe Deada Waken (۱۸۸۹)

۱۶. مرغابی وحشی The wild Duck (۱۸۸۴)

پانویس‌ها

۱. سبسون Ciceron خطیب و سیاستمدار معروف روم باستان، مرگش بسال ۴۳ ق م رخ داد.
۲. کاتی لسن Catilina ناه یکی از اشراف زادگان رمی است که ایسن از آن الهام گرفته است.
۳. سیری در ادبیات غرب، جی بی پرستلی ترجمه ابراهیم یونسی، کتابهای جیبی صفحه ۲۱۷
۴. کریستیان Christiania، ناه سابق اسلو پایتخت کشور نروژ.
۵. ۱۸۶۲ Love'S Comedy.
۶. براند Brand ترجمه محمود مهدیان، انتشارات بابک ۱۳۵۲
- ۷ و ۸. خانه عروسک و اشباح، ترجمه دکتر مهدی فروغ، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۳۹
۹. نقدی بر آثار ایسن، ترجمه مجید کلکته جی، انتشارات شبگیر.
۱۰. زن دریانی The Lady from The sea
- ۱۱ و ۱۲ و ۱۳. دکتر اوتواسونک مان Otto Stockmann قهرمان فاشنامه دشمن مرده (ملت) Enemy of the people ترجمه اح.
- آریان یور. (با استفاده از ترجمه های انگلیسی) تهران. اندیشه ۱۳۵۳
۱۴. مرغابی وحشی Wild Duck

15. Hedda Gabler

منابع

- ۱- A Dictionary of Theatre. John Russel Taylor Penguin Reference Book
- 2- Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill Volmes (2)

۳. نقدی بر آثار ایسن اثر برکوفسکی ترجمه مجید کلکته جی، تهران انتشارات شبگیر
۴. مقدمه خانه عروسک و اشباح، ترجمه دکتر مهدی فروغی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۵. سیری در ادبیات غرب، جی بی پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، کتابهای جیبی.
۶. درباره ادبیات، اثر گنورکی پله خانوف، ترجمه منوچهر هزارخانی، انتشارات رواق چاپ دوم

Nikolay Gogol

۱۸۵۲-۱۸۰۹ م

نیکلای گوگول

نیکلای واسیلیه ویچ گوگول^۱ در نهم ماه مارس ۱۸۰۹ در شهر، ساراچیستی Sorochintsy در ایالت پولتاوا Poltava تولد یافت، خاندانش از نجبای قزاق روستانشین اوکراین^۲ بودند، پدرش نخست در نظام و سپس در ادارات دولتی خدمت می کرد. هنگامی که بازنشسته شد به ملك شخصی خود کوچ کرد و بنابر قریحه و ذوقی که داشت نسبت به آداب و سنن محلی علاقه فراوانی نشان می داد و چند کمدی هم بزبان اوکراینی نوشته بود و علاوه بر آن شعر هم می سرود.

گوگول کودکیش در رفاه و آسایش سپری شد و در سال ۱۸۲۰ به یکی از مدارس محلی رفت و سپس در مدرسه علوم عالیة نژین^۳ به تحصیلش ادامه داد و در همانجا بود که نوشتن را آغاز کرد، از همان دوران نوجوانی حالتی از گرفتگی و اندوه توأم با کناره گیری از دیگران بر شخصیت او سایه افکند، این حالات او توأم با احساس تند و آگاهی بود که از شخصیت و وجود خوشتن داشت، در همین احوال استعداد تقلید و مسخرگی فوق العاده ای نیز در او بسط یافت، اطرافیانش فکر می کردند هنرپیشه خواهد شد خود او نیز بقصد کسب شهرت در سال ۱۸۲۸ درحالی که ۱۹ بهار بیشتر از عمرش سیری نشده بود مدرسه علوم نژین را ترك گفت و درحالی که وجودش مالا مال از امدهای بلند و تابناک بود خود را به یترزبورگ رسانید. او امید داشت در عرضه ادب شهرت و



گوگول

آوازدای کسب کند بهمین منظور قطعه شعری را که توصیف ساده‌ای بود، با هزینه خودش منتشر کرد منتقدان پترزبورگ با این اثر برخوردی انتقادآمیز کردند.

گوگول خود همه نسخه‌های این منظومه را جمع‌آوری کرد و از بین برد. در این حالت از سرخوردگی چند روزی پترزبورگ را ترک کرد و به لوبک^۴ Lubeck رفت، پس از چند روز اقامت مجدداً به پترزبورگ بازگشت و به خدمت دستگاه دولت درآمد، در آنجا امیدوار بود به مقام مهمی نائل آید، آنگاه شروع به نگارش داستانهایش کرد.

گوگول آثار جاودانی خود را در دهه چهارم قرن نوزدهم به رشته تحریر درآورد، در دهه چهارم قرن نوزدهم سیاست ارجاعی که پس از سرکوب شورش و عصیان دکابریست‌ها یورش جدید را آغاز کرده بود رفته‌رفته تقویت می‌شد، محافل حاکمه ارجاعی که تزار نیکلای اول در رأس آن قرار داشت می‌کوشیدند هرگونه انتقادی را در نطفه خفه و خاموش سازد و هرگونه فکر آزادی را به زنجیر اختناق بکشند، در چنین دورانی بود که گوگول شروع به نوشتن کرد، اکثر آثار او هجو شدید و انتقاد از دستگاه حکومت بود.

انتشار نخستین جلد از داستانهای اوکرایی او در سال ۱۸۳۱ تحت عنوان، شب‌نشینی‌هانی در مزرعه دیکانکا^۵ سبب گردید تا مورد توجه محافل ادبی قرار گیرد و با ادبای شهر از جمله پوشکین آشنا و دوست شود. این داستانها الهامی بود از زندگی مردم نواحی اوکراین، مردمی با حماسه‌ها، افسانه‌ها و دلآوریهای بسیار، موفقیت این اثر گوگول را به خاطرات سرزمینش، به قزاقها شجاع و دوست‌داشتنی و به گفته‌ها و شنیده‌های کودکیش بازگردانید.

برای مدتی معلم تاریخ یکی از دبیرستانهای دخترانه شد، در سال ۱۸۳۲ جلد دوم از داستانهای اوکرایی را منتشر ساخت، در سال ۱۸۳۵ دو جلد دیگر از این مجموعه را که شامل آثاری چون تاراس بولبا^۶ و مالکین سابق بود منتشر ساخت، تاراس بولبا حماسه مردم قزاق است که به شیوای زیبا و دلنشین ترسیم گردیده.

در سال ۱۸۲۴ گوگول به مقام استادی تاریخ در دانشگاه پترزبورگ انتخاب شد. اما یکسال بعد از این سمت استعفا کرد، پوشکین همواره او را تشویق می‌کرد و به فعالیت برمی‌انگیخت.

گوگول طی سالهای ۱۸۳۲ تا ۱۸۳۶ با پشتکار و شدت در خور توجهی کار کرد. در آوریل ۱۸۳۲ نمایشنامه کمدی بازرس^۷ (Rovizor) را به پایان رسانید، این اثر نمایشی طنزآمیز است که برعلیه مأموران اداری نظام اجتماعی فاسد آن زمان نوشته شده است و هجو شدیدی به کاغذبازی سازمانهای دولتی را مطرح می‌سازد، این نمایشنامه که با مداخله شخص نیکلای اول به صحنه رفت با ستایش و جنجال از سونی و بدگونی و حملات تند از سوی دیگر مواجه گردید.



صحنه ای از اجرای قماپازان

اثر گوگول - فرانسه

هرچند گوگول در برابر خشم و نفرت مرتجعین و شور و هیجان آزادی خواهان مقاومت کرد ولی او به هیچ وجه نمی خواست با این مسائل درگیر شود. برای این که از تمام بگومگوها خود را کنار بکشد تصمیم به سفر گرفت، او معتقد شده بود که می تواند به حکم نبوغ خلافت خود برای کشورش مفید باشد، از این رو مدت دوازده سال یعنی ۱۸۳۶ تا ۱۸۴۸ را در خارج از روسیه زندگی کرد. شهر رم را برای اقامت برگزید و در این سالها آثار عمده ای چون نمایشنامه طنزآمیز نفوس مرده Dead Souls و نمایشنامه ازدواج (۱۹۳۷) Marriage که یک کمدی تمام عیار از آداب و رسوم عصرش بود و اثر دیگرش بنام شغل ^۱ The Great Coat که شهرتی قابل ملاحظه بدست آورد و قماربازان (The Gambblers) بین سالهای ۱۹۳۶/۴۲ را نوشت.

در سال ۱۸۴۱ مجدداً گوگول سفری به روسیه کرد. نمایشنامه نفوس مرده را به همراه مجموعه آثار قبلیش در چهار جلد انتشار داد، انتشار این آثار اوج فعالیت های ادبی گوگول محسوب می شود.

نفوس مرده شاهکار ارزنده گوگول تا بلو زنده ایست از اجتماع آن زمان روسیه، اجتماعی که حقه بازی و نیرنگ و تشبث به بی شرافتمندانه ترین امور برای احراز مقام و منصب امریست عادی و گوگول چه زیبا به توصیف آن پرداخته است. این کتاب سرگذشت مردیست بنام چی چی کف که تشنه جاه و جلال است و برای رسیدن به مقاصد خود از هیچ امری فرو گذار نیست، در آن اباء که دهقانان و رعیت های مالکین را سرشماری می کنند او با توسل به راهی بی شرمانه شروع به خریدن شناسنامه رعیت های مرده می کند و سعی می نماید از این طریق رعایایش را زیاد جلوه دهد و تشخیص بفروشد و عاقبت نیز رسوا می شود.

پوشکین پس از خواندن نفوس مرده گفته بود، خدای من حال روسیه ما چقدر زار است. از سوی دیگر موج اعتراض و تحسین بار دیگر با انتشار این اثر برخاست، گوگول متهم شد که با این اثر وطنش را بدنام کرده است این سوء تفاهم فاحشه ای شد که ایمان گوگول را نسبت به خودش متزلزل ساخت و او خود را ناتوان تر و ناقص تر از آن دید که بتواند موجوداتی کامل بیافریند.

گوگول بار دیگر در سال ۱۸۴۲ برای دور بودن از این جنجال ها بار سفرش را بست و به اروپای غربی سفر کرد، این سفر که مدت ۶ سال به طول انجامید مصادف است با اوج اعتراض بدخواهان اتهاماتی که بوی نسبت داده شد، اینها همه او را دچار یأس و نومیدی کرد و تأثیرات تربیت کودکی و تسلطی که مادرش بر شخصیت او داشت خصوصیات را در نهاد وی رشد داده بود که بنا بر اعتقاداتش نسبت به خشم و غضب خداوند و دوزخ ترسی عظیم داشت و از سونی دیگر بنا بر عقیده دیگران به گونه ای خود خواه بار آمده بود، بدین سان نیاز به خلاقیت و ابداع به همراه تمایل به ریاضت

و تقوا در نهادش به ستیز برخاست تا آنجا که چندین بار به بستر بیماری افتاد و روز به روز ضعیف تر می شد و تقابلات مذهبی در او قوت می گرفت، به همین جهت برای زیارت و استغفار عازم بیت المقدس و سرزمین ارض موعود گردید تا شاید آرامش و آسایش خوشتن را باز یابد ولی از این سفر هم نتیجه ای نگرفت و در اثر ریاضت و فشار افکار نومیدانه چنان بیمار و ناتوان شد که در ۲۱ فوریه ۱۸۵۲ درحالی که بیش از ۴۲ سال نداشت در مسکو وفات یافت.

گوگول هنرمندی واقع بین، نکته سنج، متفکر و غمزده بود، هیچ گاه زنی در زندگیش راه نیافت و هرگز کارهای کوچک طبع بلند پروازش را راضی نکرد. زمانی به مادرش نوشت، خداوند نقشه های بزرگی در سرنوشت من رقم زده است.

د. س. میرسکی درباره گوگول معتقد است که : شخصیت و آثار این نویسنده بزرگ از دو نظر درخور توجه است. وی نه تنها نویسنده بزرگی در عرضه ادب است، بلکه در مقام یک فرد نیز به لحاظ شخصیتی و خصوصیات روانی پدیده ای استثنائی و شگفت انگیز است.

آثار عمده اش به خصوص آثار پرآوازه ای همچون شتل، بازرس، نفوس مرده، ازدواج و قماربازان طنزهای نابی هستند که هدف آنها، نیروهای سیاه روسیه ای بود که در جای خود مانده بود و جنبش و تحرکی نداشت. صبح یک آدم اداری، دادخواهی، اطاق مستخدمین و انتقام موحش از دیگر آثار او هستند. «

سبک نویسندگی و نگاهی که او به زندگی می کند، پر از طنز، ریشخند و همدردی است، او چنان هزل و طنز را با درد می آمیزد که تا اعماق روح انسان اثر می کند. به قول پروسپرمیرمه^۱ «او ناظری باریک بین بود که موشکافی می کرد، قادر بود که مسخره گی را ببیند و با جسارت آن را بیان کند، گوگول بیش از هر چیز نویسنده هجانی و پر استعداد است.»

پانویس

1- Nikolay Vasilievich Gogol

۲- اوکراین Ukraine به معنی سرحد و نام یکی از جمهوری‌های روسیه و، مرکز آن شهر کیف Kiev است.

۳- نژین تاگیل Nizhni - Tagil شهری در ناحیه اورال.

۴- Lubeck شهر و بندری در آلمان

5- Evenings on a Farm near Dikanka

۶- تاراس بولبا Taras Bulba، نوشته نیکلای گوگول، ترجمه قازاسیمونیان.

۷- بازرس Revizor، نوشته نیکلای گوگول ترجمه محمد رضا نیک‌بخش، تهران انتشارات بامداد.

۸- شغل The Great Coat

۹- قماربازان The Gamblers نمایش در یک پرده نیکلای گوگول ترجمه کاوه افراخته، تهران، انتشارات آبان ۱۳۵۵.

۱۰- پروسپر مرمه Prosper Mermees نویسنده فرانسوی ۱۸۷۰-۱۸۰۳ م.

منابع

1- Dictionary of the Theatre John Russell Taylor Penguin Reference Book

2- Encyclopedia of World Drama, McGraw_ Hill (Volum 2)

۳- تاریخ ادبیات روسیه اثر د. س. میرسکی، ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات امیرکبیر جلد ۱.

۴- مقدمه بازرس اثر نیکلای گوگول ترجمه محمد رضا نیک‌بخش انتشارات بامداد تهران.

۵- نمایشنامه قماربازان، ترجمه کاوه افروخته (مقدمه)

۶- پایان نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک، معصومه آذرنوش، گوگول و آثار و افکار او، تهران دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۹.

Anton Chekhov**آنتوان چخوف (۱۸۶۰-۱۹۰۴ م)**

آنتوان پاولوویچ چخوف در هفدهم ژانویه ۱۸۶۰ م در تاکانروک روسیه به دنیا آمد. پدر بزرگش یک دهقان سرو (وابسته به زمین) بود و پدرش دکانداری بود که در همان ایام که آنتوان دوران دبیرستان را می‌گذراند دچار ورشکستگی شد و دوران رفاه خانواده هم پس از این امر بسر آمد. او که فرزند ماقبل آخر خانواده بود در سال ۱۸۷۹ دوره دبیرستان را تمام کرد و عازم مسکو شد و برای ادامه تحصیل در رشته پزشکی در دانشگاه مسکو پذیرفته شد. خودش درباره این انتخاب می‌گوید، بادم نیست که چرا دانشکده پزشکی را انتخاب کرده، اما بعدها هم از این انتخاب خودم ناامید نشدم، تحصیل پزشکی نیروی مشاهده مرا تقویت کرد.»

چخوف از همان سالهای نخست دانشجویی در روزنامه‌ها و مجلات با نام «آنتونشایخونته» به کار نویسندگی پرداخت و قبل از آنکه دانشکده‌اش را به پایان برساند، یکی از همکاران ثابت و پرخواننده این مجلات بود. هنگامی که در سال ۱۸۸۴ درجه‌ی دکترایش را گرفت به طبابت پرداخت و تأمین معاش زندگی را بر فعالیت‌های ادبی استوار ساخت. داستانها و قطعات کوتاه طنزآمیزش در مدت کمی خوانندگان فراوانی یافت نخستین کوشش او در نوشتن به قالب نمایشنامه اثری است به نام «در شاهزاده» که در ۱۸۸۵ نگاشت و اقتباسی از یکی از داستانهای اولیه خود اوست، در سال



چخوف



چخوف و زنش اولگا



۱۸۸۶ مجموعه‌ای از داستانهای طنزآمیزش به صورت کتاب منتشر شد که مورد استقبال خوانندگان واقع شد، زمستان بعد نخستین آثار بیماری سل به همراه تک‌سرفه‌ها در او نمایان گشت، در سال ۱۸۸۷ سفری به جنوب روسیه کرد، ره‌آورد این سفر داستانهای «ولودیا»، «تاریکی»، «هنگام سفر» و غایشنامه ابوانف^۴ (در چهار پرده) بود که ابتدا در ۱۸۸۷ در مسکو و سال بعد در پترزبورگ بر صحنه رفت.

در همان سال با تنی چند از دوستان به کریمه^۵ سفر کرد، غایشنامه «خرس^۶» و داستانهای از جمله استپ و روشنائیها، مربوط به این ایام است، در سال ۱۸۸۸ جایزه ادبی پوشکین توسط آکادمی علوم امپراطوری به چخوف اعطا شد و یک سال بعد به عضویت انجمن دوستداران ادبیات روس درآمد، پس از غایشنامه ابوانف، شروع به نوشتن غایشنامه دیگری به نام «روح جنگل^۷» کرد، اما برخورد سرد دوستانی که غایشنامه را به ایشان نشان داده بود موجب شد که آن را کنار بگذارد و در عوض به نوشتن یک رشته کمدی‌های تک‌پرده‌ای چون، خواستگاری^۸ پرداخت.

یکی از وقایعی که در زندگی ادبی چخوف حائز اهمیت است سفری است که در سال ۱۸۹۰ از راه سیبری به جزیره ساخالین^۹ کرد. در آن زمان محکومین را به این جزیره تبعید می‌کردند، مشاهده و مطالعه از وضع زندانیان و تبعیدیهای رژیم تزاری که در شرایط وحشتناکی زندگی می‌کردند چخوف را بر آن داشت تا کتابی تحت عنوان «جزیره ساخالین» بنویسد. این کتاب به سال ۱۸۹۱ منتشر شد و از حیث جامعیت و واقع‌بینی و رعایت بی‌نظری اثر قابل توجهی است، در بازگشت از سنگاپور، هند، و سیلان دیدار کرد و تأثیر این سفر را در آثار بعدی او به روشنی می‌توان تشخیص داد، داستانهای همچون «سرتاسر سیبری» و «گوسیف» ارمغان‌هایی از این سفر بود، در ۱۸۹۱ قطعه زمینی را در دهکده «ملیخو^{۱۰}» نزدیک مسکو خریداری کرد و با والدینش در آنجا سکنی گزید، در آنجا به خرج خودش مدرسه‌ای ساخت و فعالانه در زندگی اجتماعی شرکت جست. در همان سال سفری به اروپای غربی کرد و سال بعد در مقام رئیس بهداشت ناحیه جهت مبارزه با وبا و قحطی به یکی از ایالات روسیه رفت. بخشی از بهترین و پخته‌ترین داستانهای خود را در این ایام نگاشت، اما وضع سلامتیش در اثر بیماری سل روزبه‌روز بدتر می‌شد. خودش در سال ۱۸۹۳ می‌نویسد «بدجوری سرفه می‌کنم قلبم می‌لرزد سوءهاضمه دارم و سرم درد می‌کند، دلم از این همه سرفه که می‌کنم شور افتاده، نزدیک است خفه شوم. اما هنوز چیز مهمی نیست». پزشکان به او توصیه کردند که بقیه عمر را در کریمه و یا آسایشگاههای فرانسه و آلمان به سر برد.

در سال ۱۸۹۵ شروع به نوشتن غایشنامه مرغ‌دریانی^{۱۱} کرد و همان سال آن را به پایان رسانید. این اثر سال بعد در تئاتر دولتی پترزبورگ بر صحنه رفت و به دلیل عدم درک درست هنرپیشگان.

۱۳۷۱ - مجلس خبره نمایندگان کشور در محفل نوبت



نمایش. بد بازی شد، حاصل آن ناکامی و نامرادی بود که چخوف را بر آن داشت که دیگر نمایشنامه ننویسد. وی زمانی که مشغول نوشتن این نمایشنامه بود دربارهٔ این اثر به یکی از دوستانش نوشت «سخنان بسیاری دربارهٔ ادبیات، بازی در آن کم است خوارها عشق. داستانی به سادگی زندگی و به پیچیدگی آن». تصویر مرغ دریایی چخوف که شکوه زندگی را علی‌رغم تمامی سردی و تیرگی آن اعلام می‌کند برای او اهمیت عمیقی داشت. در همین ایام است که با تئاتر هنری مسکو و کارگردانانی چون کنستانتین استانیسلاوسکی^۲ و فیروچ دانچنگو^۳ آشنا می‌شود، دوستی با نویسندگان جوان که ماکسیم گورکی^۴ در رأس آنها قرار داشت سبب شوق و رغبتی دوباره نسبت به تئاتر در او می‌شود، فعالیت نوانمان اینها با تئاتر هنری مسکو در تاریخ تئاتر روس رویدادی پس‌برجسته بود.^۵ هم‌چنین در نظر افکار عمومی مردم روسیهٔ این زمان چخوف، گورکی و تولستوی نوعی اتحاد مقدس را تشکیل می‌دادند که مظهر کلیهٔ خویهای روسیه در برابر نیروهای سیاه تزاریسم بودند. وقتی که فرهنگستان علوم روس در سال ۱۹۰۲ پس از انتخاب گورکی به دلایل سیاسی این انتخاب را به دستور دولت لغو کرد بلافاصله چخوف و کارلنکو^۶ از عضویت فرهنگستان استعفا دادند.

بازگردیم به عقب‌تر، نمایشنامه مرغ دریایی در سال ۱۸۹۸ این‌بار توسط گروه بازیگران تئاتر هنری مسکو به صحنه رفت و اجرای آن با موفقیت بی‌نظیری روبه‌رو گردید و چخوف با نیروی تازه‌ای نمایشنامه‌نویسی را از سر گرفت. در مرغ دریایی دختر جوانی به نام نینا (Nina) در کنار دریاچه‌ای زیبا زندگی می‌کند و همواره در رؤیای تئاتر و افتخار است. نویسنده‌ای جوان و پرشور به نام ترپلف Treplev که همسایه نیناست دل به عشق او داده و او نیز به شکوه و افتخار می‌اندیشد و از «سبکهای نودر هنر» سخن می‌گوید، او نمایشنامه‌ای نوشته عجیب و غیرعادی، آن‌را در حقیقی‌ترین چشم‌اندازها، یعنی کنار رودخانه به صحنه آورده است و نقش اصلی این نمایشنامه را نیز نینا به عهده دارد. ارکادینا (Arkadina) مادر ترپلف که دارای شهرتی در هنرپیشگی است برای دیدار کوتاهی به ییلاق برادرش آمده و در این سفر همسفر و معشوق خود تریگورین Trigorin را که نویسنده معروفی است با خود به همراه آورده است. ارکادینا نمایش پسرش را به تمسخر می‌گیرد، نمایش در نیمه قطع می‌شود. نینا خانواده‌اش را ترک می‌کند و برای ورود به عالم تئاتر به مسکو می‌رود در آنجا دل به عشق تریگورین می‌سپارد. این عشق پایانی مصیبت‌بار دارد. تریگورین به زودی به سوی عشق نخستین خود ارکادینا بازمی‌گردد، نینا هنرپیشه‌ای شهرستانی می‌شود پس از غیبتی طولانی به زادگاهش بازمی‌گردد و با ترپلف ملاقات می‌کند. نمایشنامه با خودکشی ترپلف پایان می‌یابد. می‌توان چنین تصور کرد که موضوع نمایشنامه عشق‌های یک‌جانبه و مصیبت‌بار

است.^{۷۶} چخوف در ۱۹۰۰ به عضویت فرهنگستان علوم در پترزبورگ انتخاب شد و همان سال نمایشنامه دانی و انیا^{۷۸} را که طرح آنرا در ۱۸۸۸ ریخته بود به پایان رسانید. سال بعد با اولگا ل. کینپر^{۷۹} بازیگر برجسته تئاتر هنری مسکو ازدواج کرد، نامه‌های چخوف به همسرش بسیار جذاب و خواندنی است. وضع مزاجی چخوف در این ایام روزبه‌روز بدتر می‌شود. با این حال نمایشنامه سه‌خواهر^{۸۰} را به پایان رسانید.

باغ آلبالو^{۸۱} آخرین نمایشنامه چخوف در ژانویه ۱۹۰۴ توسط گروه تئاتر هنری مسکو به صحنه رفت در این حال چخوف دیگر قادر نبود از تخت به زیر آید، به اتفاق همسرش به يك آسایشگاه آلمانی رفت، و در همین آسایشگاه در ماه ژوئن ۱۹۰۴ مرگش زمانی روی داد که وی در مقام يك نمایشنامه‌نویس راه کمال سپرده بود و فقدانش برای تئاتر مصیبتی بود. پرستلی درباره چخوف چنین اظهارنظر کرده است «يك پزشك با عده زیادی از اشخاص که نقاب تظاهر از چهره افکنده و به نشان تسلیم دست بالا کرده‌اند رویه‌رو شده است، هیچ‌کس نزد طبیب خود قهرمان نیست، و چخوف پزشك نیز میدان را برای چخوف نویسنده خالی نکرد، و اما دکتر چخوف دیده‌ای تیزبین و ذوقی لطیف و قلبی رئوف داشت و در توجه به حقیقت تزلزل نمی‌شناخت، در الفای تنهائی و جدائی غلبه‌ناپذیر موجودات انسانی و عدم امکان تفاهم ایشان با یکدیگر شاید هیچ نویسنده‌ای به پای او نرسد.»^{۸۲}

پانویس‌ها

۱. تاگانروک Taganrog شهری در ساحل دریای آزف.
۲. نگرشی بر آثار چخوف، ولادیمیر برملوف، ترجمه حسین اسدپور پیرانفر، تهران، پیام ۱۳۵۰.
۳. در شاهراه «On The High Road» ترجمه داریوش مزدببایان، تهران انتشارات آبان ۲۵۳۵.
۴. ایوانف Ivanov، اثر آنتوان چخوف، ترجمه سعید حمیدیان، تهران انتشارات پیام.
۵. کریمه Crime's شبه جزیره‌ای در جنوب روسیه، این شبه جزیره بواسطه تنگه کرچ Kerch به دریای آزوف راه دارد.
۶. خرس The Bear
۷. روح جنگل The Forest Spirit
۸. خواستگاری The Wedding
۹. ساخالین Sakhalin، جزیره‌ای است کوهستانی در شرق آسیا میان دریای ختسک و ژاپن.
۱۰. ملیخو Melikhave
۱۱. مرغ دریایی (The Seagull) (Chayka)، ترجمه کامران فانی، نشر اندیشه
۱۲. کنتانتین استانیسلاوسکی، K. Stenislavsky، کارگردان و بازیگر و نظریه پرداز تئاتر
۱۳. نمیروویچ دانچنکو Nemirovich Danchenko
۱۴. ماکسیم گورکی (۱۸۶۸ - ۱۹۳۶) Maxime Gorki، نمایشنامه‌نویس و داستان پرداز معروف روس
۱۵. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «زندگی من در هنر» اثر کنتانتین استانیسلاوسکی ترجمه کشتگر تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۶. کارلنکو Korolenko شاعر و رمان‌نویس نامی روس (۱۸۵۳ - ۱۹۲۱ م)
۱۷. نگرشی بر آثار چخوف، نوشته ولادیمیر برملوف، ترجمه، ح اسدپور پیرانفر، انتشارات پیام، ۱۳۵۰
۱۸. دانی وانیا Uncle Vanya ترجمه سعید حمیدیان، کامران فانی، تهران، انتشارات نیل.
- ۱۹- Olga. L. Knipper
۲۰. سه خواهر The Three sisters.
۲۱. باغ آلبالو The cherry Orchard، ترجمه سیمین دانشور، انتشارات نیل.
۲۲. سیری در ادبیات غرب. نوشته جی بی پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، تهران سازمان انتشارات حبیبی.

منابع

- 1- Dic Tionary of The Theatre, John Russell Taylor.
- 2- World Drama. Encyclopedia, Mc GrawHill Volume4

۳. نگرشی در آثار چخوف، نوشته ولادیمیر برملوف ترجمه حسین اسدپور، تهران پیام ۱۳۵۰
۴. تاریخ ادبیات روسیه نوشته دس میرسکی ترجمه ابراهیم یونسی جلد دوم (معاصر) امیرکبیر.
۵. جلوه‌هایی از چخوف، پایان نامه لیسانس، سوسن فرخ‌نیا، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۵۲.۵۳
۶. سیری در ادبیات غرب. جی بی پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، سازمان حبیبی.
- ۷ - مقدمه مرغ دریایی، ترجمه کامران فانی، تهران نشر اندیشه.



تولستوی - گورکی و چخوف

آنچه از چخوف به فارسی ترجمه شده

۱. استی‌ها ترجمه هوشنگ پیرنظر
چاپ انتشارات نیل ۱۳۵۲
۲. اطاق شماره ۶ ترجمه مهدی کاظم انصاری
چاپ شرکت سهامی اندیشه ۱۳۴۹
۳. ابوانف ترجمه سعید حمیدیان
انتشارات پیام
ترجمه سیمین دانشور «بزرگ علوی»
انتشارات نیل ۱۳۴۷
۴. باغ آلبالو ترجمه سیمین دانشور «بزرگ علوی»
انتشارات نیل ۱۳۴۷
۵. بانو و سگ ملوس (مجموعه ۱۱ داستان) ترجمه نوشین
انتشارات گوتمبرگ، چاپ اول، مسکو
۶. تفوس (داستان) ترجمه ع. اشراقی
چاپ انتشارات هدایت ۱۳۵۲
۷. خواستگاری (نمایشنامه) ترجمه دکتر ج. عباسپور
انتشارات پژواک ۱۳۴۹
۸. دانی و انبا (نمایشنامه) ترجمه سعید حمیدیان، کامران فانی
انتشارات نل
ترجمه داریوش مؤدبیان
انتشارات پژواک ۱۳۵۱
۹. در شاهراه و مضرات دخانیات (داستان) ترجمه سیمین دانشور
انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۲
۱۰. دشمنان (داستان) ترجمه کریم کشاورز
چاپ سازمان کتابهای جیبی ۱۳۴۲
۱۱. دهقانان (م. داستان) ترجمه کریم کشاورز
انتشارات پیام ۱۳۵۳
۱۲. روشنائیها (داستان) ترجمه یحیی هدی
انتشارات پژواک ۱۳۴۹
۱۳. دونل (داستان) ترجمه یحیی هدی
انتشارات پژواک ۱۳۴۹

- چاپ انتشارات پیام ۱۳۵۲
۱۴. زندگی من ترجمه جهانگیر افکاری
- چاپ سازمان کتابهای جیبی ۱۳۴۶
۱۵. فاسق (داستان) همایون نوراحمر
- انتشارات مروارید ۱۳۵۲
۱۶. سه خواهر (نمایشنامه) انتشارات نشر اندیشه ۱۳۵۰
- ترجمه سعید حمیدیان، کامران فانی
۱۷. صحرا (مجموعه ۹ داستان) ترجمه کیخسرو کشاورزی
- انتشارات فرهنگ ۱۳۵۰
- ترجمه کورش مهربان
- انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۰
۱۸. گرگها و آدمها
۱۹. مرغ دریانی (نمایشنامه) ترجمه کامران فانی
- شرکت سهامی نشر اندیشه
۲۰. منتخبی از داستانها و نمایشنامه‌های چخوف ترجمه روحی ارباب
- انتشارات دانشگاه تهران-چاپخانه
- دانشگاه ۱۳۴۰
۲۱. برگزیده کارهای چخوف (جلد ۲) ترجمه رضا آذرخشی
- هوشنگ رادپور
- چاپ انتشارات گوتنبرگ مرداد ۱۳۵۳
- نمایشنامه در يك پرده
۲۲. سالگرد
۲۳. آموزگار و چند داستان دیگر مجموعه داستان
- ترجمه ابراهیم یونسی
۲۴. کاشانگا
- داستان برای نوجوانان
- چاپ امیرکبیر
- ترجمه بهروز غریب پور
۲۵. مرغ دریانی
- تهران قاریاب ۱۳۶۳

Maxim Gorki**ماکسیم گورکی (۱۸۶۸-۱۹۳۶م)**

ماکسیم گورکی که نام حقیقی اش الکسی ماکسیموویچ پشکوف^۱ است در چهاردهم ماه مارس ۱۸۶۸ در نیژنی نوگورود^۲ Nijni Novgorod (گورکی کنونی) به دنیا آمد. پدرش کارگر میل سازی بود که پس از چندی به مددکار و کوشش شغل خوبی در يك شرکت کشتیرانی در هسترخان^۳ به دست آورد. و مادرش دختر تاجر رنگرزی از مردم نیژنی بود. پدر و مادرش که با عشق ازدواج کرده بودند سخت مورد انتقاد و عیبجویی پدر و مادرشان بودند که از هیچ به مرتبه تاجری رسیده بود و نمی خواست دخترش با کارگری بی مکنّت ازدواج کند.

در سال ۱۸۷۲ هنگامی که گورکی چهارساله بود پدرش در اثر بیماری درگذشت و مادرش به اتفاق او به خانه پدری بازگشت. زندگی پرمحنت ماکسیم خردسال از همین زمان آغاز شد. بعدها گورکی شرح ایام کودکیش را همراه با خاطراتی فراموش نشدنی از پدربزرگ خسیس و خشن و مادربزرگ مهربانش را در کتابهائی چون دوران کودکی. به انسانها و دانشکده های من بازگو می کند. هنگامی که گورکی به اتفاق مادرش به این خانواده وارد شدند خانواده در آستانه ورشکستی بود و با فقر و تنگدستی دست به کربان. گورکی خواندن و نوشتن را به کمک پدربزرگش از روی کتابهای مذهبی فراگرفت و پس از آن در سن هشت سالگی به مدت دو سال به يك مدرسه حرفه ای رفت ولی به علت



گورکی



ماکسیم گورکی با گروه نمایش گران خرده بورژواها - ۱۹۰۲ مسکو

نداشتن استطاعت نتوانست آن را به پایان رساند، مادرش مجدداً ازدواج کرد اما به زودی چشم از جهان فروست پس از فوت مادرش گورکی را برای کار از خانه بیرون فرستادند و او با رغبت کامل برای رساندن پول به مادر بزرگش مدت ده سال با انواع کارهای پرزحمت آشنا گردید، مدتی در يك مغازه کفashi پادو شد، مدتی چوب‌بری کرد و يك سال بعد از خانه پدر بزرگش فرار کرد و مدتی بر یکی از کشتی‌های تجاری که بر روی رود ولگا Volga رفت و آمد می‌کرد شاگرد آشپز شد، در پانزده سالگی کوشید وارد مدرسه‌ای در غازان^۴ شود، اما چنانکه خودش می‌گوید: «چون آن روزها آموزش رایگان باب نبود، به این کار توفیق نیافتم» و در باراندازهای ولگا همچنان به زندگش ادامه داد يك چند تصمیم گرفت بخت خود را برای ورود به دانشگاه غازان ببازماید، ولی چیزی نگذشت که پی برد برای ادامه حیات باید در جستجوی نان بود، در غازان با دانشجویان آشنا شد، آنها بذر افکار انقلابی را در ذهنش افشاندند، پس از آنکه غازان را ترك کرد برای مدتی سرتاسر جنوب و شرق روسیه را زیر پا گذاشت.

در سال ۱۸۹۰ برای معرفی خود به خدمت نظام به نیژنی بازگشت اما به علت بیماری از خدمت معاف شد برای مدتی منشی دارالوکاله^۵ م. آلابین^۶ شد که در تربیت او کوشش فراوان کرد، گورکی همیشه از او به عنوان بزرگترین حامی خویش یاد می‌کند، پس از مدتی از این کار نیز دست کشید و باز بر پهنه سرزمین روسیه آواره شد و به نوشتن پرداخت در اکتبر ۱۸۹۲ هنگامی که در انبار راه آهن تفلیس نخستین داستانش با نام «ماکارچودرا»^۷ مورد قبول مجله قفقاز واقع گردید با امضایی به نام گورکی که به زبان روسی به معنی «تلخ و بینوا» است شهرت و معروفیت یافت، سالیان بعد هم همچنان برای مجلات محلی به نوشتن ادامه داد و به زودی توانست برای تحصیل و امرار معاش بر کار ادبی خود تکیه کند.

در سال ۱۸۹۵، پس از بازگشت به نیژنی بود که به صورتی جدی قدم به عرصه ادبیات گذاشت. در همین سال یکی از داستانهایش به نام چلکاش^۸ توسط کارلنکو^۹ که آن زمان در نیژنی می‌زیست در ماهنامه‌ای معتبر به چاپ رسید و سه سال بعد (۱۸۹۸)، مجموعه‌ای از داستانهایش در دو جلد انتشار یافت. موفقیت این داستانها بسیار چشمگیر بود و برای يك نویسنده در شرایط وی بی‌سابقه بود.

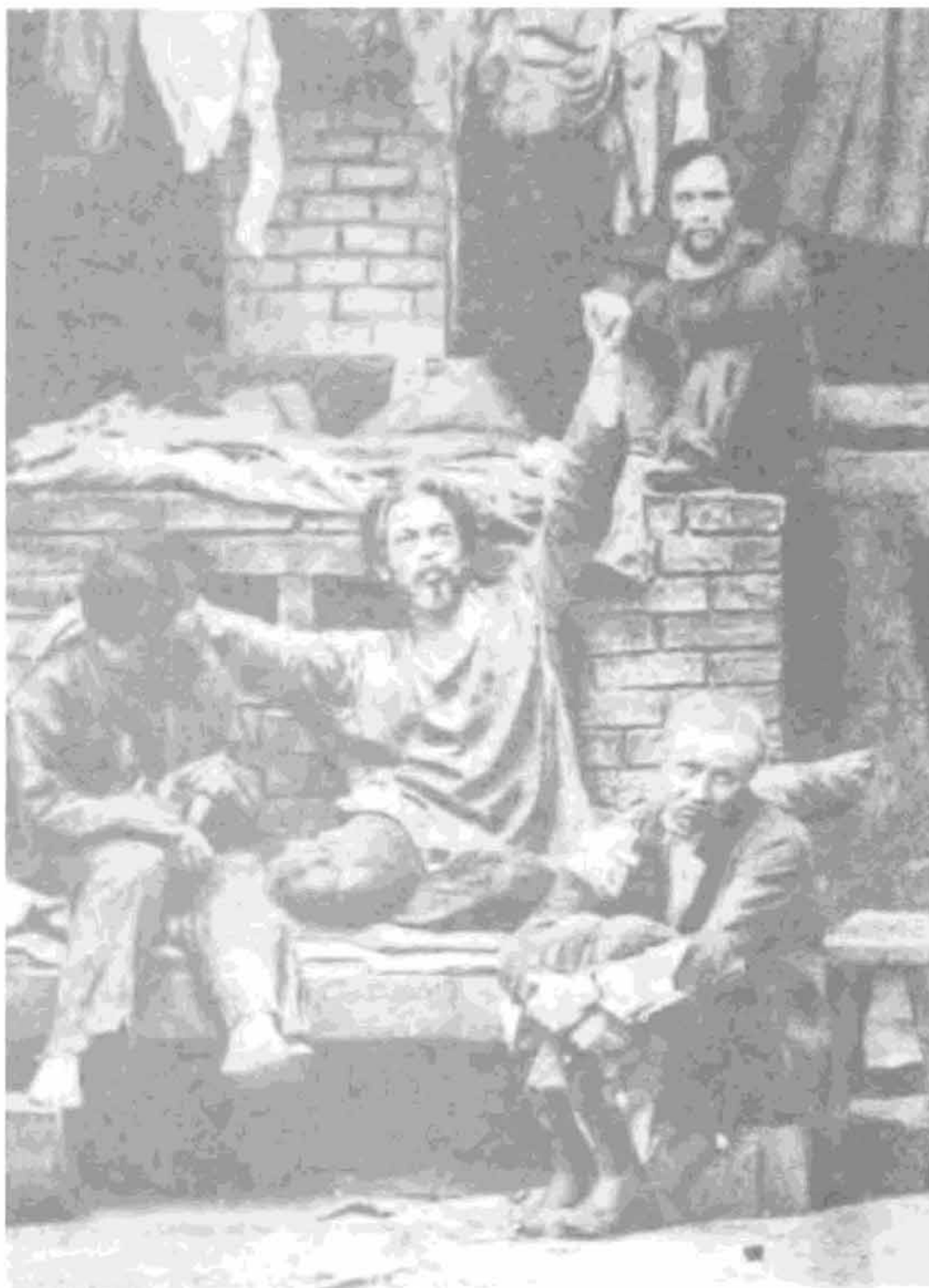
او اکنون از مقام و مرتبه يك روزنامه‌نگار محلی گذشته و مشهورترین نویسنده کشورش بود و از این تاریخ به بعد یعنی تا انقلاب اول (۱۹۰۵) پس از تولستوی سیمانی بود که عالی‌ترین توجه و علاقه مردم کشورش را برانگیخته بود، هرکس وظیفه خود می‌دانست که اثری از او را خوانده باشد. شهرت جهانی نیز به سراغش آمد، به خصوص در آلمان طرفداران فراوان یافت تا آنجا که در سالهای

۱۳۴۵ خورشیدی - کی گورکی اثر اجتماع اجتماع کی گورکی - ۱۳۴۵ خورشیدی





استانیسلاوسکی - گورکی - کاچالف ۱۹۲۸



صحنه ای از نمایشنامه در اعماق اجتماعی اثر گورکی

۱۹۰۴-۱۹۰۳ نمایشنامه مشهورش با نام «در اعماق اجتماع»^۱ پانصد شب متوالی در برلین بر صحنه بود.

در پترزبورگ با انقلابیون آشنا شد و خود به آنها پیوست و به زودی یکی از چهره‌های محافل انقلابی روسیه گردید. از درآمد قابل ملاحظه آثارش نیز برای پیش‌برد انقلاب توسط نهضت استفاده می‌شد. در سال ۱۹۰۰ بازداشت شد و به نیژنی تبغید گردید. و دو سال بعد به عضویت افتخاری آکادمی سلطنتی برگزیده شد و این زمانی بود که او سی‌وسه سال بیشتر نداشت. اما دولت به عذر اینکه وی تحت مراقبت پلیس است انتخابش را لغو کرد.

گورکی نقش مهمی را در انقلاب اول روسیه ایفا نمود. در ژانویه ۱۹۰۵ به خاطر شرکت در اعتراض به «واقعۀ ژانویه» بازداشت شد و این بازداشت موجب بروز يك سلسله تظاهرات وسیع گردید که در نقاط مختلف جهان به حمایت از او صورت گرفت. پس از آزادی از زندان روزنامه‌ای را اداره می‌کرد که از بلشویکها حمایت می‌نمود.

در ۱۹۰۶ روسیه را به قصد امریکا ترك گفت و ابتدا در فنلاند و ممالك اسکاندیناوی به خوبی مورد استقبال قرار گرفت کتاب «شهر شیطان زرد»^۲ حاصل ایام توقف او در امریکاست. در مراجعت به اروپا در کاپری Capri^۳ مقیم شد و تا اندکی پیش از بروز جنگ جهانی در آنجا ماند و سخت مورد لطف و محبت مردم آنجا بود. آثارش به مرور در میان کارگران با استقبال روبه‌رو می‌شد و در شکل‌دادن به ذهن و فکر آنان بسیار مؤثر قرار می‌گرفت. در بازگشت به روسیه ماهنامه‌ای تأسیس کرد. گورکی بین سالهای ۱۹۱۳ الی ۱۵. کتابهای کودکانی من و دانشگاههای من را منتشر کرد.

جنگ جهانی اول و متعاقب آن انقلاب کبیر ۱۹۱۷. خللی در عقاید و نظریات گورکی ایجاد نکرد بلکه او را در عقایدش مصمم‌تر نمود. او همچنان در موضع دوستان قدیم خود یعنی بلشویکها بود. اما این حمایت او بلاقید و شرط نبود. او همواره می‌کوشید نقش يك هوادار غیرحزبی و حامی و مدافع صلح و فرهنگ را ایفا کند.

د.س. میرسکی در کتاب تاریخ ادبیات روسیه^۴ معتقد است که: «دینی را که فرهنگ روسیه به گورکی دارد بسیار درخور توجه است، به خصوص به خاطر نقش وی بین سالهای (۱۹۱۸-۲۱) به عنوان مدافع و حامی فرهنگ و تمدن در سرزمین موطنش».

گورکی در ۱۹۲۲ بار دیگر سفری به آلمان رفت و برای مدتی در آنجا سکنی گزید. آثاری که در این دوران برجای گذاشت به طور عمده مشتمل بر زندگینامه‌ها و خاطرات است.

نخستین نمایشنامه گورکی با نام. «خورده‌بورژواها»^۵ موفقیت بالنسبه‌ای برایش به همراه داشت اما دومین نمایشنامه‌اش یعنی «در اعمال اجتماع» يك پیروزی چشمگیر بود به خصوص با اجرای

شایسته و درخور تحسینی که گروه هنری مسکو به رهبری کنستانتین استانیسلاوسکی از آن به عمل آورد.

دشمنان^{۱۱} (۱۹۰۷) Enfmies و اسالژنوا^{۱۲} Vassa Zheleznova.

پیرمرد^{۱۳} از دیگر نمایشنامه‌های گورکی هستند که به فارسی نیز برگردانیده شده است.

گورکی به علت تجسم زندگی مردم ساده و رنج‌بر در داستانهایش شهرت فراوانی در میان مردم روسیه و سایر کشورهای جهان یافت.

آخرین اثر گورکی رمان بلند «کلیم سامکین» است که شرح زندگی و حوادث يك عمر انسانیت به همین نام که در آن تمایلات و تحولات انقلاب را در انسانها بازگو می‌کند.

گورکی در ۱۹۳۶ چشم از جهان فرو بست.

پانویس

1- Aleksey Maximovich Peshkov

۲- هسترخان Hestaxan، شهر و بندری در جنوب شرقی شوروی اروپائی. این شهر از بندرهای مهم دریای خزر است که در کنار مصب رود ولگا قرار دارد. (فرهنگ معین جلد ۶)

۳- نیزنی نوگوروو در کنار رود ولگا واقع شده بعد از انقلاب نام گورکی بر آن نهاده شد. Nizhni-Novgorod
۴- غازان Yazan شهر و مرکز ایالتی در روسیه.

5- M.A.Lenin

6- Makarchudra

7- Chelkash

۸- ولادیمیر گالاکسیونوویچ کارلنکو Vladimir Galexionovich Korolenko نویسنده روس (۱۸۳۵-۱۹۲۱)

9- The Lower Depths

۱۰- شهر شیطان زرد «The City of The yellow Devil» ترجمه عبدالله جاویدی، انتشارات امیرکبیر (۱۳۵۷).

۱۱- کاپری Capri جزیره کوچکی است به مساحت ۲۱۰ کیلومتر مربع در خلیج ناپل، در سرزمین ایتالیا.

۱۲- تاریخ ادبیات روسیه (جلد دوم)، اثر د.س. میرسکی ترجمه ابراهیم یونسی، انتشارات امیرکبیر ۲۵۳۵.

۱۳- خورده بورژواها The Petty Bourgeois نوشته شده در سال ۱۹۰۴، این نمایشنامه با نام انگلی ترجمه مینو خرد، ح. کامرانی در سال ۱۳۵۲ به وسیله صدای معاصر به فارسی ترجمه شده است.

۱۴- دشمنان Enemies ترجمه کریم کشاورز، انتشارات نگاه و شیاهاگ، تهران چاپ دوم ۱۳۵۷.

۱۵- واسالژنوا Vassa Zhelaznova ویاکوب با کامولوف، ترجمه ضیاالله فروشانی، تهران انتشارات خوارزمی ۱۳۵۸.

۱۶- پیرمرد اثر ماکسیم گورکی ترجمه محسن اسماعیلی، انتشارات گاه.

منابع

1- Mc Grow Hill Encyclo Pedia of Wold Drama Volum(2)

2- A Dictionary of The Theatre John Russell Taylor

۳- تاریخ ادبیات روسیه، د.س. میرسکی، ترجمه ابراهیم یونسی، جلد دوم (معاصر) تهران امیرکبیر.

۴- گوشه‌هایی از خاطرات من، ماکسیم گورکی، ترجمه سعدالله علیزاده، تهران امیرکبیر ۱۳۵۷.

Maurice Maeterlinck**موريس مترلينگ ۱۸۶۲-۱۹۴۹ م**

موريس پوليدور مترلينگ^۱ در بيست و نهم اوت ۱۸۶۲ م در يکي از شهرهاي شرقي ايالت فلاندر^۲ به نام گان^۳ در کشور بلژيک به دنيا آمد. دوران کودکيش را در سواحل ترعه وسيع گان در خانواده‌اي مرفه که از خانواده‌هاي بورژواي آن ناحيه محسوب مي‌شدند و جز با همريفان خود معاشرتي نمي‌کردند سپري کرد. در کودکي زبانهاي آلماني و فرانسه را که زبانهاي خانواده‌گي او محسوب مي‌شدند فرا گرفت و در مدرسه زبان لاتين را آموخت، در دوران دبيرستان در سنت بارب Sainte Barbe که معلمانش کشيشان يسوعي^۴ مذهب بودند در برنامه تحصيلش ادبيات کلاسيک، تعاليم مذهبي و زبان فرانسه اهميت داشت. و از همين ايام علاقه زيادي به شعر و ادبيات پيدا کرد.

پدرش او را تشويق مي‌کرد تا تحصيلات خود را در رشته حقوق دنبال کند و او نيز بدون تمايل قلبي تصميم خانواده‌اش را پذيرفت. پس از پايان تحصيلات به کار وکالت دادگستري مشغول شد. اما خيلي زود قوانين خشک قضا را با روح کاوشگر خود منطبق نيافت و از سوي ديگر ذوق ادبي هم او را آسوده نمي‌گذاشت از اين رو کار وکالت را رها کرد و راهي پاریس شد. در پاریس از نزديک با شاعران نهضت سمبوليسم^۵ آشنا شد و به اتفاق درصدد برآمدند تا يك مجله ادبي به نام پلياد Pleiade را منتشر کنند.



موريس مترلینگ

مختبر آبی از نمایش پرده آبی - اثر تریلینگ



هفت شماره این مجله در سال ۱۸۸۶ منتشر شد. آشنایش با وی لر Villiere درام نویس فرانسوی بسیار بر او تأثیر گذاشت. خود مترلینک سالها بعد درباره وی لر می نویسد: او مردی بود که گویی از طرف سرنوشت مأموریت داشت تا تقدیر مرا رهبری و تثبیت کند.

مجموعه اشعارش به نام گرمخانه^۲ در سال ۱۸۸۹ منتشر شد و سال بعد نمایشنامه های مزاحم^۳ و کورها^۴ را نوشت. مترلینک در سن بیست و هشت سالگی نمایشنامه شاهزاده خانم مالن^۵ را نوشت. این اثر در محافل ادبی پاریس مورد توجه قرار گرفت و مطرح شد. اکتاومیربو^۶ نویسنده و منتقد مشهور درباره این اثر در روزنامه فبگارو چنین نوشت: این درام پنج پرده ای یکی از شاهکارهای جاودانی و قابل تحسین است. مترلینک پس از مدتی تصمیم گرفت به کشورش بازگردد و با اینکه سخت سرگرم فعالیت های ادبی بود شغلی در دادگستری شهر کان به دست آورد و شروع به کار کرد. در سال ۱۸۹۱ تحت تأثیر حادثه مرگ برادرش کتابی به نام آگاه شدگان، را نگاشت. در همین سال با کمک دوستانش در کان یک مجمع ادبی و هنری تأسیس نمود که بعدها پایگاه هنرمندان مکتب سمبولیک گردید. مترلینک نمایشنامه هفت شاهزاده خانم^۷ را در همین سال نوشت.

نمایشنامه پله آس و ملیزانده^۸ در سال ۱۸۹۲ منتشر شد، این اثر با استقبال خوانندگان و فاشاگران روبه رو شد. کلوددبوسی^۹ آهنگساز فرانسوی پس از ده سال کار روی این اثر آن را به زبان موسیقی برگرداند.

نمایشنامه علاءالدین و دزدان^{۱۰}، ۱۸۹۳، آکلون و سیلی ست^{۱۱} ۱۸۹۶، خواهر بیت ریز^{۱۲} ۱۹۰۱ و آریان و مرد ریش آبی^{۱۳} آثار بعدی مترلینک است. آریان و مرد ریش آبی ملهم از افسانه های یونان باستان است. شخصیت اصلی این اثر زنی است خوش قلب و نیکوکار به نام آریان^{۱۴} که در برابر مردی قدرتمند و حيله گر قرار می گیرد که رفتاری چون جادوگران پرمز و راز دارد. لازم به توضیح است که اصطلاح «ریش آبی» در زبان فرانسه مفهومی استعاری دارد و به مردی اطلاق می شود که به خاطر امیال و هوس های خود زنان متعدد اختیار می کند. مترلینک درباره این اثر خود گفته است که یک اثر کمیک بدون ایده فلسفی و اخلاقی است.

نمایشنامه موناوانا^{۱۵} اثر دیگر مترلینک در ماه مه ۱۹۰۲ در صحنه جدیدالتأسیس تئاتر لوور Loeuvre پاریس به صحنه رفت و سال بعد دو نمایشنامه ژویزل^{۱۶} و معجزه سنت آنتونی^{۱۷} را نوشت.

آنگاه برای مدتی نوشتن نمایشنامه را رها کرد و برای پی بردن به رازهای بی پایان جهان هستی، به دیگر رشته های دانش و علوم روی آورد. مدتی وقت خود را صرف تحقیق درباره زندگی جانوران و حشرات کرد حاصل این مطالعات کتابهایی چون «زندگی حشرات»، «موربانها»، «مورچگان»^{۱۸} است. نخستین کتاب فلسفی اش موسوم به هوس گلهای^{۱۹} در همین ایام مورد توجه خوانندگان قرار

گرفت و آشنایش با ژرژت لبلانس^{۲۷} که او نیز نویسنده بود سبب گردید که آنها مدت ۲۵ سال به صورت زوجی هنری در کنار هم به فعالیت‌های ادبی و هنری بپردازند.

اما مشهورترین نمایشنامه مترلینک «پرنده آبی»^{۲۸} است که نگارش آن در سال ۱۹۰۸ به پایان رسید و برای نویسنده‌اش بازگشت مجددی بود به تئاتر. پرنده آبی شرح جستجوی دو کودک به نامهای می تیل Mytyl و تیل تیل Tytyl را در راه دست‌یافتن به پرنده خوشبختی بازگو می‌کند و تجربیات این دو کودک در طی جستجویشان به زبانی ساده و شیرین بازگو می‌شود. نشانه‌هایی چون سگ مظهر وفاداری، گربه مظهر ریا، قند کنایه از شیرینی‌های زندگی، آتش مظهر امیال انسانی و آب مظهر روانی و پاکی می‌تیل و تیل تیل را طول سفرشان همراهی می‌کنند. آنها از سرزمین خاطره‌ها، قصرشب‌ها، باغ خوشحالیها و امپراطوری آینده می‌گذرند اما پس از يك سال بدون دست‌یافتن به پرنده خوشبختی بار دیگر به کلبه روستائی خود بازمی‌گردند. اما این حقیقت را طی جستجوهایشان دریافته‌اند که زیبایی‌های جهان را در پس چیزهای گوناگون بشناسند. درباره این اثر می‌توان گفت: اثریست سحرآمیز و رؤیائی، که تخیل و حقیقت را به گونه‌ای موزون با هم به کار گرفته است.

اولین کارگردانی که درصدد برآمد نمایشنامه پرنده آبی را به روی صحنه بیاورد. کنستانتین استانیسلاوسکی^{۲۹} هنرپیشه و کارگردان تئاتر هنری مسکو بود که اجرایی ظریف و حساس از این اثر را به روی صحنه تجسم بخشید^{۳۰}. پیش از آن اجراهای این هنرمند از نمایشنامه‌های آنتوان چخوف بسیار مشهور بود.

پرنده آبی درهای شهرت و افتخار را به روی مترلینک گشوده جایزه ادبی نوبل در سال ۱۹۱۱ به خاطر این اثر به او تعلق گرفت و خیلی زود این اثر به زبانهای گوناگون جهان ترجمه شد.

با آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ کشور بلژیک علی‌رغم اعلام بی‌طرفی مورد تهاجم نیروهای آلمانی قرار گرفت، مترلینک که در آن زمان ۵۲ سال داشت داوطلب شد تا وارد ارتش شود و از کشورش دفاع کند اما به علت کهولت سن مورد قبول مقامات واقع نشد، لیکن او قلمش را وقف خدمت به سرزمینش کرد در برخی از نوشته‌های این دوران او به خلاف گذشته که مشوق نوع‌پروری ترحم و دلسوزی بود، کینه‌توزی را تشویق کرد به خصوص این امر در نمایشنامه شهردار استیل‌موند^{۳۱} به وضوح دیده می‌شود.

با پایان گرفتن جنگ بار دیگر مترلینک به نگارش کتابها و مقالات فلسفی پرداخت. کتابها و مقالاتش طرفداران زیادی پیدا کرد و در مشرب اجتماعی او نیز تعدیلی رخ نمود، به این صورت که او تا قبل از آن طرفدار يك حکومت صددردد دموکرات بود اما رخدادهای جنگ او را به این نتیجه

رسانیده بود که تنها حکومت‌های دست‌راستی قدرتمند می‌توانند از انحطاط اروپا جلوگیری کنند و به همین لحاظ به طرفداری از حکومت‌های دست‌راستی و حتی فاشیسم پرداخت. در سال ۱۹۲۰ در بلژیک فرهنگستان تأسیس گردید و مترلینگ در زمره نخستین کسانی بود که به عضویت آن درآمد. طی این سالها سفرهای زیادی کرد. در سال ۱۹۳۰ کاخ‌بزرگی را در دامنه کوه خریداری کرد با این نیت که از این پس از خوشی‌های زندگی که در دسترش قرار داشت بهره‌مند شود. اما با آغاز جنگ جهانی دوم بار دیگر جهان دچار آشوب شد و مترلینگ کشورش را ترک کرد و به پرتغال رفت و پس از مدتی به امریکا مهاجرت کرد، در امریکا وقایع جاری جهان او را تشویق نمود تا نمایشنامه‌ای به نام ژاندارك^{۳۲}، بنویسد، مترلینگ تا سال ۱۹۴۷ در امریکا ماند، هنگام بازگشت از امریکا با آنکه ۸۵ سال از عمرش می‌گذشت ذهنش همچنان خلاق و مواج بود. از دیگر نمایشنامه‌های مترلینگ می‌توان، حلقه نامزدی^{۳۳}، بدبختی می‌گذرد^{۳۴}، نیروی مرگ^{۳۵}، ماری مک‌دالن^{۳۶}، خانه داخلی^{۳۷} و مرگ تنناژیل^{۳۸} را نام برد.

مترلینگ در پنجم ماه مه ۱۹۴۹ در سن ۸۷ سالگی بر اثر سکته قلبی درگذشت. طبق وصیتش جسدش را سوزاندند و خاکسترش را در کاخ شخصی‌اش دفن کردند، با مرگ او جهان یک نویسنده یک شاعر بزرگ، یک نمایشنامه‌نویس و یک متفکر فلسفی فعال خود را از دست داد. بنا به قول برکسون^{۳۹} فیلسوف فرانسوی، سقراط عصر حاضر چهره در نقاب خاک پنهان کرد و جهان به‌ویژه مشرق‌زمین هرگز حاضر به قطع ارتباط با او نیست.

مترلینگ را در تناثر به واسطه فلسفه ویژه‌ای که داشت تمجید می‌کنند، در نمایشنامه‌های او همواره حس انساندوستی، عشق‌های پاک و منزه، میهن‌پرستی و فداکاری در راه عدالت و آزادی مطرح می‌شود و نویسنده با تهیج احساسات درصدد است تا یک تحول روحی را در قماش‌گر سبب گردد.

۲۲۳

1- Maurice Polydor Maeterlinck

۳ و ۲. فلاندر *Falandre* یا فلامانی *Falamany*، سابقاً به همه سرزمین‌هایی که میان رود اسکو *Escaut* و دریای شمال بود اطلاق می‌گردید ولی امروزه به سه قسمت تقسیم می‌شود. اول، فلاندر فرانسه که در زمان لونی چهاردهم به موجب معاهده‌ای در سال ۱۶۶۸ م ضمیمه فرانسه گردید و مرکز آن شهر لیل *Lille* است، دوم فلاندر شرقی ولایتی است از کشور بلژیک که مرکز آن شهر گاند *Gand* است، سوم: فلاندر غربی، که آن هم ولایتی است در بلژیک که مرکز آن شهر بروژ *Bruges* است.

۴. یسوعیان یا ژوزنیت‌ها *Jesuit*، فرقه‌ای از مسیحیان که پیرو ایکناس قدیس‌اند.

۵. سمبولیسم *Symbolisme*، شیوه‌ای است که در حدود سال ۱۸۸۰ م در ادبیات پیدا شد. برای اطلاع بیشتر درباره این سبک رجوع کنید به کتاب مکتب‌های ادبی، رضا سید حسینی، نیل.

۶. وی لر *Villiers*، نویسنده سمبولیک فرانسوی ۱۸۸۹-۱۸۳۷ م.

۷. گرمخانه *Serres Chaudes*

8- Lintruse

۹. کورها *Les Aveugles* (کوران) ضمیمه تئوری استانیسلاوسکی در کتاب در پرورش هنرپیشه ترجمه پرویز تانیدی تهران، انتشارات بابک ۱۳۴۷.

10- Princesse Maleine

۱۱. اکتاومبریر *Octav Mirbeau*

12- The Seven Princesses

13- Paléas and Melisand

۱۴. کلود دبوسی *Claude Debussy*، آهنگساز فرانسوی متولد ۱۸۶۲ م

15- Aladdin and Palomides

16- Aglavaine and Selysette

17- Sister Beatrice

۱۸ - آریان و مرد ریخته‌آبی، *Anane and Blueboard or The Useless*

۱۹. آریان *Anane* در اساطیر یونان باستان دختر مینوس *Minos* بود که به تزه *Thesee* ریسمانی عطا کرد تا توانست به یاری آن از دامی پیچ‌در پیچ (*Labyrinthe*) بگذرد و مینوتور را هلاک کند هرچند تزه در بازگشت او را رها کرد.

۲۰. موناوانا *Monna Vanna* و دو نمایشنامه دیگر ترجمه پدری وزیری و حسینعلی ملاح، تهران نگاه ترجمه و نشر ۱۳۳۸.

۲۱. ژویزل *Joyzelle*، اثر مورس مترلینگ ترجمه خسرو ملاح، تهران ۱۳۴۹، «کبوترکس آفاقی تهران، رستکاری».

22- The Miracle of st Anthony

23- L'avis Des Abeilles

24- L'avis Des Termites

25- L'avis Des Faurnis

26- L'intelligence Des Fleurs

۲۷. ژرژت لبلانس *G. Leblanc*، همسر مترلینگ که بر کتاب آثار برگزیده مترلینگ مقدمه و شرح احوال مترلینگ را نوشته است.

۲۸. پرندۀ آبی *The Blue Bird*. ترجمه فردوس (عبدالحسین نونین) تهران، امیرکبیر ۱۳۵۳.
 «عنايت الله شکیباپور». تهران، شعله ۱۳۳۹
 ۲۹. کنستانتین استانیسلاوسکی *Konstantin Stanislavsky* (۱۹۳۸-۱۸۶۵ م)
 ۳۰. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «زندگی من در هنر»، اثر کنستانتین استانیسلاوسکی، ترجمه کشتگر، امیرکبیر.

31- *Le Bourgmestre Stilmonte*

۳۲. ژاندارک اثر مورس مترلینگ ترجمه ع شکیباپور، بنگاه مطبوعاتی افشاری ۱۳۶۲.

33- *Les Fiancails* (1918)

34- *Le Malheur Passe* (1925)

35- *The Power of The Dead* (1926)

36- *Mary Magdolene* (1919)

37- *Interior, Home* (1894)

38- *La Mort de Tintagiles*

۳۹. هانری برگسون، *Henri Bergson*، فیلسوف فرانسوی (۱۹۴۱-۱۸۵۶ م)

منابع

1- *World Drama. Mc Graw Hill Encyclopedia Volume3*

2- *Dictionary of The Theatre John Russell Taylor Penguin Reference Books.*

۳. مجزیه و تحلیل پله آس و ملیزاند، پایان نامه لیسانس مهری نیک طلب، دانشکده هنرهای دراماتیک.
 ۴. مقدمه موناوانا و دو غماپشنامه دیگر. ترجمه پدری وزیری و حسینعلی ملاح، بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹.

Luigi Pirandello

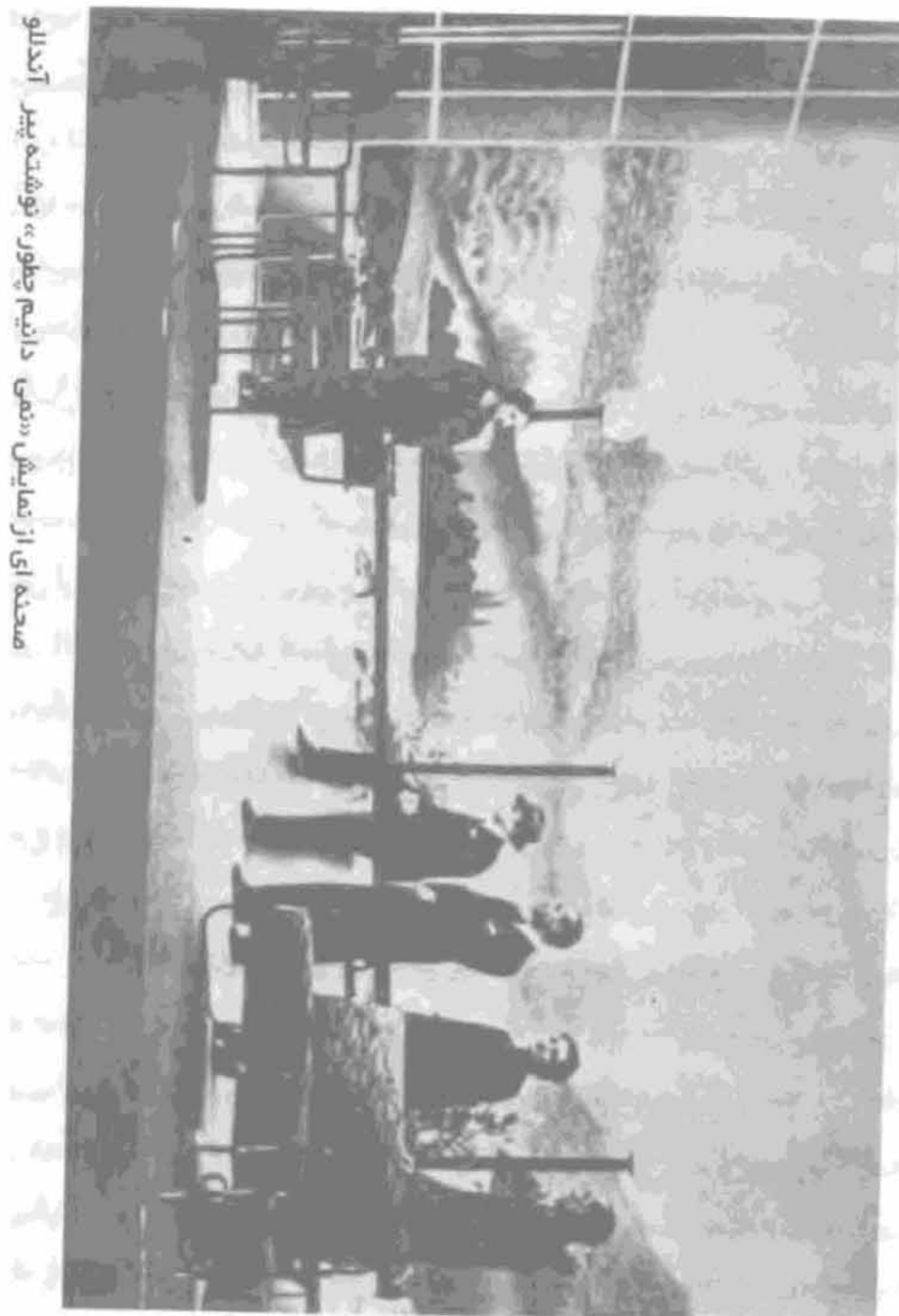
لونیجی پیر آندللو (۱۸۶۷-۱۹۳۶ م)

لونیجی پیر آندللو در بیست و هشتم ژوئن ۱۸۶۷ در دهکدهٔ اگریچینو^۱ واقع در سیسیل در جنوب ایتالیا بدنیا آمد، چنانچه بعدها خودش مدعی بود «برحسب اجبار نه به میل و اختیار گذارم به این جهان فانی افتاده است».

پدرش از مالکین توانگر معادن گوگرد بود. در سیسیل بمدرسه رفت و آموختن را فراگرفت. هنگامیکه لونیجی جوان بود سیل ویرانگری معادن را در سیسیل نابود کرد و خانواده اش را به بیچارگی و ورشکستگی کشانید. پس از پایان تحصیلات ابتدائی و متوسطه، در سن بیست سالگی وارد دانشگاه رم شد و در رشتهٔ ادبیات و زبان تحصیلاتش را ادامه داد و سپس به آلمان رفت و از دانشگاه بن در رشته زبان‌شناسی زبان‌های منشعب از لاتین از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد (۱۸۹۱). اقامت در آلمان او را با ادبیات این سرزمین آشنا کرد و این آشنائی سبب شد که کتاب «مرثیه‌های رومی»^۲ اثر گوته^۳ را به زبان ایتالیائی ترجمه کند. نخستین مجموعهٔ شعرش را در سال ۱۸۹۳ در روم مستقر شد و به کار تدریس زبان پرداخت. کار نویسندگی را ابتدا با روزنامه‌نگاری، سرودن شعر و نوشتن داستان آغاز کرد، در سال ۱۸۹۴ بنا به اصرار خانواده‌اش ازدواج کرد و قدم به زندگی زناشویی رنج‌آوری گذاشت که طی سالیان طولانی باعث عذابش بود. همسرش پس از مدتها



پیر آندلو



مردانه ای از نمایش «نفس» در کوه چیترا به نوشته پیر آندالو

ناراحتی روحی دیوانه شد و ناگزیر در سال ۱۹۱۹ او را در يك آسایشگاه بستری کردند. نخستین فرزندش بنام استه فانو Stefano که بعدها او نیز همچون پدرش نویسندگی را بعنوان حرفه برای خود برگزید در سال ۱۸۹۵ بدنیا آمد «گاز» نخستین غایشنامه‌اش در همین سال نوشته شد از آن پس هرساله چند قصه کوتاه رمان و غایشنامه منتشر کرد، داستانهای کوتاهش را در مجموعه‌ای بنام «داستان برای یکسال» گردآوری نمود که بعدها در چندین جلد ادامه یافت و منتشر گردید. مجموعه‌ی خیره‌کننده‌ای که استعداد داستان‌نویسی او را بازگو میکند. ویژگی داستانهایش اختصار و فشردگی آنهاست و خشونت‌ی تکان‌دهنده که بی تفاوت ماندن نسبت بآن بسیار مشکل است. در سال ۱۸۹۹ غایشنامه کم‌دی «منطق دیگران» را نوشت. دومین پسرش «فاوسته»^۵ در همین سال بدنیا آمد، او بعدها نقاش مشهوری شد.

در سال ۱۹۰۳ رمان بلند مرحوم ماتیا پاسکال^۶ را طی چند هفته بر بالین همسر بیمارارش نوشت یا بهتر بگوئیم بدیهه سازی کرد تا بتواند از عهده مخارج سنگین مداوای همسرش برآید. در این اثر ماجرای عجیب مردی بازگو میشود که برای دور شدن از يك موقعیت خانوادگی و زناشویی تحمل‌ناپذیر می‌گریزد. در مسیر این گزیر نویسنده تصویرها و نقاب‌های گوناگونی را که اجتماع به چهره حقیقی و واقعیت درونی هر فرد تحمیل میکند نشان می‌دهد.

سالهای جنگ جهانی اول و تأثیر آن بر مردم اروپا آثار پیرآندللو را به‌کمال رسانید، طی این سالها بطور منظم شروع بنوشتن برای تئاتر کرد. غایشنامه‌های اگر اینطور نیست^۷، جاکومینوفکرکن^۸ لیولا^۹، موضوع جدی نیست^{۱۰} انسان، حیوان^{۱۱} تقوا، کاملاً خوب^{۱۲}، جواز^{۱۳}، بازی^{۱۴} طرفین، مثل اول^{۱۵} بهتر از اول، چه‌چه^{۱۶}، خانم مورلی^{۱۷}، یکی، دوتا، غایشنامه‌هایی هستند که پیرآندللو تا قبل از ۱۹۲۰ نوشت. یکسال بعد غایشنامه «شش شخصیت در جستجوی نویسنده»^{۱۸} که بنابر عقیده بسیاری از صاحب‌نظران برجسته‌ترین اثر وی محسوب میشود بازتاب نکاتی بدیع از اندیشه او را درباره زندگی و تئاتر نشان می‌دهد شخصیت‌های این اثر دو دسته‌اند و هر دسته در محیطی قابل تفکیک از دیگری داستان خود را بازگو میکند. آدم‌های گروه اول غایبند و واقعیت‌های قابل تغییر و تأثیرپذیر روزانه‌اند مثل کارگردان تئاتر، دستیار و هنرپیشه‌ها، در گروه دوم خانواده‌ای شش نفره را می‌بینیم که زائیده تخیل نویسنده‌ی هستند که به آنها عینیت بخشیده شده، سرنوشت آنها سرنوشتی است موجود، اما به دنیا نیامده، آنها در جستجوی تولد خود هستند تا خود را به انتها برسانند و همین جستجوست که آنها را در برابر آدم‌های گروه اول قرار می‌دهد زیرا نیروی که میتواند به آنها زندگی ببخشد فقط در دایره تواناییهای آدم‌های گروه اول یعنی «زنده‌ها» قرار دارد.

نتیجه برخورد میان این دو گروه عدم تفاهم و بیگانگی مطلق است و همین عدم تفاهم و غریبی برداشتهای مختلف فکری از يك واقعیت قطعی است که یکی از ریشه های اصلی درام در این نمایشنامه را به وجود می آورد. واقعیت چیست؟ وهم و خیال کدام است؟ در نظر پیرآندللو، اگر واقعیت باغی باشد و انسانها پنجره هائی که از جوانب مختلف بر این باغ گشوده شده اند، هر انسانی باغ را در زاویه خود می بیند و آنچه که می بیند به ناچار تمامی واقعیت نیست، بلکه آن قسمتی است که در مدار دید او قرار دارد و با آنچه که دیگری می بیند متفاوت است.

شیوه تئاتر در تئاتر که پیرآندللو در این اثر به کار می گیرد بعدها در نمایشنامه های «هرکس بمیل خودش» (۱۹۲۴) و امشب از خود می سازیم^۲ (۱۹۲۸) به نحو کاملتری دیده می شود.

نمایشنامه های هانری چهارم^۱، بی شرف ها^۲، پوشاندن برهنگان^۳، مرد گل به دهن^۴، دوست زنها^۵، زندگی زیبا^۶، مسافر^۷، مستعمره تازه^۸ و در خارج از دیگر نمایشنامه های پیرآندللو هستند که هر یک گویای قدرت قلم و تخیل این نویسنده است.

حوادث مهمی همچون ورشکستگی پدر، مرگ مادر و بیماری روانی همسر بر زندگی خصوصی او تأثیر بسیار گذاشت. هر یک از این حوادث زمینه هائی بود که تخیل خلاق او را به خود معطوف کند و نیز موجبی برای افزون شدن بدبینی او گردند. سرخوردگی فلسفی و بدبینی های سیاسی در طی سالیان او را به داوریهائی منفی درباره برخی از مسائل و مباحث کشانید تا آنجا که برخلاف آنچه که انتظار می رفت در ۱۹۲۴ به حزب فاشیست ایتالیا پیوست و سال بعد تئاتر هنری رم را تأسیس کرد، کار این تئاتر عرضه مجموعه ی نمایشنامه های پیرآندللو و سایر نویسندگان بود. طی سفرهائی اجراهای تئاتر هنری رم در شهرهای اروپا، امریکا و آسیا به نمایش گذاشته شد.

پیرآندللو برای مدتی در برلین و پاریس زندگی کرد تا اینکه در ۱۹۲۹ برای شرکت و عضویت در آکادمی ایتالیا به کشورش فراخوانده شد و در سال ۱۹۳۴ جایزه نوبل برای ادبیات به او تعلق گرفت. نمایشنامه ماقبل آخرش به نام «غی دانیس چطور»^۹ در سال ۱۹۳۵ به صحنه رفت در این نمایشنامه جنبه انتقادی شدیدی نسبت به زندگی راحت توأم با بیکاری و تنبلی اشرافی دیده می شود لازاروس^{۱۰}، نبایش آقای گشتی^{۱۱}، وقتی آدم کسی است^{۱۲} و خودیابی^{۱۳} از دیگر آثار پیرآندللو هستند. پیرآندللو تا پایان عمر به کامل کردن آثارش که به صورت نمایشگاهی عظیم از موقعیت ها و شخصیت های متنوعی هستند ادامه داد. زادگاهش سیسیل منبع الهامی غنی برای آفرینش شخصیت های گوناگون بود. شخصیت های متأثرکننده، هراس آور و گرفتار هوس ها و تمایلات متضاد، انسانهائی که مدام با واقعیت و خیال در ستیزند، در برخی از آثار وی شخصیت ها بر ضد

صورتکی که بر آنها تحمیل شده است قیام می‌کنند، در بعضی آن‌را می‌پذیرند و در بعضی دیگر صورتک به تدریج محو می‌شود و واقعیت پشت آن آشکار می‌گردد، رویه‌رو شدن با واقعیت صریح، اوج دراماتیک آثار پیرآندللو است.

موضوع‌هائی که در قلمرو داستان او را شیفته خود می‌ساخت در عرصهٔ تئاتر که فضای مانوس او بود، با روحی تازه و اهمیتی بیشتر عرضه می‌شوند، این نویسنده همواره در صدد بود که تئاتر را ناگزیر سازد تا طرز فکر و تلقی جدیدی را منعکس سازد، این طرز تفکر عمدتاً ذهنی است و درام‌های وی اگر ذهنی نباشند در حقیقت هیچ نیستند و تم‌های اصلی آنها که به شیوه‌ای دراماتیک و آکسیونی بسیار دقیق تجسم یافته نسبت زندگی ذهنی انسانهاست.

این هنرمند در دهم دسامبر ۱۹۳۶ در شهر رم زندگی را بدرود گفت، آخرین اثرش نمایشنامه، «غولهای کوهستان»^{۳۴} نیز ناقم ماند. خودش وصیت کرده بود:

«می‌خواهم که سکوت مرگم را بپوشاند، از دوستان و دشمنانم تقاضا دارم که نه تنها در روزنامه‌ها هیاهو برپا نسازند بلکه حتی اشاره‌ای هم به مرگ من نکنند.

مرا برهنه در تابوت فقرا بگذارید و هیچ‌یک از شما، نه دوست و نه آشنا و نه فامیل به دنبال جنازه‌ام نیابید، فقط درشکه نعش‌کش، اسب و درشکه‌چی، همین و بس، مرا بسوزانید و خاکسترم را در هوا پخش کنید، زیرا نمی‌خواهم از من چیزی باقی بماند، هیچ چیز حتی خاکسترم، با وجود این اگر نتوانستید به این آخرین خواسته‌ام عمل کنید خاکسترم را در شیشه‌ای بریزید و آن را در سینه سنگی در جزیره سیمیل پنهان کنید، در دهکدهٔ اگرچینو، جانی که من به دنیا آمده‌ام.»

آنگونه که خواسته بود جنازه‌اش را سوزاندند و خاکسترش را در سال ۱۹۴۶ به دهکدهٔ زادگاهش

بردند.

1- Agrigenoa

۲- مرثیه‌های رومی *Elegie Romane*

۳- گوته *Goethe* (۱۸۳۲-۱۷۴۹م)

۴- این اثر بعداً به *The Visa* ویزا مشهور شد.

5- Fauste

۶- مرحوم ماتیا پاسکال *Mathia Pascal* ترجمه بهمن محصص، شرکت سهامی کتابهای جیبی ۱۳۴۸

7- If there is not Such as

8- Think of it Gacchino

9- L'Idole

10- But it is not a Serious Affair

11- Man, Beast, and Virtue

12- All for The Best

13- Permit

14- The Rules of The Game

15- As Well as Before, Better Than Before

16- Chee-Chee

17- Mis Mort one and Two

18- Six Characters in Search of an Author

19- every one to his ambition

20- To night we Improvise

۲۱- هانری چهارم *Henry IV*، ترجمه بهمن محصص، انتشارات روزن تهران ۱۳۴۷

22- Unexpertis

23- To clothe The Naked

۲۴- مردی که گلی در دهن داشت *The Man With The flower in his Mouth* ترجمه مهین دانشور چاپ زمان (ضمیمه سیبیل از ژان آنوی و قطاری به نام هیواواتا از تورنتون وابلدر ۱۳۵۲ تهران).

25- The Wives, Friend

26- Beautiful Life

27- Passenger

28- The New Colony

۲۹- نمی‌دانیم چگونه *No one Knows How*، ترجمه ماد منیرمنیری، تهران روزن ۱۳۴۹

30- Lazarus

31- The Festival of our Lord The Ship

32- When Someone is Some body

33- To Find One Self

34- The Mountain Giants

منابع

- 1- Dictionary of The Theatre John Russel Taylor, Penguin Referenc Book
- 2- Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill

۳. لونجی پیرآندللو. سخن دوره چهاردهم (۷) ۱۳۴۳
۴. سیری در ادبیات غرب جی. بی. پرستلی. ترجمه ابراهیم یونسی. جیبی.
۵. پایان نامه لیسانس، شکوه شریف پور، درباره پیرآندللو، تهران دانشکده هنرهای زیبا ۱۳۴۹
- ۶- تاثیر پیرآندللو پایان نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک، منصور زهرانی ۱۳۵۲.

George Behrnard Shaw

جورج برناردشاو (۱۹۵۰-۱۸۵۶م)

جورج برناردشاو، نمایشنامه‌نویس، داستان‌سرا، روزنامه‌نگار و منتقد ایرلندی‌الاصل در ۲۶ ژوئیه ۱۸۵۶ در شهر دوبلین ایرلند به دنیا آمد، پدرش بازرگانی بود که به معاملات گندم اشتغال داشت و از آنجا که سواد چندانی نداشت، تربیت و تعلیم فرزندانش را به عموی خود که کشیش کلیسای سنت‌براید Saint Bride بود سپرد، خانواده‌اش پیش از آن خانواده‌ای مرفه بود که در ابام کودکی جورج، پدرش ورشکست شد و این امر از نظر اقتصادی آنها را از بالا به پائین کشانید. جورج برناردشاو در تمام عمر علاقمند بود که شکوه و رفاه خانوادگی را بار دیگر به خانواده‌اش بازگرداند. در ابتدا تحصیلاتش را به طور منظم ادامه نداد اما موسیقی را نزد مادرش که معلم آواز بود فراگرفت. این امر سبب گردید که از سنین خردسالی موسیقی و تئاتر برایش جاذبه‌ای خاص داشته باشند.

بست‌ساله بود که شهر زادگاهش را به قصد یافتن آینده‌ای بهتر ترک کرد و به لندن رفت و با تشویق‌های مادرش به کار نویسندگی پرداخت. در میان سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۸۸۳ که به سن بیست و هفت‌سالگی رسیده بود پنج داستان کوتاه نوشت که هیچ‌یک از آنها موفقیتی برایش به همراه نداشت و ناشران نیز آنها را برای انتشار از وی نمی‌پذیرفتند، نکته جالب درباره موسیقی و سپس نقدهائی



برنارد شاو

در زمینه تئاتر نوشت که تا سال ۱۸۹۷ انتشار آنها ادامه داشت.

يك روز که برای شنیدن سخنرانی هنری جورج Henry George اقتصاددان سوسیالیست آمریکایی رفته بود سخت تحت تأثیر قرار گرفت و به مطالعه آثار مارکس و دیگر متفکران این فلسفه پرداخت و شیفته تغییرات و تحولات سیاسی شد و در انجمن فابیایان^۱ که تشکیلات سوسیالیستی انگلیسی بود به عنوان خطیب و مفسر شروع به فعالیت کرد و نام خود را بر سر زبانها انداخت، در چهل سالگی شیفته هنریک ایبسن^۲ درام نویس نروژی گردید و کتابی درباره عظمت مقام و آثار او نوشت، مدتی در اثر کار و تلاش زیاد بیمار شد و همین رنج بیماری او را متوجه زندگی خصوصی خود کرد و درحالی که ۴۲ سال از عمرش می گذشت با دختری از يك خانواده سرشناس ایرلندی ازدواج کرد و در پناه تأمین و حمایت او به نوشتن نمایشنامه پرداخت، دیری نگذشت که دو کتاب با نام «نمایشنامه ها» از او منتشر شد، که شامل آثاری چون اسلحه و مرد^۳، کاندیدا^۴، مرد و سرنوشت^۵ و تو هرگز قادر نیستی بگویی^۶ در جلد اول و خانه های اجاره ای^۷، کسب و کار خانم وارن^۸، و زن پرست، جلد دوم را دربرمی گرفت.

خانه های اجاره ای نخستین نمایشنامه اش در انگلستان به عنوان اثری خوب شناخته شد و در لندن به صحنه رفت، این امر سبب تشویقش گردید و به نوشتن نمایشنامه ادامه داد.

شاو در نمایشنامه نویسی حامی نوعی درام جدید بود که هنریک ایبسن عرضه کرده بود. او نمایشنامه های خود را چنان می پرداخت که گویی نوعی اپرای بدون موسیقی تصنیف می کند. پاره ای از موقعیت های اساسی برخی از نمایشنامه هایش مثلاً دکتر بر سر دوراهی^۹ « دلیری و گستاخی محض اند^{۱۰}، نگاه واقع بینانه اش به همراه بذله گوئی و طنز توأم است و در نمایشنامه هایش سعی بر آن دارد تا افراد جامعه را با همه دردها و رنجها و تیره گی های درویشان نشان دهد.

جی بی پریستلی معتقد است که «سرشاری و وفور و تازگی و روح جنبش و نیروی فوق العاده زیست نمایشنامه های شاو، بوی حق می دهد که پس از مولیر به عنوان بزرگترین کمدی نویس شناخته شود. اما چنانچه وی را به عنوان نمایشنامه نویسی بزرگ بپذیریم باید بگوئیم که میدان و دامنه تنوع اشخاص نمایشنامه هایش محدود است، بی گمان جورج برناردشاو عرصه تئاتر با آن نشاط مبتنی بر تفکر و آن محیط خوش و آفتابی که می آفریند هنوز زنده است.^{۱۱}

از نمایشنامه های دیگر برناردشاو می توان از مرید شیطان^{۱۲}، بشر عادی و بشر عالی^{۱۳}، قیصر و کلنویاتر^{۱۴}، سرگرد باربارا^{۱۵}، بانوی زیبای من^{۱۶} (پیگمالیون)، ژاندارک^{۱۷}، کاترین بزرگ^{۱۸}، سرباز شکلاتی^{۱۹}، بار سبب^{۲۰}، امپراتریس بلشویک^{۲۱}، درام کوچک^{۲۲}، روزهای طلای شارل شاه^{۲۳} و عمر

۱۹۷۷ سالگرد انقلاب ۱۳۵۷ «شیراز» اثر برنارد شو و لختن



تاریخچه ایران - کاروانسرای کربلا «نقش‌ماجرات»



روح^{۲۲} را نام برد.

برناردشاورسالات و کتبی هم درباره مباحث اجتماعی و سیاسی نوشته است که از آن جمله می توان از فایانسم و امپراتوری^{۲۳} نام برد.

۱. دو نشریه معتبر به نامهای World (جهان) و Star (ستاره)
۲. فابیان Fabian. برگرفته از نام فابیوس ماکزیمیوس، سردار رومی است، این انجمن در سال ۱۸۸۴ برای اشاعه سوسیالیسم در انگلستان به وجود آمد.
۳. هنریک ایبسن Henrik Ibsen، نمایشنامه‌نویس نروژی.
۴. اسلحه و مرد (یا اسلحه و انسان) Arms and The Man.
۵. کاندیدا، Candida، ترجمه شجاع‌الدین شفا، تهران، معرفت.
۶. مرد و سرنوشت The Man of Destiny، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی، تهران، خوارزمی ۱۳۵۴.
۷. تو هرگز قادر نیستی بگویی You Never Can Tell.
۸. خانه‌های اجاره‌ای Widower's Houses، ترجمه ف.ب. زاگرس، تهران، توپ ۱۳۳۴.
۹. کسب‌وکار میسزوارن Mrs Warren's Profession، ترجمه بزرگ علوی، تهران اندیشه ۱۳۴۰.

10- The Doctor's Dilemma

- ۱۱- بزرگان فرهنگ مختصر، (چهار مقاله) کریستوفر گادول ترجمه ح. اسدپور پیرانفر، تهران حقیقت ۱۳۵۴.
- ۱۲- میری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، سازمان حبیبی ۱۳۵۲.
- ۱۳- مرید شیطان The Devils Disciple (یا شاگرد شیطان)
- ۱۴- بشر عادی و بشر عالی (بشر و مافوق بشر) Man and Super man ترجمه هاشم کاشف، تهران بنگاه شاهین، قبل از ۱۳۳۳، و ترجمه دیگر از هدایت‌الله فروهر تهران صائب ۱۳۴۴.
- ۱۵- قیصر و کلئوپاترا (۱۸۹۸) Caesar and Cleopatra.
- ۱۶- سرگرد باربارا (۱۹۰۵) Major Barbara.
- ۱۷- یانوی زیبای من Pygmalion ترجمه هوشنگ نظامی، تهران، سپهر ۱۳۴۳.
- ۱۸- ژاندارک Saint Joan، ترجمه محمود حیدریان تهران گام ۱۳۵۴.

19- Great Catherine

- ۲۰- سریاز شکلاتی، ترجمه سیمین دانشور، تهران، امیرکبیر قبل از ۱۳۳۳.
- ۲۱- بارسبب، The apple Cart، کمدی سیاسی در دو پرده ترجمه ش. تهران چهار قبل از ۱۳۳۳.
- ۲۲- آناژنسکا امپراتریس پلشویک، Anna Janska، ضمیمه پایان آغاز از شون‌اوکسی، ترجمه محمدنقی علیشاهی، بابک ۱۳۵۲.
- ۲۳- درام کوچک، ضمیمه دم‌ها و چند نمایشنامه دیگر، ترجمه همایون نوواحمر، تهران، بامداد ۱۳۵۰.
- ۲۴- روزهای طلایی شارل شاه In Good King Charles's Golden Days.

25- Methusalem

26- Fabianism and the Empire

منابع

1- Dictionary of the Theatre John Russel Taylor

2- Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill Vol4

- ۳- میری در ادبیات غرب، جی.بی. پرستلی، ترجمه ابراهیم یونسی، حبیبی.
- ۴- بزرگان فرهنگ مختصر (چهارمقاله) کریستوفر گادول، ترجمه ح. اسدپور پیرانفر تهران، حقیقت ۱۳۵۴.

Romain Rolland**۱۸۶۶-۱۹۴۴ م****رومن رولان**

رومن رولان در ۲۹ ژانویه ۱۸۶۶ در شهرک زیبای کلامسی Clamcy در يك خانواده متوسط الحال به دنیا آمد. پدرش به شغل سردفتری اسناد رسمی روزگار می‌گذرانید. از هفت سالگی به کالج کلامسی رفت و تا پایان سال دوم دبیرستان در آنجا تحصیلاتش را ادامه داد. گردش در باغها و تاکستانها و طبیعت زیبای سرزمین زادگاهش قریحه حساس او را برمی‌انگیخت و عشق به موسیقی از همان کودکی در او بیدار شد. تحصیلات اولیه‌اش را در سال ۱۸۸۰ در کلامسی به پایان رسانید، پدرش به خاطر تحصیلات او شهر کوچک زادگاهشان را ترك کرده و برای سکونت به پاریس رفتند. رولان نخستین اثرش را با نام جشن‌های آتیلّا که تقلیدی ساده از پیرگرنی^۱ بود نوشت. بعدها رولان این اثر را سوزاند و تنها بخش کوتاهی از آن را نگه داشت. نخستین درس‌های موسیقی را نزد دوشیزه خانم ژوزفین مارتن^۲ که از دوستان مادرش بود و پیانو را خیلی خوب می‌نواخت، فراگرفت. خودش در این باره می‌گوید: «موسیقی از همان نخستین گامهای زندگی دستم را گرفت. موسیقی نخستین عشقم بود، احتمالاً آخرین عشقم نیز خواهد بود.»

در سال ۱۸۸۳ وارد دبیرستانی لویی لوگرانند Louis le Grand شد و خود را برای ورود به دانشسرای عالی آماده کرد. آثار اسپینوزا^۳ به شدت علاقه او را برانگیخت، چراکه او نیز انسانها را



رومن رولان

به سوی نیکی و برادری فرامی خواند و رولان مجذوب چنین افکاری بود.

در اوت ۱۸۸۳ هنگامی که از ویلنوا^۵ می گذشت ویکتور هوگو^۶ را دیدار کرد، این دیدار او را سخت به هیجان آورد. در سال ۱۸۸۶ در کنکور دانشسرای عالی پذیرفته شد.

در ماه نوامبر ۱۸۸۹ به ایتالیا سفر کرد، این سرزمین دنیای تازه‌ای در برابر دیدگان کنجکاو و مشتاق او گشود، انگار دوباره متولد شده باشد، دیدن آثار هنری، تابلوها و مجسمه‌ها او را دستخوش هیجان می کرد. پس از دو سال مجدداً به پاریس بازگشت، در اکتبر ۱۸۹۲ آشنایش با کلوتید بره آل Clotide Breal دختر میشل بره آل (Michel Breal) که زیانشناس سرشناسی بود به پیوند ازدواج منجر شد. متأسفانه این ازدواج چندان نپائید و در سال ۱۹۰۱ به جدائی آنها منجر شد.

رولان برای به پایان رسانیدن تز دکترای خود به تشویق میشل بره آل بار دیگر عازم ایتالیا شد و در آنجا مدت چهارماه در کتابخانه‌ها و بایگانی موزه‌ها به تحقیق در زمینه شعر، موسیقی و اپرا پرداخت و اطلاعات فراوانی کسب کرد.

رولان تحصیلات خود را با درجه دکترا در رشته ادبیات و هنر به پایان رسانید. رشته تخصصی خود را تاریخ موسیقی و هنر انتخاب کرد و رساله دکترای خود را درباره ریشه‌ها و منابع تناثرهای جدید. در سن بیست و نه سالگی نوشت و بلافاصله به سمت استاد تاریخ و هنر به امر تدریس در دانشگاه پرداخت.

رولان پس از مطالعاتی در زمینه تاریخ و آثار تاریخی و کلاسیک روم و یونان، گوگول^۷ و تولستوی^۸ مطالعاتی در زمینه انقلاب کبیر فرانسه کرد، در حقیقت حیات ادبی او از سالهای آخر قرن نوزدهم آغاز می شود، نخستین آثار او نمایشنامه‌هایی برای تناثر بود، او با انتخاب شخصیت‌ها و قهرمانان تاریخ به نسل خود درس‌هایی از فداکاری و از خودگذشتگی داد، او سعی داشت با توده مردم از طریق تناثر ارتباط برقرار کند و تناثری جایگزین تناثرهای مبتذل که در آن ایام رواج یافته بود نماید، با این فکر دوره «تراژدی ایمان» را که مشتمل بر سه نمایشنامه سن لونی^۹، ۱۸۹۷، آنت^{۱۰} ۱۸۹۸ و پیروزی عقل ۱۸۹۹ بود انتشار داد در این مجموعه آثار سه نوع ایمان به اشکال مذهبی، وطن پرستانه و انقلابی نشان داده شده است.

رولان که حوادث انقلاب کبیر فرانسه را به دقت مطالعه و بررسی کرده بود و آنرا حادثه‌ای عظیم برای فرانسه و سایر کشورهای اروپائی و جنبش‌های سراسر جهان به شمار می آورد، یک دوره نمایشنامه که موضوع آنها از انقلاب کبیر فرانسه اقتباس شده بود تنظیم نمود، در این مجموعه نمایشنامه‌های «دانتون»^{۱۱} ۱۹۰۱، چهاردهم ژوئیه^{۱۲} ۱۹۰۲، گرگها^{۱۳} ۱۹۰۹، بازی عشق و مرگ^{۱۴} ۱۹۲۵، یکشنبه مقدس^{۱۵} (باک فلوری) ۱۹۲۶، لئونیداها^{۱۶} ۱۹۲۸ و روسپیر^{۱۷} قابل

ذکر است. دانتون، یکی از برجسته‌ترین درامهای رولان است که از اختلافهای تلخ و ناگوار «رویسپیر» و «دانتون» رهبران انقلاب در فرانسه سخن می‌گوید.

بخشی از آثار رولان درباره زندگی مردان بزرگ است. از میان این آثار می‌توان زندگانی بتهون، زندگانی میکال آنژ ۱۹۰۵، زندگانی تولستوی ۱۹۱۱، مهاجراتی ۱۹۲۶، و بتهون و گوته را نام برد. رولان با شناختی که از موسیقی داشت يك دوره کتابهایی نیز درباره تاریخ موسیقی و شناخت موسیقی نوشت که در این زمینه دارای ارزش‌های فراوانی است. از میان این آثار می‌توان از کتابهای موزیسین‌های پیشین ۱۹۰۸، موزیسین‌های امروز ۱۹۰۸، هندل ۱۹۱۰، و سفر موزیکال به کشورهای گذشته ۱۹۲۰ را نام برد.

داستان بلند «ژان کریستف»^{۲۷} در چند جلد که از ۱۹۰۴ تا ۱۹۱۲ انتشار یافت ماجرای پرحادثه از زندگانی يك موسیقیدان را از ابتدای تولد تا لحظه مرگ بازگو می‌کند. رولان این اثر را با آرزوی بازآفرینی بتهون قرن بیستم نوشت.

رولان نظریاتش را درباره مبارزه در عصر خود در درام شکست‌خورده‌گان^{۲۸}، بازگو می‌کند. رولان در اکتبر ۱۹۱۰ در يك تصادف اتومبیل مجروح شد، ناگزیر برای بهبود شکستگی‌های بدنش او را به خانه پدریش انتقال دادند. در بستر بیماری خبر مرگ تولستوی را در روزنامه‌ها خواند، هنوز کاملاً بهبود نیافته بود که شروع به نوشتن زندگانی تولستوی کرد. در تابستان ۱۹۱۲ از استادی دانشگاه سوربن استعفا داد و تصمیم گرفت که به کشورهای دیگر سفر کند و سرزمین‌های تازه را ببیند.

اثر بعدی رولان پس از ژان کریستف، کولابرنیون^{۲۹} بود، این اثر که ماجرای مرد مثبت‌کار زنده‌دلی را تصویر می‌کند در حقیقت بازتاب اندیشه‌های نویسنده درباره سرچشمه هنر مردمی است. رولان پس از جنگ داستان دیگری را آغاز کرد، این داستان کلرامبو^{۳۰} نام دارد و ماجرای نویسنده‌ایست که در آغاز جنگ را می‌ستاید اما هنگامی که پسرش در جبهه‌های جنگ کشته می‌شود در اندیشه فرو می‌رود و تمامی اشعارش را به فراموشی می‌سپارد او از مرگ فرزندش به شدت اظهار گناه می‌کند و به مدافعی سرسخت برای صلح تبدیل می‌شود.

در ۱۹۱۹ رولان مادرش را از دست می‌دهد و این واقعه برای او بسیار غم‌انگیز است. در نوامبر همان سال نخستین کنگره تئاتر کارگری و دهقانی تشکیل می‌گردد و رومن رولان به عنوان نظریه پرداز تئاتر سوسیالیستی انتخاب می‌شود.

مدتی به خاطر دور بودن از فرانسه به سویس سفر می‌کند، مسائلی همچون دشواریهای مبارزه اجتماعی در فرانسه، آینده خلقها، وظیفه نویسندگان و هنرمندان در شرایط حاد و پیچیده

جهانی او را عمیقاً به فکر واداشته بود.

با بسیاری از نویسندگان از جمله ماکسیم گورکی^{۳۱}، رابیندرانات تاگور^{۳۲}، و استفان تسوایک^{۳۳} مکاتبه داشت و با آنها در این زمینه بحث و تبادل نظر می کرد. مقارن همین ایام توجه به اندیشه و تفکر شرق در او رشد کرد، جستجو در سرگذشت گاندی در ۱۹۲۳، مطالعاتی درباره هند و نحوه تحولات جدید آن سرزمین. ۱۹۳۰، راماکریشنا^{۳۴} و بودکاندا^{۳۵}، آثاری هستند که توجه و علاقه وی را به مشرق زمین بازگو می کنند.

رمان بزرگ جان شیفته^{۳۶} Paques Fleuries که رولان نوشتن آن را از ۱۹۲۲ آغاز کرده بود تا ۱۹۳۳ به طول انجامید، این اثر برای نخستین بار در ۱۹۲۷ به چاپ رسید. در این اثر زندگی نسل زنانی بازگو می شود چون آنت ریوییر (Riviere به معنی رودخانه) که با روحی بزرگ به مصاف زندگی می روند و با دشواری فراوان راه خود را به سوی يك زندگی آزاد و مستقل باز می کنند.

از طرف ماکسیم گورکی، استفان تسوایک و تنی چند از دیگر نویسندگان جنگی به افتخار او در سویس انتشار یافت که او را بسیار خوشحال کرد. پیش از آن نیز رولان در سال ۱۹۱۰ نشان لژیون دونور^{۳۷} را و در سال ۱۹۱۳ جایزه بزرگ آکادمی فرانسه و در ۱۹۱۶ جایزه ادبی نوبل را دریافت کرده بود.

در آوریل ۱۹۳۳ مدال گوته، از طرف کشور آلمان به رولان تقدیم شد، رولان این مدال را نپذیرفت و اظهار داشت که همواره به فرهنگ آلمان و کشور بتهوون، گوته، کانت، مارکس و هگل با احترام بسیار می نگرد ولی نمی تواند این مدال را از غاصبان آزادی و خون آشامان فاشیست بپذیرد. مجموعه آثار رولان در لنین گراد در بیست جلد آغاز به چاپ شده بود. رولان از یکی از بانوان روسی که با وی مکاتبه داشت و از دوستان او محسوب می شد خواست تا در چاپ این مجموعه نظارت داشته باشد. بعدها این زن که ماریا نام داشت با رولان ازدواج کرد و در ۱۹۳۵ به همراه یکدیگر سفری به شوروی کردند و از نزدیک با ماکسیم گورکی و دیگر نویسندگان این کشور دیدار نمودند.

در سالهائی که حرکات فاشیستی در اروپا روبه رشد نهاده بود و هیتلر در آلمان و فرانکو در اسپانیا، اروپا و جهان بشریت را به شدت تهدید می کردند رولان غایشنامه روئسپیر را به پایان رسانید و در سال ۱۹۳۹ به مناسبت یکصدوپنجاهمین سالگرد انقلاب فرانسه آن را منتشر کرد، جنگ جهانی دوم بار دیگر جهان را به آشوب کشید، از نخستین روزهای جنگ خانه رولان زیر نظر قرار گرفت، او که همواره به کشورش عشق می ورزید همچنان بیکار نشست، کتاب «سیردرونی»



رولان و تاگور

را که از سالها پیش بازنگاری خاطراتش را دربر می‌گرفت حاصل کار این ایام است، او در روزگاری زندگی کرده بود که قاره اروپا و نیز سایر کشورهای جهان آشوبهای عظیم را تجربه کرده بودند و توفانهای عظیم اجتماعی خواهی نخواهی هرکسی را با خود بسوئی می‌برد، از این رو تجربیات زندگی می‌توانست برای بسیاری از انسانها سودمند باشد. رولان علاوه بر نوشتن این خاطرات بررسی ارزشمندی نیز روی یکی از شاعران فرانسوی به نام «پگی»^{۲۸} Peguie انجام داد که حاصل این دوران است.

از دیگر آثار رولان می‌توان از مجموعه مقالات او که به صورت کتاب‌هایی منتشر گردید، از جمله «بالا تر از جنگ پیشقدمان»، «وداع با گذشته» و «غایشنامه آن زمان فرا خواهد رسید» که درباره جنگ دلاورانه بوئرهای در برابر ارتش بریتانیا را می‌توان نام برد. سرانجام در ۳۰ دسامبر ۱۹۴۴ یعنی یکسال پیش از آنکه جنگ جهانی فروکش کند چشم از جهان فروست.

آثار رومن رولان که به فارسی برگردانیده شده:

۱. آیرت، رومن رولان، ترجمه بدرالدین مدنی، تهران، انتشارات پازند ۱۳۵۵.
۲. بازی عشق و مرگ، رومن رولان، ترجمه م.ا. به آذین، انتشارات آگاه.
۳. ویسپیر، رومن رولان، ترجمه بدرالدین مدنی، انتشارات شباهنگ ۱۳۶۳.
۴. ژان کریستف، رومن رولان، ترجمه م.ا. به آذین، انتشارات نیل.
۵. جان شیفته، رومن رولان، ترجمه م.ا. به آذین، انتشارات ابوریحان.
۶. زندگانی بتهون، رومن رولان، محمود تفضلی، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۲۵۳۵.
۷. گرگها (غایشنامه) ترجمه بدرالدین مدنی، انتشارات امیرکبیر ۲۵۳۵.
۸. رومن رولان، زندگی و آثار، تألیف و ترجمه بدرالدین مدنی انتشارات شباهنگ ۱۳۶۴.
۹. پیروزی عقل و درباره زندگی نویسنده، رومن رولان، ترجمه بدرالدین مدنی، نشر کارسه.
۱۰. سه آهنگساز، موزار، برلیوز، واگنر، رومن رولان ترجمه حمید عنایت، سازمان کتابهای جیبی، ۱۳۵۴.

۱۱. زندگی و آثار میکل آنژ، رومن رولان، ترجمه اسماعیل سعادت.

۱۲. کولابرنیون، رومن رولان، ترجمه فرهاد غبرائی.

۱۳ - آن زمان فرا خواهد رسید، رومن رولان، ترجمه بدرالدین مدنی.

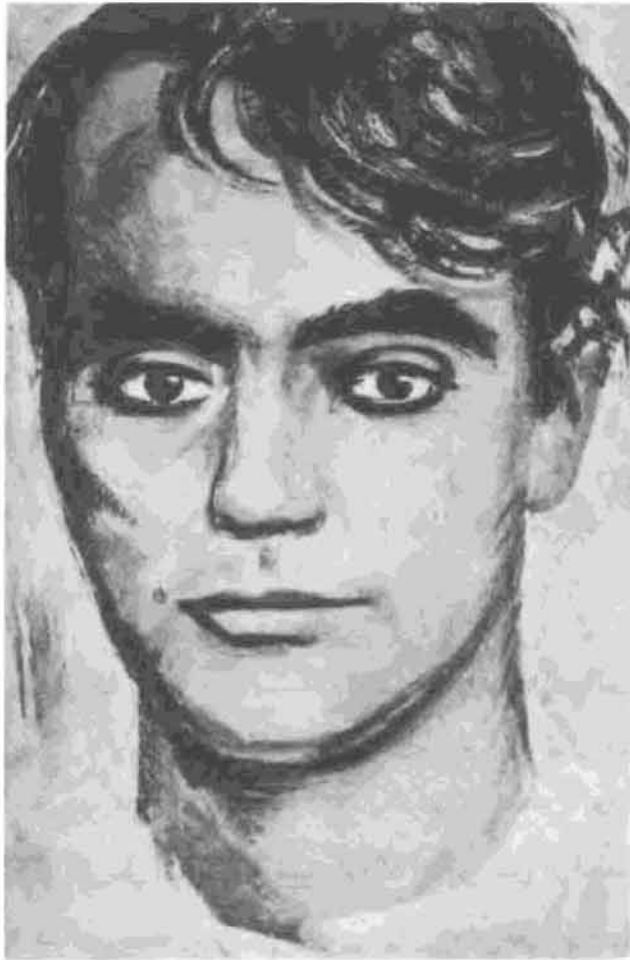
- 1- Les noces Attile
- 2- Pierre Gornelle (۱۶۰۲, ۱۶۸۶)
- 3- Josephine Marten
- 4- Baruch Spinoza (۱۶۳۲, ۱۶۷۷) بېلگوت مېنډي
- 5- Villanova
- 6- Victor Hugo (۱۸۰۲, ۱۸۸۱)
- 7- Gogol (۱۸۰۹, ۱۸۵۲)
- 8- Lev Tolstoy (۱۸۲۸, ۱۹۱۰)
- 9- Saint Louis
- 10- Aert
- 11- Le Triomphe de La Raison
- 12- Danton
- 13- 14em de Juillet
- 14- Les Loups
- 15- Le jeu de l'amour et de La mort
- 16- Back flory
- 17- Les Leonides
- 18- Robespier (۱۷۵۸, ۱۷۹۴)
- 19- La Vie de Beethoven
- 20- La vie de Mikalanz
- 21- La vie de Tolstol
- 22- Mahatma Gendi
- 23- Beethoven, Coethe]
- 24- Les Musiciens Precedent
- 25- Les Musiciens d'Aujourd'hui
- 26- Haen del (۱۶۸۵, ۱۷۵۹) انگار آلاي
- 27- Jean Christophe
- 28- Coles Breugnon
- 30- Clerambault
- 31- Maxim Gorky (۱۸۶۸, ۱۹۳۶)
- 32- Rabindranat Tagore
- 33- Stefan Tasvayg (۱۸۸۱, ۱۹۶۲)
- 34- Rama Krichna
- 35- Youkarin da
- 36- Paques Fleuries
- 37- Le gion d'honneur
- 38- Peguy

منابع

- ۱- رومن رولان، زندگی و آثار، تألیف و ترجمه بدرالدین مدنی نشر کاوسه.
- ۲- رومن رولان، پایان نامه لیسانس حوری رجبیان، دانشکده هنرهای دراماتیک تهران، ۱۳۵۹.
- ۳- زندگی بتهوون، رومن رولان، ترجمه محمود تفضلی، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم.
- ۴- مقدمه ژان کریسف، جلد ۱، ترجمه م.ا. به آذین، نیل، ۱۳۴۷.
- ۵- مقدمه آیرت، رومن رولان، ترجمه بدرالدین مدنی، تهران، انتشارات پارسد ۲۵۳۵.
- ۶- روزنه‌ای به زمان، ترجمه جهانگیر افکاری، مقاله رومن رولان بر ضد جنگ، صفحه ۱۵، تهران سازمان نشر کتاب مامداد.

Federico Garcia Lorca**فدریکو گارسیالورکا ۱۹۳۶-۱۸۹۸ م**

فدریکو گارسیالورکا شاعر و نمایشنامه‌نویس آزادیخواه اسپانیایی در پنجم ژوئن ۱۸۹۸ در دهکده فونینته‌واکوروس^۱ در نزدیکی غرناطه^۲ (گرانادا) در يك خانواده کشاورز نسبتاً مرفه دیده به جهان گشود. پدرش دون فدریکو Don Federico زارعی آزادیخواه بود و مادرش زنی تحصیل کرده و روشنفکر که به کار تدریس اشتغال داشت، لورکا اندکی پس از تولد به بیماری سختی دچار شد و چیزی نمانده بود که این بیماری او را از پای درآورد، تأثیر این مرضی مانع از آن شد که او تا چهارسالگی بتواند راه برود و چون بزرگتر شد بی‌آنکه توجهی را برانگیزد کمی می‌لنگید، دوران کودکی را لورکا در میان دشت‌های سرسبز ناحیه آندلس^۳ و بیشه‌زارهای انجیر و زیتون غرناطه سپری کرد، خانواده لورکا بجز او سه پسر و دو دختر دیگر داشتند. مادرش نخستین درس‌های مدرسه را به او آموخت و چون زمان رفتن به مدرسه فرارسید به همراه خانواده‌اش راهی غرناطه شد، تحصیلات ابتدائی را نزد «مادون آنتونیورودریگز اسپنوزا»^۴ که آموزگاری جمهوریخواه بود و از دوستان خانوادگی آنها محسوب می‌شد فراگرفت. در سال ۱۹۰۸ برای ادامه تحصیل وارد دبیرستان «آلمریا»^۵ شد، چیزی نگذشت که معلمش بیمار شد و لورکا برای مدتی تحصیلش را نیمه‌کاره رها کرد، از سال ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۵ بنابه اصرار خواهرش باردیگر تحصیلش را از سرگرفت، پس از آشنائی با استاد



فدريكو گارسيالورکا

گیتار «سگورا» شروع به فراگرفتن گیتار و پیانو کرد، با مانوئل دفایا^۲ آشنا شد و فایا او را تشویق کرد تا به گردآوری ترانه‌های عامیانه بپردازد، اطراف او پراز سنت‌های غنی، افسانه‌های عامیانه و کولیانی که مقدر بود یکی از منابع بزرگ الهام او را تشکیل دهند بود.

نخستین اشعار خود را به صورت کتابی با نام «شعرا» در سال ۱۹۲۱ منتشر کرد. دومین کتابش به نام «سرودها» اغلب ملهم از زندگی و فرهنگ کولیان اسپانیاییست که او شیفته آنان بود.

لورکا علی‌رغم کشش فراوانی که به موسیقی داشت به تحصیل ادبیات و حقوق پرداخت. مدتی به دانشگاه غرناطه رفت که نیمه‌کاره آن را رها کرد، مدتی در مادرید به تحصیل پرداخت که آن را هم رها کرد، آن‌گاه با گروهی به سرپرستی استاد هنر دانشگاه غرناطه سفری به مناطق مختلف اسپانیا کرد و طی این سفر شروع به کاوش و تحقیق در کشف فرهنگ و سنت‌های سرزمین قدیمی آندلس نمود.

در مادرید به او پیشنهاد شد تا برای ادامه تحصیلاتش وارد «مرکز آزاد هنر و سن»^۳ شود. جاییکه مأوای بسیاری از هنرمندان آن روز اسپانیا بود، لورکا پذیرفت و مدیر آن مرکز خیلی زود پی به استعداد او برد و برای پرورش آن همه گونه تسهیلاتی در اختیارش گذاشت، در آنجا لورکا غایشنامه‌هایی به صحنه برد، آهنگ ساخت، نقاشی و طراحی کرد و از ترانه‌های عامیانه بهره گرفت و جلسات شعرخوانی برگزار کرد در آنجا با بسیاری از روشنفکران، نقاشان، شاعران و آهنگسازان کشورش آشنا شد، لورکا سالها در آنجا ماند بی‌آنکه تحصیلش را تمام کند، اما پیوسته کار می‌کرد و خلاقیتش را پیش می‌راند، با فرناندو دلوس^۴ شاعر نامی اسپانیایی آشنا شد و دوستی صمیمانه‌ای بین آنها آغاز گردید. در سال ۱۹۱۷ استاد «سگورا» مربی گیتار او درگذشت، لورکا که علاقه فراوانی به او داشت دست از گیتارزدن کشید و تمام وقت خود را صرف نوشتن کرد.

در ۱۹۲۰ لورکا نخستین اثر غایشی خود را با نام «نیرنگ پروانه»^۵ به صحنه برد، این اثر با عدم موفقیت روبه‌رو شد، لورکا نوشتن را ادامه داد، در سال ۱۹۲۱ به عضویت در دایره ادبی مادرید پذیرفته شد کنفرانسی در مورد نظریاتش در غرناطه ایراد کرد و آنگاه شروع به نوشتن چند غایشنامه عروسکی کرد. در ۱۹۲۳ با «مارگریتا سیرکو»^۶ که زنی هنرمند و هنرپیشه تئاتر بود ازدواج کرد. در سال ۱۹۲۷ غایشنامه «ماریا پنیدا»^۷ را به صحنه برد طراحی این غایشنامه را «سالوادردالی»^۸ نقاش اسپانیایی به عهده داشت، دالی که از دوستان نزدیک لورکا بود در جذب و علاقه لورکا نسبت به سورئالیسم^۹ بسیار مؤثر بود، در سال ۱۹۲۸ «رومانس‌های زنان» را انتشار داد و سپس شروع به نوشتن غایشنامه دن پرلین یلن^{۱۰} کرد، این غایشنامه در همان سال از سوی دولت به تیغ سانسور سپرده شد. پس از مدتی لورکا تصمیم به سفر گرفت و از طریق پاریس و لندن به

نیویورک رفت. در ماه اوت همان سال تغییراتی در نمایشنامه دن پرلین یلن انجام داد و آنگاه شروع به نوشتن نمایشنامه کفاشه پرجوش و خروش کرد. لورکا در امریکا بیشترین اوقاتش را صرف دیدن موزه ها، تئاتر و سینما می نمود، در نیویورک برای چند تن از دوستانش چند صحنه از نمایشنامه «عروسی خون»^{۱۵} و «یرما»^{۱۶} را قرائت کرد.

در سال ۱۹۳۰ سفری به کوبا کرد و مدت دو ماه در کوبا به نفع کارگران اسپانیا کنفرانس داد و پس از بازگشت از این سفر نمایشنامه کفاشه پرجوش و خروش را به صحنه برد. در ۱۹۳۲ لورکا موفق شد اجازه تأسیس انجمن تئاتری «لابارکا»^{۱۷} را بگیرد. تئاتر اسپانیا از پس قرن طلایی عهد لوپه دووگا و کالدرون دولابارکا. تا سالهای ۱۹۳۰ در حال رکود بود، با پیدایش جمهوری خواهان در سال ۱۹۳۱ امید جدیدی در تئاتر این سرزمین شروع به رشد کرده بود و نسل جوان شروع به نوشتن نمایشنامه هائی کرده بودند و درصدد تلاشی جهت یافتن راه های تازه ای برای بیان عقاید خود برآمدند. لورکا با گردهم آوردن گروهی از علاقه مندان تئاتر که اکثر آنها را دانشجویان جوان تشکیل می دادند موفق به تشکیل يك گروه تئاتری شد. ابتدا با اجراهایی از لوپه دووگا، سروانتس و کالدرون دولابارکا کارشان را آغاز کردند و به زودی در سرتاسر اسپانیا به شهرت رسیدند. سال ۱۹۳۳ سالی درخشان و پرکار برای لورکا و گروهش بود. نمایشنامه عروسی خون، دن پرلین یلن و کفاشه پرجوش و خروش را در مادرید به نمایش گذاشت و در همان سال همراه گروه تئاترش به امریکای جنوبی مسافرت کرد. پس از بازگشت از این سفر در سال ۱۹۳۴ شروع به نوشتن نمایشنامه یرما و «دوناروزیتای پیردختر»^{۱۸} نمود. یرما درامی است از زندگی يك زن، زنی که از یکسو در آتش اشتیاق مادر شدن می سوزد و همسرش نمی تواند این آرزوی او را برآورده سازد و از سوی دیگر اعتقادات مذهبی دوران کودکی و نیز احساس احترامی که برای خود قائل است نمی گذارد که از مرد دیگری بارور شود. در این اثر لورکا با الهام از فلکلور سرزمینش نمایشی زیبا خلق کرده که هر بیننده ای را تحت تأثیر قرار می دهد.

یکسال بعد لورکا «گفتگو درباره تئاتر» را به چاپ رساند و اعلامیه ای خطاب به کارگران اسپانیا منتشر کرد. در همین سال نمایشنامه خانه برنارد آلبا^{۱۹} را به اقام رسانید. این نمایشنامه به عقیده عده ای شاهکار لورکا محسوب می شود. توانائی لورکا در این اثر بیشتر از این جهت است که برای اولین بار از قالب شعر بیرون می آید و نمایش به صورت درام در چهارچوب «خانه برنارد آلبا» عرضه می شود. در پس ظاهر خشن و سرد این خانه شعر پنهان است. گفتگوها، سخنان واقعی مردم کوچه و بازار است که به گونه هنرمندانه پرداخت شده اند، هشت زن به غیر از برناردا و مادرش در خانه ای پشت دیوارهای سفید لباس های سیاه برتن دارند و محکوم به ماندن در خانه هستند. چون که مادر برناردا دوست ندارد همسایه ها پشت سر دخترهایش حرف بزنند. در چنین خانه ای دخترها



صحنه ای از نمایشنامه «یرما» اثر لورکا

به غیر از آدلا دیگران پیر شده اند و عقاید خرافی همچون تارهای عنبر دست و پایشان را به هم بسته است. فکر نوشتن غایشنامه‌ای به نام «لابولنگلا» در همین بام او را به خود مشغول کرده بود، اما دیری نپائید که در ۱۹ اوت ۱۹۳۶ توسط عمال رژیم فرانکو تیرباران شد، خبر مرگ او را در ۲۴ اوت با این عنوان که «به علت زخم‌هایی که در جنگ به او وارد گردیده» از طرف دولت اعلام کردند.

در شعری که گویا مرثیه‌ای است در مرگ زودرسش، چنین می‌سراید:

احساس کردم آنها مرا به قتل رسانیده‌اند

آنها به کافه‌ها، به گورستانها، و به کلیساها هجوم آوردند

آنها کوزه شراب را گشودند

آنها سر اسکلت را متلاشی کردند

تا دندانهای طلا را بیرون بیاورند

لیکن آنها مرگ را نیافتند

نه آنها هرگز مرا نیافتند.

لورکا مفهوم کامل يك هنرمند انقلابی را مصداق بود، وطنش و مردمانش و اعتقادش را که مقدس بود تا پای جان دوست می‌داشت و به خاطرش می‌جنگید، آنچه لورکا می‌نوشت از درون جامعه برمی‌خواست و آنچه می‌گفت الهامی بود از حالات و مبارزاتی که خود در خلق آن شرکت داشت آثار او دورنمایی از اسپانیا همراه با اعتقادات، حالات و احساسات زیبایی و وحشت، عشق و مرگ انسان‌ها را بیان می‌کند، زندگی ساده و پر جوش و خروش کولیه‌ها، گیتار و آوای موسیقی تند و شاعرانه‌ای که در کوچه‌های اسپانیا مترنم بود، به همراه تأثیری از مکتب سورنالیسم که با روحیه و بینش شاعرانه او به هم آمیخته آثارش را دلنشین می‌کند، در تراژدی‌های او، خون مرگ ترس و محرومیت‌هایی که بازگو می‌شود کاملاً متأثر از حال و هوای اسپانیایی است که در زیر چکمه‌های «کمانداران عبوس» رژیم فرانکو لگدمال می‌شد و شاعر حساس با آنکه به ظاهر به سیاست علاقه‌ای نشان نمی‌داد، با قدرت و روشنی احساسات و عواطفی را بازگو می‌کند که هر خواننده‌ای او را دیوانه‌وار عاشق و شیفته سرزمین و آزادی می‌شناسد.

کمانداران عبوس به سویل نزدیک می‌شوند

گوادالکونیویر بی دفاع

کلاه‌های پهن خاکستری

شنل‌های بلند آرام
آه گوادلکونیر
آنان از دیاران دوردست پریشانی و ذلت می‌آیند
گوادلکونیر بی‌دفاع
و به زاغه‌های تنگ پیچ عشق و بلور و سنگ می‌روند
آه گوادالکونیر^{۲۰}

پانویس

۱. فونینة واکوروس Fuenteuagueros
۲. گرانادا یا غرناطه، GRANADA (به معنی انار) شهرست قدیمی در ناحیه آندلس از کشور اسپانیا
۳. آندلس Andalus ناحیه‌ایست در جنوب اسپانیا که رودخانه وادی الکبیر آنرا مشروب می‌سازد.
- 4- Madon Antonio Rodrigues Spinoza
- 5- Almeria
۶. مانوئل دفایا Manuel de Falla، آهنگساز و موسیقیدان اسپانیایی ۱۹۴۶-۱۸۷۶م.
۷. مرکز آزاد سن Residencia E Studentes
- 8-Fernando Dlans
۹. نیرنگ پروانه El maleficio de la manposa
۱۰. مارگاریتاسیرکو Margarita Sirko
۱۱. ماریا پیندا Mariana Pineda که درامی است تاریخی
۱۲. سالوادوردالی Salvador Dalí، نقاش و طراح معروف اسپانیایی متولد (۱۹۰۴م)
۱۳. سورنالیسم Surrealisme شیوه‌ای است ادبی که در سال ۱۹۲۲م در فرانسه پیدا شد و به زودی دامنه نفوذ خود را به هنرهای دیگر هم گشاند.
- 14- Don Pertinpin
۱۵. عروسی خون Bodes de Sangre ترجمه احمدشاملو، تهران روزن ۱۳۴۷
۱۶. پرما Yer ma، فدریکو گارسیا لورکا، ترجمه پری صابری، بدالله رویانی انتشارات روزن تهران ۱۳۴۷
- 17- La Barraca
- 18- Dona Rosita la Soltera
۱۹. خانه پرنارداآلبا La Casa de Bernarda Alba، ترجمه محمود کیانوش تهران، انتشارات نیل، ۱۳۴۸
۲۰. شعری از لورکا، ترجمه احمد شاملو.

منابع

- 1- A Dictionary of The Theatre Joh Russell Taylor
- 2- World Drama Encylope dia of World Drama) McGraw Hill Volume 3
۳. دورغانی از سرگذشت فدریکو گارسیا لورکا، نوشته‌ی ج.ل. میلی.
۴. گزیده‌ای از اشعار فدریکو گارسیا لورکا به نگارش بیژن الهی و تنی چند از شاعران، انتشارات امیرکبیر ۱۳۴۷.
- برگستره ادب پریا. (بازی سیاست و افسانه لورکا) نیکلای دیوانف ترجمه: نورانی نشر سپیده ۱۳۵۶
- پایان نامه لیسانس فرخنده باور، درباره فدریکو گارسیا لورکا، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۴۹.

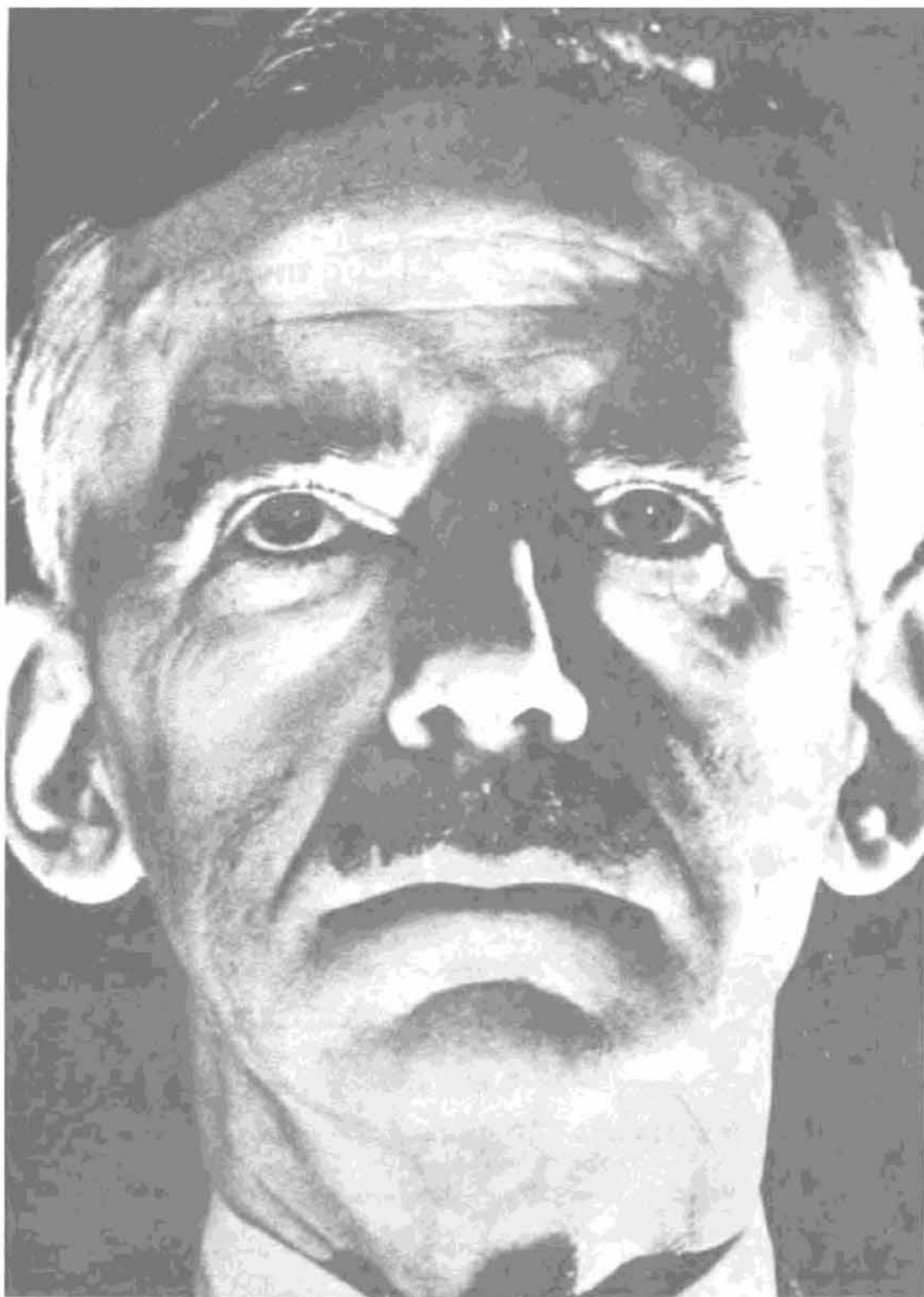
Eugene O'Neill

۱۸۸۸-۱۹۵۳ م

یوجین اونیل

یوجین گلاستون اونیل مشخص ترین نمایشنامه نویس آمریکاییست که شهرتی جهانی یافت. وی در سال ۱۸۸۸ در شهر نیویورک متولد شد، پدرش مهاجری ایرلندی بود که در هشت سالگی راهی آمریکا شد و در سن بیست و یک سالگی حرفه بازیگری را برای خود برگزید، او سراسر آمریکا را جهت اجرای نمایشنامه کنت مونت کریستو زیرپای نهاده بود و در اواخر عمر نیز در تضاد درونی خوش بین اجر مادی و خلاقیت هنری شکست خورد و در نتیجه دچار نوعی بدبینی و افسردگی گردید.

مادرش نیز زنی کاتولیک مسلک و وفادار به کلیسای روم بود. اونیل دوران کودکیش را پشت صحنه و در اطاق های رختکن تئاتر از شهری به شهر دیگر گذراند و از همانجا با تئاتر آمریکا آشنا شد، دوران تحصیل را در مدارس کاتولیک سپری کرد. مدت چهار سال در کالج کانه تی کت Connecticut تحصیلش را ادامه داد و سپس وارد دانشگاه پرینستون Perinceton شد اما روح ناآرام او سبب گردید که در پایان سال بدون گذراندن امتحانات تحصیل را رها کند، جوانی پرماجرا، ازدواجی ناموفق و عجولانه، منشی شدن در نیویورک، تجربیاتی چندان دریا و کشتی، تولد پسرش بوجس تصمیم بخودکشی و بالاخره مدت ۶ ماه بستری شدن در آسایشگاه مسلولین وقایع بعدی این دوره از زندگی اونیل را تشکیل می دهد. شاید مشکل و یا حتی غیرممکن باشد که تأثیرات عمده ای را که



یوجین اونیل

زندگی يك هنرمند را شکل می دهد به روشنی نشان داد. ولی تأثیر زندگی والدین اونیل از دو جهت در زندگی وی به خوبی مشهود است. نخست تمایل او به طور کلی به امر نگارش و سپس کاربرد مستقیم بسیاری از حوادث در آثارش به حدی که فضای زندگی والدین و کشمکشهای درونی آنها موضوع اصلی بسیاری از نمایشنامه های او را تشکیل می دهند، همچنین کار در کشتی و نشانه های تأثیر عمیق دریا بر افکار و تخیلات او را می توان در این حقیقت جستجو کرد که وقایع سیزده نمایشنامه از چهل نمایشنامه چاپ شده اش تماماً و یا قسمتی بر عرشه کشتی اتفاق می افتد.

اونیل بعد از ترك آسایشگاه مسلولین به سال ۱۹۱۳ به طور جدی شروع به نوشتن نمایشنامه کرد در این ایام هنوز کاملاً بهبود نیافته بود که نخستین جلد از نمایشنامه های تك پرده ای او به سال ۱۹۱۴ منتشر شد. در سال تحصیلی بعد اونیل به کارگاه تأثر دانشگاه هاروارد رفت، و تابستان را در پراونیس تان گذرانید و در اجرای نمایشنامه های تك پرده ای خود از جمله سفر دور و دراز به وطن و در راه کاردیف همکاری کرد. ازدواج دومش با آگنس بولتون (۱۹۱۶) نیز شرایط جدیدی در زندگی او فراهم ساخت حاصل این ازدواج دو فرزند به نامهای «شین» و «اونا» بود که اونا بعداً همسر چارلی چاپلین نابغه عالم سینما شد. اما اونیل هرگز از این ازدواج خرسند نبود و از دیدن آنها خودداری می کرد. فرزند دیگر اونیل از اولین همسرش چندی در دانشگاه Yale به تدریس لاتین پرداخت ولی بعداً دست به خودکشی زد.

عقاید ضد سرمایه داری و مذهب که در ایام اقامتش در آسایشگاه مسلولین مدتها فکر او را به خود مشغول کرده بود به مرور رویه افول نهاد، خودش در این باره می گوید «زمانی من سوسیالیست و بعدها هرج و مرج طلبی فیلسوف مآب بودم. اما امروز به این چیزها اعتقادی ندارم. برای اونیل که تا سال ۱۹۲۰ با فقر دست به گریبان بود از این تاریخ به بعد سالهای پرباری هم از نظر عرضه کار هنری و هم به لحاظ مادی محسوب می شود. نمایشنامه آنا کریستی Anna Christie را که ملهم از خاطرات دریاست در اوائل سال ۱۹۲۰ به اتمام رسانیده بود و در همین سال دو نمایشنامه او به نامهای آنسوی افق و امپراطور جونز در صحنه های تئاتر امریکا با استقبال تماشاگران رویه رو گردید.

اونیل به نوشتن نمایشنامه های بلندی که در آنها هربار بیش از پیش به انتقاد از جامعه سوداگر و تجارت پیشه بدون روح امریکا پرداخت، گوریل پشمالو The Hairy Ape، تمام بچه های خدا بال درآورده اند. All God,s Children Got Wings، هوس زیر درخت نارون Desireunder The Elms، مارکو میلیونر Marco Millions، خدای بزرگ براون The Great God Brown، لازاروس خندید Lazarus Laughed اینترلود^۲ عجیب Strange Interlude، و قسمت اول نمایشنامه الکترا سوگوار^۳ می شود

نمایشنامه دیپلوماتر اوایل بیست و یکم



Mourning Becomes Elctra، آثاری هستند که اونیل در دهه ۲۰ تا ۳۰ خلق کرد. و در ۲۵ سالگی موقعیت خود را به عنوان برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویس آمریکایی مستحکم کرده بود. او که اکنون از موقعیت و شهرت زیادی برخوردار بود، هنوز از مرده می‌گریخت و از شرکت در مراسمی که مرده کشورش برای او برپا می‌کردند سرباز می‌زد. زندگی خصوصش هم کماکان ناآرام و غم‌انگیز بود. در عرض چهار سال پدر، پدربزرگ و برادرش زندگی را وداع گفتند و در ۱۹۲۹ از همسر دومش جدا شد و به فاصله چند روز با کارلوتا مونته‌دری که همسر یک نقاش و سابقاً بازیگر تئاتر بود ازدواج کرد و راهی سفر به اروپا شد.

روح ناآرام اونیل با محدودیت‌های سنتی تئاتر نیز در ستیز بود، او همواره در جستجوی نوآوری و بدعت‌تازگی‌هایی در عرصه تئاتر آمریکا بود و نمایشنامه‌انترلود عجیب و الکتراسوگوار می‌شود. سوای دیگر ویژگی‌های خود، نه تنها نمایشگر آگاهی و استفاده‌ی اونیل از افکار و ایده‌های جدید روانشناسی است بلکه بیان‌کننده‌ی کوشش او در جهت خلق اثری ارزنده و شکستن محدودیت‌های سنتی تئاتر زمانش بود.

بین سالهای ۱۹۳۴ که نمایشنامه روزهای بی‌پایان Endless Days در نیویورک آماده می‌شد تا اجرای نمایشنامه بستنی فروش می‌آید که در ۱۹۴۶ به صحنه رفت نمایشنامه دیگری از وی به صحنه نیامد آگاهی و علاقه اونیل به فلسفه و حکمت مشرق‌زمین همراه با تأثیرات اندیشه فردریش نیچه^۴ و اگوست استریندبرگ^۵ شالوده‌های اساسی تفکر او را تشکیل دادند، ثروتی را که به عنوان جایزه نوبل به وی تعلق گرفت صرف ساختن خانه‌ای در کالیفرنیا نمود که آنرا خانه «تائو»^۶ نام گذاشت، برخی بر این عقیده‌اند که اونیل در طول فعالیت‌هایش همواره درصدد رسیدن به «نبروانا»^۷ بود.

نمایشنامه سیر روز در دل شب^۸ Long Day's journey into Night که پس از مرگ اونیل به صحنه رفت شاید آخرین تلاش اونیل در آشتی با واقعیت‌های پدر، مادر، برادر و خودش بود. او در بازده نمایشنامه‌اش به مرور سرگذشت خانواده‌های آمریکایی ایرلندی‌اصل می‌پردازد که در این آثار تاریخ سرزمین آمریکا را از بدو ورود مهاجران تا زمان معاصر دربرمی‌گرفت. سرانجام اونیل در ۲۷ نوامبر ۱۹۵۳ بر اثر بیماری کاهنده‌ای که سالها او را آزار می‌داد از پای درآمد، او هیچگاه از تلاش خود برای بازگونی احساس تراژیکش به زندگی باز نایستاد. ویل دورانت درباره اونیل می‌گوید^۹ «من هیچکس را نمی‌شناسم که برای نابغه شدن بهائی سنگین‌تر از اونیل پرداخته باشد بزرگترین نمایشنامه‌هایش آنهایی است که زندگی خود او را تصویر می‌کند، این نمایشنامه‌ها تراژدی‌هایی از رنجی مادام‌العمر است.»

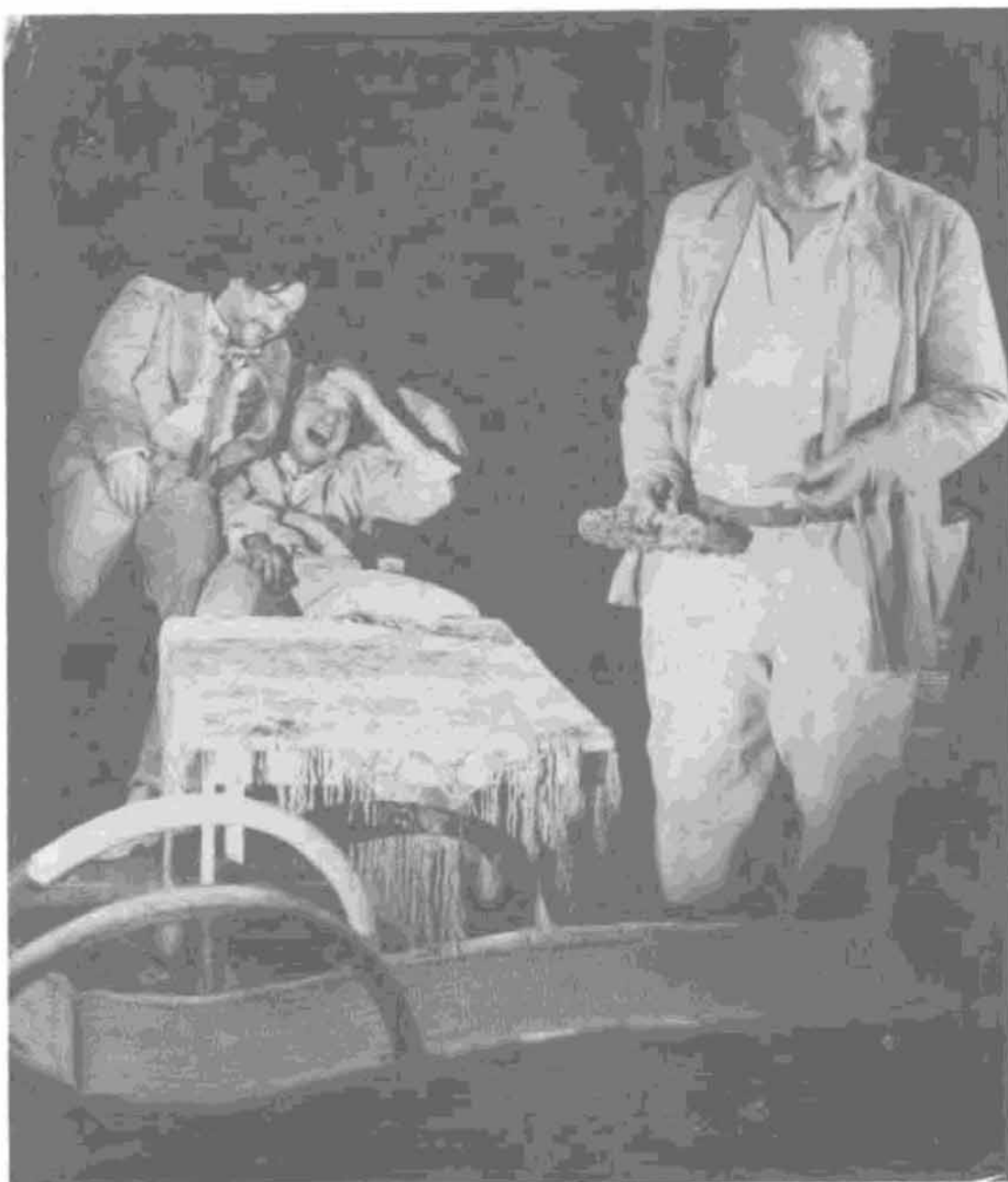
دیگر آثار اونیل عبارتند از: جوان‌روییانی The Dramy Kid، ایل Ile، دینامو Dynamo، آه ای

بیایان 'Ahwilderness'، روزهای بی پایان Endless Days جلوه‌ای شاعرانه A touch of The Poet، گاه
 thestraw، چشمه The Foun tain، تشنگی The Thirst، تار عنکبوت Web، مه Fog، قبل از صبحانه
 Before Breakfact طناب The Rope، مرد اول TheFirst Man، قصه‌های باشکوه‌تر

Hughie هوکی، More Stately Mon sions

مهتابی برای حرامزاده The Moon For The Misbegotten، ماه دریای کارائیب،

در منطقه جنگی، آنسوی افق، بستنی فروش می‌آید و شهامت.



صحنه‌ای از نمایش سیر روز در شب اثر یوجین اونیل - آکمان

پانویس

۱. آگنس بولتون Agnes Boulton
۲. اینترلود عجیب یا فرصت عجیب، نمایشنامه‌ای بلند است در ۹ پرده که در آن اونیل از شیوہ حرف زدن شخصیت‌ها با خودشان استفاده نموده است.
۳. این نمایشنامه با الهام از تراژدی الکترایتر سوفکل نوشته شده است الکترایتر دختر آکلمنون و کلی‌تم‌سترا است و یکی از تراژدی‌هاییست که الهام‌بخش بسیاری از نویسندگان بوده است.
۴. فردریش نیچه Friedrich Nietzsche فیلسوف آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۰ م)
۵. اگوست استریندبرگ August Strindberg نمایشنامه‌نویس سوئدی ۱۸۴۹-۱۹۱۲ م
۶. تائو، یا تائوئیسم Taoism، مذهبی است قدیمی در چین واضح آن لائوتسه که در حدود ۶۰۰ ق م حیات داشته
۷. نیروانا Nirvana، برطبق آیین بودا هر انسانی باید مراحل را در اخلاق و سلوک پیچید تا به مرحله کمال و فنا که بودا آنرا نیروانا نامیده است برسد.
۸. سیر روز در دل شب، ترجمه محمود کیانوش، انتشارات پرند آبی چاپ اول ۱۳۴۴
۹. تفسیرهای زندگی ویل و آریل دورانت، ترجمه ابراهیم مشعری، نشر آوازه ۱۳۶۳ تهران.
۱۰. در نمایشنامه «آه ای بیابان» که در سال ۱۹۳۳ نوشته شده، اونیل به سوی گم‌ی روی آورده است، موضوع این اثر پرداختن به عصبان‌های روحی دوران بلوغ و جوانیست.

منابع

- 1- Encyclopedia Fpworld Drama' McGraw Hill
- 2- Dictionary Oftheatre John Russell Taylor. Penguin
۳. پایان‌نامه لیسانس در رشته ادبیات دراماتیک، محمدعلی شکبافر، تأثیر یوجین کلادستون اونیل در تئاتر امریکا، دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۵
۴. خلاصه‌ای از تاریخ تئاتر امریکا، پایان‌نامه لیسانس، مریم رزم‌آرا، هنرهای دراماتیک ۱۳۴۹ تفسیرهای زندگی ویل و آریل دورانت ترجمه ابراهیم مشعری نشر آوازه تهران ۱۳۶۳
۵. مقدمه سیرروز در شب، یوحین اونیل، ترجمه محمود کیانوش انتشارات پرند آبی چاپ اول ۱۳۴۴

Thornton Wilder**تورنتون و ایلدر** تولد ۱۸۹۷ م

تورنتون و ایلدر در ۱۷ آوریل ۱۸۹۸ در مدیسون^۱ مرکز ایالت ویسکانسین آمریکا به دنیا آمد. پدرش سردبیر و ناشر یک روزنامه محلی و مردی سخت مذهبی و مادرش کشیش زاده‌ای مهاجر بود. کودکی و نوجوانی وایلدر همراه خانواده‌اش عموماً در سفر سپری می‌شد، پدرش برای مدتی کنسول آمریکا در هنگ کنگ بود، پس از مدتی مجدداً به کالیفرنیا بازگشتند، هنگامی که در سال ۱۹۱۱ بار دیگر به چین سفر کردند برای مدت یک سال به عنوان شاگرد شبانه‌روزی به مدرسه هیئت مبلغین مذهبی انگلیسی در شهر چه‌فو Cheefoo مشغول تحصیل شد. در سال ۱۹۱۲ مجدداً به همراه خانواده‌اش به آمریکا بازگشت. در سال ۱۹۱۵ دوره دبیرستان را به اتمام رساند و در کالج اوبرلین Oberlin College^۲ شروع به همکاری کرد، این آغاز نویسندگی «وایلدر» بود.

در سال ۱۹۱۸ با اینکه چندین بار به جهت ضعف بینایی موفق نشده بود در ارتش نام‌نویسی کند سرانجام در توپخانه ساحلی پذیرفته شد. در ۱۹۱۹ موفق به دریافت لیسانس شد و یک سال بعد به عنوان نماینده در آکادمی آمریکا در شهر رم مشغول به کار شد. قریب یک سال وایلدر در رم و پاریس بود، نخستین اثرش به نام «کابالا»^۳ محصول این دوران است. در سال ۱۹۲۱ مجدداً به آمریکا بازگشت و شغل معلمی را انتخاب کرد، ضمناً فعالیت‌های تحقیقی خود را برای اخذ درجه



تورنتون وایلدر

فوق لیسانس در پرینستون دنبال کرد. در سال ۱۹۲۶ نمایشنامه «ترومپت خواهد نواخت»^۲ را منتشر کرد. این اثر توسط «کارگاه تئاتر آمریکا»^۳ به صحنه رفت، در حقیقت با رمان «پل سن لونیس»^۴ بود که نام تورنتون وایلدر به عنوان نویسنده بر سر زبانها افتاد، این اثر چه به لحاظ شهرت و چه به لحاظ مالی باعث شد که وایلدر شغل معلمی را رها کند و به صورتی پیگیر به نویسندگی بپردازد.

در سال ۱۹۳۰ از طرف دانشگاه شیکاگو به او پیشنهاد تدریس شد و او مدت ۶ سال به عنوان استاد در این دانشگاه به امر تدریس اشتغال داشت. مقارن همین ایام شروع به نوشتن نمایشنامه برای کمپانیهای سینمایی هالیوود کرد. نمایشنامه تاجر یانگروز^۵ یکی از نخستین نمایشنامه های وایلدر در سال ۱۹۴۰ به کارگردانی ماکس راینهارت^۶ به صحنه رفت. اما مورد استقبال تماشاگران قرار نگرفت و با شکست روبه رو شد، چهار سال بعد مجدداً وایلدر این اثر را با تجدیدنظر بازنویسی کرد و با عنوان ماچ میکر^۷ (دلالت) آن را در لندن به صحنه برد. این بار نمایش با موفقیت مواجه شد و یک سال بعد در نیویورک به صحنه رفت. این اثر نمایشنامه ای کمدی با سبکی بسیار سنتی است که در آن از الگوهای آشنایی که در نمایشنامه های کمدی از زمان آریستوفان^۸ تا به امروز به کار گرفته شده استفاده گردیده.

اثر مشهور وایلدر به نام «شهرما»^۹ در سال ۱۹۳۸ دروازه های شهرت را به روی او گشود. جایزه پولیتزر به او تعلق گرفت و به زودی در تئاترهای مختلف به اجرا درآمد. وایلدر در این اثر درباره سه امر عمده زندگی یعنی عشق، ازدواج و مرگ قلم می زند. این سه امر در نظر وایلدر نقاض عطف زندگی بشری محسوب می شوند. او همچنین به وسیله شخصیت، «مدیر صحنه» بعد زمان را می شکند و زندگی روزانه جورج و امیلی Goerge و Emily را که در دوهزار سال قبل در سرزمین بابل می گذشته با انسان های امروز مورد مقایسه و سوال قرار می دهد.

وایلدر در سال ۱۹۴۲ وارد نیروی دریائی گردید و در همین سال اثر دیگر خود را به نام «پوست دندان ما»^{۱۰} را به رشته تحریر درآورد و یکبار دیگر جایزه پولیتزر را به خود اختصاص داد. این اثر تمثیلی است از لجاجت و اصرار بشری که می خواهد از طریق پوست دندان خود زنده بماند. درحالی که گوشت بدنش وارث مصیبت های گوناگونی برای اوست. نمایشنامه «شام طولانی کریسمس»^{۱۱} اثر دیگر وایلدر در سال ۱۹۵۵ به صورت اپرا اجرا گردید، اثر دیگر او به نام «دلالت»^{۱۲} نیز از طرف کمپانیهای سینمایی به فیلم درآمد.

شش نمایشنامه تلویزده ای که در مجموعه شام طولانی کریسمس، گردآوری و در آمریکا به چاپ رسید در واقع مربوطه به آثار دهه ۱۹۳۰ تا ۴۰ نویسنده محسوب می شود. سه نمایشنامه این مجموعه به نام های «ملکه های فرانسه» «عشق و طرز معالجه آن» و «چنین چیزهایی فقط در کتابها



دلاله اثر تورنتون وایلدر، تئاتر ملی هونترال ۱۹۷۵

اتفاق می‌افتد» گویای این امر است که وایلدِر سعی کرده است به تئاتر آنگونه که آنرا احساس کرده است تفاهم نماید و با تکنیک‌های واقع‌بینانه‌تری کار کند. قطار هیواواتا^{۵۴}، سفر دلپذیری از ترنتون تا کامون^{۵۵}، و کاندیدا، از دیگر آثار وایلدِر هستند.

وایلدِر از صحنه تئاتر به عنوان تقلید از طبیعت استفاده نمی‌کند، بلکه سعی او در این است که با حداکثر صرفه‌جویی در وسائل و تزئینات صحنه‌ای، یک سری از تصاویر و سمبل‌ها را در نظر تماشاگران مجسم سازد، در نمایشنامه «شام طولانی کریسمس» صحنه‌نمایش دارای دو در است، در ورودی نمایانگر تولد و در خروجی آن نمایانگر مرگ است، بازیگرانی که وارد صحنه می‌شوند بدین معناست که به دنیا می‌آیند و ساعاتی از عمر خود را در روی صحنه زندگی سپری می‌کنند و سرانجام از در دیگر خارج می‌شوند، تنها دکوری که برای صحنه نمایش در نظر گرفته شده یک میز بزرگ است برای «شام کریسمس» شامی که مظهر ضیافت زندگی است.

گذراندن دوران کودکی در مشرق‌زمین به خصوص چین بدون شك نکات فراوانی درباره تئاتر شرق به وی آموخت. این تجربیات او را به ارزش‌های سودمند و اخلاقی نسبت به یک سبک فرم‌گرا که بعدها در نمایشنامه‌هایش به کار گرفت رهنمون ساخت.

وایلدِر را امروز به عنوان مردی که همراه یوجین اونیل^{۵۶} تئاتر آمریکا را از قیدویندهای سنتی آزاد ساخت و ابتکارات جدیدی به عالم تئاتر افزود می‌شناسند و او را تحسین می‌کنند.

پانویس ها

- ۱- مدیسون Madison مرکز ویسکانسین سی امین ایالات کشورهای متحد آمریکا واقع در مغرب دریاچه میشگان.
- 2- Oberlin College
- 3- The Cabala
- 4- The Trumpet Shell Sound
- 5- American Laboratory Theater
- 6- Bridge of San Luis Rey
- 7- Merchant of Yonkers
- 8- Max Reinhardt
- 9- Match Maker
- ۱۰- آریستوفان Aristophanes (۳۸۰-۴۴۸ ق.م).
- ۱۱- شهر ما Our Town ترجمه گ.پ، تحریر و تقریر هوشنگ رحیمی، تهران گروه تئاتر پیاده ۱۳۵۰
- ۱۲- پوسته دندان، ترجمه مهران رهگذار تهران روز.
- (The Skin of Our Teeth)
- ۱۳- شام طولانی کریسمس (The Long Christmas Dinner) ترجمه حسن هنرمندی تهران رز (۱۳۵۰)
- ۱۴- دلاله Matchmaker ترجمه منوچهر آتشی تهران، فرمند ۱۳۵۱ (دلاله بر اساس تاجر بانکری تنظیم گردیده).
- ۱۵- قطار شبانه هیواواتا Pullman Car Hiawatha، ترجمه مهین دانشور تهران معاصر ۱۳۵۲.
- 16- The Happy Journey to Trenton and Camden
- ۱۷- برجهر اونیل Eugene O'Neill ناپستامه هنر آمریکا ۱۹۵۲، ۱۸۸۸.

منابع

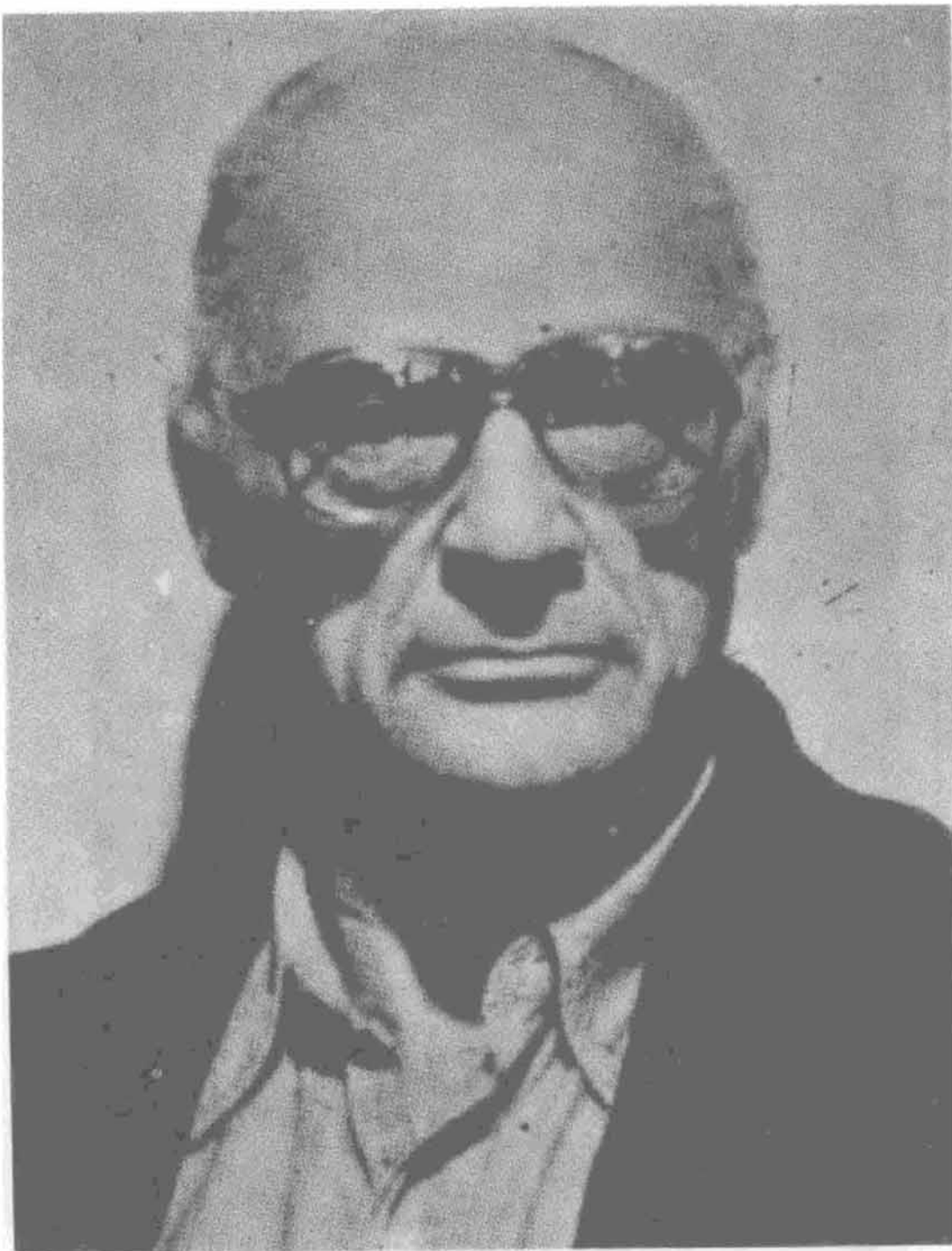
- 1- A Dictionary of Theatre. John Russel Taylor. Pagnin Book Reference
- 2- World Drama. Mc Graw Hill Encyclopedia Volume 4
- ۳- پایان نامه لیسانس. مجید لولاجی موضوع تاتر جدید آمریکا گردآوری آلومین گرنان دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.
- 4- Thornton Wilder, Tyrone Guthrie 1967 by Prentice Hall Inc

Arthur Miller

آرتور میلر **تولد ۱۹۱۵م**

آرتور میلر نمایشنامه‌نویس، سناریست و داستان‌نویس نامی و جانشین برحق یوجین اونیل در تئاتر آمریکا در ۱۷ اکتبر ۱۹۱۵ در نیویورک به دنیا آمد. پدرش صاحب یک کارخانه بود و مادرش به شغل آموزگاری اشتغال داشت. در سالهای ۱۹۲۹ در جریان بحران اقتصادی آمریکا پدرش ورشکست شد و زندگی خانوادگی‌شان دچار مشکل گردید. میلر ناگزیر دبیرستان را رها کرد و جهت کسب درآمد شغل‌های مختلفی را آزمود. مدتی در یک تعمیرگاه اتومبیل شروع به کار کرد. چندی راننده کامیون بود و مدتی هم در یک انبار قطعات یدکی^۱ اتومبیل کار کرد. مدت دو سال و نیم هفته‌ای سیزده دلار پس‌انداز می‌کرد تا بتواند وارد دانشگاه شود سرانجام در رشته روزنامه‌نگاری دانشگاه میشیگان پذیرفته شد. در سالهای نخست دانشجویی شروع به نوشتن کرد. در سال ۱۹۳۸ پس از اتمام دوره دانشگاه به نیویورک بازگشت و وارد کار نویسندگی و تئاتر شد ابتدا بیشتر اوقاتش را صرف نوشتن نمایشنامه‌هایی که اکثراً در رادیو اجرا می‌شد کرد.

در سال ۱۹۴۴ نمایشنامه بلندی به نام «مردی که تمام خوشبختی‌ها را داشت»^۲ را نوشت و یک سال بعد داستانی به نام «فوکوس»^۳ را منتشر کرد. در سال ۱۹۴۷ با نمایشنامه «همه پسران من»^۴ به شهرت رسید.



آرتور میلر



۱۹۶۴ کی روتھین کیمه کیمه اثر میل نیورک



نمایشنامه مرگ پیشه‌ور^۵ (مرگ يك فروشنده) که ظرف مدت شش هفته در سال ۱۹۴۹ نوشته شد، به گفته خود میلر قریب ده سال ذهن او را به خود مشغول کرده بود، شهرت او را تثبیت کرد، جایزه ادبی پولیتزر به خاطر این نمایشنامه به او تعلق گرفت و در نیویورک با استقبال شگفتی به صحنه رفت، این اثر درباره زندگی فروشنده دوره گردی است به نام ویلی لومان Willy Loman و خانواده اش.

ویلی لومان در سن ۶۴ سالگی متوجه می‌شود که سی و چهار سال از عمرش را برای شرکت تجارتي واگنرها سپری کرده است. نخست در خدمت فرانک واگنر و اکنون در خدمت پسر او هوارد است، اما علی‌رغم سالهای بی‌شمار خدمت طاقت فرسا برای شرکت واگنرها، اکنون به سادگی او را اخراج می‌کنند، در شرایطی که جامعه امریکا روز به روز گسترش می‌یابد. آنچه مطرح است سود بیشتر از انسانها است که باید نصیب شرکت‌های بزرگ تجاری شود، ویلی لومان در نمایشنامه میلر یکی از قربانان بی‌شماریست که به گفته نویسنده، بر نیروهای زندگی نظارت و اختیاری ندارد و در چنگال نظامی بی‌رحم و خشن متلاشی می‌شود. نمایشنامه مرگ فروشنده بازسازی يك محتوای طبیعت گرایانه به شیوه‌ای اکسپرسیونیستی^۶ است و وجود عامل برجسته‌ای از میراث‌های اکسپرسیونیسم اجتماعی به وضوح در نمایشنامه نمایان است چراکه ویلی لومان در پایان به کالایی تبدیل شده که در يك مرحله معین اقتصادی همانند اجناس و کالاهای بسیار دیگر دور انداخته می‌شود.

در سال ۱۹۵۰ نمایشنامه دشمن مردم^۷ اثر هنریک ایبسن را میلر برای یکی از تئاترهای برادوی Broadway آماده نمایش کرد و در سال ۱۹۵۳ نمایشنامه جادوگران شهر سیلم^۸ را که موضوع آن تعقیب و دستگیری روشنفکران آمریکائی توسط نظام این کشور است در قالب نمایشی شکار جادوگران در قرن هفدهم را نوشت.

نمایشنامه خاطره دو دوشنبه و نگاهی از پل^۹ (چشم‌اندازی از پل) را در سال ۱۹۵۵ منتشر کرد. نگاهی از پل که در زمره معروفترین آثار این نویسنده محسوب می‌شود دارای شخصیتی است به نام ادی کاربون^{۱۰}، او به علت علائق عاطفی که نسبت به خواهرزن خود کاترین^{۱۱} احساس می‌کند دو نفر از خویشاوندان همسرش را که به صورت غیرمجاز به آمریکا مهاجرت کرده‌اند به مقامات لو می‌دهد. کاترین عاشق رودلفو^{۱۲} برادر کوچکترست که از ایتالیا برای یافتن کار به آمریکا مهاجرت کرده‌اند. از نظر میلر موجودی که دور از چشم مأموران اداره مهاجرت آمریکا قدم به بندرگاه نیویورک می‌گذارد، شروع يك هستی نیست، این هستی گذشته‌ای دارد، از آنجائیکه سوار کشتی شده و در آنجانی که به دنیا آمده و از آنجانی که رانده شده است، اینها مسائلی است که میلر هر چند

مستقیماً درباره‌آن صحبت نمی‌کند، اما از کنار آنها هم بی‌توجه نمی‌گذرد. در پایان این اثر ادی کاربون را می‌بینیم که به خاطر تخطی از آداب و رسوم جامعه‌اش موجبات نابودی خود را فراهم می‌آورد.

طی دوران بحران سیاسی که به دوران ملك‌کارتی^{۲۲} معروف است در آمریکا تحت‌عناوین کمیته‌ضدآمریکائی و جلوگیری از نفوذ کمونیستها، میلر نیز چون بسیاری دیگر از هنرمندان مورد اتهامات واهی و بازجویی قرار گرفت، در سال ۱۹۵۶ میلر ضمن انکار اتهاماتی که به او نسبت داده شده بود به شدت به روش‌های اینگونه برخوردها اعتراض کرد و آن را محکوم نمود. در همین سال از همسر اولش جدا شد و با مریلین مونرو^{۲۳} هنرپیشه مشهور سینما ازدواج کرد. این ازدواج چهار سال دوام یافت (۱۹۶۰-۱۹۵۶م). میلر در اثر خود با نام «بعد از سقوط»^{۲۴} که مبتنی بر تجربیات شخصی نویسنده است آنطرف قضیه را به عنوان شوهر ناخشنود کاراکتر عصبی مریلین مونرو زنی مشهور و محبوب در عالم هنر را بازگو می‌کند.

میلر در این اثر حقیقت را با دیدی عمیقتر از پیش ترسیم و بررسی می‌کند. پیش از آن نوشتن سناریونی به نام «ناجورها، ۱۹۶۰» را برای سینما به اتمام رسانیده بود.

متعاقب بعد از سقوط در سال ۱۹۶۴ نمایشنامه حادثه درویشی^{۲۵} نوشته شد این اثر نمایشنامه‌ای است درباره‌ی حوادث جنگ برای بازگوفودن حقیقت و جنبه‌های گوناگون آن.

در سال ۱۹۶۵ مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه او با نام دیگری به تو احتیاجی ندارم^{۲۶} منتشر شد. نمایشنامه قیمت^{۲۷} اثر بعدی میلر در سال ۱۹۶۸ منتشر شد و همان سال در لندن به صحنه رفت. آخرین نمایشنامه میلر اثری است کم‌دی به نام خلقت جهان و دیگر قضایا^{۲۸} که برداشت گونه‌ای است از آیات انجیل درباره‌ی خیر و شر و سرگشتگی انسان.

فیلمنامه‌ای هم با نام ارکستر زنان آشویتس^{۲۹} در سال ۱۹۷۶ از میلر منتشر شد، که براساس زندگی فانیافنه‌لون^{۳۰} خواننده‌فرانسوی است که در اردوگاه آشویتس به عنوان عضوی از ارکستر زنان برای سرگرم کردن افسران اس‌اس آواز می‌خواندند تنظیم گردید. میلر درباره‌ی این اثر چنین می‌گوید: قصد داشتم داستانی بنویسم که برای جان‌بدر برده‌ها اهمیت داشته باشد که خودمان هم منظورم است، قصد نداشتم يك داستان صرفاً دلهره‌آور بنویسم.

ویلاپتشك^{۳۱} در مقاله‌ای تحت عنوان فراز یا فرود آرتور میلر آثار میلر را مورد بررسی قرار داده و چنین می‌نویسد:

«نمایشنامه‌های میلر درباره‌ی سنگ‌های آسیاب سوداگری است که آدمی را تا دم مرگ می‌ساید و خرد می‌کند.

موضوعهائی که میلر در نمایشنامه‌هایش به آنها می‌پردازد همچون اتهام‌های واهی، فاشیسم، یهود ستیزی و بالاخره کشمکش‌های خانوادگی همیشه مباحثی را دامن زده است. میلر نیز از این اصل برکنار نبوده است. زمانی گفته بود، تفاوتی میان کار و زندگیم نمی‌بینم، عمل نوشتن مرکب است از کشف ارتباط در تجربه‌های شخصی‌ام از میان تمامی عناصر ناساز و ناهمگن. «

امروز میلر با همسر سوم خود که يك عكاس فراری از جنگ آلمان نازیست زندگی می‌کند.

۱- نمایشنامه خاطره دوشنبه (With Amemory of two Mondays) مربوط به این ایام است این اثر با ترجمه محمود رهبر، اعظم حاتم توسط انتشارات زمان در ۱۳۵۷ به فارسی برگردانده شده.

2- the Man who Had all the Luck

3- Focus

4- All My Sons

۵- مرگ پیشه‌ور Death of a Salesman، ترجمه عطاالله نوریان، تهران رز ۱۳۵۶

۶- اکسپرسیونیسم Expression در لغت به معنای بیان کردن، اظهار کردن و توضیح دادن و حالت گرانی است و اکسپرسیونیسم Expressionism به شیوه‌ای هنری و ادبی اطلاق می‌شود که به طور خلاصه احساسها و حالات درونی و عاطفی انسان را توصیف می‌کند. این سبک بعد از جنگ جهانی دوم به وجود آمد.

۷- دشمن مردم An enemy of the People (دشمن ملت) اثر هنریک ایبسن ترجمه امیرحسین آریان‌پور، نشر اندیشه.

۸- جادوگران شهر سیلم The Crucible، ترجمه م. امین مؤید، انتشارات صائب تهران ۱۳۴۵.

۹- نگاهی از پل (چشم‌اندازی از پل) A View from the Bridge، ترجمه م. امین مؤید وک. پرکار، تهران، کیهان هفته، شماره ۴۷، مهرماه ۱۳۴۱.

10- Eddie, Carbone

11- Catherine

12- Rodolfo

13- Mc Carthy

۱۴- مریلین مونرو Marilyn Monroe، هنرپیشه آمریکایی و همسر آرتور میلر (۱۹۶۲-۱۹۲۶ م)

15- After the Fall

۱۶- حادثه درویشی Incident at Vichy، اثر آرتور میلر ترجمه دکتر رحیم اصغرزاده، تهران انتشارات صائب.

17- I No need you too

۱۸- قیمت Price، ترجمه ایرج فرهنگند، تهران انتشارات توپ.

19- Creation of the World adn Business

۲۰- ارکستر زنان آشوتس «فیلمنامه» ترجمه محمود حسینی‌زاده (Sursis Pour orchestra) تهران، سازمان فرهنگی ابتکار.

۲۱- فانیانه لون Fania Fanelon

۲۲- ویلاپتشک Willa Petsocek منتقد تئاتر آمریکا.

منابع

1- Encyclopedia of World Drama McGraw Hill Volume3

2- Dictionary of the Theatre John Russel Taylor Penguin Reference Book.

۳- درباره ادبیات، مجموعه یازده مقاله (خانواده در نمایشنامه‌های جدید. آرتور میلر) ترجمه احمد میرعلایی، تهران، زمان ۱۳۵۴.

۴- مجله رودکی شماره ۴۶ خرداد ۱۳۵۴. آرتور میلر، بازگشت به خویشتن خویش، نوشته آلن لوپس، ترجمه قایخلو زراعتی صفحه ۳۴.

۵- پایان‌نامه لیسانس، موسی بساتینی، تحلیل و آثار آرتور میلر، دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۲.

۶- فراز با فرود آرتور میلر؟ نوشته ویلاپتشک، ترجمه نوانی، از کتاب برگستره ادب پویا، نشر سپیده ۱۳۵۶.

Tennessee Williams

تنسی ویلیامز تولد (۱۹۱۴)

تنسی ویلیامز در بیست و هشتم ماه مارس ۱۹۱۴ در شهر کولومبیا^۱ واقع در ایالت میسوری^۲ آمریکا متولد شد در سالهای ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۳ در دانشگاه میسوری به تحصیل پرداخت و از همان زمان شروع به سرودن شعر و نوشتن داستانهای کوتاه کرد. مدتی به دلیل مشکلات مالی از ادامه تحصیل دست کشید و در یک کمپانی تولید کفش که پدرش نیز در همانجا مشغول کار بود شغلی برای خود به دست آورد. در همین ایام نیز اوقات فراغت خود را به نوشتن می گذراند در سال ۱۹۳۶ مجدداً وارد دانشگاه شد و پس از دو سال تحصیلات خود را به اتمام رسانید. سپس برای ادامه زندگی ناگزیر شد در رستورانی در «محله فرانسوی ها» واقع در شهر نیواورلئان^۳ مشغول کار شود. نخستین نمایشنامه اش به نام «جنگ فرشتگان»^۴ در دسامبر ۱۹۴۰ در تئاتر شهر بوستون Boston به صحنه رفت. اما شهرت واقعی برای او با به صحنه رفتن نمایشنامه باغ وحش شیشه ای^۵ آغاز شد. این نمایشنامه در سال ۱۹۴۵ به مدت سه ماه در شیکاگو و سپس به مدت یک سال و نیم در نیویورک به معرض تماشا درآمد. ویلیامز دوران کودکی و سنین بلوغ و نوجوانی خود را در شرایطی ناسالم سپری کرد. می توان گفت که او از اول جوانی فردی ره گم کرده بود که در شرایطی تربیت و رشد یافت که عقده های فراوانی در نهادش برجای گذاشت. اینها همگی به صورت خلق آثاری



تنسی ویلیامز

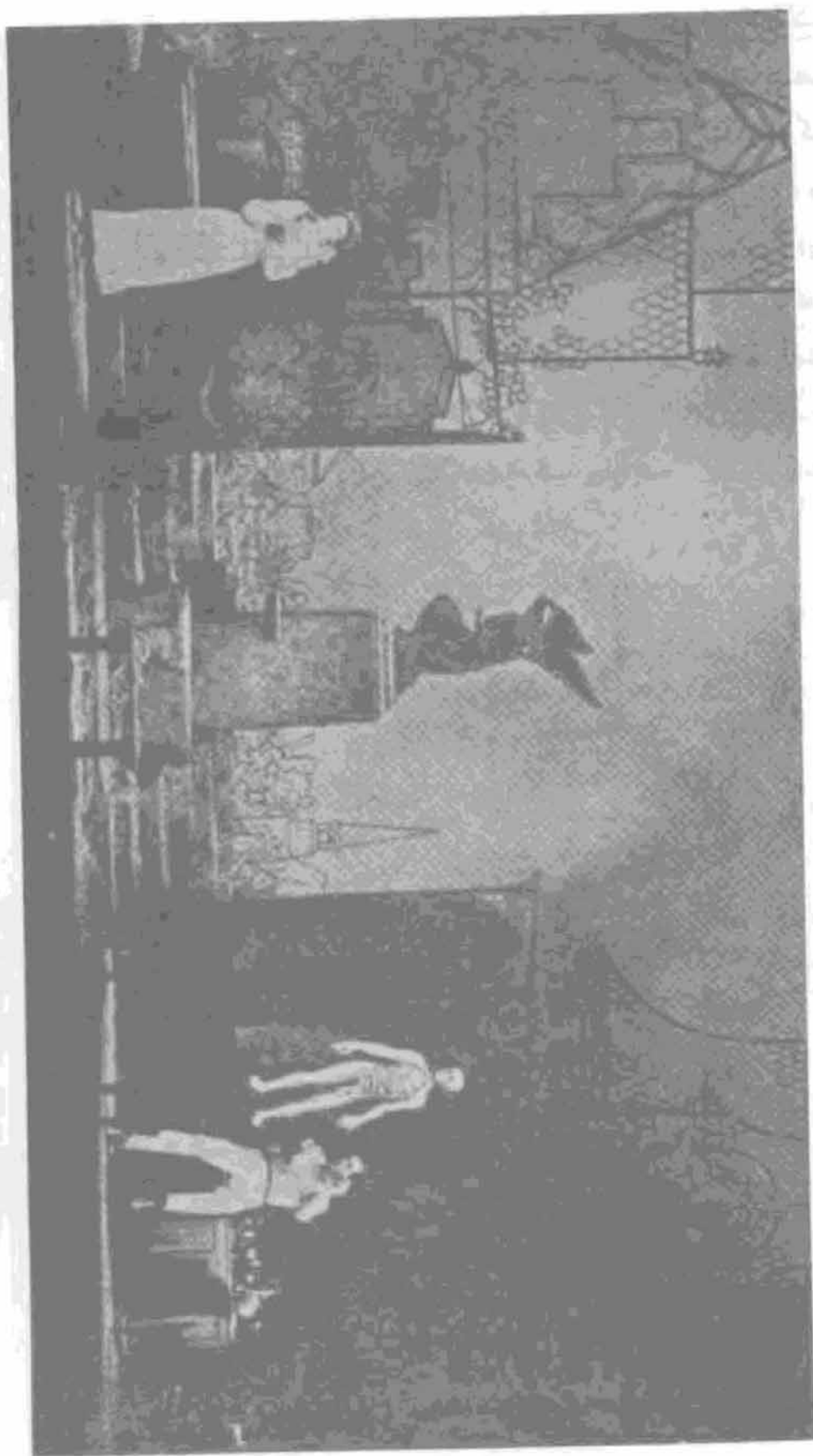
جلوه‌گر است که در آنها شخصیت‌هایی که عموماً گرفتار خطاها، لغزش‌ها و ناراحتی‌های روانی و جنسی هستند در آثارش به وفور مشاهده می‌شود.

باغ‌وحش شیشه‌ای ماجرای دختر بست که همواره غرق در تخیلات گذشته خویش است، خاطرات کودکی و یادبود عشق کهنه و قدیمی‌اش با تصاویری بس عظیم‌تر از واقعیت همواره در ضمیرش منعکس است و او را به خود مشغول می‌دارد.

نمایشنامه دیگر ویلیامز با نام اتوبوسی به نام هوس^۹ نیز در سال ۱۹۴۷ در تئاتر باریمو^{۱۰} در نیویورک به صحنه رفت. آنگاه نمایشنامه تابستان و دود^{۱۱} (۱۹۴۷) برای اولین بار توسط گروه مارکوجونز^{۱۲} در شهر دالاس Dallas به صحنه رفت. ویلیامز در این نمایشنامه زندگی آدمهای تحصیل کرده‌ای را تصویر می‌کند که دانش و آگاهی‌شان مشکل عشق و شهوتشان را حل نکرده است و تمام واقع‌بینی آنها خلائی را که بین آنهاست پر می‌کند. ابن اثر در قالبی کم‌وبیش رومانسیک ماجرای عشق و زندگی آدمهایی است که همه جا دوروبر ما هستند. اثر دیگر ویلیامز «خال‌گل سرخ»^{۱۳} نام دارد که سرگذشتی است محلی و آمیخته از درام و کمدی که از نظر موضوع به گونه‌ای با دیگر آثار نویسنده تفاوت دارد. گریه روی شیروانی داغ^{۱۴}، اثر دیگر ویلیامز بیان واقعیتی است از زندگی انسانها، از عشق‌ها و هوس‌ها همراه با حرص و طمعشان، ویلیامز از آن دسته از انسانهایی سخن می‌راند که خودپرستی‌شان حریم خوشاوندی پدر و برادر او را رودر روی یکدیگر درهم می‌کوبد. انعکاس اعمال و گناهانشان داستانی از دنیای ناشناخته جمعی موهوم‌پرست و گفتگو از دوستی‌های دیرینه با مسئله‌ای به نام هموسکسوالیسم. دو نمایشنامه دیگر ویلیامز به نام‌های «نامه‌های عاشقانه لرد بایرون» و «با من مثل باران حرف بزن» از نظر تم و روال کلی عجیب به یکدیگر شباهت دارند، موضوع سرگشتگی و سرگردانی روان انسانهاست که در هر دو اثر موج می‌زند. انسانهایی غرق در تخیلات گاه شاعرانه خود که معلول سرخوردگی‌های گذشته است و این عقاید سرکوب‌شده است که گه‌گاه به صورت بیان خواسته‌های رؤیائی تجلی می‌کند. نامه‌های عاشقانه لرد بایرون زندگی مادر بزرگی پیر و پیردختر است که با هم زندگی می‌کنند، مادر بزرگ پیر و از کار افتاده است و پیردختر در مرز جا افتادگی است با تمام امیال ارضاء نشده‌اش، آنها مدعی هستند که لرد بایرون عاشق مادر بزرگ بوده است و نامه عاشقانه‌ای نیز به خط لرد بایرون در دست دارند. به این ترتیب از مردمی که برای دیدن خط و نامه لرد بایرون به منزل آنها می‌آیند چند دلاری می‌گیرند نامه را مادر بزرگ نوشته و مجری آن «پیردختر» است.

در «با من مثل باران حرف بزن» که نمایی تک‌پرده‌ای و کوتاه است زن و مرد جوانی را می‌بینیم که اتفاقاً با یکدیگر آشنا شده‌اند و زندگی در زیر یک سقف را آغاز کرده‌اند، زندگی آنها از محل

۱۸۱۰ء کی ایک تصویر، جس میں ایک شخص ایک چھترے کے نیچے کھڑا ہے



عواید ایام بی‌کاری که مرد دریافت می‌کند تأمین می‌شود. صحنه‌ای که اتفاق می‌افتد يك روز از هزاران دور تسلسل زندگی آنها را نشان می‌دهد، از رختخواب برخاسته‌اند، و با یکدیگر گفتگو می‌کنند. مرد در سخنانش از زنش و آنچه که توقع و آرزویش بود و امروز برآورده نشده صحبت می‌کند، زن هم چون شوهرش شروع به صحبت می‌کند اما در برابر تمام سرزنش‌های شوهر جز گریه واکنشی ابراز نمی‌کند و گفتن این جمله که «من می‌خواهم بروم، من می‌خواهم تنها بذارم و بروم» ولی خود می‌داند که نه جانی و نه محل تأمینی وجود دارد که به آنجا پناه ببرد. آنگاه بار دیگر آن‌دو به آغوش یکدیگر پناه می‌برند و شروع به عشقبازی می‌کنند، مثل اینکه این عمل تنها کاریست که در آن حال قادر به انجام آن هستند. ویلیامز در این دو اثر تنهانی آدم‌ها را در عین باهم‌بودن نشان می‌دهد، ناگهان تابستان^{۲۲} گذشته (۱۹۵۸) تابستان گرم و طولانی^{۲۳}، برتاسلام^{۲۴} می‌رساند، کوچولوی خوشگل^{۲۵}، پرنده شیرین جوانی^{۲۶}، شب ایگوانا^{۲۷}، واگن پر از پنبه^{۲۸}، چهره يك باکره مقدس^{۲۹}، گل شیپوری^{۳۰}، رمان هوس بهاری از دیگر آثار این نویسنده‌اند.

۱۰- Columbia کولومبیا

۲. ایالت میسوری Missouri بیست و چهارمین ایالت از ایالات متحده آمریکا واقع در مرکز این کشور.
۳. نیواورلئان Neworlean شهر عمده ایالت لوئیزیانا واقع در کنار رود می سی سی پی
۴. جنگ فرشتگان (۱۹۴۰) Battle of Angels
۵. باغ وحش شبیه ای The Glass Menagene ترجمه دکتر مهدی فروغ تهران، معرفت و فرانکلین ۱۳۳۶
۶. اتوبوسی به نام هوس «A Streetcar Named Desire» ترجمه ایرج نورانی، تهران امیرکبیر چاپ اول ۱۳۴۳

۷- Barrymue Theater

۸. تابستان و دود Summer and Smoke ترجمه ایرج نورانی ۱۳۳۶

۹. گرود مارکو جونز Marco jones

۱۵- The Rose Tattoo

۱۱. گریه روی شیروانی داغ Cat on a Hot Tin Roof ترجمه پرویز ارشد تهران مروارید و خانه کتاب ۱۳۴۹ (چاپ اول ۱۳۴۲)
۱۲. ناگهان تابستان گذشته Suddenly last Summer ترجمه داریوش همایون تهران، آسیا.
۱۳. تابستان گرم و طولانی The long hot Summer
۱۴. بر تاسلام می رساند Hello Berta
۱۵. کوچولوی خوشگل Baby Doll
۱۶. پرنده شیرین جوانی Sweet Bird of Youth ترجمه فریدون کار، تهران پیروز ۱۳۴۳.
۱۷. شب ایگوانا Night of the Iguana

۱۸- Twenty-Seven Wagons Full of Cotton

۱۹. چهره يك باكره مقدس Portrail of a madona (ضمیمه تنوری استانیسلاوسکی در پرورش هنرپیشه ترجمه پرویز تانیدی تهران بابک ۱۳۴۷).
۲۰. گل شیپوری Chrysan Themum

منابع

1- Dictionary of The Theatre John Russet Taylor, Penguin Referenc Book.

2- Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill

۳. تابستان و دود، ترجمه ایرج نورانی ۱۳۳۶ (مقدمه)
۴. باغ وحش شبیه ای، ترجمه دکتر مهدی فروغ (مقدمه) تهران انتشارات معرفت و فرانکلین ۱۳۳۶
۵. تنسی ویلیامز، پایان نامه لیسانس احمد آسوده دانشکده هنرهای زیبا ۱۳۵۱.

Sean O'Casey

۱۹۶۴ - ۱۸۸۰ م

شون اوکیسی

شون اوکیسی در سال ۱۸۸۰ در شهر دوبلین بدنیا آمد، او فرزند سیزدهم خانواده کسید Cassid بود که قدم به این جهان می گذاشت. نامش را جان John گذاشتند، پدر و مادرش پیش از او دو پسر دیگرشان را به همین نام از دست داده بودند، شش ساله بود که پدرش مرد و خانواده اش را دچار مشکل کرد. دوبرادر بزرگترش وارد ارتش بریتانیا شدند و ارتش نیز آنها را عازم افغانستان کرد تا در مستعمرات امپراتوری با دشمنان بریتانیای کبیر بجنگند.

خانه آنها در یکی از محله های فقیرنشین دوبلین بود. در آن ایام قریب يك سوم از مردم دوبلین در خانه های اجاره ای که در هر واحد آن نزدیک هفتاد انسان گنجانیده شده بود به سر می بردند، بیشتر حوادث نمایشنامه های اوکیسی در چنین خانه هایی اتفاق می افتد.

در دوبلین به مدرسه رفت اما به زودی بدرفتاری کشیش مدرسه چنان او را از درس و مشق بیزار کرد که برای همیشه از مدرسه گریزان شد. خواندن و نوشتن را پیش مادرش آموخت و نمایشنامه نویسی را به گفته خودش از شکسپیر و کوچه و خیابانهای دوبلین فراگرفت، بعدها نامش را هم به «شون اوکیسی» تغییر داد.

بیماری مادر همراه فقر خانوادگی از او ان کودکی او را مجبور کرد کارهای مختلفی را تجربه کند.



شون اوکیسی

مدتی به روزنامه‌فروشی، پادوئی، رفتگری و کارگری راه‌آهن مشغول بود و کم‌کم دریافت که قریحه و استعداد نوشتن دارد.

آشنایش با تئاتر از زمانی بود که یکی از برادرانش نمایشی ترتیب داد، شون که خود را علاقمند و مشتاق صحنه نمایش نشان می‌داد در نمایش‌های محلی نقش بازیگران غایب را به عهده می‌گرفت. در این ایام مبارزات مردم ایرلند علیه استعمار انگلیس پس از هشت‌قرن زد و خورد‌های مسلکی و مذهبی وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده بود. شون یک چند وارد الحظمن برادری جمهوری ایرلند شد و سپس در ۱۹۱۳ به سپاه میهن‌پرستان ایرلند پیوست و به سمت دبیر این سپاه انتخاب شد. از همان زمان بویژه با خواندن نمایشنامه‌های شکسپیر ذوق نمایشنامه‌نویسی در او شکفته شد.

در سال ۱۸۸۹ تئاتر ابی^۱ توسط هنرمندان و روشنفکرانی چون ادوارد مارتین^۲ و ویلیام باتلر ییتز^۳ تأسیس شد. این تئاتر تحرك تازه و نوی به جامعه هنری ایرلند بخشید و در جذب و تربیت نویسندگان جوان گام‌های مثبتی برداشت، اوکیسی با گردانندگان این تئاتر آشنا شد. ییتز که شاعری سرشناس بود روزی به او گفته بود «از زندگی که می‌شناسی بنویس» و او کیسی هم‌چنین کرد. او که هر روز شاهد جنایت‌های سربازان انگلیسی در کوچه‌ها و خیابانهای میهنش بود و فقر و فلاکت همسایگان را از نزدیک لمس میکرد در حوادث قیام عید فصیح (۱۹۱۶) کاسه صبرش لبریز شد و با سربازان انگلیسی درگیر شد. او کیسی در این ماجرا دستگیر و برای مدتی به زندان افتاد. پس از آزادی مدتی بیکاری و درگیری کشید. بالاخره کاری در ایستگاه راه‌آهن بدست آورد و نوشتن را دوباره از سر گرفت. حوادث قیام عید فصیح، الهام‌بخش چند نمایشنامه او گردید، نخستین آثارش نمایش‌های کوتاهی بود که در تالار آزادی ایرلند به صحنه رفت آنگاه نمایشنامه سایه یک مجاهد^۴ (در پوست شیر) در سال ۱۹۲۳، نام او را بر سر زبانها انداخت و با استقبال چشمگیری روبه‌رو شد، این اثر ماجرای شاعر جوانی به نام داورن^۵ است که در روزهای سخت جنگ با سرکوبگران انگلیسی در اطاق دوست دست‌فروش خود «شوماس»^۶ به سرودن اشعاری عاشقانه و رؤیایی مشغول است داورن شاعر بیست خیال‌پرداز و غرق در اوهام خود غوطه‌ور است. ظاهر وی در میان همسایگان این سوءتفاهم را شایع کرده که داورن مبارزی سرسخت و کهنه‌کار است، حال آنکه داورن به گفته خودش شاعر ترسوئی بیش نیست همسایه‌ها با صداقت به نزد او می‌آیند و مسائلشان را برای او بازگو می‌کنند و از او راه چاره می‌خواهند. میگوایر^۷ دوست شوماس که جوان مبارزی است و به تازگی با انقلابیون همراه شده پس از فرار از دست سربازان دشمن کیف دستی‌اش را به امانت در اطاق آنها جا می‌گذارد. داورن و شوماس پی‌می‌برند که کیف پر از بمب است، سربازان برای جستجوی خانه بخانه از راه می‌رسند، شاعر دست و پای خود را گم می‌کند و مینی‌پاول^۸ دختر جوان و خوش‌قلبی که شیفته



یک صحنه از نمایشنامه در پوست شیر اثر شون اوکیسی اجرا در تئاتر ابی در ایرلند

کلمات شاعر است قهرمانانه کبف را با خود می‌برد و درحالی که سرود ازادی ایرلند را فریاد می‌زند کشته می‌شود.

کتلین گوش می‌ایستد^۹، غمایشنامه تک‌پرده‌ای و تمثیلی اوکیسی پس از سایه يك مجاهد (در پوست شیر) به صحنه رفت. اوکیسی در این اثر سرزمینش ایرلند را در چهره دختری به نام کتلین تصویر می‌کند که عاشقان فراوان دارد، عشاقی که هر کدام به نحوی می‌خواهند نظر معشوق را به سمت خود جلب کنند.

جونو و طاووس^{۱۰} اثر بعدی اوکیسی در سال ۱۹۲۴ در تئاتر ابی به صحنه رفت. این غمایشنامه به اعتقاد عده‌ای از درام‌شناسان معروفترین غمایشنامه اوکیسی است. قهرمان این غمایشنامه زن کارگری است به نام جونو Juno که علی‌رغم همه مصیبت‌های ناشی از جنگ تنها شخصیت غمایش است که رودرروی زندگی در مقابل مشکلات و خطرات آن دلیرانه ایستادگی می‌کند. اوکیسی پس از به صحنه رفتن غمایش جونو و طاووس کار روزانه‌اش را در راه آهن که بیشترین وقتش را می‌گرفت رها کرد و اوقات خود را صرف نوشتن غمایشنامه کرد.

خیش و ستاره‌ها^{۱۱} اثر بعدی اوکیسی در ۱۹۲۶ در تئاتر ابی به صحنه رفت این غمایشنامه مجموعه‌ای است از چند تابلو که همگی موضوعشان به قیام عید فصیح باز می‌گردد و علل شکست این قیام را جستجو می‌کند. جام نقره^{۱۲} غمایشنامه بعدی اوکیسی (۱۹۲۸) غمایشنامه‌ای است درباره جنگ و مصائبی که با خود دارد، قهرمان فوتبالی دوبایش را در جنگ از دست می‌دهد و به خانه زادگاهش بازمی‌گردد. دیگر آن روزهایی که او قهرمان محبوبی بود سپری گردیده و احساس می‌کند که دیگر کسی او را دوست ندارد جوانزی که در گذشته دریافت کرده یادآور چیزهای از دست رفته‌ای است که فکر او را به خود مشغول کرده است این غمایشنامه را تئاتر ابی قابل اجرا تشخیص نداد و اوکیسی که از این امر بسیار دلگیر شده بود احساس کرد که گردانندگان این تئاتر تاب تحمل انتقادهای او را ندارند. از این‌رو چنین تشخیص داد که دیگر در ایرلند برای او مجالی برای نوشتن و زندگی کردن وجود ندارد، از این‌رو سرزمین زادگاهش را ترك کرد و تا آخر عمر در انگلستان ماندگار شد، اما جدائی از سرزمین برای او هرگز به مفهوم جدائی از مردم نبود، او همچنان ایرلندی ماند و از ایرلند نوشت.

با درون دروازه‌ها^{۱۳}، اثر بعدی اوکیسی غمایشنامه‌ای است سمبولیک، درباره انسان و زندگی و تابلوهای چهارگانه آن به اسامی صبح بهار، ظهر تابستان، عصر پانیز و شب زمستان. که کنایه از دوران‌های مختلف زندگی همچون کودکی، جوانی، پیری و مرگ است.

غبار ارغوانی^{۱۴}، ستاره سرخ می‌شود^{۱۵}، ۱۹۴۰، گلپهای سرخی برای من^{۱۶} ۱۹۴۳

برگهای بلوط واسطوخودوس^۲ ۱۹۴۷، آتشبازی برای اسقف^۳ ۱۹۵۱، طب‌های یدر روحانی‌اند^۴ ۱۹۵۸، ماه در کابلنامو می‌درخشد^۵ ۱۹۶۱، پشت پرده‌های سبز^۶ ۱۹۶۱، آفاخروس شیک‌وپیک^۷ ۱۹۴۹، پایان آغاز^۸ و ماجرای نیمه‌شب^۹، از دیگر نمایشنامه‌های اوکیسی است. علاوه بر آثار یاد شده بالا مجموعه زندگینامه‌اش در چند جلد به نام «در می‌زنم»^{۱۰} و دو مجموعه از مقاله‌ها شعرها و قصه‌ها با نامهای زنبور بالدار^{۱۱}، و بادربزها^{۱۲}، از دیگر آثار این نویسنده است که در آنها نفرت از جنگ، انتقاد از راه‌ورسم انگلیسی‌ها، همراه با دردها و رنج‌هایی که در جوامعی همچون ایرلند مشاهده می‌شود، با ظرافت و طنز خاص اوکیسی بازگو می‌شود. سرانجام اوکیسی در سال ۱۹۶۴ در اثر حمله قلبی چشم از جهان فرو بست.

- 1- Abbey Theatre
- 2- Edward Martyn
- 3- William Butler Yeats (1892-1939)
- 4- The Shadow of a Gunman

۴- در پوست شیر. شون اوکیسی ترجمه اسماعیل خونی تهران، رز ۱۳۵۱ «چاپ دوم»

- 5- Davoren
- 6- Seumas Shields
- 7- Maguire
- 8- Minnie Pawell
- 9- Cathleen Listensin
- 10- Juno and the Paycock
- 11- The Plough and The Stars
- 12- the Silver Tasse
- 13- Within The Gates
- 14- Purple Dust
- 15- The Star Turns Red
- 16- Red Roses for me
- 17- Oak Leaves and Lavender
- 18- The Bishop's Bonfire
- 19- The Drums of Fathe Ned

۲۰- ماه در کابلنامو می درخشد The Moon Shines on kylanamoe ، ترجمه بهروز تبریزی تهران پویان، ۱۳۵۱.

- 21- Behind The Green Curtains
- 22- Cocks-Doodle Dandy

۲۳- پایان آغاز. (ضمیمه آناژنسکا امپراتریس بلشویک از جورج برناردشاو) ترجمه محمدتقی علیشاهی تهران بابک ۱۳۵۲

۲۴- ماجرای نیمه شب، ترجمه محمد امین مؤید. تهران رز ۱۳۵۴.

- 25- I knock at The Door
- 26- The Flying Wasp
- 27- Wind falls.

منابع

- 1- World Drama McGraw Hill Encyclopedia Volume3
- 2- Dard kravse Sean O'Cassey 'the Man and His Work
- 3- Dictionary of The Theatre John Russell Taylor.
- 4- Gabirel Fallon: Sean O'Cassey Theman 'I Know'

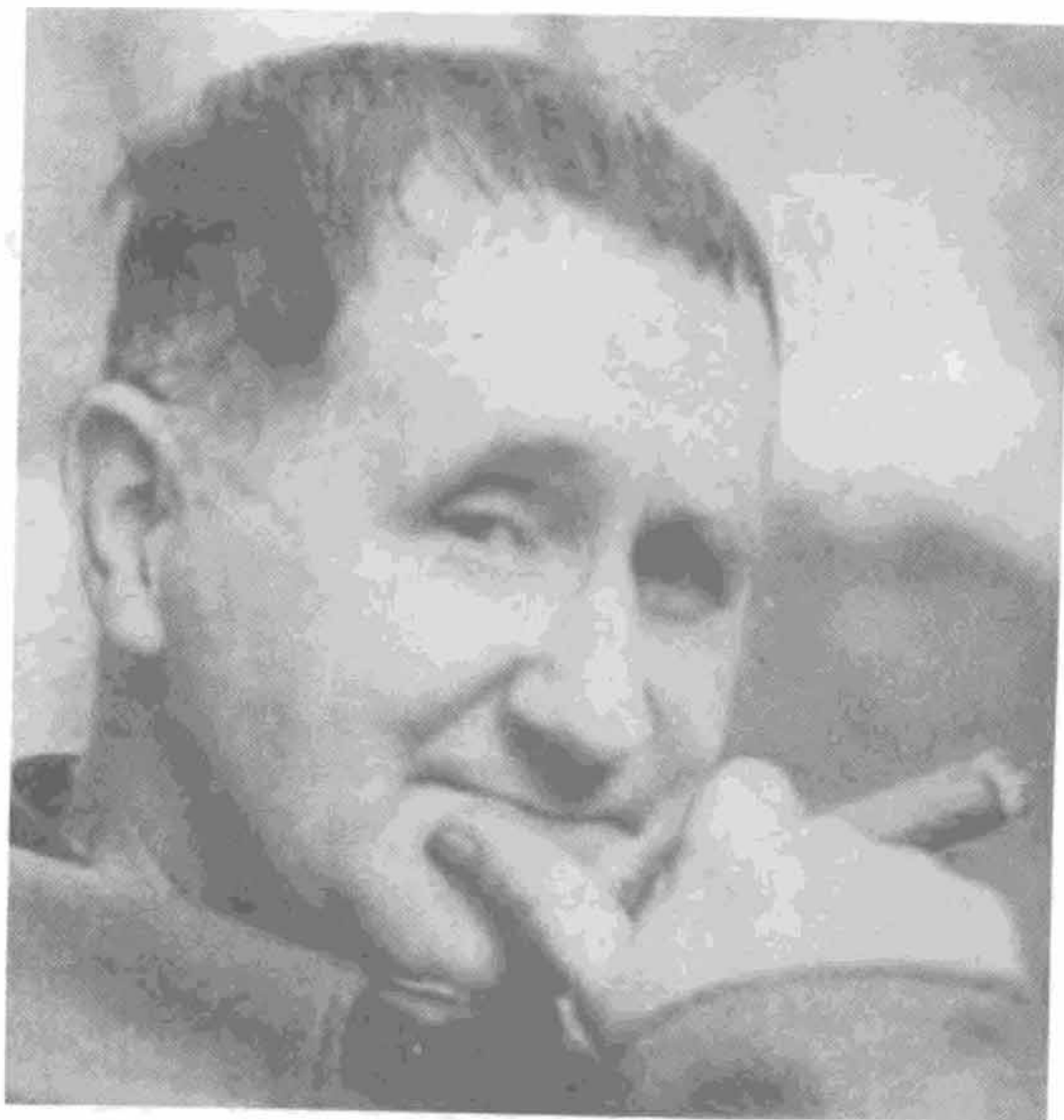
۵- زندگی و آثار شون اوکیسی، بهروز تبریزی انتشارات رز، ۱۳۴۶ چاپ اول.

۶- پایان نامه لیسانس منوچهر ارضی. شون اوکیسی زندگی و آثار، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۵۰/۵۱

Bertolt Brecht

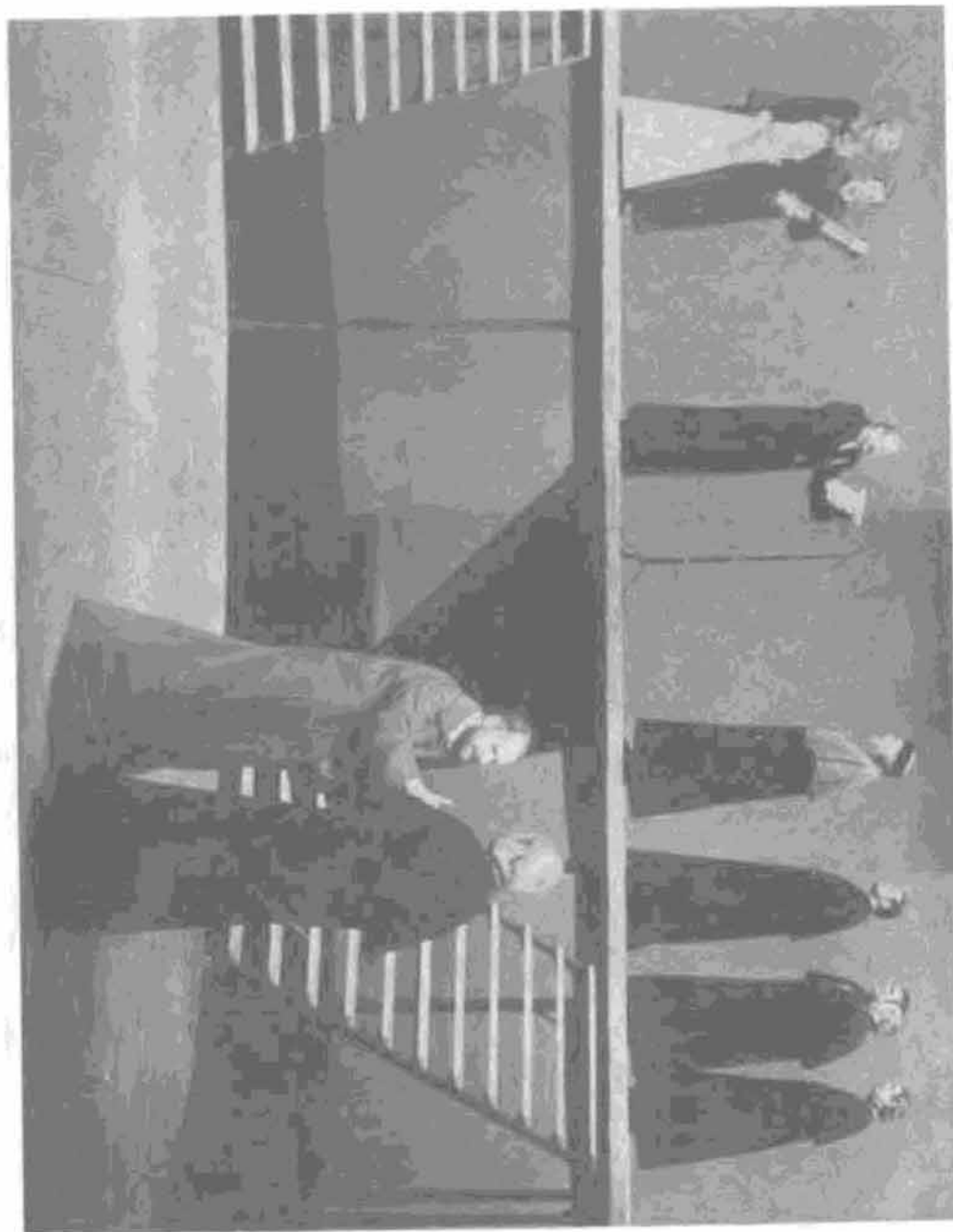
برتولت برشت (۱۹۵۶ - ۱۸۹۸ م)

من برتولت برشت، از جنگل‌های یاه می‌آیم
مادرم
هنگامیکه در تنش خانه داشتم
به شهرهایم آورد و سرمای جنگل‌ها
تا روز مرگ در من خواهد ماند
با مردم مهربانم
به سنت ایشان، کلاهی اطو شده بر سرمی‌گذارم
میگویم: آنها جانوران بسیار گندی هستند
و میگویم: مهم نیست، من خود نیز چنینم
تنگ غروب مردان را گرد خود می‌آورم
ما یکدیگر را «نجیب‌زاده» می‌نامیم
آنها پاهایشان را روی میز من دراز می‌کنند
و می‌گویند «وضع ما بهتر خواهد شد» و من



برتولت برشت

۱۳۶۱
محدثه ای از کاریله اثر برشت آلمان





یک صحنه از نمایشنامه کریولانوس با بازیگری هلنا وایگل اجرا توسط برلنیز آنسامبل ۱۹۶۴



یک صحنه از نمایشنامه دایره گچی قفقازی ۱۹۶۵ اثر برتولد برشت

نمی پرسم « کی؟ »

به هنگام زلزله که خواهد آمد

امید که نگذارم

بر اثر تلخکامی

سیگارم خاموش شود.

من « برتولت برشت » له شده در شهرهای اسفالت

دیرزمانی پیش از این، در تن مادرم، از جنگل‌های سیاه

فراآمده‌ام.^۱

برتولت برشت در دهم فوریه ۱۸۹۸ در شهر آگسبورگ^۲ Augsburg در جنوب آلمان دیده به جهان

گشود، مادرش از مردم « جنگل سیاه » بود و پدرش کارخانه‌داری سرشناس از اهالی « باویر »^۳.

هنگامیکه برشت زاده شد، خانواده‌اش در زمرة افراد مرفه آگسبورک بشمار می‌رفت، سرنوشت چنین

می‌خواست که برتولت برشت مسیر دیگری در زندگی انتخاب کند، مناسبات خانواده‌اش

نمی‌توانست برای او دلپذیر باشد، خیلی زود در برابر اندیشه‌ها، تصورات و قیدوبندهای کهنه و

فرسوده خانواده خود به مخالفت برخاست، خود او در شعری می‌گوید.

من در خانواده‌ای محتشم بزرگ شده‌ام

در ابتدا پدر و مادرم قلاده‌ای به گردنم بستند

و مرا به شیوة معمول خویش تربیت کردند

و به من درس ریاست‌طلبی آموختند

اما زمانی که بزرگ شدم

و به اطراف خود نگاه کردم

از مردم همطراز خود دلم گرفت

و از ریاست‌طلبی نیز

از این‌رو مردمی را که از شمار ایشان بودم ترك گفتم

و به صف ضعیفان پیوستم.^۴

در مدرسه برشت نوجوان از معلمان خود ابراد می‌گرفت و از آنها انتقاد می‌کرد^۵ چندین بار او را

از مدرسه اخراج کردند تا بالاخره مدرسه ابتدائی را پشت سر گذاشت و وارد دبیرستان شد، در

شانزده سالگی اولین نوشته‌ی ادبی او در يك روزنامه محلی چاپ شد، دبیرستان را نیز به اتمام رساند

و در سال ۱۹۱۷ زمانی که هجده سالش بود برای خواندن طب رهسپار مونیخ شد و در دانشگاه این

شهر به تحصیل طب پرداخت، اما سالی نپایید که او را همچون بسیاری از جوانان به جبهه‌های جنگ فرستادند، به علت آشنائیش با حرفه پزشکی در بیمارستان‌های نظامی شروع بکار کرد، شعله‌های جنگ جهانی اول اروپا را در خود غرق کرده بود، ویرانی‌های ناشی از جنگ و فقر که دامنگیر همه ی آوارگان جنگ شده بود از او شاعری عصیانگر ساخت. در بیست و یک سالگی نخستین نمایشنامه معروف خود بنام بعل^۱ Baal را نوشت.

بعل خدای اساطیری است که مظهر قساوت و سرکشی است، نمایشنامه برشت بعل جوان عاصی و انسان دنیاپرستی است که با ستایش می و عشق های بی‌بندوبار و ستایش از مرگ، فریاد تحقیر جامعه خویشتن را سرمی دهد، اما تنهایی کشنده نیز سرنوشت دردناک اوست.

عصیانگری، خشونت و از پی لذات دنیوی رفتن، ویژگی های قهرمانان نخستین برشت است. برشت در نخستین مجموعه شعرش نیز که نام «کتاب دعای خانوادگی» بر آن نهاده بود، به این ویژگی ها وفادار ماند، در آنجا هم سخن از ماجراجویان و دزدان دریائی است، بدبینی و بی‌بندوباری این آثار به گونه ای انعکاس زندگی بی سامان پس از جنگ است.

دومین نمایشنامه برشت که در سن ۲۲ سالگی نوشته شد «آواز طبلها در دل شب»^۲ نام دارد. این اثر برای برشت جایزه ادبی «کلايست»^۳ را به همراه آورد، در همین ایام تناتر «کامراشپيله»^۴ در مونیخ او را بعنوان نمایشنامه نویس می پذیرد، گهگاه نیز برای يك نشریه تناتری^۵ در آگسبورگ مقالاتی می نوشت جایزه کلايست نظر مدیران تناتر را بسوی متوجه ساخت.

برشت در طول اقامتش در مونیخ، دو نمایشنامه دیگر نوشت، در انبوه شهرها^۶، و زندگی ادوارد دوم^۷، آثاری همچنان در حال و هوای مکتب اکسپرسیونیسم^۸.

در سوم نوامبر ۱۹۲۲ با ماریان تسوف^۹ ازدواج کرد، این ازدواج بیشتر از پنج سال دوام نیاورد و در سال ۱۹۲۷ به جدائی انجامید در سال ۱۹۲۴ «ماکس راینهارت»^{۱۰} کارگردان بزرگ اروپا از برشت خواست تا در سمت مشاور ادبی او در برلین با وی همکاری کند، برشت در پائیز همان سال به برلین نقل مکان کرد، همکاری با راینهارت برشت را به يك دوره مطالعه در کتابهای جامعه شناسی واداشت و در کلاس های درس کارگران حضور یافت با مارکسیسم آشنا شد و «فلسفه علمی» افقی تازه به او نشان داد، او به این نتیجه رسید که رویدادها را در زمینه تاریخی و در حال شدن ببیند و در هر فرایندی تضاد را باز یابد و به تغییر جهان کمک کند، نه تفسیر آن.

سال ۱۹۶۲ سال اعتلای کوشش های برشت در راه سنت ادبی است، رویدادهای انقلابی او را بیدار کرد و صدمات جنگ او را نسبت به نظامی گری و جنگ منزجر ساخت. از پس جنگ جهانی اول در پهنه هنر مسائل تازه ای مطرح شد و معیارهای پیشین مورد تردید قرار گرفت، گروهی همگام با طبقه

جدید تازه پاگرفته به سنت شکنی پرداختند و به مکتب‌های جدید روی آوردند.

مایرهولد^{۱۶}، یکی از پیشتازان تئاتر نو در روسیه، به خلاف کنستانتین استانیسلاوسکی^{۱۷} که معتقد به جذب و غرق شدن تماشاگران و یکی شدن وی با هنرپیشگان بود، می‌گفت:

تئاتر خوب آن است که تماشاگر لحظه‌ای هم فراموش نکند که در صحنه تئاتر است، مایرهولد از صحنه‌گردان و هنرپیشگان نیمه آکروبات برای رسانیدن نظراتش استفاده کرد و تزئینات صحنه را کاهش داد.

اروین پیسکاتور^{۱۸}، کارگردان نامی معاصرش از پرده سینما و وسائل مکانیکی، تئاتر مستند را مطرح کرد و به عملیات صحنه سرعت بخشید، «پل کلودل»^{۱۹} که شش سال به‌عنوان سفیر فرانسه در ژاپن بسر می‌برد در ۱۹۲۷ به اروپا بازگشت و تجربیات خود را درباره تئاتر نو (Noh) ژاپن به اروپائیان منتقل کرد، هنرپیشگان تئاتر نو نظراتشان را مستقیماً به حضار خطاب می‌کنند، همسرایانی وجود دارند که بازی را قطع می‌کنند گاهی برای تماشاگران سخن می‌گویند، این عوامل قالب‌های بسیار مناسبی برای بیان نظرات برشت بود که بتواند مسایل روز جهان و جامعه آلمان را بازگو کنند.

جوهر این نظریه‌ها بکار گرفتن همه این ظرافت‌ها در نمایش «آدم، آدم است»^{۲۰} که شاید نخستین اثر تئاتر حماسی^{۲۱} اوست یکجا گردمی‌آید.

برشت در این اثر نظام سلطه‌جویی را نشان می‌دهد که برای بهره‌کشی از انسانها، آنها را مسخ می‌کند، پیچ و مهره‌های ماشین جنگی این نظام انسان‌های ناآگاهی هستند که در دام آن دست و پا می‌زنند، او چنین تصویر می‌کند:

آقای برتولت برشت ادعا می‌کند آدم آدم است
و این چیزی است که هر کسی می‌تواند ادعا کند
ولی آقای برتولت برشت ثابت هم می‌کند
که با انسان به دلخواه، خیلی کارها می‌توان کرد
امشب اینجا انسانی مانند اتومبیلی اوراق خواهد شد
بی آنکه در این میان چیزی از کف بدهد
آدم از نزدیک معاینه می‌شود
از او با پافشاری، بی هیچ ناراحتی خواهند خواست
که خود را با گذران دنیا هماهنگ سازد

و به نواله خود برسد
 به هر منظوری که اوراقش کنند و سوارش کنند
 باز پشیمانی بیار نخواهد آمد
 اگر مراقب نباشیم
 یکشنبه ممکن است از او قصابی بسازند
 آقای برتولت برشت امیدوار است
 زمینی را که روی آن ایستاده‌اید
 چون برف آب شدنی بدانید
 و از دیدن گالی گلی حمال دریابید
 که زندگی در این دنیا چه خطرناک دارد.^{۲۲}

نمایشنامه‌های عظمت و انحطاط شهر ماهاگونی^{۲۳}، اپرای سه پولی^{۲۴}، کله‌گردها و کله‌تیزها^{۲۵}، آنکه گفت آری و آنکه گفت نه^{۲۶}، زنان مقدس کشتارگاهها^{۲۷}، تدبیر^{۲۸}، مادر^{۲۹}، استثناء و قاعده^{۳۰}، از جمله نمایشنامه‌هایی آموزشی او در این ایام می‌باشند.

برشت پس از جدائی از همسر اولش با هلنا وایکل^{۳۱} بازیگر تئاتر برلین ازدواج کرد و با آشنائی با هانس آیسلر^{۳۲} آهنگساز آلمانی، آغازی تازه در زندگی هنری و سیاسی به همراه داشت، همسرش بزودی عهده‌دار نقش‌های اصلی نمایشنامه‌های برشت گردید و موسیقی پرخروش آیسلر روح حماسی نمایشنامه‌های او را پر توان‌تر کرد. از این به بعد سیر حرکت و ترقی برشت از موقعیت یک شاعر هرج و مرج طلب و ناامید به سمت یک نقاد موشکاف جامعه و هنرمندی متعهد و مسئول اجتماعی است.

برشت که اکنون دگرگونی و تغییر را بصورت یکی از رکن‌های اساسی شیوه تئاتری خود درآورده بود متوجه اهمیت قماشگر در تئاتر شد، قماشگر تئاتر او می‌بایست با مغزش به تئاتر می‌آمد و از طریق آن هیجان را تجربه می‌کرد، برای این کار می‌بایست هم می‌آموخت و هم سرگرم می‌شد، هدف تئاتر او سرگرم کردن و آموختن گردید، او در این ایام شاهد و ناظر شرایطی بود که راه را برای بقدرت رسیدن فاشیسم هیتلری هموار می‌کرد. صحنه تئاتر برای او آزمایشگاهی برای تغییرات اساسی اجتماعی.

آدلف هیتلر^{۳۳} در سی‌ام ژانویه ۱۹۳۳ صدراعظم آلمان شد. برشت در ۲۸ فوریه همان سال یعنی یک روز پس از آتش‌سوزی «رایش‌تاک»^{۳۴} توسط نازیها، به‌همراه همسر و تنی چند از دوستانش برلین را ترک گفت این آغاز دوران مهاجرت و تبعیدی بود که شانزده سال بطول انجامید، برشت پس از

توقف‌های کوتاهی در زوریخ، پراگ، وین، هلسینکی و دانمارک در ژوئیه ۱۹۴۱ از طریق بندر ولادی وستک^{۳۵} در شوروی به آمریکا رفت و این مصادف با زمانی بود که موج نازیسم سراسر اروپا را فراگرفته بود.

جنگ داخلی در اسپانیا در سال ۱۹۳۶ برشت را به موضع‌گیری در برابر این واقعه برانگیخت. نمایشنامه تفنگهای خانم کارار^{۳۶} بیانگر واکنش وی در برابر جنگ‌های داخلی در اسپانیاست. سالهای دربردی برای برشت سالهای درخشان فعالیت‌های تئاتری او نیز هست. این سالها فرصتی بود تا او از بیرون اوضاع آلمان و اروپا را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد، نمایشنامه‌های هفت گناه کبیره خرده بورژواها^{۳۷}، ترس و نکبت رایش سوم^{۳۸}، ارباب پونتیلا و نوکرش ماتی^{۳۹}، صعود مقاومت‌پذیر آرتوروایی^{۴۰}، استنطاق لوکولوس^{۴۱}، ننه دلاور^{۴۲}، گالیله^{۴۳}، شوایک در جنگ دوم جهانی^{۴۴}، دایره گچی قفقازی^{۴۵}، زن نیک‌سچوان^{۴۶}، رویای سیمون ماشار^{۴۷}، نوشتن چندین سناریو برای فیلم از جمله سناریوی دژخیمان هم می‌میرند بکارگردانی فریتزلانگ^{۴۸} و قاتلین وارد می‌شوند بکارگردانی پودفکین^{۴۹}، بصرحه بردن چندین نمایشنامه از جمله گالیله که در آن مسئله صداقت و شرافت روشنفکران را به جهانیان می‌نمایاند با بازیگری چالزلافتون^{۵۰} محصول ایام توقف او در آمریکاست.

او امیدوار بود که در آنجا بتواند موثر واقع شود، هر چند در آن سرزمین نیز بقدری احساس ناراحتی می‌کرد که در تمام عمرش سابقه نداشت. در سرزمینی که هیچکس جز پول و سرمایه چیز دیگری نمی‌شناخت طبعاً هنر به مفهومی که برای برشت مطرح بود تعبیر نمی‌شد، خود او در شعری می‌گوید:

هر روز صبح برای بدست آوردن لقمه نانی
به بازار می‌روم که فقط دروغ خریدار دارد
با امیدی فراوان

خود را در صف فروشندگان جا می‌کنم.

دولت آمریکا برشت را از طرف کمیسیون رفتار غیر آمریکایی، در زمان مک‌کارتی^{۵۱} به دادگاه کشانید.

برشت پس از پایان جنگ دوم هنگامیکه دوباره امکان بازگشتن به اروپا میسر شد در دسامبر ۱۹۴۷ به کشورش بازگشت و در آلمان شرقی اهداف تئاتری و اجتماعی خود را دنبال کرد.

آخرین دوره حیات برشت با همکاری همسرش مصروف تربیت و رهبری گروه «برلینز آنسامبل»^{۵۲} و «شیف باوردام»^{۵۳} در برلین گردید، این کوشش‌ها در خارج از آلمان نیز موفقیت‌های شایانی برای او

بهمراه داشت.

برشت در زمان حیاتش شاهد طلوع و افول نازیها، شکنجه و مرگ بسیاری از دوستان و آتشزدن کتابهایش توسط نازیها بود. هنگامیکه بر ویرانه‌های ره‌آورد هیتلر در کشورش قدم می‌گذاشت چنین سرود:

به یاد آرید

دوران تیره‌ای را

که در پشت سر نهاده‌اید

که ما امید از کف داده می‌رفتیم

پیش از آنچه پای‌افزار نو کنیم، دیار نو می‌کردیم
در هنگامه نبردهای طبقاتی

برشت بسیاری از نمایشنامه‌هایش را خودش کارگردانی کرد و بصحنه برد، در ترکیب اجزاء نمایش از بازیگری و بیان تا موسیقی، نور، دکور و طراحی صحنه همکاری و دخالت فعال داشت. همواره کوشا و فعال بود و افکار خود را در زمینه‌های اصول اساسی هنر تئاتر طی مقالات و مصاحبه‌ها مطرح می‌نمود.

گفتگوهای مسینک کاف دربارهٔ تئاتر و ارغنون کوچک برای تئاتر^{۵۵} نظرات وی در زمینه تئاتر است که در سال ۱۹۵۳ منتشر شد. کریولانوس^{۵۶}، روزهای کمون^{۵۷}، گدا یا سگ مرده^{۵۸}، جن‌گیر^{۵۹}، نور در ظلمت^{۶۰}، توران دخت^{۶۱}، هوراتی‌ها و کوریاتی‌ها^{۶۲}، آنتیگون^{۶۳}، محاکمه ژاندارک^{۶۴} در روان، دانزن^{۶۵}، آهن چند است^{۶۶} و تعداد دیگری نمایش تک‌پرده‌ای همراه با چند داستان از دیگر آثار او محسوب می‌شوند.

این شیوه کار و فعالیت مستمر که بنوعی فداکاری و تلاش آگاهانه تعبیر می‌شود هر چند او را بشدت خسته و فرسوده می‌کرد، اما از سوی دیگر ما را با مردی مصمم و قهرمانی مبارز و سرشار از شور زندگی روبرو می‌سازد.

سرنجام در چهاردهم اوت ۱۹۵۶ در حالیکه ذهنش سرشار از خلاقیت و قلبش مالا مال از عشق به مردم رنجیده بود، در اثر انسداد «شراین» قلبش از طپش باز ایستاد و چشم از جهان فرو بست.

۱. من برتولت برشت، برگزیده شعرهای برتولت برشت ترجمه بهروز مشیری، انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۰.
۲. آگسبورگ Augsburg
۳. باویر Baviere
۴. من برتولت برشت، برگزیده شعرها
۵. برشت شرح دوران تحصیل خود را در بخشی از کتاب گفتگوی فراریان (ترجمه خشایار قائم مقامی، امیرکبیر) بازگو می‌کند.
۶. بعل Baal برتولت برشت، ترجمه خشایار قائم مقامی تهران، امیرکبیر ۱۳۵۱
۷. آواز طبلها در دل شب Drums in The Night
- B. Kleist
9. Kammer Spiele
۱۰. نام این نشریه (Der Volks Will) برد.
۱۱. در انبوه شهرها In the Jungle of the Cities، ترجمه عبدالرحمن صدریه تهران ۱۳۴۱.
12. Edwarp
۱۳. اکسپرسیونیسم Expressionnisme روشی مبتنی بر اظهار عواطف و احساسات خود به آزادی تمام، در این روش کوشش هنرمند مصرف نمایش دادن حقایقی است که برحسب احساسات و تأثیرات شخصی خود درک کرده است (فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین جلد پنجم، امیرکبیر)
14. Marianne
۱۵. ماکس راینهات Max Reinhardt کارگردان.
۱۶. مایرهودل Meyerhold بازیگر و کارگردان روسی ۱۹۴۰-۱۸۷۳م.
۱۷. کنستانتین استانیسلاوسکی Konstantin Stanislavsky ۱۸. اروین پیسکاتور Edwin Piscator کارگردان آلمانی.
۱۹. پل کلودل Paul Claudel نمایشنامه‌نویس فرانسوی متولد ۱۸۶۸م.
۲۰. نمایشنامه آدم‌آدم است (A Man's a Man) ترجمه امین موند تهران، ۱۳۵۰.
21. Epic
۲۲. از نمایشنامه آدم‌آدم است، ترجمه شریف لنگرانی، انتشارات خوارزمی.
۲۳. عظمت و انحطاط شهر ماهاگونری Riserend Fall of the City of Mahagonny برتولت برشت، ترجمه مهدی اسفندیار فرد و مینو ملک‌خانی (وزیری) تهران، امیرکبیر ۱۳۵۳.
۲۴. اپرای سه پولی The Three Penny ترجمه علی اکبر خداپرست، تهران، البرز.
۲۵. کله‌گردها و کله‌تیزها The Round Heads and Peakheads ترجمه بهروز مشیری، تهران امیرکبیر ۱۳۵۱.
۲۶. آنکه گفت آری، آنکه گفت نه He Who Says Yes, He Who says No ترجمه مصطفی رحیمی، تهران، رز ۱۳۵۱.
۲۷. ژان مقدس کشتارگاهها Saint Joan of the Stockyards ترجمه ابرحسین وفا (وندور) تهران، مازیار، ۱۳۵۸.
۲۸. تدبیر Expedient در مقابل واژه آلمانی Dieclabnahme بکار برده شده ترجمه بهرام حبیبی، تهران، انتشارات تیر ۱۳۵۷.
۲۹. مادر The Mother ترجمه منیژه کامیاب و حسن بایرامی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۱.
۳۰. استثناء و قاعده The Exception and the Rule ترجمه محمود اعتمادزاده (به آذین) تهران، اشرفی ۱۳۴۸.
31. helene Weigel.

۳۳. آدولف هیتلر Adolf Hitler (۱۸۸۹-۱۹۴۵) م.
 ۳۴. رایشتاک Reichstag مجلس شورای آلمان که در زمان امپراطوری در برلین مستقر بود عمارت آن در ۱۹۳۳ به تحریک نازیها دچار حریق شد.
 ۳۵. ولادی وستک Vladivostok یکی از بنادر و شهرهای اتحاد جماهیر شوروی در ساحل شرقی اقیانوس کبیر.
 ۳۶. تفنگهای خانم کارار (ننه کارار) Senora Carrar's Rifles. ترجمه فرامرز بهزاد به همراه «روایهای سیمون ماشا» تهران، خوارزمی.
 ۳۷. هفت گناه کبیره خورده بورژواهاها The seven Deadly Sins Anna Anna (در مجموعه تک پرده ای ها) ترجمه محمود حسینی راد، اردشیر فرید مجتهدی، انتشارات خوارزمی ۱۳۵۸.
 ۳۸. ترس و نکبت رابش سوم، ترجمه شریف لنکرانی، تهران، انتشارات مروارید و خانه کتاب ۱۳۵۱.
 ۳۹. ارباب پونتیلانو و گرش ماتی، Mr Punika and His Hired Man Matti ترجمه رضا کرم رضایی تهران، رز، ۱۳۴۹.
 ۴۰. صعود مقاومت پذیر آرتور و اوپی The Resistible Rise of Arturo vi ترجمه ی افریدون، تهران، دنیای دانش.
 ۴۱. استنطاق لوكولوس The Trial of Lucullus، ترجمه شریف لنکرانی، خوارزمی.
 ۴۲. ننه دلاور و فرزندان او Mo Ther Courage and Her Children ترجمه دکتر مصطفی رحیمی و مسیح ایزدپناه، کتاب زمان چاپ هفتم ۱۳۵۵.
 ۴۳. گالیله Galile ترجمه عبدالرحیم احمدی، تهران نشر اندیشه ۱۳۵۲.
 ۴۴. شوايك در جنگ جهانی دوم Schweyk in The Second Worldwar ترجمه حمید علوی، تهران نشر اندیشه ۱۳۵۳.
 ۴۵. دایره گچی قفقازی The Caucasian Chalk Circle ترجمه حمید سنندریان تنظیم اشعار از فروغ فرخزاد، تهران جوانه ۱۳۴۸.
 ۴۶. زن نيك سچوان The Good Woman of Setzuan ترجمه فریده لاشانی تهران، جوانه ۱۳۴۷.
 ۴۷. روایهای سیمون ماشا The Visions of Simone Machard ترجمه فرامرز بهزاد (همراه با تفنگهای خانم کارار) تهران، انتشارات خوارزمی.
 ۴۸. فریتزلانگ Frii Lang
 ۴۹. پودفکین Pudovkin
 ۵۰. چارلز لاوتون Charles Lawton
 ۵۱. مک گرتی Mc Gertyy سناتور آمریکایی

52. Berliner Ensemble

53. Shiff Bauerdamm

۵۴. گفتگوهای مسینگ کاف درباره تئاتر، Messing Kauf Dialogues ترجمه منیژه کامیاب - حسن بایرامی، تهران، انتشارات پاپک ۱۳۵۲.
 ۵۵. ارغنون کوچک برای تئاتر (Des Kleine Organon) در مجموعه درباره تئاتر اثر بر تولد پرشت ترجمه فرامرز بهزاد، انتشارات خوارزمی.
 ۵۶. کریولانوس Coriolanus ترجمه مهدی تقوی، تهران، آگاه.
 ۵۷. روزهای کمون The Days of The Commune ترجمه ف.ک. گاوسی تهران، انتشارات شباهنگ، ۱۳۵۸.
 ۵۸. گدا با سگ مرده The Beggaror The Dead Dog (در مجموعه تک پرده ایها)
 ۵۹. جن گیر MeExorcises a Devil (در مجموعه تک پرده ایها)
 ۶۰. نور در ظلمت Light in Darness (در مجموعه تک پرده ایها).
 ۶۱. توراندخت Turan doxt ترجمه رضا کرم رضایی تهران انتشارات ققنوس ۱۳۵۶.
 ۶۲. هوراتی ها و کوریاتی ها The Horatians and The Curatias ترجمه رضا کرم رضایی تهران، رز، ۱۳۵۲.
 ۶۳. آنتیگون Antigone
 ۶۴. محاکمه ژاندارک در روان، ترجمه عبدالله کوثری، انتشارات توس ۱۳۵۴.
 ۶۵. دانزن Dansen (در مجموعه تک پرده ایها)

How Much does The Iron Cost

منابع

1. Mc Grow Hill Encyclopedia of World Drama Volum(1)

2. A Dictionary of the Theatre. John Russell Taylor

۳. زندگی گالیله (با گفتاری در آثار و اندیشه های برشت نوشته عبدالرحیم احمدی) تهران، نشر اندیشه.
۴. دایره گچی قفقازی، نوشته برتولد برشت. ترجمه م. امین مزید (پیشگفتار مترجم)، تهران رز.
۵. تئاتر برتولد برشت. پایان نامه لیسانس رضا کشانی. دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۲.
۶. من برتولد برشت. ترجمه بهروز مشیری. تهران امیرکبیر.
۷. تنوری برشت درباره تئاتر حماسی، هارتین اسلین ترجمه رضا لشگری، الفبا، شماره ۳ صفحه ۱۹۸، امیرکبیر (۱۳۵۲).
۸. برتولد برشت و سینما، ترجمه منوچهر درفشه. مجله سینما ۵۴، اردیبهشت ۱۳۵۴.

Max Frish

ماکس فریش تولد ۱۹۱۱ م

ماکس فریش نویسنده، شاعر، طراح صحنه و آرشیستکت سونیسی. روز پانزدهم ماه مه ۱۹۱۱ در شهر زوریخ بدنیا آمد. دوران ابتدائی و متوسطه را در زوریخ سپری کرد. در سال ۱۹۳۰ دیپلمش را گرفت و در دانشگاه زوریخ در رشته ادبیات آلمانی مشغول تحصیل شد. پس از دو سال مشکلات مالی او را مجبور به ترك این رشته کرد. در ۱۹۳۳ پدرش از دنیا رفت و با مرگ او دشواریهای فریش و خانواده اش بیشتر شد. مدتی بعنوان خبرنگار در يك روزنامه شروع به کار کرد، يك چند به سفرهای مختلف پرداخت، نخستین اثرش بنام یورك راینهارت^۱ در سال ۱۹۳۴ نوشته شد. فریش این اثر را بعدها از بین برد. در سال ۱۹۶۳ تصمیم گرفت که مسیر کار، حرفه و زندگی را تغییر دهد. اصلی که در بسیاری از آثارش مطرح می کند، این است که اگر قرار باشد یکبار دیگر متولد شویم چگونه زندگی و انتخاب می کنیم. همان شغل، همان ازدواج و همان ارتباطات؟ با چگونه ای دیگر. بر این اساس در رشته معماری مشغول به تحصیل شد و در ۱۹۴۰ موفق به اخذ دیپلم در این رشته شد و دو سال بعد ازدواج کرد.

سنتاکروز^۲ در حقیقت نخستین نمایشنامه فریش محسوب می شود که در سال ۱۹۴۴ نوشته شد. نمایشنامه «اکنون دوباره آنها می خوانند»^۳ اثر بعدی فریش در سال ۱۹۴۵ بصحنه رفت. در این اثر



ماکس فریش



یک صحنه از آندورا اثر ماکس فریش اجرا در آلمان

جنگ دستمایه اصلی نمایش است.

«دیوار چین»^۴ نمایشنامه در عین حال جذاب و پر ابداع فریش در پائیز ۱۹۴۶ در روریک بصره رفت. فضائی که این اثر می‌آفریند يك وعده دیدار غریب، در يك بالماسکه تاریخی است که گروهی از شخصیت‌های سیاسی، فرهنگی و تاریخی گرد هم آمده‌اند تا در مراسم افتتاح «دیوار چین» شرکت نمایند. دیواری عظیم که بفرمان «هوانگ‌تی»^۵ امپراتور چین (۲۱۰ - ۲۲۱ پیش از میلاد) ساخته شد، شخصیت‌هایی نظیر ناپلئون، هوانگ‌تی، بروتوس، کریستف کلمب، کلتویاترا، دون ژوان، فیلپ، رمنو و ژولیت و غیره همگی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخ می‌شوند، در میان آنها دیکتاتورها، عشاق، آزادی‌خواهان، جویندگان حقیقت، سوداگران و آدمهای دیگر تاریخ همه گردآمده‌اند تا در این ضیافت شرکت کنند.

فریش به جمع شخصیت‌های تاریخی شخصیت دیگری نیز افزوده است که «امروزی یا روشنفکر» نام دارد، مردی که نماینده نسل جوان و اندیشمند معاصر است، او در برابر خطرات تاریخ زمانه‌اش لب به اعتراض می‌گشاید و از سلاطین و حکام مستبد می‌خواهد که دیگر هرگز بازنگردند و از اسلافشان نیز می‌خواهد تا دوباره شقاوتها را از سر نگیرند، چرا که امروز با تجهیزات مدرن جنگی، از قبیل بمب‌نوترونی، يك بوالهوسی از جانب شخصی مستبد، یا يك حمله عصبی و یا يك خشم ناشی از جنون کافیت تا فاتحه دنیا خوانده شود. در این اثر نویسنده با طنز و شیرینی خاص خود زمان و مکان را درهم ادغام می‌کند و گذشته را با آینده تلفیق می‌نماید.

نمایشنامه بعدی فریش بنام «و قتیکه جنگ پایان یافت»^۶ در سال ۱۹۴۸ در زوریخ بصره رفت در این اثر نویسنده از سرنوشت کسانی سخن می‌گوید که بگناه ملیت، بعد از پایان یافتن جنگ همچنان مورد تحقیر و اهانت قرار می‌گیرند.

گراف آدرلند^۷ نمایشنامه دیگر فریش (۱۹۵۱) اثریست مستند گونه که از گزارشات روزنامه‌ها برگرفته شده است، داستان نمایشنامه ماجرای قاضی درستکار و حقیقت‌جویی است که ناگهان يك روز سر به نیست می‌شود، از سوی دیگر يك صندوقدار بانك که دو سوم از عمرش را سپری کرده است در يك نیمه شب با تبری تمامی اعضای خانواده‌اش را، از جمله پدر و مادر خود را بقتل می‌رساند و برای توجیه این عمل فجیع خود هیچگونه دلیلی ارائه نمی‌کند، فریش سعی می‌کند دلایل قتل قاضی و عمل صندوقدار را به لحاظ روانی و اجتماعی بیابد و انگیزه‌های اینگونه اعمال را در جامعه معاصر که خشونت و مرك در آن بیداد می‌کند بر ملا سازد.

پس از اتمام این اثر فریش سفری به آمریکا رفت، این سفر که مدت یکسال به طول انجامید در تجربیات و نظرات هنری او بسیار تأثیر گذاشت.



صحنه ای از آندورا اثر ماکس فرویش اجرا در آلمان

نمایشنامه دون ژوان^۸، با عشق به هندسه حاصل کار فریش در سال ۱۹۵۲ است. دون ژوان این شخصیت مشهور و عاشق‌پیشه، در نمایشنامه ماکس فریش دارای شخصیتی است. متفاوت با آنچه ما می‌شناسیم، او در این نمایشنامه انسان ساده‌دلی است که بجای آنکه زنان را فریب دهد از آنان فریب می‌خورد.

فریش در سال ۱۹۵۸ نمایشنامه آتش افروزان^۹ را که پیشتر بصورت نمایشنامه ای رادیویی تنظیم کرده بود با تجدید نظری مجدد آنرا برای صحنه مهیا کرد. این اثر که برای نخستین بار در زوریخ بصحنه رفت و مورد استقبال قرار گرفت سبب شد تا نام نویسنده‌اش را نه تنها بعنوان يك نمایشنامه‌نویس اروپائی بلکه بعنوان هنرمندی جهانی بر سر زبانها انداخت. این شهرت را نمایشنامه بعدی او به نام آندورا^{۱۰} (۱۹۶۱) تثبیت کرد، هر دو اثر او درباره فاشیسم و جنگ است و آنچه که در زمان تسلط نازیها بر اروپا گذشت.

در سال ۱۹۶۱ فریش از همسرش جدا شد و به رم سفر کرد و برای مدتی در آنجا اقامت گزید. «بیوگرافی يك بازی^{۱۱}» نمایشنامه دیگر فریش در سال ۱۹۶۸ منتشر شد. در این اثر نویسنده ضمن درهم آمیختن واقعیت و خیال، تلاشی در جهت جستجوی انسان برای یافتن هویت خوشتن است. این تم در چند رمان مشهور فریش نیز مشاهده می‌شود «اشتیلر^{۱۲}» «هموفاپر^{۱۳}» (صنعت زده) و نام من کانتن باین است^{۱۴} «سه رمان معروف این نویسنده» هر کدام بگونه‌ای کاوشی است برای یافتن هویت انسانی.

در هموفاپر که بسال ۱۹۵۷ انتشار یافت و با نام صنعت زده بفارسی نیز ترجمه شده است. زندگی مهندسی بنام والتر فابر بازگو می‌شود که اعداد و ارقام در زندگی نقش موثری دارند. فابر انسانی است که به سرنوشت ایمان و اعتقادی ندارد و آن را مجموعه‌ای از تصادفات قابل پیش‌بینی می‌داند، اما سرنوشت چنین می‌خواهد که او نیز همچون «ادیپ^{۱۵}» در زمانی اندک پی‌ببرد که در زندگی همه چیز همچون اعداد و ارقام قابل محاسبه و پیش‌بینی نیست.

نمایشنامه‌های فریش از ساختمان و تکنیکی محکم برخوردارند، هیجان از رکن‌های اساسی در پی‌ریزی فلسفی و دراماتیکی آثار وی محسوب می‌شود. در اوج درام نیز فکر فلسفی نویسنده پوشیده نمی‌ماند اگر چه ماجرای نمایشنامه‌های وی در واقع چیزی جز تراژدی نیست اما وی با نظری فیلسوفانه به اجتماع می‌نگرد. در کتاب «دفتر خاطرات با ماریون» که بسال ۱۹۴۷ آن را نوشت و اثریست که به خاطر تصویر کردن اشخاص و اتفاقات متنوع، جالب توجه است.

فریش از آشنایش با برتولد برشت یاد می‌کند، در این زمان جنگ جهانی دوم پایان یافته بود و برشت پس از سالهای دربدری و تبعید تصمیم به بازگشت بوطن داشت. برشت که سیزده سال از وی

بزرگتر بود بگفته خود فریش تأثیر کم نظیری در روحیه دوست جوان خود گذاشت.
 نمایشنامه خشم بزرگ فیلیپ هوتس، بین یا سفر به پکن و سناریونی بنام ترانزیت از دیگر آثار
 ماکس فریش محسوب می شوند، فریش در طی سالهای نویسندگی خود موفق به دریافت جوایزی از
 جمله جایزه ادبی کنورک بوشر، جایزه بزرگ هنری منطقه راین و جایزه «خاطره شیلر» نائل آمد.

پانویس

1. Jurg Reinhart
2. Santa Cruz
3. Now they Sing again
۴. دیوار چین *The Chinese Wall* . ترجمه فریدون سالک، داریوش فرهنگ، این اثر در ۱۳۵۶ در تهران در تئاتر شهر به کارگردانی داریوش فرهنگ به صحنه رفت.
5. Houangt
6. As The war was Over
7. Graf Oderland
8. Don Juan or the Love of Geometry
۹. آتش افروزان یا بیدرمن *Biedermann and the Firebugs* ترجمه جعفر اصلانی، تهران نشر امید، چاپ اول ۱۳۵۲.
۱۰. آندورا *Andorra*، ترجمه حمید سمندریان، تهران، روز ۱۳۴۷.
۱۱. بیوگرافی یک بازی *Biography*، ترجمه ا. ش. تهران، پویا ۱۳۵۱.
12. Stiller
۱۳. صنعت زده یا هموفابری *Homo Faber*، ترجمه دکتر علی رجانی ۱۳۵۰.
14. My name is Ganten Been
۱۵. ادیب شهریار، تراژدی معروف سوفکل.

منابع

1. World Drama, McGraw-Hill Encyclopedia . Wolum2.
2. Hans Heinz Holz Max Frish-engageiertund Privat in uber Frish S. 249.
3. Max Frisch Biografie Frank furt M 1968 Silo.
4. Dictionary of the theatre, John Russell Taylor.
۵. مجله سخن، دوره ۲۴، مقاله ماکس فریش هنرمندی که تصویرگر هراس های انسانی است، تورج راهنما.
۶. مقدمه بیوگرافی یک بازی، اثر ماکس فریش، ترجمه ا. ش. تهران، پویا.
۷. پایان نامه لبسانس، فرنوش مشیری، درباره ماکس فریش و نمایشنامه آتش افروزان، تهران دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۵. ۶.

Friedrich Durenmatt

فردريك دورنمات ۱۹۲۱ م

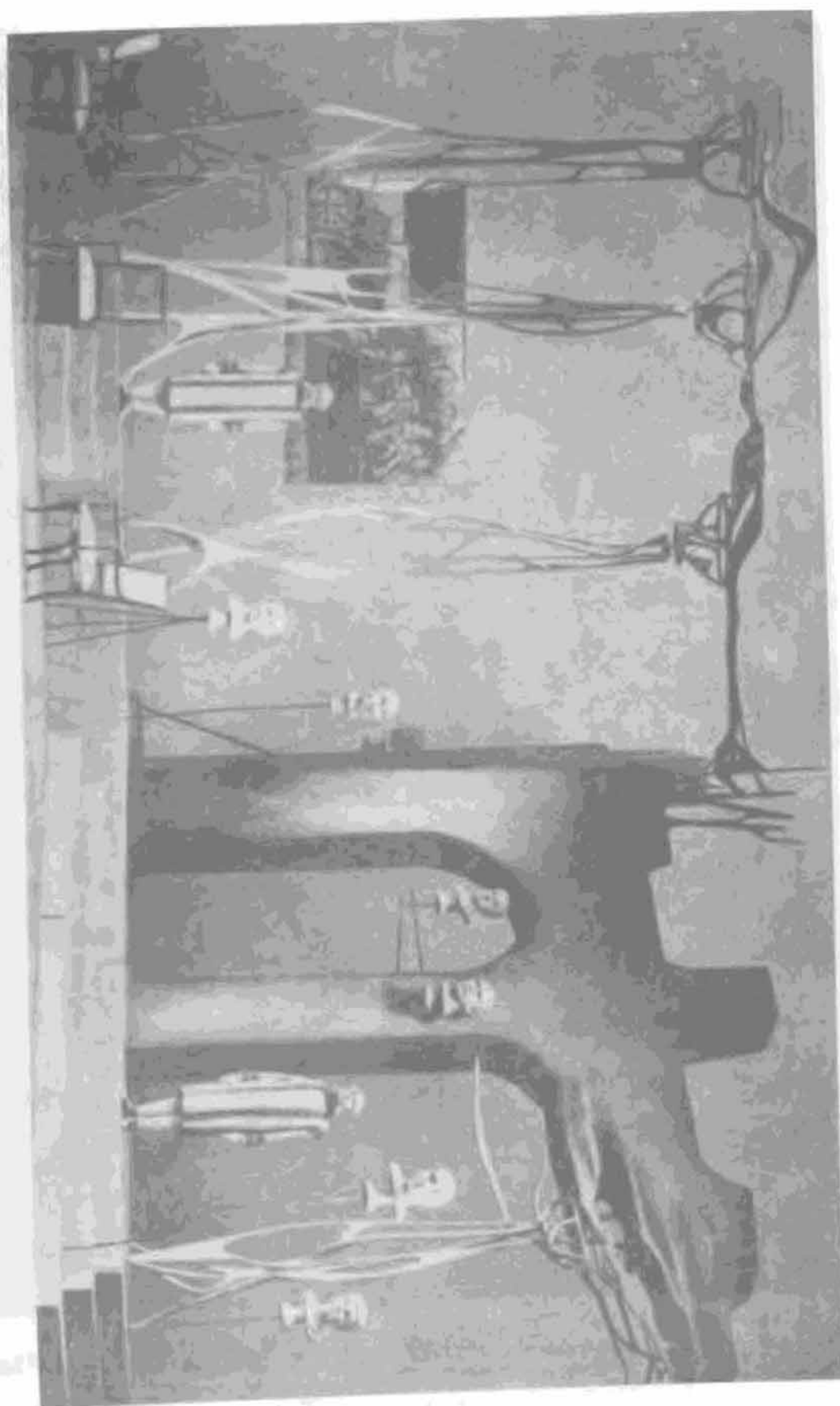
فردريك دورنمات در پنجم ژانويه ۱۹۲۱ در يك دهكده سويس بنام كنول فينگن^۱ در نزديكى شهر برن^۲ به دنيا آمد، پدرش رينولد دورنمات^۳ كشيلى متدين و پدر بزرگش شاعرى بذله گو و سرشناس بود كه به خاطر اشعار طنزآمیز و افكار انتقاديش به «شاعر سياسى پرخاشجو» شهرت داشت. تأثير اين دو شخصيت در اكثر داستانها و نمايشنامه هاى دورنمات مشهود است.

سيزده ساله بود كه به همراه خانواده اش راهى پايتخت شد، در سنين نوجوانى به ورزش علاقمند گرديد، اما با تمام كردن دوره تحصيل متوسطه وارد دانشگاه برن شد و به تحصيل علوم دينى، فلسفه و ادبيات آلمانى پرداخت. آنگاه به دانشگاه زوريخ رفت و در زمينه هنر و فلسفه تحصيلاتش را ادامه داد، خودش در اين باره مى نويسد: «بطور ناگهانى شروع به نويسندگى كردم و ديگر فرصتى نياستم كه تحصيلات دانشگاهيم را تمام كنم». در ابتدا درآمد منظمى نداشت، از ثروت پدرى هم در زندگش اثرى نبود. براى بدست آوردن پول كتابى بنام «مشكلات تئاتر^۴» را نوشت، بعد از آن كوشيد تا راه بهتري براى ممر درآمد پيدا كند، از اينرو شروع به نوشتن نمايشنامه هاى راديوئى براى راديو آلمان كرد. از اين كار درآمد قابل توجهى بدست آورد و تا حدودى مشكلات اقتصاى خانواده اش را كه شامل همسر و سه فرزند مى شد برطرف نمود نخستين نمايشنامه اش «اين نوشته شد^۵» نام دارد كه در سال



فریدریک دورنمات

۱۳۶۱ شمسی - نمایش «موسسه علمیه» اثر دورنمات - ویرایش



۱۹۴۷ نوشتن آنرا به پایان رسانید. این نمایشنامه براساس جنگهای مذهبی قرن شانزدهم اروپا تنظیم گردیده است.

«کور»^۶ نمایشنامه دیگر دورنمات در سال ۱۹۴۸ نوشته شد. داستان این اثر دربارهٔ دوک نابیناییست که پسر و دختر خود را که عزیزترین بستگانش محسوب می‌شوند از دست می‌دهد. این واقعه که زندگی روحی او را متقلب نموده است او را با این تصور که به پایان زندگیش رسیده است، بر آن داشته که چون دیوانگان با بدنی عریان پرتپا، زبان اعتراض بسوی خداوند بگشاید و مکنونات قلبی خود را بازگو کند.

نمایشنامه رومولوس کبیر^۷ اثر بعدی این نویسنده بکمال بعد نوشته شد، این نمایشنامه يك كمدی شبه تاریخی و هیجان‌انگیز است که از كمدی‌های «ساتیر» Satyr یونان و رم باستان اقتباس گردیده است.

داستان این نمایشنامه باز می‌گردد به روم عهد باستان، امپراطور رم مرده است و رومولوس Romulus امپراطور جدید با این اعتقاد که عدالت تنها در نابودی ظالمین تحقق‌پذیر است طی سی سال امپراتوری خود، رم را بگونه‌ای دیگر بسمت نابودی و سقوط می‌کشانند. «ازدواج آقای می‌سی‌سی‌پی»^۸ نمایشنامه بعدی دورنمات در سال ۱۹۵۳ نوشته شد. در این نمایشنامه، بیش از هر چیز تلاش دورنمات برای رهائی از قید و بندهائی که رعایت آنها بر دست و پای نمایشنامه‌نویسان سنگینی می‌کند به چشم می‌خورد، اثر بعدی دورنمات «فرشته‌ای به بابل می‌آید»^۹ در سال ۱۹۵۳ منتشر شد و ابتدا در مونیخ به صحنه رفت، این اثر در حقیقت بکارگیری يك موضوع افسانه‌ایست در بابل قدیم و در زمان حکمرانی بخت‌نصر Boxta nasar بر این سرزمین. نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده^{۱۰} یا دیدار (۱۹۵۵) اثر بعدی دورنمات به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران موفق‌ترین نمایشنامه وی محسوب می‌شود. داستان این نمایشنامه ظاهراً ماجرای يك شهر است، شهری بنام گولن Golen، اما در حقیقت داستان يك جامعه انسانیست که در هر کجای این جهان می‌تواند باشد، قریب چهل سال پیش در گولن «کلارا»^{۱۱} که دختری زیبا و بی‌نام و نشان بوده با جوانی بنام آلفردایل^{۱۲} دوستی عاشقانه داشته است، آلفردایل در آن ایام باو قول ازدواج داده و کلارا هم براساس وعده‌های او پیش از ازدواجشان از ایل باردار می‌شود. اما آلفردایل بقول خودش وفا نمی‌کند و با رشوه دادن به شهرداری در دادگاه سبب می‌شود که کلارا در حالی که آبستن پاهای شهر گولن را ترك کند ایل پس از مدتی با دختر یکی از تجار شهر ازدواج می‌کند و بنظر می‌رسد که با گذشت زمان همه چیز را فراموش می‌شود. اما کلارا اکنون زنیست که به خاطر ازدواج‌های پرسود یکی از ثروتمندترین زنان



صحنه ای از نمایشنامه فرشته ای به بابل می آید

اثر دورنمای آلمان

جهان است و مردم شهر امیدوارند که وی که بار دیگر به شهر زادگاهش گولن بازگشته است با بذل و بخشش خود آنها را از تنگدستی و بدبختی نجات دهد، کلارا زاخانسیان در جمع مردم شهر اعلام می‌دارد که حاضر است يك ميليارد از ثروت خود را بین مردم شهر تقسیم کند در ازای اجرای عدالت، به این ترتیب که مردم گولن آن بی‌عدالتی را که چهل سال قبل در گولن نسبت به او مرتکب شده‌اند جبران کنند، یعنی اهالی شهر پدر فرزند نامشروع او را (آلفردایل) که با دادن رشوه به شهرد مسئولیت خود را انکار کرده بود بقتل برسانند.

ترجیهی که دورنمات از علت گناه و نیز ضعف و پلیدی انسان دارد چنین است:

هیولاهای موحش بی‌شمارند،

زلزله‌های سهمگین

آتشفشانها، طوفانهای دریانی

همینطور جنگها و زره‌پوشهانی که مزارع ما را ویران می‌کند،

و قارچ خیره‌کننده و خورشیدآسای بمب اتم

ولی هیچک موحش‌تر از هیولای فقر نیست

چه در فقر حوادث راه ندارد

و نوع بشر در آن مأیوس و ناامید پیچیده می‌شود

و ردیف می‌کند روزهای خراب را در پشت روزهای خراب^{۱۳}.

در ملاقات بانوی ساخورده «عدالت» یا بی‌عدالتی اجرا می‌شود اما جدا کردن ایندو در این بازی شوم بر عهده تماشاگر و خواننده اثر دورنمات است، قدرت تحمل و تحرك داستان نه مربوط به سرنوشت است و نه از حس گناه درونی فرد سرچشمه می‌گیرد بلکه چرخهای گرداننده این تحرك را پول، آنهم وعده آن بوجود می‌آورد^{۱۴}.

نمایشنامه بعدی دورنمات فیزیکدانها^{۱۵} نام دارد، این اثر را دورنمات در سال ۱۹۶۲ نوشت ماجرای آن در يك تیمارستان می‌گذرد که مخصوص دانشمندان دیوانه‌ایست که هر کدام عقیده دارند که شخص دیگری هستند، بوتلر (Beutler) معتقد است که نیوتن است، ارنستی (Ernesti) خود را انیشتین می‌انگارد و موبیوس Mobius خود را حضرت سلیمان، تصور می‌کند. نمایشنامه فیزیکدانها در عین ساده بودن اثریست پیچیده، صاحب نظران در مورد این اثر معتقدند که در آن گرایش نویسنده به تئاتر پوچی Theater Absurd بخوبی احساس می‌شود.

یکی دیگر از نمایشنامه‌های دورنمات «بازی استریندبرگ» نام دارد. این اثر اقتباسی است از نمایشنامه «رقص مرگ» اثر اگوست اسنریندبرگ. نمایشی درباره زندگی زناشویی و ازدواج.

استریندبرگ متأثر از تجربه‌های تلخ و عمیق در زندگی زناشویی ازدواج را جهنم می‌بیند بدون اینکه زن یا مرد را تنها مقصر بداند. نمایشنامه همانند رینگ بوکس راند بندی می‌شود و هر تابلو همانگونه که در رینگ بوکس مرسوم است با صدای زنگ شروع می‌شود و با صدای زنگ خاتمه می‌یابد.

«هرکول و طویلۀ اوجیاس» نمایشنامه دیگر دورنگات است که در آن شهری تصویر می‌شود که از زباله انباشته شده است. مردم، گاوها و گوسفندها همگی در زباله میلولند و انبوه زباله‌ها زندگی مردم شهر را فلج کرده است. اوجیاس حاکم شهر، برای روییدن زباله‌ها، مردم را برمی‌انگیزد تا از هرکول که از اعقاب خدایان اله است و از قدرتی اساطیری بهره‌مند است برای روییدن زباله‌ها دعوت کنند و او نیز حکومتش را بدون مشکلی ادامه دهد، هرکول می‌آید تا شهر را به نور و پاکی شستشو دهد و رودخانه‌ها را بگشاید اما در برخورد با واقعیت‌های زمینی سیمای دروغین و اساطیرش آشکار می‌گردد.

دورنگات را باید نویسنده‌ای به حساب آورد که همیشه تحلیل‌گر خصوصیات انسان است، حتی در آن دسته از نمایشنامه‌هایش که موضوع سیاسی دارند به بررسی وضع بشر می‌پردازد، او این مسئله را عمیقاً احساس کرده که مشکلات و مسائل بشریت در شرایط کنونی غیرقابل حل است. به همین جهت روش او پناه بردن به جنبه طعنه آمیز زندگی است.

آثار دورنگات عموماً ظاهری کمدی دارند و یا مانند نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده کمدی تراژدی هستند و تا حد زیادی متأثر از سنت‌های افسانه‌ای کروتسک (Grotesk) آلمانی است دورنگات در مورد اینکه چرا در عصر ما و در شرایط سوداگری و کنونی، تراژدی واقعی نمی‌تواند بوجود آید نظری ارزنده به شرح زیر ارائه داده است: «دنیای آشفته ما بیشتر جانیست برای کمدی تا تراژدی، از آن هنگام که ایجاد تراژدی واقعی امکان‌پذیر نیست، کمدی بیان خوبی برای عرضه حقایق است. حال که نژاد سفید همچنان می‌کوشد تا برتری خویش را ثابت کند. دیگر انسان گناهکار یا مسئول وجود ندارد، همه ادعا می‌کنند که مقصر نیستند تمام حوادث بدون آنکه شخص بخصوصی خواسته باشد. اتفاق می‌افتد. ما هیچ‌یک گناهکار نیستیم. ما تنها فرزندان پدرانمان هستیم و این گناه ما نیست، بلکه از بخت بد ماست. گناه مستلزم عمل فردی است. گناه عمل مذهبی است. تنها کمدی می‌تواند توجیه‌کننده موقعیت ما باشد. دنیا ما را به ورطه عجیب و مسخره‌ای کشانده است، راه ما همانطور که در سیاست به پب اتم رسیده است، در تئاتر نیز به کمدی ختم می‌شود.»

شهاب آسمانی^۴، غروب روزهای آخر پائیز^۵، پنجری^۶ و گفتگوی شبانه^۷ از دیگر آثار دورنگات است که به فارسی نیز ترجمه شده‌اند.

1. *Kondl Fingen*

۲. برن Bern پایتخت کشور سوئیس.

3. *Reynold Dursenmalt*

4. *Problems of The Theater.*

5. *All It is Written* (۱۹۳۷)

6. *Blind Men*

7. *Romulus The Great*

۸. ازدواج آقای سی سی سی سی، *The Marriage of Mr. Mississippi*. ترجمه حسین سمندریان و حمید سمندریان، تهران مروارید ۱۳۵۳.

۹. فرشته‌ای به بابل می‌آید *An Angel Gumes to Babylon*.

۱۰. ملاقات بانوی سالخورده یا دیدار *Der Besuch der alten Dame* (The Visit). ترجمه حمید سمندریان، تهران، مروارید ۱۳۵۳.

11. *Kalala*

12. *Alfred III*

۱۳. ملاقات بانوی سالخورده، فردریک دورنمات، ترجمه حمید سمندریان ۱۳۵۱، ترجمه اشعار از فروغ فرخزاد.

۱۴. بروشور نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده، کار حمید سمندریان.

۱۵. فیزیکی‌دانها *The phycists*

۱۶. Meteor شهاب آسمانی ۱۹۶۶

۱۷ و ۱۸. غروب روزهای آخر پائیز، پنچری. *Abendstunde in Spaterbst* (ein Horspiel)

ترجمه حمید سمندریان تهران، مروارید ۱۳۵۳.

۱۹. گفتگوی شبانه (ضمیمه کتاب دو نمایشنامه شامل «دود» از ویلیام فالکنتر ترجمه و اقتباس علیرضا میهنی- تهران ۱۳۴۹.

منابع

1. *Mc Graw-Hill Encyclopedia of world Drama-Volumel*

ملاقات بانوی سالخورده، فردریک دورنمات ترجمه حمید سمندریان ۱۳۵۱، بروشور نمایشنامه ملاقات بانوی سالخورده، حمید سمندریان.

jean Giraudoux

ژان ژیردو ۱۸۸۲-۱۹۴۴ م

ژان ژیردو در بیست‌ونهم اکتبر ۱۸۸۲ در ناحیه بلاک^۱ واقع در یکی از ایالت‌های فرانسه بنام اوت وین^۲ متولد شد. پدرش کارمند اداره پلها و راههای شوسه بود که بعدها مأمور دریافت مالیات شد. ژان ژیردو دو سالهای آغازین دوران تحصیل را در مدرسه همان ناحیه گذارنید. در یازده سالگی او را نزد برادر بزرگترش به دبیرستان شبانه‌روزی شاتورو^۳ فرستادند. از این تاریخ تا سن ۲۳ سالگی ژان ژیردو دو راز محیط خانواده و در محیط شبانه‌روزی بسر برد. تماس با دنیای خارج از خانه و آدمهای گوناگون از سنین نوجوانی برای او تجربیات گرانقدری به‌مراه داشت. در دوران تحصیل ژیردو در زمره شاگردان ممتاز بود و در مسابقات ورودی و نیز رشته‌های ورزشی جوانی موفق و ورزیده بود. در سال دوم دبیرستان بورس بهترین دانش‌آموز را بخود اختصاص داد و از آن پس با هزینه این بورس وضع مالیش خوب و مرفه شد. هنگامیکه ژیردو در سال تحصیلی ۱۸۹۶ سال سوم دبیرستان را سپری می‌کرد انشاءهای او در ساعات درس ادبیات از استعداد سرشار او حکایت می‌کرد.

سال آخر دبیرستان را در مدرسه کامال^۴ نزدیک پاریس گذارنید و سپس خود را برای شرکت در دانشسرای عالی آماده کرد. در سال ۱۹۰۲ جایزه زبان فرانسه و نیز جایزه عالی این مدرسه به او



ژان ژیرودو

۱۳۴۶ شمسی ورود آتش «دانشجویان» شبانه را منع می کند





نمایشنامه «زیگفريد» اثر ژيروودو پاریس ۱۹۵۲

تعلق گرفت و ژیردو در رشته زبان یونانی و کنکور عمومی رتبه اول را بدست آورد. ژیردو قبل از ورود به دانشسرای عالی وارد خدمت نظام شد و با عنوان گروهیان پیاده خدمتش را پایان رسانید.

در سال ۱۹۰۴ در رشته ادبیات آلمانی در دانشگاه سوربن به تحصیل پرداخت و سال بعد همزمان با تحصیل ادبیات آلمانی در بخش فلسفه یونان و آلمان نیز به مطالعه پرداخت، بعد از پایان تحصیلات راهی آلمان شد. مدتی در مونیخ به تحصیل پرداخت و پس از سفری چند ماهه به ایتالیا در سال ۱۹۰۶ به فرانسه بازگشت. در همین ایام نخستین صفحات کتاب «شهرستانیها»^۵ را در یکی از مجلات پاریس منتشر کرد، در سال ۱۹۰۷ بعنوان استاد میهمان زبان فرانسه به دانشگاه هاروارد در آمریکا رفت. در بهار ۱۹۰۸ به فرانسه بازگشت و در مجله «صبح»^۶ به نوشتن داستان‌هایی زیر به عنوان «قصه‌های يك صبح»^۷ پرداخت.

ژیردو در سال ۱۹۱۰ در کنکور وزارت امور خارجه شرکت کرد و پس از چندی به مقام معاونت کنسولی رسید، همین سالها ضمن اداره روزنامه وزارت خارجه فرانسه، رمان «بی تفاوت‌ها»^۸ را نیز نگاشت. آنگاه در سال ۱۹۱۲ از طرف دولت فرانسه به مأموریتی در اروپای مرکزی و روسیه فرستاده شد دو سال بعد رمان «سیمون حساس»^۹ وی در یکی از مجلات فرانسوی منتشر شد.

با آغاز جنگ جهانی اول در ۱۹۱۴ ژیردو ابتدا به جبهه آلزاس^{۱۰} و سپس به «مارن»^{۱۱} اعزام شد. پس از دوبار مجروح شدن بالاخره در پاریس بستری شد، هنگامیکه به همراه دیگر برادران سربازش در جبهه‌های جنگ بسر می‌برد، نظام جهان و ارزش‌های آن اندیشه او را به خود مشغول کرد، به مسئولیت بشر در مصائب و جنگ‌هایی که خود می‌سازد و می‌آفریند نیز بسیار اندیشید، فکر نوشتن نمایشنامه «جنگ تروا اتفاق نمی‌افتد»^{۱۲} نخستین بار در همین سالها به ذهنش خطور کرد، سالها بعد هنگامیکه سمت سفیر فرانسه را در آلمان عهده‌دار بود قبل از آغاز جنگ جهانی دوم بسیار کوشش کرد تا از بروز جنگ بین دو کشور همسایه یعنی فرانسه و آلمان جلوگیری کند، اما کوشش‌های او موثر نیفتاد و جنگ خائمانسوز رخ داد و جهان را به آتش کشید. ۱۹۱۶ به مأموریتی در پرتقال اعزام شد و سال بعد به هاروارد رفت و به تدریس پرداخت.

در سال ۱۹۲۰ ریاست سرویس آثار فرانسوی برای خارجیها را برعهده گرفت. در این ایام تقریباً هر سال يك اثر از او منتشر می‌شد، در سال ۱۹۲۱ ازدواج کرد و در پایان ریاست سرویس اطلاعات و روزنامه‌ها در وزات خارجه بعهدہ گرفت، در سال ۱۹۲۷ به ترکیه رفت و تا سال ۱۹۳۴ در آنجا

با آرامش خیال چندین نمایشنامه نوشت، نمایشنامه‌ی زیگفريد.^{۱۲} از آن حمله است، نمایشنامه زیگفريد در ماه مه ۱۹۲۸ در تئاتر شانزده لیزه^{۱۳} برای نخستین بار بصحنه رفت و مورد استقبال قرار گرفت، ژیردو این نمایشنامه را در ۴۶ سالگی تکمیل کرد، در این نمایشنامه مایه‌های جنگ و صلح، روابط فرانسه و آلمان و نیروی عشق میان زن و مرد، مطرح می‌شود.

در سال ۱۹۴۰ ژیردو در پاریس که به اشتغال نازیها درآمده بود، در هتلی زندگی می‌کرد و در همانجا با دوستانش طرح دوباره قد علم کردن فرانسه را پی‌ریختند. همین ایام نمایشنامه «سودوم و گومورا»^{۱۵} که براساس افسانه‌های مذهبی تنظیم گردیده بود بصحنه رفت، در این نمایشنامه دنیایی پریشان و تهی که در تباهی غوطه‌ور است تصویر می‌شود، در چنین دنیایی خداوند ندا در می‌دهد که اگر يك زوج واقعی در این سرزمین پیدا شود آنها از نابودی نجات پیدا خواهند کرد، اما می‌بینیم که آنچه مشهود است چیزی بجز تظاهر به خوشبختی نبوده و بالاخره جامعه‌ای که پایه‌هایش بر دروغ و تظاهر بنا شود فرو ریختنی است.

در برخی از آثار ژیر دو گهگاه افکار بدبینانه‌ای بچشم می‌خورد که مربوط به دورانیست که او در مدرسه شبانه‌روزی «شاتورو» به تحصیل مشغول بوده و این افکار در ذهن جوان او ریشه دوانیده است، از آن جمله رمان «کلیو دوست داشتنی»^{۱۶} و نمایشنامه نبرد همراه با فرشته^{۱۷} را می‌توان نام برد. آخرین نمایشنامه ژیردو که در زمان حیاتش بر صحنه رفت، «سودوم و گومورا» بود که در زمان اشغال فرانسه در پاریس به نمایش گذاشته شد، مرگ ناگهانی ژیردو در ۳۱ ژانویه ۱۹۴۴ در سن شصت و یکسالگی نگذاشت که او بار دیگر فرانسه آزاد را چنان که در آرزویش بود و طرح آنرا در اثر مشهور خود دیوانه‌شایو^{۱۸} ریخته بود ببیند. از ژیردو رویه‌رفته ۳۷ رمان و نمایشنامه بر جای مانده است، آثاری که مربوط به شانزده سال دوری ژیر دو از فرانسه است و شامل یازده نمایشنامه بلند و چهار نمایشنامه تك پرده‌ای است، آشنایی و همکاری ژیردو با کارگردان و بازیگر بلند آوازه فرانسوی لونی ژووه^{۱۹} در شکوفانی خلافت ژیردو بسیار موثر بود، چندین اثر ژیردو را لونی ژووه با اجراهای چشمگیری بصحنه برد.

برخی از صاحب نظران آثار این نویسنده را بخاطر شیوه موثر و استواری که سرشار از هیجانات طولانی است و از تصاویر شاعرانه و طنزی پرمایه برخوردار است می‌ستایند، برخی نیز معتقدند که ژیردو از شیوای سحرآمیز و جادویی بهره‌مند است، بیشتر نمایشنامه‌های ژیردو از افسانه‌ها و

اسنطیر و قصه‌ها الهام گرفته شده است.

آمفی‌تریون^۱ عنوان یکی از کمدی‌های پلوتوس^۲ که در خلال قرون با الهام از آن آثار متعدد دیگری نوشته شده است. ژان ژیردو نیز بر اساس این اثر نمایشنامه‌ای در ۱۹۲۹ نگاشت و آنرا «آمفی‌تریون^۳» نام گذاشت. وی عقیده داشت که اثرش سی و هشتمین نمایشنامه‌ایست که براساس کمدی آمفی‌تریون اثر پلوتوس بازسازی شده است.

نمایشنامه‌های جودیت^۴ ۱۹۳۱، انیترمیزو^۵ ۱۹۳۳، تزه^۶ ۱۹۳۴، جزیره دست نیافته^۷ ۱۹۳۵،
^۸ «ببرو دروازه‌ها» ۱۹۳۵، الکترا^۹ ۱۹۳۷، پاریس تسخیر ناپذیر^{۱۰} ۱۹۳۷، آواز آوازها^{۱۱} ۱۹۳۸،
^{۱۲} «اوندین» ۱۹۳۹ و معبد آپولون^{۱۳} ۱۹۴۲ نمایشنامه‌های دیگر ژیر دواند.

1. Bellec
2. Haute Vinna
3. Chataroux
4. LaKamal
5. Les Provinciales
6. Lematin
7. Contesd, unmatin
8. Des Indifferentes
9. Simone LZ pathetique
10. ALZ asse
11. Meme
12. Leguerre de Troien, auraPaLieu,
13. Siegfried
14. Champ-Elyse
15. Sodomeet Gomorrahe
16. Adorable Clio
17. (Combat avec Lange) Duel d'angels
18. La folle de Chailor
19. La folle de jouret
20. Amphitryon
21. Plutus (۲۵۱-۱۸۴ ق.م)
22. Amphitryon38
23. Judith
24. Intermezzo
25. Tessa
26. The virtuous Island
27. Tiger atthe Gattes
28. Electra
29. The Paris Imromptu
30. Song of Songs
31. Ondine
32. The Apollonof Bellec

منابع

1. A Dictionary of the Theatre, John Russell Taylor/Penguin Reference Book
2. Mc Graw Hill Encyclopedia World Drama. Vol2

۳. جنگ ترو اتفاق نمی افتد، (مقدمه) اثر ژان ژیردو ترجمه عفت برادران رحیمی انتشارات طوس تهران

۴. پایان نامه لیسانس «ژان ژیرادو و نمایشنامه اوئدین» هادی خاموش، دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران.

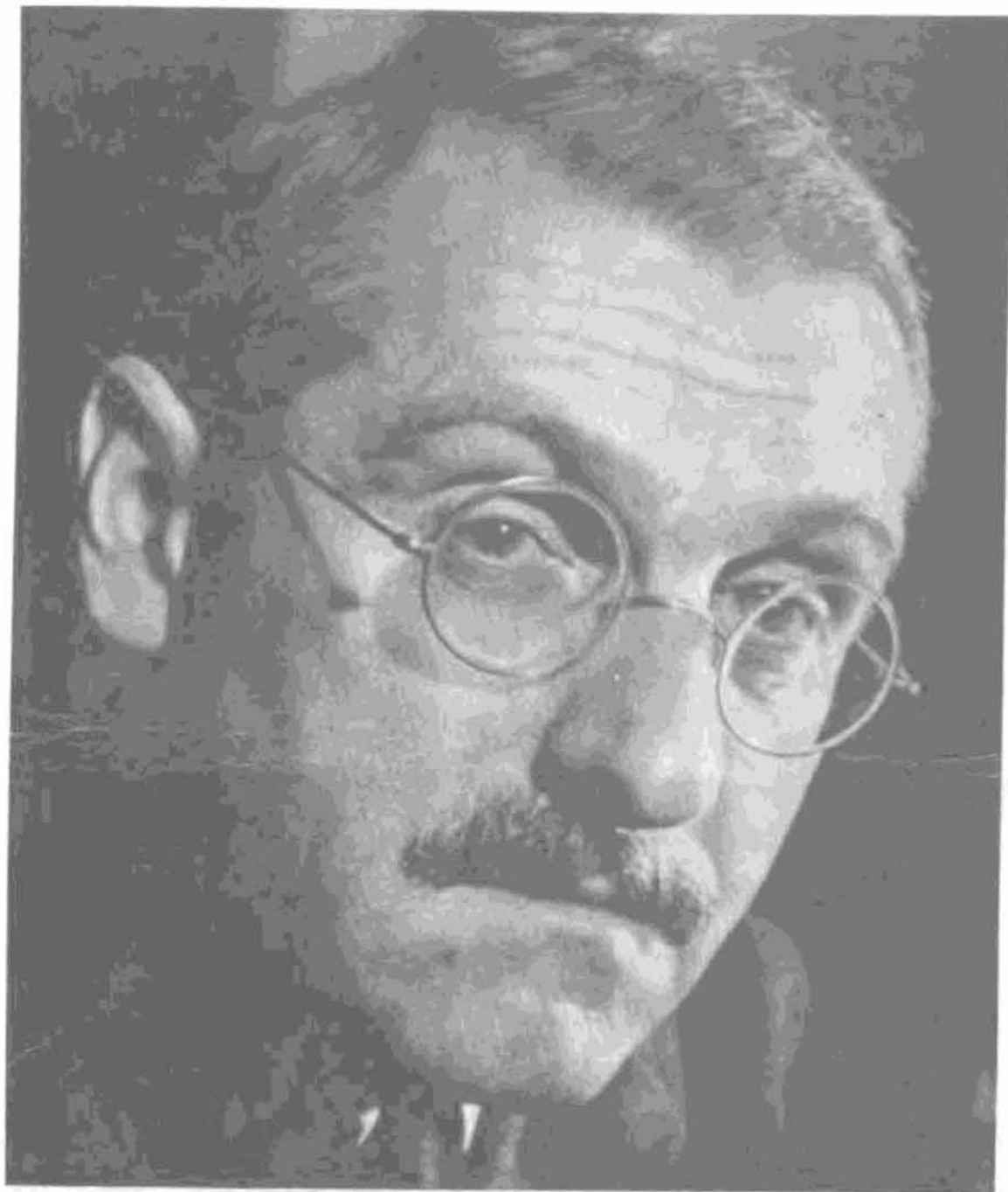
Jean Anouilh

تولد ۱۹۱۰م

ژان آنوی

ژان آنوی در ۲۳ ژوئیه ۱۹۱۰ در شهر «پردو» فرانسه دیده به جهان گشود. پدرش به حرفه خیاطی اشتغال داشت و مادرش موزیسینی بود که ویلون می نواخت، کودکش با آرامش مپری شد. دوران ابتدائی را در مدرسه کلبرت Colbert گذارید و سپس وارد دبیرستان شاپتال Chaptal شد. هشت ساله بود که توسط یکی از اقوامش به کازینوی آرکاشون Arcachon که در آن کار می کرد راه یافت، او در آنجا فرصت می یافت تا نمایشنامه های فراوانی را ببیند، درباره این دوران آنوی چنین می گوید: «هنرپیشگان مرا مجذوب می کردند، همه گروهها، بازیگران نقش های مشخص چون دلکها، قهرمانان جوان، خیانت پیشگان و عشاق، برایم بسیار جالب بودند هر چند می بایست بعد از پرده اول سالن را ترک کنم و به رختخواب بروم ولی در همان مدت کوتاه بازیگران مرا سخت به هیجان می آوردند.» نخستین اشعارش را در سن دوازده سالگی سرود و شانزده سال بیشتر نداشت که نمایشنامه ای نوشت با نام «زن روی بخاری».

هنگامیکه بسیار جوان بود به پاریس رفت و در آنجا جهان تناثر او را مجذوب کرد و بسوی مطالعه آثار نمایشنامه نویسان بزرگ کشیده شد. آنوی در این باره می گوید: «من بی استاد بزرگ شدم و تا سال ۱۹۲۸ کلودل^۱ را درست نمی شناختم و آثار پیراندللو^۲ و برنارد شاو^۳ را در جیب داشتم.



ژان آنوی

اما با وجود این تنها بودم، تنها با ترسی که بزودی بیست سالم می‌شد، تنها با عشق به تئاتر و تمام ناپختگی‌م.

در چنین وضعی که در تئاترها غایب‌های عادی اجرا می‌شد چه کسی می‌توانست راهنمای من باشد، هیجده ساله، تحصیل نکرده و برای معاش سرگردان و این ترس، ترس بی‌پایان...

در سال ۱۹۲۸ موفق می‌شود نمایشنامه «زیگفرید»^۴ اثر ژان ژیرودو^۵ را بکارگردانی لونی ژووه^۶، در پاریس ببیند و بشدت تحت تأثیر این اثر قرار می‌گیرد، از آن زمان آنوی احترام عمیقی برای ژان ژیرودو قائل گردید. در یکی از نامه‌هایش برای ژان ژیرودو می‌نویسد، من به شما نگفتم آن شبی را که «زیگفرید» شما را دیدم یکباره پرده‌تار از برابر چشمانم کنار رفت و همه چیز را فهمیدم، در آن شب فهمیدم که در کجا قرار گرفته‌ام، من آن شب را هرگز فراموش نکرده‌ام و فراموش نخواهم کرد، در آن شب حتی در لحظاتی که همه تماشاچیان می‌خندیدند، من تنها کسی بودم که گریستم...

آنوی در پاریس وارد دانشگاه شد و به تحصیل رشته حقوق پرداخت، آنگاه مدت دو سال در يك مؤسسه تبلیغاتی به کار پرداخت. با تلاشی پیگیر در سال ۱۹۳۱ منشی لونی ژووه کارگردان مشهور تئاتر شد. اما یکسال بیشتر در این کار نماند و سپس برای آنکه تمامی وقتش را صرف نوشتن نمایشنامه کند از این کار کناره گرفت، نخستین اثری که از او بصحنه رفت و موفقیتی کسب کرد نمایشنامه هرمین^۷ L'Hermine نام داشت.

در سال ۱۹۳۷ آنوی با کارگردانان نامی چون آندره بارساک^۸ و زوج هنری ژورژ و لودمیلایپتیوف^۹ که نمایشنامه‌های مسافر بی‌توشه^{۱۰} و «وحشی‌ها»^{۱۱}ی او را به اتفاق همسرش کارگردانی کردند آشنا شد. بارساک در ۱۹۳۸ نمایشنامه رقص دزدان^{۱۲} او را که یکی از جذابترین کمدی‌هایش است بصحنه برد که موفقیت چشمگیری کسب کرد.

آنوی بعد از اینکه در تئاتر موفقیتی بدست آورد، اولین مجموعه آثارش را که بر هر يك نامی نهاده بود منتشر کرد همچون مجموعه نمایشنامه‌های سیاه، نمایشنامه‌های سرخ، و نمایشنامه‌های دندان قروچه‌ای.

بخشی از آثار آنوی اقتباس از آثار قدیمی و مضامین تاریخی است، از میان این آثار می‌توان آنتیگون^{۱۳} ۱۹۴۴، اقتباس از اثر سوفکل، مده‌آ^{۱۴} ۱۹۵۳، اقتباس از اثر اوریپید، چکاوک^{۱۵}، ملهم از سرگذشت ژاندارک و بکت^{۱۶} ۱۹۵۹ که برگرفته از تاریخ نورومانهاست، رمنو و ژانت^{۱۷} ۱۹۴۶، اقتباس از رمنو و ژولیت اثر ویلیام شکسپیر است.



صحنه ای از نمایش والس گاوبازان - آثر آنوی ۱۹۵۸



صحنه ای از نمایشنامه «مده آ» اثر آنوی اجرا فرانسه

در سال ۱۹۴۵ یکی از دوستان شاعرش بنام برازیلاخ^{۲۱} تیرباران شد، بنابر گفته خود آنوی «از روزی که برازیلاخ تیرباران شد و سالهای بعد از آن، من صاحب سبکی در نویسندگی شدم و اکثر قهرمانان آثارم را غمگین آفریدم».

آنوی در غایشنامه‌های خود که پیش و پس از جنگ جهانی دوم نوشته شده است با استفاده از همه‌ی اصول و تکنیک‌های تئاتری مسائلی را مطرح می‌کند که مسائل زمانش محسوب می‌شود. همراه با نوعی خلوص و صفای آمیخته با استقامت و بدبینی در برابر دنیای بیمار و غیرقابل علاج. در یکی از مجموعه‌ی غایشنامه‌های او که به غایشنامه‌های سیاه^{۲۲} (بمعنی جدی) منتشر شد، آنوی نجابت و خلوص را بسوی مرگ رهنمون می‌شود تا در آنجا آرامش یابد. چیزی که زندگی نمی‌تواند بدهد، از آن جمله غایشنامه‌های آنتیگون، مده‌آ، اوریدیس^{۲۳} ۱۹۴۲ و عشق تنبیه شده^{۲۴} ۱۹۵۰ را می‌توان نام برد.

در غایشنامه اوریدیس ۱۹۴۲، اورفه ویلونست کافه‌هاست و اوریدیس هنرپیشه تئاترهای درجه سه است، آنها نمی‌توانند در زندگی خوشبخت شوند، چرا که زندگی زشت و کشیف است و آرامش و آزادی تنها در مرگ میسر است، این بدبینی و تنفر از اجتماع در آثار دیگر آنوی که به آنها غایشنامه‌های سرخ^{۲۵} (سرخ در اینجا بمعنی شاد گرفته شده) گفته می‌شود نیز دیده می‌شود. همچون غایشنامه‌های رقص دزدان، راندووه درسان‌لی^{۲۶} ۱۹۴۱، لئوکادیا^{۲۷} ۱۹۳۹، و دعوت به قصر ۱۹۴۷^{۲۸} در غایشنامه‌های بعدی که آنوی به آنها عنوان غایشنامه‌های «دندان قروچه»^{۲۹} ای داده است مشکلاتی که در راه عشق و پیوندهای انسانی قرار گرفته و راه آنها را سد نموده است بررسی می‌شود، از این نمونه غایشنامه آردل^{۳۰} یا گل مینا ۱۹۴۸، داستان دو قوزی است که همدیگر را دوست دارند، اما اقوامی که خودشان ضعف‌هایی دارند، نمی‌توانند عشق آنها را تحمل کنند و عاقبت با دخالت‌هایشان آنها را به سمت خودکشی سوق می‌دهند.

تم‌ها و مضامین عمده‌ای که آنوی در آثارش بکار می‌گیرد بصورت مشخص عبارتند از فقر که بصورت هیولای موحشی انسانها را نابود می‌کند، پول که انسانها از سونی آنها جستجو می‌کنند و از سوی دیگر از آن می‌گریزند چرا به جهاتی هم عامل و هم مانع پیروزی و موفقیت در عشق است و «خاطرات گذشته» که سبب می‌شود در آن هنگام که آدمی در مهلکه زندگی با همه فراز و فرودش همچون پرگاهی به هر سو کشانیده می‌شود و او را به بی‌قیدی، کینه، دشمنی و بی‌اعتنایی به مظاهر برجسته انسانی وامیدارد و ناچار می‌شود گذشته خود را انکار کند و با برای گریز از واقعیات دردآور زندگی به تخیلات و عالم شیرین رویا پناه برد، شاید در آنجا امکان خوشبختی فراهم باشد.

دانشور.

۶. کلمب، ژان آنوی ترجمه اسماعیل شنگله، برای صحنه نمایش ترجمه و اجرا شد ۱۳۴۸ تهران.

نالار موزده.

۷. مسافر بی توشه، ژان آنوی، ترجمه افضل وثوقی انتشارات روز ۱۳۴۷.

۸. دختر وحشی. « « « اقدس یغمائی، انتشارات جوانه ۱۳۴۶.

1. *Bordeaux*
2. *La femme Sur la Cheminee*
3. *Paul Claudel (1868-1955)*
4. *Luigi Pirandello (1867-1936)*
5. *George Bernard Shaw (1856-1950)*
6. *Siegfried*
7. *jean Giraudoux (1882-1944)*
8. *Louis Jouvet*
9. *L'Hermine*
10. *A. Barsacq*
11. *Georges & Ludmila Pitoff*
12. *Le Voyageur Sans bagage (1937)*
13. *La Sauvage*
14. *Le Bal des Voleurs*
15. *Antigone*
16. *Medee*
17. *L'Alouette*
18. *Becket*
19. *Romeo et Jeannette*
20. *Brasillach*
21. *Pices noires*
22. *Eurydice*
23. *La Repe titon*
24. *Pieces roses*
25. *Le Rendezvous de Senlis*
26. *L'ecadia*
27. *L'invitation au Chateau*
28. *Pieces Grn Cantes*
29. *Ardele ou La Marguerita*
30. *La Grotte*
31. *Colombe (1951)*
32. *Ne Reveillez Pas Madame*
33. *Jezabel*
34. *Cecile ou L' Ecoledes Peres*
35. *La Valsa des Toreadors*

36. *Ornifle ou le Courant d'air*
37. *Pauvre Bitos Oule Diner de tetes*
38. *L'Hurtuberlu ou le Reactionnaire amoureux*
39. *La Petite Moliere*
40. *Le Boulanger, al boulangere et Le Petitmitron*
41. *Cher Antoine*
42. *Les poissins rouges Perece heros*
43. *LE, Directeur de l'opera*

منابع

1. *Antigone, Jean Anoulth Par Jacques Monfener, Bordus, Paris 1968.*
2. *Dictionary of Theatre, John Russel Taylor Penguin Reference Book.*
3. *McGrow-Hill Encyclopedia World Drama.*

۴. مقدمه مسافر بی توشه. ژان آنوی. ترجمه افضل وثوقی. انتشارات روز ۱۳۴۷.
۵. پایان نامه لیسانس، درباره ژان آنوی، سریندخت روشن منش. دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۴.
۶. رومنو و ژانت، ژان آنوی ترجمه اسماعیل شنگله، انتشارات رادیو تلویزیون ۱۳۵۳.
۷. بروشور نمایشنامه آنتیگون، اثر ژان آنوی، اجرا در تئاتر شهر ۱۳۵۱.

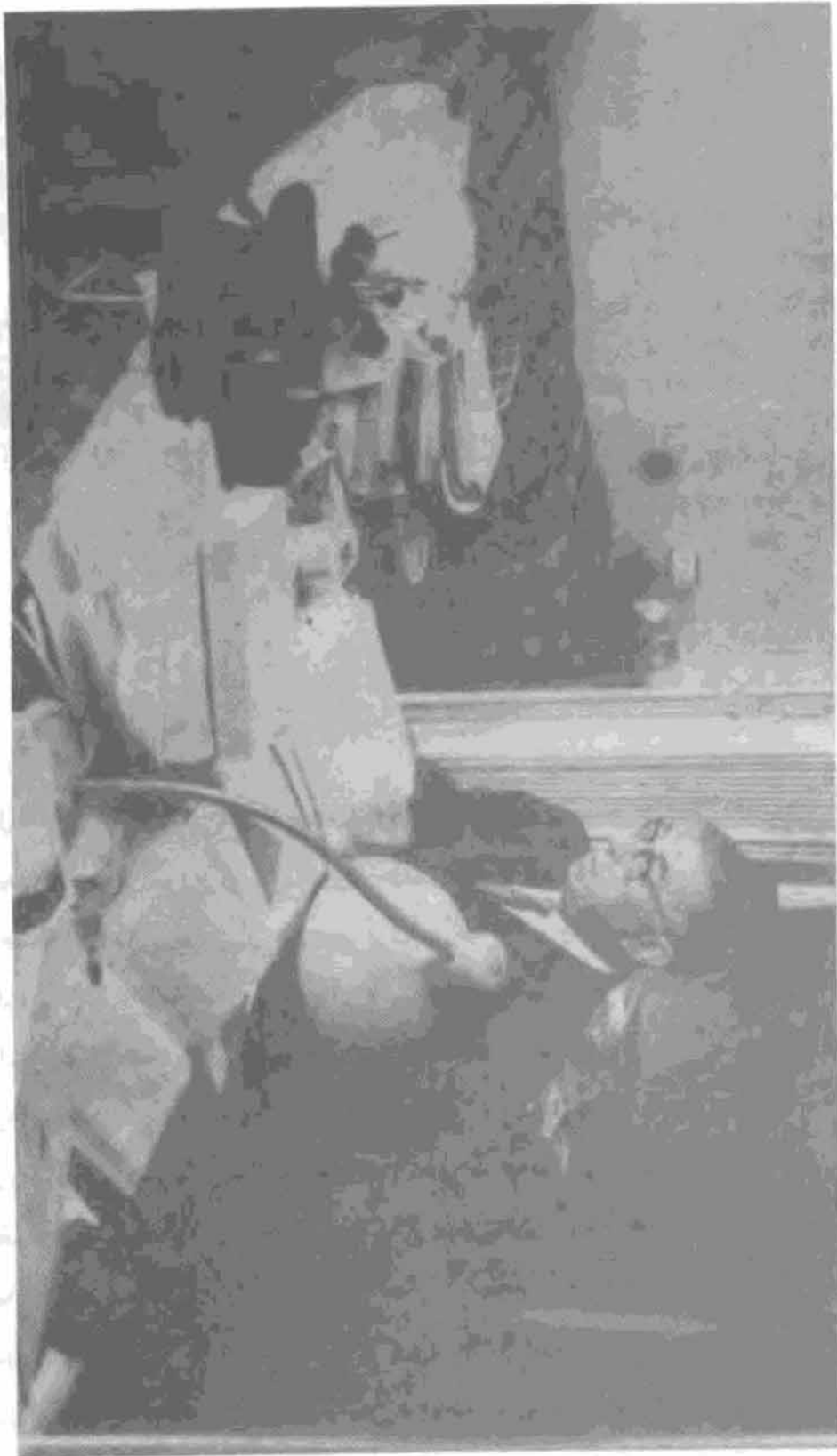
Jean Paul Sartre

ژان پل سارتر ۱۹۸۰-۱۹۰۵ م

ژان پل سارتر فیلسوف، داستان‌نویس، نمایشنامه‌نویس و نویسنده مقالات، بسال ۱۹۰۵ در پاریس دیده به جهان گشود. پدرش افسر نیروی دریایی بود و دو سال بعد از تولد، «ژان» در هندوچین مبتلا به بیماری بومی آن سرزمین گردید و تب مزمن و جانسوز آن عاقبت چراغ عمرش را خاموش کرد به این ترتیب غبار یتیمی در چهره او نقش بست. او در خانه جد مادری خود با نام شارل شوابتز^۱ که استاد زبان آلمانی بود بزرگ شد. هنگامی که یازده ساله بود مادرش مجدداً ازدواج کرد و سارتر ناگزیر با مادرش به شهر لاروشل^۲ نقل مکان کرد، سارتر در آنجا دوران دبیرستان را به پایان رسانید و سه سال بعد به پاریس بازگشت، در سال ۱۹۲۴ در دانشسرای عالی پاریس بخواندن فلسفه پرداخت و در سال ۱۹۳۹ به دریافت دانشنامه دکترا در فلسفه نائل آمد. پس از پایان تحصیلات در لوهاور^۳، لانون^۴ و سپس در پاریس به تدریس در دبیرستان مشغول شد، آثاری همچون تخیل^۵ (۱۹۳۶) تهوع^۶ ۱۹۳۹ دیوار^۷ ۱۹۳۹ و تنوری احساس^۸ را انتشار داد.

داستان کوتاه او «بنام دیوار» شاید بیشتر از هر داستان دیگری مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و اثر دیگرش بنام تهوع مشهورترین داستان سال شناخته شد. از این پس توفیق سارتر سریع و پراوازه بود. در همین اثنا جنگ دوم جهانی آغاز شد این جنگ بسیاری از مباحث ذهنی را برای

سازمان
پایه





نکراسف - اثر ژان پل سارتر پاریس

سپهر - کتابخانه ملی و موزه ملی ایران



سارتر حل کرد ابتدا به خدمت در دایره هواشناسی ارتش فراخوانده شد کمی بعد در حین پیشرفت فاتحانه آلمانیها در تابستان ۱۹۴۰ اسیر شد، ولی با زیرکی آلمانیها را متقاعد کرد که او را بواسطه علل مزاجی و چشم علیلش به فرانسه، تحویل دهند. پس از بازگشت به پاریس به نهضت مقاومت ملی فرانسه پیوست. در سال ۱۹۴۳ زمانی که در نهضت مقاومت به همراه گروه دیگری از روشنفکران فعال بود، به نشر آثار فلسفی خود نیز پرداخت. نخستین نمایشنامه‌اش را بنام مگسها^۱ مقارن همین ایام نوشت، وحشت او از اشغال نازیها، رنج‌های ملت فرانسه و خطرهای ناشی از شرکت در نهضت مقاومت سارتر را در نظریات خود نسبت به اخلاق بشری و آزادی انتخاب معتقدتر کرد. در سال ۱۹۴۴ دومین نمایشنامه‌اش بنام در بسته^۲، پس از آزادی فرانسه از اسارت نازی‌ها در پاریس به صحنه رفت، در سال ۱۹۴۶ نخستین شماره مجله دوران جدید Les Temps Modernes را منتشر کرد. سارتر در فاصله بین سالهای ۱۹۴۴ تا ۱۹۴۸ موفق به انتشار سه جلد از چهار جلد رمانهای پیوسته خود بنام راههای^۳ آزادی گردید در سال ۱۹۴۶ نمایشنامه روسپی بزرگوار^۴، سال بعد موقعیت^۵ ادبیات چیست^۶، بودلر^۷ و اندیشه‌هایی درباره مسئله بهود^۸ را نوشت.

در سال ۱۹۴۸ نمایشنامه مرده‌های بی کفن و دفن^۹ و همچنین کتاب فلسفی اگزیستانسیالیزم^{۱۰} و اصالت بشر نمایشنامه دستهای آلوده^{۱۱}، نمایشنامه شیطان و خدا^{۱۲}، آثاری هستند که سارتر تا قبل از ۱۹۵۰ به رشته تحریر درآورد. در سال ۱۹۵۱ ژان مقدس^{۱۳}، سال بعد نمایشنامه کین^{۱۴} که اقتباسی از اثر الکساندر دوما^{۱۵} است. نمایشنامه نکراسف^{۱۶}، در ۱۹۵۵. گوشه‌گیران آلتونا^{۱۷} در ۱۹۵۹. جنگ شکر در کوبا که حاصل سفر سارتر به سرزمین کوبا در سالهای نخست انقلاب در این کشور بود و با استقبال خوانندگان نیز روبرو گردید آثار بعدی اوست. دومین کتاب فلسفی او بنام نقد عقل دیالکتیکی^{۱۸} و اثر بعدیش هستی و نیستی^{۱۹} آثاری هستند که همواره یافتن موقعیت انسان را در جامعه و نیز مسئله خرد انسانی را دنبال می‌کنند. کتاب مشهور «کلمات»^{۲۰} در سال ۱۹۶۴ منتشر شد. این اثر دربرگیرنده خاطرات دوران کودکی نویسنده است و نیز برنده جایزه ادبی نوبل. اما سارتر به دلایل مختلف از جمله اینکه این جایزه در جهت اشاعه افکار «بورژوائی» است از پذیرفتن آن امتناع کرد.

نمایشنامه زنان تروا^{۲۱}، اقتباسی از نمایشنامه اورپید^{۲۲} در ۱۹۶۵ انتشار یافت. سارتر به عنوان يك متفکر تحت تأثیر افکار نیچه^{۲۳} و فیلسوفان اگزیستانسیستی همچون مارتین هایدگر^{۲۴} و سورن کیرکگارد^{۲۵} قرار داشت و آثارش بعد از جنگ جهانی دوم در شناساندن و ترویج فلسفه اگزیستانسیالیزم نقش عمده‌ای داشت.

سارتر در همان ایامی که در دانشگاه به تحصیل اشتغال داشت با یکی از خانم‌های همدرس خود

بنام سیمون دوبوار^{۳۳} که خود از نویسندگان بنام فرانسویست آشنا شد، این آشنایی منجر به رابطه‌ای گردید که هرچند از ازدواج‌های مرسوم کاملاً متمایز بود، اما يك عمر دوام آورد. سیمون دوبوار سه سال از سارتر کوچکتر بود و در امتحانات فارغ‌التحصیلی Agregation بعد از سارتر به رتبه دوه نائل شد و مانند او به مقام استادی رسید.

سارتر فلسفه را بیشتر از متفکران و استادان آلمانی آموخت و از هجوم و غلبه آلمانیها به سرزمین‌های اروپائی و بخصوص^{۳۴} کشورش فرانسه درس دیگری گرفت که شمه‌ای از آن را در مقاله‌ی جالب توجهی که در زمان خلاصی از اشغال آلمانیها نوشته بود بیان نموده است. مهمترین غمایشنامه بعد از جنگ سارتر شیطان و خدا است که در زمره بهترین آثار او محسوب می‌شود، محل وقوع ماجرای این اثر کشور آلمان در زمان شورش رعایا و دوره اصلاحات دینی لوتر^{۳۵} است.

دو اثر دراماتیک دیگر سارتر که بین سالهای ۴۶ تا ۱۹۴۴ نوشته شد به ترتیب غمایشنامه‌های روسپی بزرگوار و مرده‌های بی‌کفن و دفن است. این دو اثر ابتدا به اتفاق به اجرا گذاشته شدند و هر کدام از آنها به گونه‌ای قوانین متدوال تناتر فرانسه را که آن روز نویسندگان خود را تابع پیروی از آنها می‌دانستند دگرگون کرد، زیرا این دو اثر سعی داشتند به شکلی عین واقعیت را به روی صحنه تناتر مجسم سازند بدون اینکه سعی در پرده‌پوشی آنها داشته باشند. مرده‌های بی‌کفن و دفن غمایشنامه‌ای است درباره‌ی نهضت مقاومت فرانسه در زمان جنگ دوم جهانی. سارتر در این اثر بار دیگر مضمون مورد علاقه‌اش را که در غمایشنامه مکسها هم بکار گرفته بود دستمایه اثرش قرار داده است. این مضمون همان عشق و آزادی است که در آثار سارتر به وفور شاهدش هستیم.

سارتر در ۱۹۸۰ در اثر بیماری چشم از جهان فروست.

1 Charles Schweitzer

2 La Rouchel

3 L'Havre

4 Laon

5 Imaginaire

6 La Nausee

7 Le Mur

دیوار، ترجمه صادق هدایت، کتابهای پرسو ۱۳۴۹ (بهمراه داستان دیگر)

8 La Theorie de La Sentiment

۹. مکسها Les Mouches ترجمه سیمایا گویان، تهران، مازنیار، ۱۳۴۳.

۱۰. درسته (دوزخ) Huis-Clos ترجمه و مقدمه از بهمن فرزانه، جیبی تهران ۱۳۴۳.

11 Les Chemins de La Liberte

۱۲. روسپی بزرگوار La Putain Respectueuse ترجمه عبدالحسن نجفی، چاپ قائم مقام قبل از ۱۳۳۳ و همین کتاب به ترجمه بهمن نوانی، تهران، فرخی ۱۳۵۳.

13 Situation

۱۴. ادبیات چیست، Qu'est-Ceque La Literature ترجمه ابوالحسن نجفی، مصطفی رحیمی، زمان

15. Boudelair

16. Le probleme du cou Juif

۱۷. مرده‌های بی‌گفن و دفن Morts Sans Sepulture ترجمه محسن لاله‌نی ۱۳۴۹، و همین اثر به همراه مکسها و خلوتگاه، سه نمایشنامه ترجمه صدیق آذر تهران سخن ۱۳۴۹.

۱۸. اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر L'Existentialisme Est humanisme ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، تهران، مروارید چاپ دوم ۱۳۴۵.

۱۹. دستهای آلوده Les Mains Sales، ترجمه جلال آل احمد، رواق ۱۳۴۳.

۲۰. شیطان و خدا Le Diable et Le Bon Dieu ترجمه ابوالحسن نجفی، نیل ۱۳۴۴.

21 Saint Genet

22. Keen

۲۳. الکساندر دوما (پدر) Alexandre Dumas ۱۸۷۰-۱۸۰۲ میلادی، نویسنده فرانسوی.

۲۴. نکراسف Nekrassov ترجمه قاسم صنعوی، انتشارات پیام ۱۳۵۰.

۲۵. گوشه‌نشینان آلتونا Les seque tres d'Altona ترجمه ابوالحسن نجفی، انتشارات نیل ۱۳۵۲.

۲۶. نقد عقل دیالکتیکی Critique de La Raison Dialectique.

۲۷. هستی و نیستی Eine Et neant.

۲۸. کلمات Les Mots ترجمه حسینعلی جواهرچی انتشارات کاوه.

۲۹. زنان تروا Les Troyennes ترجمه قاسم صنعوی، تهران انتشارات اشرفی ۱۳۴۶.

۳۰. اورپید Euripide تراژدی‌نویس یونان باستان ۴۸۴-۴۰۶ پیش از میلاد مسیح.

۳۱. فردریش نیچه Friedrich Nietzsche فیلسوف آلمانی (۱۸۴۴-۱۹۰۰م)

۳۲. مارتین هایدگر Martin Heidegger فیلسوف آلمانی متولد ۱۸۸۹.
۳۳. سورن کیرکگارد Soren Kierkegaard فیلسوف دانمارکی ۱۸۵۵-۱۸۱۳ م او یکی از نمایندگان مشهور فلسفه اگزیستانسیالیزم محسوب می شود.
۳۴. سیمون دوپوار Simone de Beauvoir نویسنده کتابهای جنس دوم، نقد حکمت عامیانه، خاطرات، همه می میرند، که همگی به فارسی برگردانده شده اند.
۳۵. مارتین لوتر Martin Luther کشیش اصلاح طلب مسیحی در آلمان. او بانی آئین پروتستان در مذهب مسیحیت محسوب می شود ۱۵۳۴-۱۶۴۸ م.

منابع

1. Encyclope dia of World Drama Mc Graw Hill
Volume4 (S-Z)
2. A Dictionary of Theatre John Russel Taylor
3. Panorama de La Philosophie Francaise Contem Poraine

۴. ژان پل سارتر، اثر مورس کرنستن، ترجمه منوچهر بزرگمهر.
۵. سارتر اثر گونتر اکبرست سم ترجمه سیف الله شهاب.
۶. مقدمه کتاب کلمات اثر ژان پل سارتر ترجمه حسینی جواهرچی انتشارات کاوه.
۷. نقد و بررسی رمانهای ژان پل سارتر، اثر ایرلس مردوک مترجم م.ج. عباسپور تیمجانی، تهران، انتشارات مروارید ۱۳۵۳.
۹. ژان پل سارتر، پایان نامه لیسانس، علی رامز دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران ۱۳۵۱.

Albert Camus

آلبر کامو (۱۹۶۰-۱۹۱۳م)

آلبر کامو

آلبر کامو در هفتم نوامبر ۱۹۱۲ در دهکده مون دوی Mondovi در کشور الجزایر به دنیا آمد، پدرش لوئیس کامو، اصلاً از مردم آلزاس^۱ فرانسه بود که يك سال پس از تولد دومین فرزندشان در حالی که لباس سربازان فرانسوی را بتن داشت در اثر جراحت زخم‌هائی که در نبرد مارن (Marn) برداشته بود در گذشت، مادرش اصلاً اسپانیائی بود، زنی زحمتکش که از سواد خواندن و نوشتن بی‌بهره بود، فقر مالی سبب مهاجرت آنها به الجزایر شد، با درگذشت سرپرست خانواده، مادر ناگزیر اداره فرزندان و نیز مادر بزرگ پیر و زمینگیرش را عهده‌دار شد. مدتی خدمتکاری پیشه کرد. کامو هم بمرور بزرگ شد، کودکی که از چنین خانواده‌ای برخاسته باشد مسلماً بدلائل فقر و تنگدستی امکانات مناسبی برای تحصیلات در اختیار نخواهد داشت، کامو به مدرسه رفت هوش و استعدادش سبب شد تا مورد توجه یکی از آموزگاران بنام لوئی ژرمن^۲ قرار گیرد و با مساعدت‌های او بود که به دبیرستان شهر الجزایر راه یافت، هنوز سیزده سال بیشتر نداشت که به خواندن آثار آندره ژید^۳ مونترلان^۴ و آندره مالرو^۵ علاقمند شد، در سال ۱۹۳۰ هنگامی که هفده سال بیشتر نداشت به بیماری سل دچار شد، به ناچار خانه مادری را ترك کرد و برای مدتی نزد یکی از خویشاوندانش ماندگار شد.

دو سال بعد هنگامیکه حالش بهتر شده بود خود را برای ورود به دانشگاه شهر الجزیره آماده ساخت و در آنجا قبول شد. در سال ۱۹۳۳ به يك نهضت ضدفاشیست که توسط هنری باربوس^۶ و رون رولان^۷ بنیان نهاده شده بود پیوست. موقعیت فرانسه در الجزایر و ظلمی که توسط استعمارگران بر اعراب این کشور اعمال می شد، هم چنین موقعیت اروپا، و قدرت یافتن نازیها روشنفکران اروپائی را بشدت به اندیشه واداشته بود، در ۱۹۳۴ ازدواج کرد. این ازدواج که از سر شتابزدگی انجام گرفته بود پس از چند ماه به جدائی انجامید، در پایان همانسال کامو به عضویت حزب کمونیست درآمد و برای مدتی مأمور تبلیغ در میان اعراب شد، سپس به ریاست خانه فرهنگ شهر الجزایر انتخاب گردید. در سال ۱۹۳۷ از حزب کمونیست کناره گیری کرد و برای مدتی در دانشگاه شهر الجزیره به تحصیل فلسفه پرداخت، مدتی بنوشتن سلسله مقالات در یکی از روزنامه های محل پرداخت. کامو فعالیت های تئاتری را با تأسیس يك تئاتر و تشکیل گروهی بنام تئاتر «اکبپ» Le theatre de l'Equipe آغاز کرد، نمایشنامه هائی از جمله برادران کارامازوف براساس اثر داستایفسکی توسط این گروه به صحنه رفت. خود کامو علاوه بر نویسندگی و کارگردانی بعنوان بازیگر نقش هائی بعهده می گرفت (نقش ایوان در برادران کارامازف) همان سال در گروه سیار بازیگران تئاتر رادیو الجزایر به شغل هنرپیشگی پرداخت و بعد با روزنامه «الجزایر جمهوری» شروع به همکاری کرد.

در سال ۱۹۳۸ کامو نمایشنامه مشهور خود را بنام کالیگولا Caligula به پایان رسانید و آنگاه نوشتن رساله ای در باب مفهوم پوچی Absurde را آغاز کرد. این رساله چندی بعد تحت عنوان افسانه سیزیف^۸ منتشر شد و نیز برای نخستین رمانش «بیگانه»^۹، شروع به فراهم آوردن یادداشتهائی کرد. سال بعد مجموعه ای از مقالاتش را تحت عنوان زناشوئیها Noces که از سال ۱۹۳۷ در دست تنظیم و نگارش داشت انتشار داد. مقارن همین ایام کامو از طرف یکی از مطبوعات به تحقیق و نوشتن مطالبی درباره تنگدستی و بینوائی مردم روستائی و قبایل الجزایر پرداخت. با آغاز جنگ جهانی دوم کامو داوطلب خدمت در ارتش فرانسه شد، اما بسبب آنکه از تندرستی کامل بهره مند نبود تقاضایش مورد قبول قرار نگرفت.

اثر مشهور او «بیگانه» بنابر توصیه آندره مالرو در سال ۱۹۴۲ در فرانسه، زمانیکه تحت اشغال بود از سوی انتشارات گالیمار منتشر شد و مورد استقبال چشمگیری قرار گرفت، این اثر که به نظر بسیاری از صاحب نظران نخستین اثر از يك رشته آثار مشهور در این سبک است، سندی است درباره يك دوره و يك نوع نگرش به زندگی. پس از آزادی فرانسه سرپرستی روزنامه نبرد Combat را عهده دار شد.



آلبرکامو

۱۷۸۵ هجری شمسی - کارگردان آبرو کامو پارس



در سال ۱۹۴۳ کامو با ژان پل سارتر^{۱۳} نویسنده و فیلسوف فرانسوی آشنا شد و میان آنها رشته دوستی و مودتی بوجود آمد که تا سال ۱۹۴۸ بطول انجامید، اما پس از این دوره در نظریات این دو نسبت به مباحث روز و فلسفه اختلافاتی پدیدار شد، به خصوص در سال ۵۲-۱۹۵۱، که کتاب انسان طاغی^{۱۴} اثر کامو منتشر گردید ژان پل سارتر در مجله دوران جدید^{۱۵} انتقادی مفصل بر آن درج نمود که تا سالها این اختلاف بصورت مشاجراتی علنی در نوشته‌های آنها مشاهده شد و تا مدتی مهمترین مجادله روشنفکران جهان بود.

طی دهه ۶۰ تا ۱۹۵۰ کامو بلحاظ فکری با جریانها، و نقش‌های گوناگونی درآمیخت، اما همواره سعی کرد که يك فرانسوی الجزایری باقی بماند و عقایدش به مرور بیش از پیش به جناح راست متمایل گردید هرچند زمینه آن در سکوت‌های سالیان پیش او نسبت به برخی از مسائل اطرافش بطور نهفته وجود داشت. در سال ۱۹۵۷ فرهنگستان سوئد با توجه به این امر که کامو در آثارش مقولات مهمی را که در برابر وجدان بشری واقع است مورد بررسی قرار داده است جایزه ادبی نوبل را بخاطر نمایشنامه حکومت نظامی^{۱۶} به او اعطا کرد. کامو پس از دریافت جایزه نوبل یعنی هنگامیکه فرانسه بشدت گرفتار مسائل الجزایر بود در مصاحبه‌ای اظهار داشت: «من همیشه ارباب و وحشت را محکوم کرده‌ام و اکنون نیز توسل به ارباب را که فی‌المثل بی‌تمیز در خیابانهای شهر الجزیره در کار است و شاید روزی مادر یا خانواده مرا هم هدف قرار دهد محکوم می‌کنم، من به عدالت معتقدم اما پیش از عدالت از مادرم دفاع خواهم کرد»^{۱۷}.

کامو در دهه ۶۰-۱۹۵۰ جزو معدود نویسندگانی محسوب می‌گردید که از نفوذ و تأثیری ژرف بر تخیل و بر وجدان اخلاقی و سیاسی نسل خود و حتی نسل بعد از خود بهره‌مند بود، او به خوبی نماینده وجدان غرب در رابطه با جهان غیرغربی بود. کشاکشی نیز که در اغلب آثار او نهفته است سرگذشت این رابطه است که در زیر فشار متزاید و روزافزون تحول می‌پذیرد.

از سوی دیگر شهرت کامو عمدتاً در تعلق او به فلسفه «پوچی» است. این اندیشه از همان آغاز جوانی فکر او را به خود معطوف کرده بود، رشته افکاری که پیرامون خودکشی و مفهوم بیهودگی در ذهنش آغاز شده بود در رساله مشهورش «انسان طاغی» بروشنی مشهود است، این کتاب ادامه مبحثی است که در اسطوره سیزیف (افسانه سیزیف) به آن پرداخته بود.

نمایشنامه‌های کامو عبارتند از شورش آستوریها ۱۹۳۶، سوء تفاهم^{۱۸} ۱۹۴۴، کالیگولا ۱۹۴۵ حکومت نظامی ۱۹۴۸، عادلها^{۱۹} با راستان ۱۹۴۹، تنظیم کتاب «غاز برای يك راهبه»^{۲۰} بر اساس اثری از ویلیام فالكتر (William Faulkner) نویسنده امریکایی (۱۸۹۷-۱۹۶۲) برای تئاتر. در

۱۹۵۶ کامو علاوه بر نمایشنامه‌های فوق تعدادی داستان و اثر ادبی نیز نوشت که در عرصه جهانی شهرت زیادی کسب نمودند. این آثار عبارتند از: پشت ورو^{۱۹۳۷}، جشن‌ها^{۱۹۴۲}، بیگانه^{۱۹۴۲} و اقیانوس^{۱۹۴۲}، طاعون^{۱۹۴۷}، افسانه سیزیف^{۱۹۴۷}، سقوط^{۱۹۵۶}، تابستان^{۱۹۵۶}، پناهگاه و قلمرو^{۱۹۵۷}. کامو در روز چهارم ژانویه ۱۹۶۰ در يك حادثه رانندگی در جاده سانس Snos در فرانسه جان سپرد، او در این هنگام ۴۷ سال داشت.

- 1 Lucien Camus
۲. آلزاس Alzas ایالتی در مشرق فرانسه که پس از جنگ بین‌الملل اول با انعقاد پیمان ورسای بار دیگر به فرانسه ملحق شد.
3. Louis Germain
۴. آندره ژید Andre Gide نویسنده و منتقد فرانسوی (۱۸۶۱-۱۹۵۱)
5. Montherlon (۱۸۹۶-۱۹۷۲)
6. Andre Malraux (متولد ۱۹۰۱)
7. Henri Barbsse
8. Roman Rolland
9. Alex Republicain
۱۰. کالیگولا Caligula اثر آلبر کامو ترجمه شورانگیز فرخ، تهران انتشارات مروارید، ۱۳۴۷
- کالیگولا، ترجمه ابوالحسن نجفی، انتشارات نیل، ۱۳۵۰
11. Le Mythe de Sisyphe
- افسانه سیزیف، ترجمه علی صدوقی و محمدعلی سپانلو: انتشارات قائم مقام، ۱۳۴۲
۱۲. بیگانه L'Etrange ترجمه اصغر خیره‌زاده.
۱۳. ژان پل سارتر Jean Paul Satre (۱۹۰۵-۱۹۸۰ م)
14. L'Homme revolte
15. Les Temps Modernes
۱۶. حکومت نظامی (Millitarisem Govenent) آلبر کامو ترجمه یحیی مروتی انتشارات کتیبه، ۲۵۳۶
۱۷. مصاحبه ۱۴ دسامبر ۱۹۵۷ در استکلهم Quillot, Albert Camus
- Essais, PP 1981-2
۱۸. سوء تفاهم Le Malentendu آلبر کامو ترجمه جلال آل‌احمد، انتشارات آبان، ۱۳۵۴
۱۹. عادلها (راستان) Les Justes ترجمه دکتر ابوالفضل قاضی، انتشارات نیل، ۱۳۴۹ و ترجمه محمدعلی سپانلو انتشارات متین، ۱۳۴۱.
20. Requiem Pour une Nonne
21. L'Envers et L'Endroit
22. Les Fetes
23. Les Verites
24. La Peste
25. La chute سقوط، ترجمه شورانگیز فرخ، کتابهای جیبی، ۱۳۵۱
26. L'Ele

منابع

۱. آلبر کامو نوشته کاتر کروز اوپراین، ترجمه عزت‌الله فولادوند، انتشارات خوارزمی چاپ اول، ۱۳۴۹، دوم، ۱۳۵۲.

Camos by Conor Cruise O'Brien

۲. افسانه سیزف، آلبر کامو ترجمه علی صدوقی و محمدعلی سپانلو انتشارات قائم مقام ۱۳۴۲
۳. کتاب زمان ویژه تئاتر اثر جورج ساترلند.
۴. کتاب زمان ویژه امه سزر، نوشته مصطفی رحیمی، چاپ زمان
۵. هنرمند و زمان او، ترجمه و گردآوری مصطفی رحیمی، انتشارات نیل، ۱۳۴۸
۶. فلسفه اگزیستانسیالیسم اثر سارتر ترجمه جواهرچی ۱۳۴۸، انتشارات فروغی
۷. پیشگفتار چند نامه به دوست آلمانی، ترجمه رضا داوری انتشارات نیل ۱۳۴۷
۸. تفسیری بر بیگانه کامو، نوشته پیرلمونی ری ترجمه دکتر محمدتقی غیانی، ۲۵۳۵ انتشارات امیرکبیر.

9. Encyclopedia of world Drama Mc Grow Hill (Volumae1)

10. Dictionary of The Theatre' John Russel Taylor Penguin Reference Book

James Joyce**(۱۸۸۲-۱۹۴۱م)****جیمز جویس**

جیمز اگوستین آلوی ژیوس جویس^۱ در دوم فوریه ۱۸۸۲ در دوبلین پایتخت ایرلند به دنیا آمد او فرزندان شد خانواده‌ای فقیر بود که به جز او نه فرزند دیگر هم داشتند، پدرش مردی الکلی و ناسازگار بود که زندگی را برای يك خانواده دوازده نفره تلخ و غیرقابل تحمل کرده بود، عریده‌جویهای پدر به هنگام مستی و اختلاف با همسر، جیمز جویس را به صورت شخصیتی در خود و درونگرا و به نظر عده‌ای مرموز بار آورد. این حالت و محرومیت‌های دیگر او در دوران نوجوانی و بلوغ باعث نوعی بدبینی در زندگی نسبت به روابط خانوادگی و بخصوص جنس زن گردید.

پدرش می‌خواست او را کشیش بارآورد، از این رو به مدت سیزده سال تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدرسه یسوعیان^۲ در دوبلین گذراند. از همان دوران رسوم خشك و بخصوص مقررات سخت کاتولیکی به همراه کوتاه‌فکری اطرافیانش به شدت او را آزار می‌داد، بین سالهای ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۴ وارد دانشگاه دوبلین شد و تحصیلش را ادامه داد اما در همین ایام به سبب نوشتن رساله‌ای کفرآمیز ایرلند را ترك کرد و روانه پاریس شد، در پاریس به امید تحصیل پزشکی به دانشگاه رفت و دکتر شد، اما بزودی دریافت که تلاشش عبث و بیهوده است و بهتر است احساس خوش را تبعیت کند، از این جهت در رشته ادبیات و فلسفه شروع به مطالعه و تحصیل کرد. يك دوره تحقیق درباره



جیمز جویس

جوردانو برونو^۲ و همین طور مطالعه آثار دانتی^۳ توجه او را به خود جلب نمود. مقارن همین ابام سلسله مطالبی درباره «درام» منتشر کرد و مقالاتی نیز درباره هنریک ایبسن نمایشنامه‌نویس نروژی نوشت. نمایشنامه‌ای نیز به تقلید از ایبسن با نام «شغل پرافتخار» تنظیم کرد که بعدها آن را پاره کرد.

پس از مدتی مجدداً به ایرلند بازگشت، به امید آنکه در وطنش اقامت کند، اما این بار هم نتوانست و راهی دیاری دیگر شد، مدتی در شهرهای زوریخ، ترسته^۵ و رم اقامت کرد، و برای گذراندن زندگی به تدریس زبان انگلیسی پرداخت، نخستین اثر منظومش بنام «موسیقی مجلسی»^۶ در سال ۱۹۰۷ منتشر شد، آنگاه مجموعه داستانی بنام دویلینی‌ها^۷ را نوشت.

هنگامی که جویس دویلینی‌ها را به پایان رسانید، احساسی از شک و تردید نسبت به این اثر خود پیدا کرد، او در این کتاب کاریکاتوری از دویلین را بمعرض دید قرار داده و از نگاه خصمانه و انتقادی نسبت به سرزمینش هونی از انزوا و فرار به مشام می‌رسید، ولیکن بزودی این افکار را رها کرد و بخاطر تأثیر آزادی‌بخش این کتاب در مردم ایرلند از خشم خود آن را مصون داشت. دو سال بعد یعنی در سال ۱۹۰۷ بار دیگر در آن تجدید نظر کرد و ظریف‌ترین و پراحساس‌ترین داستان کتاب را به آن افزود و برای طبع آماده کرد.

نمایشنامه «تبعیدی‌ها»^۸ که تنها اثر نمایشی این نویسنده است در سال ۱۹۱۸ به چاپ رسید این اثر در زمان حیات نویسنده شهرتی به‌همراه نیاورد، اما بعدها بعنوان اثری درخور توجه در شهرهای اروپا به صحنه رفت، این نمایشنامه در حقیقت شرح زندگانی خود اوست و وقایع و حوادثی که در این نمایشنامه می‌گذرد با حوادث زندگی او تطبیق می‌نماید. در این اثر جویس تحت تأثیر نوشته‌هایی چون خانه عروسک و هداگا بلر، نمایشنامه‌های هنریک ایبسن قرار دارد و بلا تکلیفی اسرار آمیزی که برای دست یافتن به يك آزادی در عشق و تملك در ازدواج در این نمایشنامه نمایان است، نشان دهنده گرایش نویسنده به شیوه نگرش ایبسن است.

آثار دیگر جویس عبارتند از تصویر يك هنرمند در جوانی^۹ اشعار چند پولی و بالاخره داستان معروف او بنام «اولیسس» Ulysses که ملهم از اثر حماسی اودیسه اثر هومر^{۱۰} Homer است. این اثر ابتدا در سال ۱۹۳۲ در پاریس به چاپ رسید و نقطه نظرات گوناگونی را برانگیخت، برای آشنائی با این اثر باید نخست اودیسه اثر هومر را خواند و سپس نگرش جویس را برداشت نمود. اولیسس، اثر جیمز جویس اودیسه‌یی است خاص زمان ما که هم از حیث موضوع حماسه هومر را دنبال کرده است هم به لحاظ قالب.

در سال ۱۹۳۹، آخرین و مشکل‌ترین اثر ادبی جویس با نام «بیداری فینگان»^{۱۱} منتشر شد،

جوس به هنگام نوشتن این اثر توجهش را به سوی عالم هنر و تکنیک‌های هنری معطوف کرد. او در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۳۶ انجام داد درباره این اثر خود چنین اظهارنظر کرده است: کتاب من روزبروز واقعیت بیشتری را مطرح می‌کند. من می‌خواستم يك درام و نمایشنامه به وجود آورم ولی پس از مدتی آنا Anna قهرمان کتاب برایم به صورت يك مجهول درآمد، فکر کردم اگر نمایشنامه‌ای بنویسم موفق نخواهم بود این موجود تازه جان گرفته را بشناسانم.

دو اثر اخیر جوس یعنی اولسیس و بیداری فینگان، تحولی در ساختمان و فرم داستان‌نویسی بوجود آورد.

در آثار جوس زبان ارتباطی مردم بسیار صریح و آزاد بکار گرفته شده است و مملو از ابهام و استعاره است. در این آثار تخیلات نقش عمده‌ای را بر عهده دارند، و در عین حال که از زیبایی کلام حداکثر استفاده می‌شود مشکل‌ترین زبان ادبی هم بکار گرفته شده است. جوس در این دو اثر از ریشه لغات دوران‌های مختلف تاریخ ادبیات انگلیسی و اروپا استفاده نموده است.

از جوس علاوه بر آثاری که ذکر آنها رفت، اشعار زیادی هم بر جای مانده است. جوس پیرو مکتب سورئالیسم بود و در آثار خود کنکاش در پنهانی‌ترین زوایای روح را بر عقاید سورئالیستها افزود. در زمان حیاتش سفرهای فراوانی کرد و در فلسفه و جامعه‌شناسی به مقام استادی نائل آمد تاریخ جهان و به خصوص اروپا را مورد مطالعه قرار داد، هنریک ایبسن Henrik Ibsen نمایشنامه‌نویس نروژی، ویلیام بلیک "، هنرمند انگلیسی و دانته، نویسنده، ایتالیایی از نویسندگان مورد علاقه‌اش بودند.

با گذشت سالها ضعف و درد چشم که از دوران کودکی همدم وی بود بر اثر خواندن و نوشتن شدت گرفت و جوس پس از بارها عمل جراحی هنوز به چهل سالگی نرسیده بود که عملاً کور شد، و عاقبت در روز ۱۳ ژانویه ۱۹۴۱ چند هفته پیش از ورود به پنجاه سالگی بر اثر ضعف و کوری و نیز بیماری و فقر در شهر زوریخ درگذشت.

ساموئل بکت در ۱۳ آوریل سال ۱۹۰۶ در محله FoxRock در جنوب شهر دوبلین پایتخت ایرلند در يك خانواده از طبقه متوسط پروتستان مذهب دیده به جهان گشود. در چهارده سالگی بیکی از مدارس شبانه روزی ایرلند فرستاده شد. همان مدرسه ای که اسکاروایلد^۴ نیز روزی در آنجا به تحصیل مشغول بود. در سال ۱۹۲۳ به تربیتی کالج دوبلین^۵ Trinity College Dublin راه یافت و به تحصیل زبان فرانسه و ایتالیایی پرداخت. در سال ۱۹۲۷ در رشته زبان و ادبیات فرانسه و ایتالیایی فارغ التحصیل شد. پس از فراغت از تحصیل مدتی در بلفاست^۶ به تدریس پرداخت و سپس در سال ۱۹۲۸ به پاریس رفت. از سال ۱۹۲۸ تا ۱۹۳۰ بعنوان معلم زبان انگلیسی در مدرسه ای در پاریس به تدریس پرداخت و در همین سالها بود که با جیمز جویس^۷ آشنا شد و بزودی به حلقه مریدان او پیوست و در فعالیتهای آنان شرکت جست. در سال ۱۹۳۰ به انگلستان بازگشت و به سال ۱۹۳۱ در سن ۲۴ سالگی موفق به گرفتن لیسانس شد.

1. James Augustine Aloysius Joyce

۲. ژوزنیت‌ها Jesuit یا یسوعیان. فرقه از مسیحیان پیرو اېکناس قدیس.
۳. جوردانو برونو G. Bruno فیلسوف مذهبی ایتالیایی در قرن شانزدهم میلادی. او را به جرم ارتداد در آتش سوزاندند.
- نظریه «دوگانگی طبیعی» او بعدها در آثار هگل مورد بررسی قرار می‌گیرد.
۴. دانته آلیگیری Dante Alighieri شاعر و نویسنده ایتالیایی ۱۲۶۵-۱۳۲۱ م.
۵. تریسته Trieste، شهری که در آن زمان تحت حکومت اتریش قرار داشت.
۶. موسیقی مجلسی Chamber Music
۷. دوبلینی‌ها Dubiners، ترجمه پرویز داریوش. تهران انتشارات آبان چاپ دوم ۱۳۵۵.
۸. تبعیدی‌ها Exiles ترجمه همایون نوراحمد. تهران امیرکبیر ۱۳۴۸.

9. A portrait of the Artist as a Young Man

۱۰. هومر Homer شاعر و حماسه‌سرای یونان. تولد و مرگ بین قرن دهم تا هشتم پیش از میلاد.
۱۱. بیداری فینگان Finnegans Wake
۱۲. ویلیام بلیک William Blake شاعر و نقاش عرفانی انگلیس (۱۷۵۷-۱۸۲۷ م)

منابع

1. World Drama: Mc Graw Hill Encyclopedia, Volum2 (E-K)

۲. مقدمه دوبلینی‌ها، اثر جیمز جویس ترجمه پرویز داریوش، انتشارات آبان ۲۵۳۵.
۳. نمایشنامه تبعیدی‌ها، اثر جیمز جویس، ترجمه همایون نوراحمد، تهران، امیرکبیر ۱۳۴۸.
- تفسیرهای زندگی، نوشته ویل و آریل دورانت، ترجمه ابراهیم مشعری، تهران، آوازه ۱۳۶۳.
۵. بررسی آثار جیمز جویس، نوشته G. L. Matuan ترجمه حسین بایرامی.

Samuel Beckett

۱۹۸۹-۱۹۰۶ م

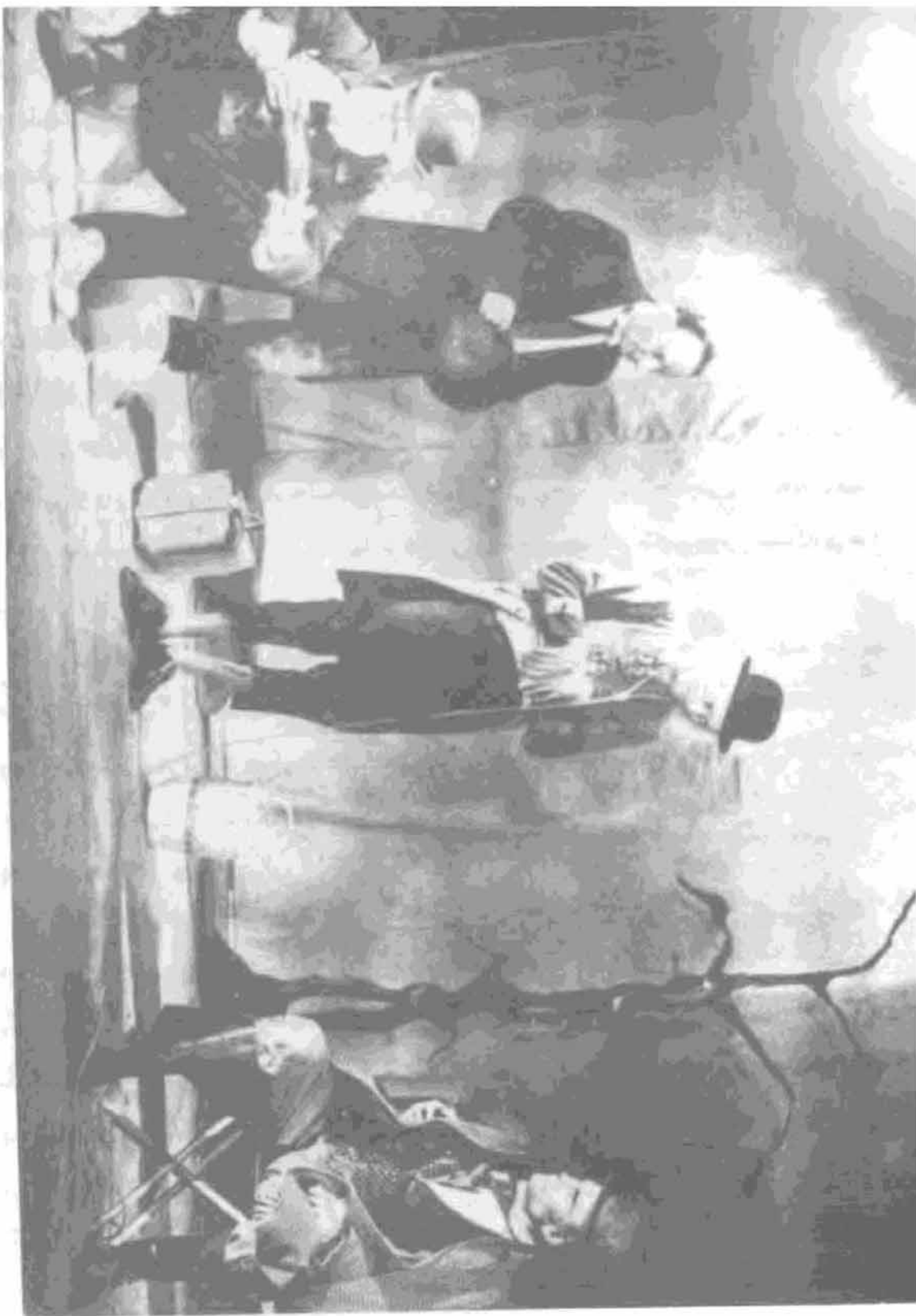
ساموئل بکت

رساله تحقیقی او دربارهٔ دکارت^۴ بود. بکت طی اقامت خود در پاریس و کسب يك جايزه ادبی خویشتن را به عنوان يك شاعر معرفی نمود و ده پوند جايزه برای بهترین شعر دربارهٔ «زمان» را نصیب خود کرد، پس از تقریباً چهار ترم تدریس به عنوان معلم زبان فرانسه در تربیتی کالج مسیر خویشتن را تغییر داد با این اعتقاد که بهترین کاری که می‌تواند انجام دهد حرکت پیوسته از نقطه‌ای به نقطه دیگر است، برای کسی که احساس کرد. عادت و انجام کارهای روزمره سرطان وقت است، مراودات اجتماعی فقط خطای باصره است و زندگی يك هنرمند بناچار يك زندگی عجیب با تنهاییست^۵. ساموئل بکت در آغاز کار به پیروی از روش دوستش جیمز جویس در مورد بکارگیری زبان بجزئیاتی کسب کرد، لیکن از زمان بازگشت پس از جنگ به پاریس بزبان فرانسه به نوشتن پرداخت، نخستین قطعه‌ای که نوشت Eleuteria بود که هرگز منتشر نشد، این اثر به منزله نخستین پله‌ای بود که بسوی آثار بعدی او قرار داشت، موضوع این قطعه تلاش مرد جوانی است برای حفظ آزادی در مقابل همه وابستگی‌های فامیلی و زندگی روزمره، او تصمیم به ترك همه آنها دارد همچون کلاو (Clov) در نمایش پایان بازی^۶. وی عاقبت هم موفق به کسب این آزادی می‌شود، این تم در یکی از رمان‌های اولیه او نیز با نام مورفی (Morphy) تکرار می‌شود مورفی هم می‌خواهد از



سامونل بکت

۱۹۵۲ مسیر پیکت اثر گودو «در انتظار کوه» ای از نمایش «در انتظار کوه»



زندگی زنانشونی و وابستگی‌های آن خود را آزاد کند و عاقبت پناهگاه خود را لباس نگهبان دیوانگان می‌یابد. در این آثار موضوع اصلی همواره یکی است، بی‌هدفی، فعالیت و جوش و خروش زندگی روزمره که در آن هیچ چیز واقعی اتفاق نمی‌افتد.

در سال ۱۹۴۳ بکت دومین اثر خود را بنام وقت^۱ بزبان انگلیسی نوشت، این داستان که در حقیقت هجوی فلسفی است، ماجرای مردیست که سفری را به قصد دیدن خانه «نات»^۲ آغاز می‌کند، چرا راهی این سفر می‌شود؟ پرسشی است که مسئله اساسی این اثر بلند را در خود دارد. داستان‌های سه گانه اومولوی Molloy ۱۹۵۱، مالون می‌میرد^۳ ۱۹۵۱ و بی‌نام^۴ ۱۹۵۳، در سال ۱۹۵۹ همگی در يك مجموعه بزبان انگلیسی منتشر شد.

نمایشنامه «در انتظار گودو»^۵ (Waiting for Godot) در سال ۱۹۵۲ به رشته تحریر درآمد و خیلی زود بکت را به شهرت رسانید، این اثر که ابهامی سمبولیسم در خود پنهان دارد شخصیت‌های ولگردی چون ولادیمیر و استراگون را مقابل بیننده قرار می‌دهد که انتظار می‌کشند و خود را به درختی که زیر آن قرار دارند آویخته می‌پندارند، آیا این درخت تشیل چه چیز می‌تواند باشد؟ این درخت علم است؟ یا درخت زندگی، و یا درخت بی ریشه ایست که منجی برای رستگاری مردمان بروی آن جان داد؟

آثار بکت، که پس از داستانهای بلند سه گانه مولوی Molloy برشته تحریر در آمدند عبارتند از آخرین نوار کراپ^۶ «Krapp's last»، پایان بازی EndGame، روزهای خوش^۷ «Happy Days»، بازی^۸ «Play»، ها جو و چند نوشته دیگر Ehjoes and other Writings اشعاری به انگلیسی ۱۹۶۱ Poeme in English، پروست و سه مکالمه با ژرژ دوتویی^۹ ۱۹۶۵، تصور را مرده تصورکن^{۱۰} ۱۹۶۶ و کارنده No's knife، را می‌توان نام برد.

برخی از این آثار تک‌گوئیهای آدمهای مطرود و رانده شده‌ایست که در جهانی کابوس زده که هیچ چیز آن پاکیزه و منزه نیست در جستجوی چیزی هستند. برخی از مفسرین معتقدند که آثار بکت همانندی شگفتی با شخصیت خود او دارد، خصوصیت ریاضت‌گرایی آثارش در شیوه‌هایی که بکار می‌برد به خوبی دیده می‌شود، در آنها همه عناصر سنتی همانند طرح کلی داستان، روانشناسی شخصیت‌های داستان دلهره، نگرانی و توصیف به کنار گذاشته شده است اما با وصف همه اینها می‌توان گفت که بکت از همه اجزاء شناخته شده تئاتر و ادبیات صرف‌نظر کرده است، بلکه او بگونه‌ای با تقطیر و ناب‌سازی اثر هنری می‌کوشد وضعیت انسانی را از راه استعاره‌ها نشان دهد.

آثار بکت بطور مستقیم با مقوله غم‌انگیز زندگی از دیدگاه او سروکار دارد و تقریباً هر تمهیدی که بکار می‌برد برای آنست که راز نادین زندگی یعنی «زبان» را آشکار نماید. بیان اینکه نه چیزی

هست که بیان کرد، نه چیزی که به وسیله آن بیان شود و نه موضوعی بیان کردنی، همراه با تعهد و اجبار در بیان کردن^{۱۸}، بکت بارها در آثارش از خود می پرسد، من کیستم، زمان و مکان چیست؟ ذهن و ماده چه هستند؟ و واقعیت چیست؟

اوژن یونسکو درباره بکت می گوید:

کار بکت در اساس تراژدی است. چون که تمامیت جبر زندگی بشر را وارد میدان می کند و بشر فلان یا بهمان جامعه را، نه بشری را که از خلال فلان مرام معینی دیده شود و ناچار دگرگونه شود، زیرا تکمیل بینش فلسفی نویسنده واقعیت تاریخی و متافیزیکی راه واقعیت اصیلی را که انسان جزئی از آنست، ساده و در عین حال نقص می کند. بدبینی یا خوش بینی مطلب دیگری است. مهم حقیقتی است که انسان در همه ابعادش، در عمق های متعددش آشکار شود. در کار بکت مسئله غایبات انسان مطرح است، تصویری که این نویسنده از تاریخ و از جبر زندگی می دهد پیچیده تر و مستندتر است^{۱۹}.

بکت در دسامبر ۱۹۸۹ در پاریس درگذشت.

1. Fox Rock

۲. اسکار وایلد Oscar Wilde نویسنده و شاعر ایرلندی ۱۸۵۶-۱۹۰۰م.

3. Trinity College Dublin

۴. بلفاست Belfast شهری در ایرلند شمالی.

۵. جیمز جویس James Joyce ۱۸۸۲-۱۹۴۱م.

۶. رنه دکارت Rene Descartes فیلسوف و ریاضی‌دان فرانسوی (۱۵۹۶-۱۶۵۰م).

۷. ساموئل بکت. نوشته ویلیام یورک تیندال. ترجمه احمد گلشیری. جیبی ۱۳۵۱

۸. پایان بازی یا (دست آخر) نمایشنامه‌های بکت. ترجمه نجف دریابندری. جلد ۱ سازمان جیبی. تهران.

۹. داستان بلند وقت Wall چاپ Crovepress. نیویورک ۱۹۵۸.

۱۰. مالون می‌میرد. ساموئل بکت. ترجمه محمود کیانوش. انتشارات نیل ۱۳۵۰

۱۱. بی‌نام L'Innamable

۱۲. در انتظار گودو Waiting for Godot. ترجمه سیروس طاهباز. تهران. انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۰.

۱۳ و ۱۴ و ۱۵. آخرین نوار کراپ. بازی. چه روزهای خوشی. نوشته ساموئل بکت ترجمه نجف دریابندری. انتشارات جیبی.

16. Proust and the Three Dialogues With Georges Duthuit.

17. Imagination Deed Imagine.

۱۸. ساموئل بکت. نوشته امین عالمیرد. جهان نو. شماره ۴. ۱۳۴۸. صفحه ۵.

۱۹. از مقدمه در انتظار گودو. ترجمه سعید ایمانی. ص ۲۴.

منابع

۱. ساموئل بکت. نوشته ویلیام یورک تیندال. ترجمه احمد گلشیری. سازمان جیبی ۱۳۵۱.

۲. انتقاد کتاب. دوره سوم. شماره های ۷ و ۸.

۳. ساموئل بکت. ترجمه محمود کیانوش. انتقاد کتاب. دوره سوم. شماره ۱۱.

۴. پایان‌نامه لیسانس. فریده صابری. دانشکده هنرهای دراماتیک، ۱۳۵۳. تهران.

۵. مقدمه مالون می‌میرد. ترجمه محمود کیانوش. انتشارات نیل.

۶. نمایشنامه‌های بکت. جلد ۲ و ۳. ترجمه نجف دریابندی. سازمان جیبی.

7. Dictionary of the Theatre John Russel Taylor Penguin Reference Book.

8. Encyclopedia of World Drama McGraw-Hill Volum 1.

Eugene ionsco

اوژن یونسکو ۱۹۹۴-۱۹۱۲ م

اوژن یونسکو در شانزدهم نوامبر ۱۹۱۲ در «اسلاتینا» در جنوب رومانی به دنیا آمد. پدرش به شغل وکالت دعاوی اشتغال داشت و مادرش اصلاً فرانسوی بود. یکساله بود که به همراه خانواده اش به فرانسه رفت پس از مدتی مادرش اوژن و خواهرش را به دهکده کوچک و بیلاقی «شاپل آنته تر» منتقل گردانید در این ایام اوژن حدود ۹ سال داشت، خودش در این باره می گوید: «وسط سال تحصیلی مرا از مدرسه عمومی فرانسه به این دهکده آوردند. مبتلا به کم خونی بودم، چهره ام زشت شده بود. برای آنکه رنگ و آبی بگیرم مرا نزد دهقانان به بیلاق فرستادند. من همیشه رؤیای فرانسه را در سر داشتم. و این که یک قدیس شوم، می خواستم قدیس شوم نه یک گمنام باقی بمانم. اما در کتاب های مذهبی به تکرار این نکته را خواندم که آدمی برای بدست آوردن افتخار زاده نشده است. یونسکو تا سن سیزده سالگی در فرانسه بود. هنگامی که مجدداً به رومانی بازگشتند به آموختن زبان رومانیائی پرداخت. کمی بعد پدر و مادرش از هم جدا شدند و از این بابت خانواده اش دچار مشکل گردید، اوژن یونسکو وارد مدرسه ای در بخارست شد و موفق به گرفتن گواهینامه زبان فرانسه گردید، نخستین اشعارش را با عنوان «گلایه های شاعرانه» در سن هیجده سالگی سرود.

در سال ۱۹۳۶ با یکی از دانشجویان رشته فلسفه ازدواج کرد و دو سال بعد یعنی در سال



اوژن یونسکو

۱۹۳۸ برای گذراندن دورهٔ دکترای ادبیات فرانسه با دریافت بورسی اعزام پاریس شد.

تولد او در عالم ادب نخستین بار در سال ۱۹۳۰ در مجله‌ای به نام «زوریاک»^۲ بود. جنگ دوم جهانی که شروع شده یونسکو در ماری بود. سپس به پاریس آمد و شغلی در یکی از مؤسسات انتشاراتی برای خود به دست آورد. از آنجائی که فراگرفتن زبان‌ها را بسیار مفید می‌دانست شروع به یادگیری زبان انگلیسی کرد و به فاصله کوتاهی درس سی و شش سالگی نمایشنامه بعدی یونسکو با نام «درس»^۳ در ۱۹۱۵ به صحنه رفت برای کسانی که قبلاً نمایشنامه غیر متعارف آواز خوان طاس را دیده بودند که علیرغم نام آن نه آوازخوانی در اثر وجود داشت و نه مرد طاسی. پیش‌بینی می‌شد که نمایشنامه درس نیز چیزی درباره «درس» دربرنخواهد داشت. اما این بار تمامی نمایشنامه دربارهٔ يك ساعت درس پرفسور سالخورده به دختر خانمی می‌شد که به قتل شاگرد می‌انجامید. درسی که به گونه‌ای غیر عادی بود. دربارهٔ این اثر پیرامه توشار^۴ معتقد است که نمایشنامه به شکلی مضحک روح سلطه‌جویی را که حاکم بر روابط معلم و شاگرد است مطرح می‌کند. در پایان نمایشنامه قتل شاگرد به دست پروفیسور کمکی بخود شاگرد می‌کند که دیگر به درس خسته‌کنندهٔ استادش گوش ندهد. این الگوی تمام عبار اشکال گوناگون استبداد است»

«صندلیها»^۵. سومین نمایشنامه یونسکو در ۱۹۵۱ نوشته شد. در این نمایشنامه شاهد برخورد وحشت‌آمیز و اضطراب‌آلود نویسنده نسبت به استیلای اشیاء بر صحنه‌ایم این مضمون یکی از بارزترین تصاویر نمایشنامه‌های یونسکو است و این در حقیقت برگردان آن اضطراب و ترس آدمی است که هنگام درگیری با دنیا و احساس تنهایی و استمرار صورتکهای ترسبار در زمان به انسان دست می‌دهد. یونسکو درباره نمایشنامه صندلیها می‌گوید. در «صندلیها کوشیده‌ام تا به دورغانی که همواره ذهنم را به خود مشغول داشته پردازم. یعنی به تهی بودن. به بیهودگی و بی‌ثمری این جهان. به نومیدی و مرگ. شخصیت‌هایی که مورد استفاده قرار داده‌ام از بی‌ریشه بودن روحی خوشتن به طور کامل مطلع نیستند. ولی این امر را به طرزی احساسی و غریزی حس می‌کنند».

قربانیان وظیفه^۶ اثر دیگر یونسکو و یکی از مشهورترین نمایشنامه‌های وی محسوب می‌شود. قربانیان وظیفه نمایشنامه‌ای دربارهٔ يك نویسنده است به همراه رؤیائی مضطرب و مهیب. که با عنوانش قرابت چشمگیری دارد. آمده با چگونه از شرش خلاص‌شیم^۷ نمایشنامه بعدی یونسکو نخستین کوشش نویسنده برای نوشتن يك نمایشنامه سه پرده‌ای و بلند است. در حقیقت این اثر تصورات نویسنده را در مورد نمایشنامه‌های بلند نشان می‌دهد. نمایشنامه از نقطه‌ای مبهم آغاز می‌شود قهرمان این اثر نویسنده‌ای چهل و پنج ساله است به نام آمده روچینونی^۸. که با همسرش

مادلن^{۱۱} به دور از مردم و علایق دنیوی مدت پانزده سال است که زندگی می کنند، این دو طی این مدت پا را از خانه مسکونی شان بیرون نگذاشته اند، زن و شوهر میانه خوبی ندارند و بلاوقفه مشاجره می کنند، اما چیزی که آنها را ناراحت کرده است وجود جسدی است که در اطاق مجاور افتاده است و دائم در حال رشد کردن است، این جسد که سنگدلانه بزرگ می شود کیست و چیست؟ آیا این جسد عشق مرده آنهاست که آمده می خواهد از شر آن خلاص شود و آن را به خارج از خانه ببرد؟ اینها همه مضامینی است که یونسکو در این اثر به آن می پردازد.

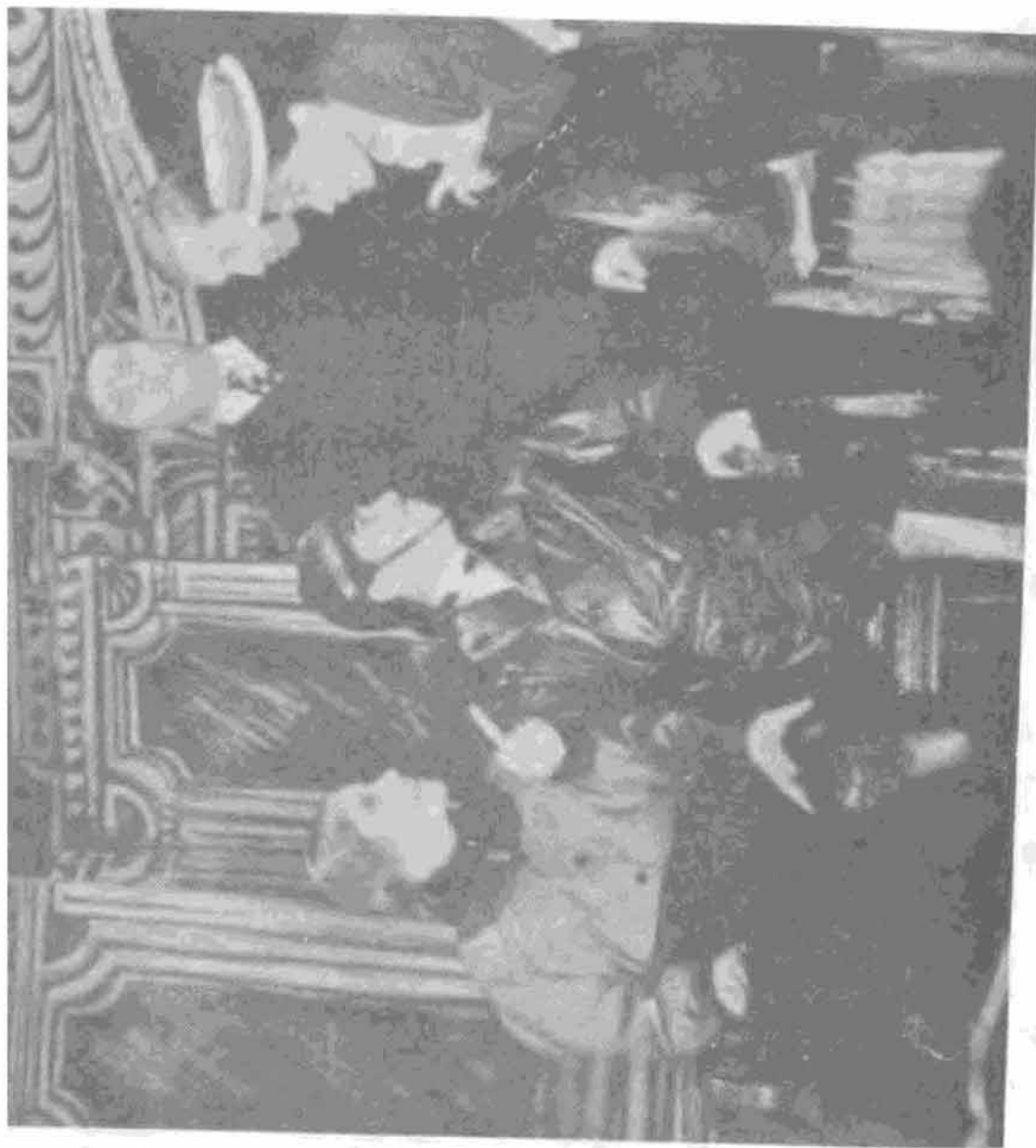
مستاجر جدید^{۱۲}، نمایشنامه بعد یونسکو، نمایشی تک پرده ایست، نمایشنامه از اطاقی شروع می شود که ابتدا خالیست ولی با آمدن مستاجر جدید پر از اثاثیه می شود، مستاجر مرد میانسال و آرامیست که به نظر می رسد مال و منال دنیا دست و پای او را بند نکرده است و در ابتدا وقتش را با چیدن صندلیها و جابه جا کردن اثاثیه منزل می گذراند اما در پایان آن، اثاثیه منزل و صندلیها نه فقط تمام اتاق را پر می کند بلکه تمام خیابانهای پاریس نیز از مبل و اثاثیه انباشته می شود، این نمایشنامه بگونه ای تماشای ساده و در عین حال ترسباری از زندگی را نشان می دهد، نمایشی از اشیاء که بر انسان مسلط می شوند و او را خاموش می کنند. نمایشنامه «هذیان دو نفره»^{۱۳} دو عاشق را نشان می دهد که مدت هفده سال است، یکدیگر را دوست دارند و به خاطر همین مسئله از همه کسان و فامیلشان بریده اند، با وجود جنگ ها و انقلابات مختلف هم و غم ایشان خرده گیری از یکدیگر و بحث راجع به پشیمانی های گذشته شان است و تنفر مشترک و انزجاری که از زندگی مشترک کنونی خود دارند، جنگ و جدل های دو نفره از هر حادثه خارجی بیشتر بر روی آنها اثر می گذارد. این نمایش تک پرده ای به صورت گزارشی صادقانه از زندگی روزمره مردم فراوانی است که در جوامع شهری به وفور زندگی می کنند. قاتل بی مزد^{۱۴} یکی دیگر از نمایشنامه های بلند یونسکو است که در سه پرده تنظیم گردیده. اما مشهورترین اثر یونسکو نمایشنامه کرگدن^{۱۵} است که به سال ۱۹۵۹ به رشته تحریر درآمد و به زودی در مهمترین تئاترهای اروپا به صحنه رفت، این اثر آغاز موفقیت یونسکو به عنوان يك تئاتر نویس جهانی محسوب می شود. محور اصلی نمایشنامه «رنگ پذیری بشر است و مسخ انسانها، در يك شهر كوچك اروپائی در يك صبح يك شنبه سروكله ی يك کرگدن پیدا می شود و تمام مردم شهر را دچار حیرت می کند. به زودی گفت و گو درمی گیرد که نباید این طور باشد و وجود کرگدن در میان اجتماع بشر خطرناك است. چیزی نمی گذرد که همان مردم شیفته و فریفته ی نیروی کرگدن می شوند و بلافاصله مرض مضحك و مسری «کرگدن شدن» در میان آدمها شیوع پیدا می کند کرگدن پرجذبه و نیرومند است، پس مصلحت در همرنگ شدن با اوست و پیوستن به گله های بزرگ آن، شخصیت اصلی این اثر مردیست به نام برانژه که در يك مؤسسه نشر و چاپ کتاب کار



مندیلیا اثر یونسکو - ورشو



صحنه‌ای از اجرای کرگدن اثر یونسکو - پاریس



صحنه ای از اجرای آوازخوان طاس

اثر یونسکو

«تشیکی و گشیکی» اثر یونسکو



توسعه اثر یونسکو
محمده ای از نمایشگاه «آدم»



می‌کند، او یکی از همکارانش را به نام دیزی Daisy عاشقانه دوست دارد و دوستی صمیمی نیز به نام «ژان» دارد این دو نخستین کسانی هستند که متوجه حرکت کرگدن‌ها که به طرف مرکز شهر در حال دویدن اند می‌شوند.

در پایان کار تنها دیزی و برانژه هستند که کرگدن نشده‌اند. اما دیزی هم در مقابل وسوسه این بیماری غمی تواند مقاومت کند. برانژه تنها می‌ماند، او آخرین انسانیت که جسورانه مبارزه می‌کند و تسلیم نمی‌شود. ملاکهای اخلاقی انسانی از اعتبار می‌افتد، حاصل قرن‌ها تمدن بشری به نیستی پرتاب می‌شود و برای نجات بشر حتی از عشق هم دیگر کاری ساخته نیست.

چیز دیگری دیده نمی‌شود مگر فوج فوج گله‌های بزرگ و بیمار کرگدن که می‌روند، خرناسه می‌کشند و مسخ خود را جشن گرفته‌اند. برای «برانژه» آخرین انسانی که باقی مانده است فقط يك اصل وجود دارد. «ما برای خود ملاکهای مشخص اخلاقی داریم و همین است که از جانورها متمایز می‌کند» بدین ترتیب حتی وقتی هم که بین صدها هزار کرگدن محاصره می‌شود و دیگر در سرتاسر زمین بشری غمی بیند، فریاد می‌کشد، وای بر آنکه بخواهد اصالت خود را حفظ کند... تلاش او برای کرگدن شدن و پیوستن به دیگران بی‌فایده می‌ماند، اصالت، چنانچه باشد تغییر ناپذیر است. آخرین انسان مجبور می‌شود. چه خوب و چه بد همان که بود باقی بماند. انسان^{۱۶}

دیزی، زنی که برانژه او را دوست دارد قبل آنکه به گله‌ی کرگدن‌ها ملحق شود، خطاب به برانژه چنین می‌گوید، واقعیت‌های بسیاری وجود دارد، تو واقعیتی را که برای بهترین است انتخاب کن به دنیای تخیلات پناه ببر.

برخی معتقدند که «کرگدن» احساس یونسکو را قبل از ترك رومانی در ۱۹۳۸ نشان می‌دهد، در آن زمان تعداد زیادی از بستگان و دوستان او به نهضت فاشیستی گارد آهنین پیوسته بودند. تشنگی و گشنگی^{۱۷} اثر دیگر یونسکو، ماجرای زن و شوهریست که با بچه‌هاشان در يك دهلیز نکبت‌بار که به صورت يك اطاق درآمد است زندگی می‌کنند. با آمدن خاله آدلاید، که موجودی ژولیده و غیر عادیست و به گذشته‌ها تعلق دارد در زندگی این زن و شوهر سئوال‌ات فراوانی برای خواننده با تماشاگر اثر مطرح می‌شود از آن جمله انتظار خوشبختی و مفاهیم آینده؟ از دیگر آثار یونسکو می‌توان از نمایشنامه‌های شاه می‌میرد،^{۱۸} تابلو،^{۱۹} آینده در تخم مرغها قرار دارد،^{۲۰} بازی قتل عام،^{۲۱} نقص^{۲۲} و داستان کوتاه اوری قلام^{۲۳} را نام برد.

پانویس

1- Slatina

2- Chayple Ante Teme

3- Zorlac

۴- آوازخوان طاس، La Chaitrice Cahure، اثر اوژن یونسکو ترجمه محمد تقی غیائی انتشارات پیام، تهران ۱۳۵۲.

۵- درس La Lecon، ترجمه جلیل کلکته چی، انتشارات سرو ۱۳۵۰ تهران.

۶- پیرامه توشار Pierre Anne Touchard، کتاب تناتر و اضطراب بشر از این نویسنده توسط انتشارات تلویزیون (سروش) با ترجمه افضل وثوقی به فارسی برگردانیده شده است.

۷- صندلیها the Chairs ترجمه مهدی زمانیان، کتابفروشی زند، شیراز ۱۳۵۳

۸- قربانیان وظیفه Les Victimes Devoir

۹- آمده به چطور از شرش خلاص شیم؟ (Amadee ou Comments, en debarrasser)

ترجمه پری صابری، انتشارات گروه اجرایی تناتر تلویزیونی ۱۳۵۲

10- Amadee Ruscnioni

11- Madeleine

۱۲- مستاجر جدید Le nouveau Le Cataire (و رژیای امریکائی، اثر ادوارد آبی) ترجمه رضا کرم رضائی، انتشارات جوانه ۱۳۵۰.

۱۳- هذیان دو نفره Deliree deux personnes

۱۴- قاتل بیمزد (Tueur Sans Gages) ۱۹۵۸ The Killer

۱۵- کرگدن Rhinoceros، ترجمه آل احمد، تهران دنیای کتاب ۱۳۵۰

۱۶- برگرفته از بروشور نمایشنامه کرگدن، کارگردان حمید سمندریان تهران ۱۳۴۹، محل اجرا تالار فردوسی دانشگاه تهران.

۱۷- تشنگی و گشنگی (Hunger and Thirst)، ترجمه رضا کرم رضائی تهران انتشارات روز ۱۳۴۷.

۱۸- شاد می میرد Exit The Kingdome (۱۹۶۲) اوژن یونسکو، ترجمه دکتر احمد کامیابی، تهران پیشگام ۱۳۶۰

۱۹- تابلو Le Tbleau

۲۰- آینده در میان تخم مرغ ها قرار دارد (The Future in Eggs ۱۹۵۱)

۲۱- اوری فلام Orfflam me در قرون وسطی در فاش سلطنتی پادشاهان فرانسه بود که در جنگها از آن استفاده می گردید.

منابع

1- World Drama Mc Graw Hill Encyclopedia Volume- 2

۲- تناتر و ضد تناتر، مارتین اسلین، ترجمه حسین بابرامی، تهران انتشارات پیام ۱۳۵۱

۳- مقدمه مستاجر جدید و رژیای امریکائی، اوژن یونسکو، ادوارد آبی، انتشارات جوانه ترجمه رضا کرم رضائی

۴- تشنگی و گشنگی، اوژن یونسکو، ترجمه رضا کرم رضائی (مقدمه) انتشارات روز ۱۳۴۷

۵- پایان نامه لیسانس، آذر زرگرانی، یونسکو و تحلیل نمایشنامه تشنگی و گشنگی، دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۳

عز مجریه نمایش، اوژن یونسکو ترجمه، محمد تقی غیائی، تهران انتشارات رز ۱۳۵۱

Arthur Adamov**آرتور آدامف ۱۹۷۰-۱۹۰۸ م**

آرتور آدامف نویسنده روسی‌الصل، به سال ۱۹۰۸ در قزلودسك Kislovodsk در ناحیه قفقاز به دنیا آمد. پدرش صاحب امتیاز يك چاه نفت در همان ناحیه بود و از مردان ثروتمند از نژاد ارامنه قفقاز محسوب می شد. آرتور آدامف خردسال بود که خانواده اش او را جهت تعلیم و تربیت اروپائی به خارج از روسیه روانه کردند، او نیز بنابر رسم آن زمان، مانند دیگر خانواده های متمکن و مرفه روسیه که فرزندان خود را به آموختن تعلیم و تربیت فرانسوی می گمارند، فرانسه آموخت و به زبان فرانسه تسلط یافت، در همان سنین کودکی با آثار بالزاک آشنا شد و به مطالعه رمانهای فرانسوی پرداخت.

در آغاز دوران جنگ اول جهانی (۱۹۱۴م) آدامف به اتفاق خانواده اش به ناحیه فرودن اشتارت 'Freudenstadt' پناهنده شدند و با وساطت و مداخله ی پادشاه و ورتنبرگ' که با پدر آدامف آشنائی و دوستی داشت، از توقیف شدن آنها به عنوان تابعین دشمن نجات یافتند و به آنها اجازه داده شد به سوئیس بروند و در شهر ژنو ساکن شوند.

آدامف تحصیلات مقدماتی خود را در سوئیس و سپس در آلمان فراگرفت. در سال ۱۹۲۴ هنگامی که شانزده سال داشت به پاریس رفت و در این شهر به محافل هنرمندان سورئالیست^۲ راه



آرتور آدامف

بافت و متأثر از این سبك. به سرودن شعر پرداخت، برخی از اشعارش را در نشریه‌ای به نام «پیشرو» Ouent Garde منتشر ساخت. همین ایام با پل الوار^۴ Paul Eluard شاعر مشهور فرانسوی آشنا شد. این آشنائی به زندگی ادبی او در پاریس رنگ تازه‌ای داد مدتی از نویسندگی دست کشید، بعدها (در سال ۱۹۳۸) این دوره بحران و فشارهای روحی را که به آن دچار شده بود، و همین‌طور تأثیراتی را که سورنالیست‌ها بر او گذاشته بودند، در کتاب کوچکی تحت عنوان اعتراف L'Aveu به سبك آثار داستایفسکی^۵ بازگو می‌کند.

مقارن آخرین سالهای جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵) آدامف شروع به نوشتن نمایشنامه کرد، در آن سالها آثار استریندبرگ^۶ را مطالعه کرد و تحت تأثیر این نویسنده قرار گرفت خودش در این باره می‌گوید: «حوادث جنگ به همراه اتفاقات روزمره، مشاهده صفوف مردم، و صحنه‌های خیابانی، دل‌تنگی و حالات تنهائی آنها در ازدحام، اختلاف و تنوع در طرز بیان که شخص را به وحشت و خوف می‌انداخت و من فقط با شنیدن یا قاپیدن نکات با تکه‌پاره‌ها، خود را راضی و خشنود می‌ساختم». سنگر^۷ نخستین نمایشنامه آدامف است که از چشم‌اندازها و صحنه‌هایی که در پی هم و با سرعت در ذهنش طرح‌ریزی شده بود به رشته تحریر درآمد. در این اثر دو مرد را می‌بینیم که هر دو دلباخته و مجذوب دختر معمولی و گاه مبتذل به نام لیلی Lili اند، آدامف در این اثر که نمایانگر واکنشی بر ضد پیچیدگی و درهمی تئاتر روانی است در نهایت بازگشتی می‌نماید به اندیشه رجعت به سوی گذشته و. نمایشنامه بعدی وی هجوم «استیلا»^۸ نام دارد که در آن نخستین تلاش‌های نویسنده را می‌بینیم تا تصویرگر توصیفی شخصیت‌هایی واقعی در مناسبات واقعی انسانها باشد. افراد تك و تنها یا غریب و متروك جای خود را به يك خانواده یا فامیل می‌دهند که آن خانواده مجموعه‌ایست از افراد تك و تنها که از برقراری ارتباط با یکدیگر ناتوان هستند و در عین حال قویاً با یکدیگر چون زنجیر متصل و مربوط می‌باشند. کار دیگر آدامف نمایشنامه «رژه بزرگ و کوچک»^۹ است، خود وی توضیح داده است که منظور از این نام‌گذاری بی‌نظمی و درهم‌برهمی اجتماعی است که در متن نمایشنامه تعریف و تصریح شده است. در نمایش بعدی که نامش مسیر رهروی^{۱۰} است، آدامف بار دیگر موفق به دریافتن تفسیر و تعبیر نوینی در اصول خود شد و عناصر جدیدی را در درام خود معرفی کرد، در این نمایشنامه در سال ۱۹۵۱ نمایشنامه استادتاران^{۱۱} نوشته شد. این اثر شاید نقطه عطفی در پیشرفت آثار هنری آدامف محسوب شود.

خودش می‌گوید، در نمایشنامه استادتاران دریافتم که دارای جرأت و جسارتی هستم تا با نظری اجمالی دنیای حقیقی را بنگرم، حتی اگر به گونه‌ای رؤیائی، منتهی با همان سبك و سیاق که حاصل

آن دو نمایشنامه همان طور که "بوده ایم، و دوباره یافته شدگان" ^۳ بود، موضوع هردو این نمایشنامه‌ها برگشت و سیر قهرمانی مردیست به دوران کودکی و نوجوانی خود، یعنی هنگامی که قدم در آستانه ازدواج گذاشته است. نمایشنامه پینگ پونگ ^۴ اثر دیگر آدامف در زمره آثار تأثر پوچی ^۵ به حساب می‌آید. این نمایشنامه همچون آثار نخستین این نویسنده نگرانیهای آدامف را بر عبث بودن سعی و کوشش آدمی بازگو می‌کند، کهولت، عجز و ناتوانی در بقایای زندگی پیش از فرارسیدن مرگ هرچیزی را به پوچی مبدل می‌سازد.

در سال ۱۹۵۵ آدامف نوشتن نمایشنامه‌ای با نام پائولوپائولی ^۶ را آغاز کرد که در سال ۱۹۵۷ منتشر شد. در این اثر آدامف با تأثر پوچی فاصله گرفت و در راه خود تغییری به وجود آورد. در این اثر که ترسیمی از علل بروز جنگ جهانی اول است آدامف به جهات اجتماعی و سیاسی بروز این جنگ از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۱۴ را به صورت گام به گام می‌پردازد.

مقارن همین ایام آدامف ضمن تجدید نظری در کارهایش، تحت تأثیر بر تولد برشت به جانب تئاتر آموزشی و حماسی روی آورد. این تغییر روش به وضوح در اثر بعدیش نمایشنامه «برچیلاین» ^۷ که نمایشنامه‌ای حماسی است منعکس است. از دیگر نمایشنامه‌های آدامف می‌توان «صمیمیت» ^۸ شگوه مرد مسخره ^۹، من فرانسوی نیستم ^{۱۰}، اروپای مقدس ^{۱۱} و بهار هفتاد و یک ^{۱۲} را نام برد.

آدامف علاوه بر نوشته‌های خود ترجمه‌هایی از داستایفسکی، گوگول ^{۱۳}، بوخنر ^{۱۴}، گورکی ^{۱۵} و چخوف ^{۱۶} نیز از خود برجای نهاده است.

آرتور آدامف در سال ۱۹۷۰ چشم از جهان فرو بست.

پانویس‌ها

۱. فرودن اشتارت Freudstadt، ناحیه‌ای واقع در آلمان شرقی.
۲. وورتمبرگ Wuttemberg یکی از ایالات قدیمی آلمان، مرکز آن شهر اشتوتگارت است.
۳. سورئالیسم Surrealism، شیوه‌ای ادبی که در سال ۱۹۲۲ در فرانسه رونق یافت و بعد دامنه نفوذ خود را به هنرهای دیگر گشاید.
۴. پل الوار Paul Eluard شاعر فرانسوی و یکی از بنیان مکتب سورئالیسم در فرانسه (۱۸۹۵-۱۹۵۲م).
۵. فتودور داستایفسکی Feodor Dostoevsky نویسنده روسی (۱۸۲۱-۱۸۸۱م)
۶. اگوست استریندبرگ August Strindberg نمایشنامه نویس سونی (۱۸۴۹-۱۹۱۲م).
۷. سنکر Le Parodie
۸. هجوم یا استیلا Invasion

9_ La Grand et la Petite Manœuvre

10_ The Diversion of the Warch

11_ Le Professeur Taranne

استاد تاران و همانطور که بوده‌ایم، ترجمه ابوالحسن نجفی کتاب زمان «۱۳۴۹».

12_ Comme Nous Avons ete

13_ Le Retrouvailles

14_ Ping Pong

15_ Absurd Theatre

16_ Paolo Paoli

17_ Brechtian

18_ L'intimité

19_ La Joke D'un Hom me L'Imoi

20_ Jene Suis Pas Fran ncais

21_ Saint Europe

22_ Printemps 71

۲۱. نیکلای گوگول Nikolai Gogol نمایشنامه نویس روس (۱۸۵۲-۱۸۰۹م)
۲۲. گئورگ بوختر Georg Buchner نمایشنامه نویس آلمانی ۱۸۱۳-۱۸۳۷م
۲۳. ماکسیم گورکی Maxim Gorky نویسنده معروف شوروی ۱۹۳۶-۱۸۶۸م
۲۴. آنتوان چخوف Anton Chekov نمایشنامه نویس و داستان نویس روس (۱۹۰۴-۱۸۶۰م)

منابع

- 1- A Dictionary of Theatre, John Russel Taylor Penguin Reference Books.
- 2- Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill

۳. استاد تاران و همانطور که بوده‌ایم، ترجمه ابوالحسن نجفی کتاب زمان ۱۳۴۹
۴. پایان نامه لیسانس درباره «آرنور آدامف» پروانه عابدینی. دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۶.
۵. خاموشی آرنور آدامف، دخترهای زمانه، ترجمه فریده فرجام، تهران ۱۳۴۹ صفحه ۲۰۴.

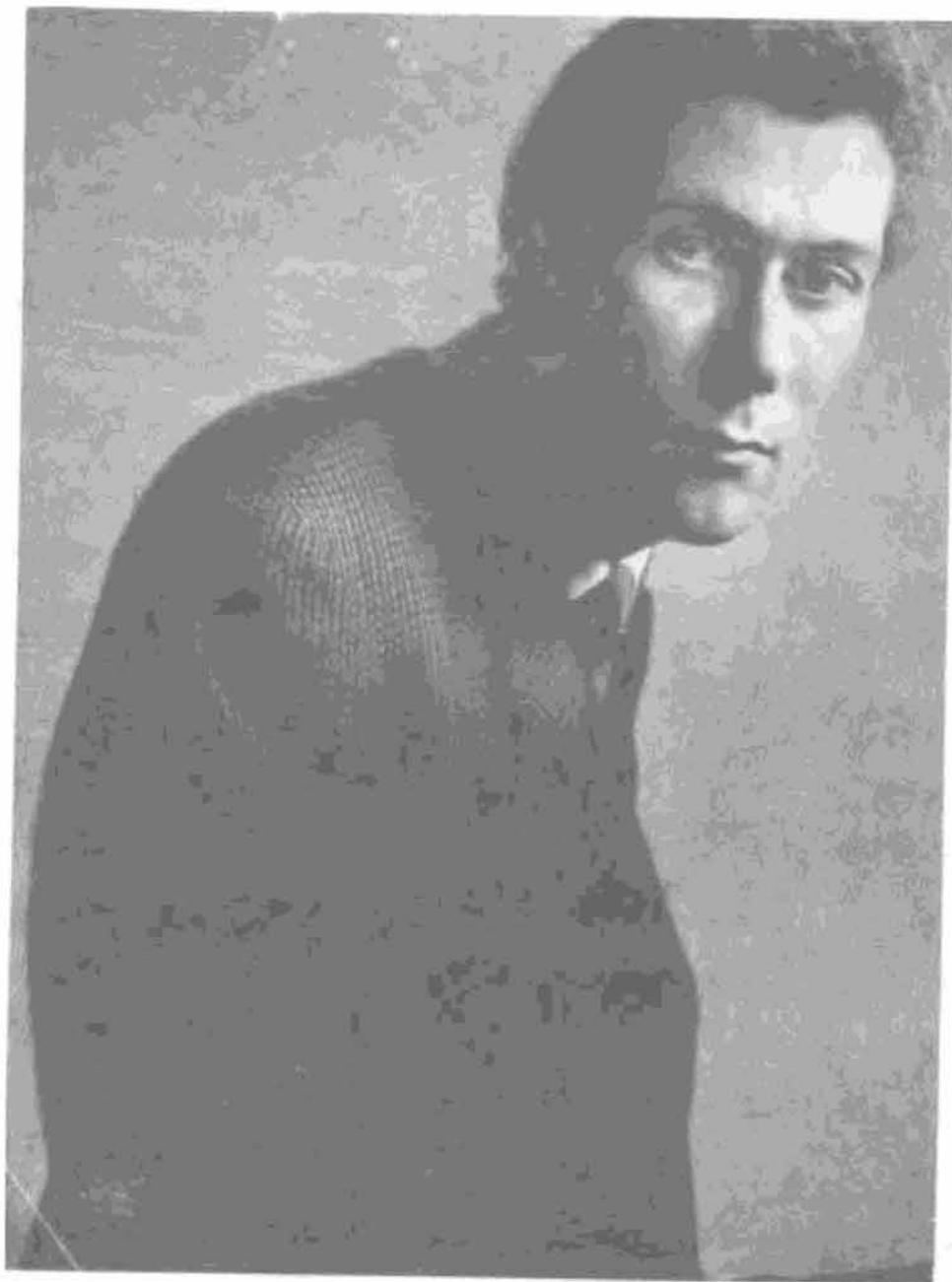
John Osborne

تولد ۱۹۲۹م

جان آزرین

جان آزرین در سال ۱۹۲۹ در شهر لندن به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات متوسطه به کار هنرپیشگی تناثر پرداخت و به شهرستانها سفر نمود، خیلی زود پی برد که به نوشتن نمایشنامه بیشتر از بازیگری علاقمند است. در خلال برنامه‌هایی که به صحنه می‌رفت و او نیز در آنها نقشی را عهده‌دار بود شروع به نوشتن نمایشنامه‌های کوتاه کرد، دو اثر او به نامهای «شیطانی که در وجود اوست» و «دشمن خصوصی» بی‌آنکه توجه کسی را جلب کند در لندن و چند شهر انگلیس به صحنه رفت اثر جنجال برانگیز آزرین نمایشنامه «باخشم‌بیادآر»^۲ در سال ۱۹۵۶ درهای شهرت را به روی نویسنده جوان گشود. در این اثر جیمی پورتر^۳ قهرمان اصلی نمایشنامه، نماینده نسل جوانی است که پس از جنگ جهانی دوم و اثرات ناشی از آن، امیدهای خود را بر باد رفته می‌بیند و صدای اعتراض خود را بی‌پروا بلند می‌کند. این اثر سبب گردید تا آزرین با گروه دیگری از نویسندگان و هنرمندان جوان انگلیسی که همگی بر علیه قید و بندهای اجتماعیشان زبان به شکایت و اعتراض گشوده بودند و به گروه «جوانان خشمگین»^۴ شهرت داشتند آشنا شود.

لوتر^۵ نمایشنامه دیگر آزرین در سال ۱۹۶۱ نوشته شد. این اثر داستان زندگی مارتین لوتر^۶ کشیش و اصلاح طلب مذهبی در قرن پانزدهم و بانی آئین جدید پروتستان در دین مسیح را بازگو



جان آزرین



صحنه ای از نمایش یک وطن پرست برای من

اثر جان آزرین - ۱۹۶۹

می‌کند، لوتر با پاپ و کشیشان کاتولیک که از مردم اعتراف و پول می‌گرفتند به مخالفت برخاست و برخلاف دستور پاپ کتاب انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد، آزرین که خود را در زمره علاقمندان و پیروان بر تولد برشت^۴ می‌داند در این اثر بروش نشاتر حماسی برشت از تقسیم‌بندی تابلوها بهره گرفته است، و نفوذ برشت در برخی از آثار بعد او به خوبی نمایان است.

از دیگر آثار آزرین می‌توان از «نوشته‌ای برای مزار جرج دیلن»^۵، «غمایشگر»^۶، «دنیای پال‌سلیکی»^۷ مایه رسوائی و نگرانی^۸ (که يك غمایشنامه تلویزیونی است)، «دو غمایشنامه خون بامبرگ‌ها»^۹، و در لفاف ساده^{۱۰}، غمایشنامه‌های تك پرده‌ای هستند و به غمایشنامه‌هائی برای انگلستان شهرت دارند. غمایشنامه «مدرک نامناسب»^{۱۱} ۱۹۶۴، يك وطن پرست برای من^{۱۲} ۱۹۶۴، از دیگر آثار آزرین می‌باشند.

آزرین در کار تنظیم فیلمنامه برای سینما نیز به فعالیت پرداخت، علاوه بر سناریونی که از روی غمایش خود به نام «غمایشگر» تنظیم نمود، سناریوی «تام جونز»^{۱۳} اثر معروف هنری فیلدینگ^{۱۴} و اثری از دانیل دیفو به نام «مال‌فلاندرز» را برای سینما تنظیم نمود.

در بیشتر آثار آزرین جوهر اعتراض نهفته است، ما شخصیت‌هائی را در این آثار می‌بینیم که از دنیای نابسامان و درهمی که در آن زندگی می‌کنند به ستوه آمده و معترضان فریاد برداشته‌اند، اگر این شخصیت‌ها موفق به تغییر شرایطی که در آن به سر می‌برند نمی‌شوند به خاطر آن است که در گردها جهانی گمراه و گرفتارند و بیش از آن قادر نیستند به اراده خود قدمی بردارند.

پانویس‌ها

1- *The Devil Inside him*

2- *Personl Enemy*

3- *Look Back in anger*

4- *Jimmy Porter*

5- *Angry Young men*

۶. لوتر Luther، جان آزرین. ترجمه محمد تهامی نژاد، تهران امیرکبیر ۱۳۵۳

7- *Martin Luther*

۸. برتولت برشت *Bertolt Brecht* (۱۸۹۸-۱۹۵۶) م.

9- *Epitaph for George Dillon*

10- *The Entertainer*

11- *The World of Paul Slickey*

12- *A subject of scandal and Concern*

13- *The Blood of The Bambergers*

14- *Under Plain Cover*

15- *Inadmissible Evidence*

16- *Apatriot forme*

۱۷. تام جونز *Tom Jones*. اثر هنری فیلدینگ *Henry Fielding*، ترجمه احمد کریمی حکاک، انتشارات نیلوفر ۱۳۵۱

منابع

۱. پایان‌نامه لیسانس، فاطمه مکناول، دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۵.

۲. مقدمه با خشم بیاد آر، ترجمه کریم امامی ۱۳۴۲ تهران چاپ بهمن

3- *Anger and after, John Russel Tolyor* خشم و بعد از آن 1693 - Pelican Book. Loodon.

4- *Dictionary of The Theatre' John Russel Taylor Penguin Reference Book.*

5- *Encyclopedia of World Drama Mc Graw Hill Volume - 2*

Harold Pinter

هارولد پینتر تولد ۱۹۳۰ م

هارولد پینتر در سال ۱۹۳۰ در شرق لندن به دنیا آمد. پدرش خباطی یهودی بود که در محله هاگنی زندگی می کرد. هارولد از همان اوان جوانی شعر می سرود و برای مجلات محلی می فرستاد. در سال ۱۹۴۸ هنگامی که هیجده سال بیشتر نداشت به خدمت سربازی احضار شد، لیکن از رفتن به خدمت امتناع کرد. او را به دادگاه فراخواندند. در پاسخ این سوال دادگاه که چرا از خدمت نظام امتناع می کنید چنین پاسخ داد، به علت «ندای وجدان». یکی از دوستانش که دفاع از او را به عهده گرفته بود خطاب به حاضرین دادگاه گفت «شما نخواهید توانست در او تغییر به وجود آورید. اگر بخواهید عقیده او را عوض کنید، زحمت بیهوده ای کشیده اید.

پینتر تصور می کرد که زندانش خواهند کرد، اما دادگاه فقط او را به پرداخت مبلغی جریمه محکوم کرد. چیزی نگذشت که در آکادمی سلطنتی هنرهای دراماتیک لندن پذیرفته شد. مدتها با نام مستعار «دیوید بارون» (David Baron) وارد کار هنرپیشگی شد. و یک چند به همراه یک گروه هنری که آثار شکسپیر را اجرا می کردند سرتاسر خاک انگلستان و ایرلند را زیر پا گذاشت و هرچه بیشتر با دنیا شگفت تئاتر در آمیخت و تجربه اندوخت. در سال ۱۹۵۶ ازدواج کرد. مدتی سرگرم نوشتن رمانی تحت عنوان کوتوله ها بود و یکباره دل به نمایشنامه نویسی سپرد. خودش در این باره



هارولد پینتر

می‌گوید، زمانی درباره‌ی نمایشنامه‌ای که طرح آن‌را در فکرم می‌پروراندم با دوستی که در قسمت تئاتر دانشگاه «بريستول» تحصیل می‌کرد گفتگو کردم، او که از موضوع نمایشنامه خوشش آمده بود نامه‌ای برای من فرستاد و از من خواست تا نسخه‌ای از نمایشنامه را برایش بفرستم. من نیز در مدت چهارروز نمایشنامه را به پایان رسانیدم و برایش فرستادم، این نمایشنامه اطاق «The room»^۱ نام داشت و نخستین بار در سال ۱۹۵۷ در دانشگاه بریستول بر صحنه رفت، در این اثر پینتر بیهودگی و عدم ارتباط روزمره آدمها را با دقت خاصی مورد مطالعه قرار می‌دهد، مکان نمایش يك اتاق است. همانطور که مکان اغلب نمایش‌های پینتر يك اتاق است، در واقع نقطه آغاز کار پینتر رجعتی است به برخی از اصول اولیه‌ی درام، نمایش‌هائی خالص و تهی از جنبه‌های ادبی، يك اطاق، دو آدم و توهم شاعرانه‌ای از انتظار و وحشت از دنیای خارج.

وقتی که در مصاحبه‌ای از پینتر سؤال شد، این دو نفر در روی صحنه از چه می‌ترسند، او پاسخ داد، مسلماً از آنچه در خارج از اطاق است. خارج از اطاق جهانی است پرهراس و وحشتناک، اطمینان دارم که این جهان برای من و شما هم وحشتناک است.

دومین نمایشنامه تك پرده‌ای پینتر «مستخدم ماشینی»^۲ نام دارد که حاوی همان مباحث و حوادث نمایشنامه اطاق است که با مهارتی بیشتر به کار گرفته شده است.

در آوریل ۱۹۵۸ نمایشنامه «جشن تولد»^۳ در تئاتر هنری کمبریج و سپس در تئاتر لیریک لندن به روی صحنه رفت، اما فروش چندانی نکرد و پس از يك هفته با عدم استقبال تماشاگران روبه رو شد، شکست این نمایشنامه سبب شد که پینتر به نوشتن نمایشنامه‌های رادیویی بپردازد، به دنبال این تصمیم بود که چند نمایشنامه برای رادیو و تلویزیون نوشت که باعث شهرت او گردید از جمله درد خفیف Aslightache، شبی در خارج از خانه Anight Out و مدرسه شبانه Night School.

پینتر نمایشنامه سرایدار Caretaker^۴ را در سال ۱۹۵۹ نوشت، این نخستین نمایشنامه بلند او بود که در سه پرده تنظیم گردید و جایزه بهترین نمایشنامه سال در ۱۹۶۰ انگلستان را به خود اختصاص داد. مضمون این نمایشنامه نیز همچنان درباره‌ی انسان یا انسانهایی است که از جهان ترسناک خارج گریخته و به گوشه‌ای پناه آورده‌اند. نمایشنامه «کلکسیون»^۵ اثر بعدی پینتر نخستین بار در ۱۹۶۱ به صحنه رفت و سپس به وسیله گروه تئاتر «رزیال شکسپیر»^۶ به نمایش گذاشته شد و از تلویزیون لندن نیز این نمایشنامه پخش شد.

نمایشنامه فاسق^۷ اثر دیگر پینتر ابتدا برای تلویزیون نوشته شد و سپس برای اجرای صحنه‌ای تنظیم شد و به وسیله تئاتر هنر Art theater لندن به صحنه رفت، این نمایشنامه دارای موضوع ساده و



صحنه ای از «کلکسیون» اثر پینتر - تئاتر آلدویچ لندن

۱۳۶۹
مجلس شورای اسلامی
از آقایان: دکتر محمد
مجلس شورای اسلامی





صحنه ای از «کلکسیون» اثر پیتر - تناتر آلدویچ لندن

در عین حال پیچیده‌ایست، قهرمانان اصلی آن را زن و شوهری تشکیل می‌دهند که چند سال از ازدواج آنها می‌گذرد. روزی شوهر که ریچارد^{۱۱} نام دارد در موقع خروج از خانه از همسرش سارا^{۱۲} سؤال می‌کند که آیا «فاسق» او بعد از ظهر خواهد آمد؟ و سپس خانه را ترک می‌کند، سارا به محض خروج شوهرش لباس خود را عوض می‌کند و نقش زن دیگری را ایفا می‌نماید و خود را آماده پذیرایی از «فاسق» می‌سازد. ولی این «فاسق» در موقع ورود کسی جز «ریچارد» شوهر او نیست، که اکنون در لباسی مبدل به نام ماکس^{۱۳} وارد می‌شود، ریچارد واقعی با نام ماکس با همسر خود بازی تازه‌ای را شرع می‌کند تا تنوعی در زندگی یکنواخت خود ایجاد کند. هردوی آنها این حقیقت را پذیرفته‌اند که هر فردی در زندگی خود دارای مجموعه‌ای از تقابلات و ویژگیهای متضاد است، بنابراین راهی جز قبول این حقیقت وجود ندارد و زندگی را آن‌طور که هست همراه با تضادهایش باید سپری کرد.

پینتر با همکاری پیترو هال^{۱۴} کارگردان انگلیسی نمایشنامه‌هایش را در تئاترهای مختلف کارگردانی می‌کرد و به‌روی صحنه برد. اندک‌اندک نمایشنامه‌هایش بیشتر مورد توجه قرار گرفت و به‌مرور در لندن و آمریکا آثارش به اجرا گذاشته شد و مورد استقبال قرار گرفت. پینتر از سال ۱۹۶۱ به بعد شروع به نوشتن سناریو برای سینما و تلویزیون کرد.

اولین فیلمنامه‌اش را با همکاری جوزف لوزی^{۱۵} کارگردان صاحب سبک سینما به نام پیشخدمت در ۱۹۶۳ تنظیم نمود. از کارهای سینمایی دیگر او می‌توان از «سرایدار ۱۹۶۳» کدوخورها ۱۹۶۴، خاطرات کونیبلر^{۱۶} ۱۹۶۶، تصادف ۱۹۶۷، جشن تولد ۱۹۶۸، واسطه ۱۹۷۱، خاطرات آمدن^{۱۷} و آخرین نواب ۱۹۷۶ را نام برد.

در سال ۱۹۶۶ درجه افتخاری امپراطوری از طرف ملکه انگلیس به او اهداء گردید.

برخی از صاحب‌نظران پینتر را نمایشنامه‌نویسی اگزیستانسیالیست و پوچ‌گرا می‌شناسند، عده‌ای نیز او را نمایشنامه‌نویسی فردگرا می‌دانند. در این میان آنچه روشن است و خود پینتر نیز بدان معترف است، تأثیر فرانتس کافکا و ساموئل بکت بر اندیشه و طرز فکر اوست.

پینتر در این باره می‌گوید: باید بگویم که بکت و کافکا روی شخص من مدت‌ها اثر عجیبی داشتند، وقتی که آثار ایندو را مطالعه می‌کردم تحرك و جنبشی در من بوجود می‌آمد، گمان می‌کردم حوادث و اتفاقاتی که در کتابهای آنان رخ می‌دهد برای خود من اتفاق افتاده بود^{۱۸}.

پینتر در اغلب آثارش يك اطاق را برمی‌گزیند و به آن به منزله بخشی از جهان که به مردم تعلق دارد نگاه می‌کند. پناه آدم‌های پینتر همین اطاق است. فقط در این اطاق گرما و روشنائی وجود دارد و تنها در همین اطاق است که آدمها احساس آسایش و امنیت می‌کنند. آدم‌های پینتر در اطاق فرصت دارند تا در خود فرو روند و تعمق کنند. درون خود و دیگری را بکاوند، خارج از اطاق جهان بیگانه و دشمن است. انسان‌هایی که او می‌آفریند مأیوسانه در جستجوی نوعی همبستگی و ارتباط با یکدیگر هرکدام می‌کوشند تا سد تنهائی خود را بشکنند و از ورای هستی خود به حریم هستی دیگران نفوذ کنند.

1- dwarfs

۲ و ۳. اتاق *The room* - مستخدم ماشینی *The dumb Walter* (دو غایب‌نامه) از هارولد پینتر. ترجمه م. ف. آستیم. تهران. دنیای کتاب ۱۳۵۰.

۴. جشن تولد *The birthday*. ترجمه ابوالحسن‌ونده‌ور و بهرام مقدادی. تهران. جوانه ۱۳۴۹.

۵. سرایدار *Caretaker*. ترجمه پرویز صیاد و منصور پورمند. تهران. مرکز نمایش پدید. تلویزیون ملی ایران ۱۳۴۷.

۶. کلکسیون *The Collection* ترجمه منیژه کامیاب. تهران. اشرفی ۱۳۴۹.

7- Royal Shakespeare Company

۸. فاسق *Lover*. ترجمه دکتر منوچهر بیات مختاری. چاپخانه دانشگاه مشهد ۱۳۵۳.

9- Richard

10- Sara

11- Max

12- Feather Hall

۱۳- جوزف لوزی *Joseph Losey*

14- The Quiller Memorandum

۱۵. بازگشت به خانه (خانه آمدن) *The Home Coming* ترجمه اختر شریعت‌زاده. انتشارات آگاه ۲۵۳۶.

۱۶. محتوی فلسفی غایب‌نامه‌های هارولد پینتر. دکتر بهرام مقدادی. بررسی کتاب. شماره ۲.

منابع

1- Dictionary of the Theatre J. Russel Taylor

2- Encyclopedia of World Drama McGraw Hill.

۳. بررسی کتاب. شماره ۲. دوره جدید. محتوی فلسفی غایب‌نامه‌های هارولد پینتر. نوشته دکتر بهرام مقدادی.

۴. زمان و کارهای هارولد پینتر. مارتین اسلین. متن انگلیسی صفحه ۲۹.

۵. ماهنامه نگین. شماره ۸۴ صفحه ۶۱. مقاله هارولد پینتر. ترجمه پرویز داریوش.

۶. مقدمه غایب‌نامه جشن تولد. ترجمه ابوالحسن‌ونده‌ور و بهرام مقدادی. تهران. جوانه ۱۳۴۹.

۷. مقدمه غایب‌نامه فاسق. ترجمه منوچهر بیات مختاری. دانشگاه مشهد ۱۳۵۳.

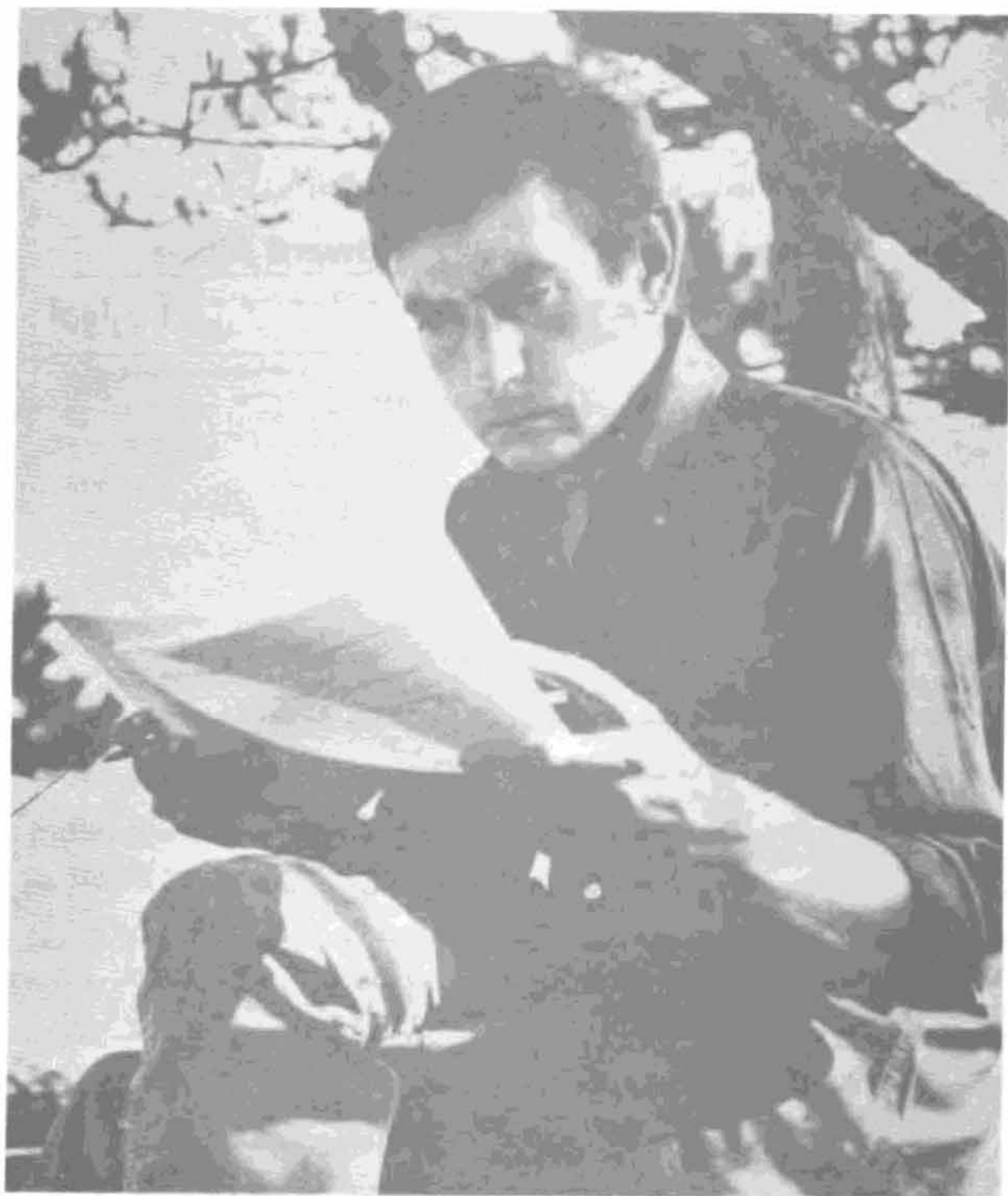
۸. جزوه دانشکده هنرهای زیبا. دانشگاه تهران. از دکتر علی‌رفیعی.

۹. فرهنگ سینمایی. بیژن خرسند. انتشارات امیرکبیر ۱۳۶۳.

۱۰. پایان‌نامه لیسانس. علی تاجر‌مثنی. دانشکده هنرهای دراماتیک ۱۳۵۴.

Edward Albee**ادوارد آلبی** **تولد ۱۹۲۸ م**

ادوارد آلبی در دوازدهم مارس ۱۹۲۸ در نیویورک متولد شد، زمانی که بیش از دو هفته از عمرش نمی‌گذشت پدر و مادرش او را به خانواده دیگری سپردند خانواده‌ای که او را به فرزندپذیرفتند، خانواده آلبی نام داشت، که خانواده ثروتمند و مشهور بود «ریدآلبی» پدر خانواده صاحب چند تماشخانه بود و همسرش مانکنی بود که بیست و سه سال از شوهرش جوانتر بود. ادوارد آلبی در این خانواده در ناز و نعمت پرورش یافت، تحصیلات ابتدائی و متوسطه را در مدارس گران قیمت و خوب امریکا دنبال کرد. در سنین نوجوانی با ماجراجونی‌هایش همواره برای اطرافیانش موجودی پردر دسر محسوب می‌شد، در دوران دبیرستان شروع به نوشتن داستان و سرودن شعر کرد. در بیست سالگی خانواده‌اش را ترک کرد و سالهائی را دور از خانواده به حرفه‌های گوناگون روی آورد، پادونی، فروشنده‌گی، نامه‌رسانی، شغل‌هایی بود که مدتی به آنها سرگرم بود. حدود ده سال زندگی بخور وغمیری را در دهکده گرینویچ سپری کرد. سپس به طور جدی تر به نویسندگی پرداخت، تورنتون وایلدر^۱ به او توصیه کرده بود که نمایشنامه‌نویسی را پیشه خود سازد، نخستین نمایشنامه خود را با نام ماجرای باغ وحش^۲ در سال ۱۹۵۸ به عنوان «هدیه‌ای برای تولد سی سالگی» به خودش تقدیم کرد. این نمایشنامه نخست از سوی تهیه‌کنندگان تئاترهای امریکا جدی گرفته نشد، بالاخره



ادوارد آلبی

پس از چند ماه برای نخستین بار به همراه نمایشنامه آخرین نوار کراپ اثر بکت در برلین بصحنه رفت (۱۹۵۸). همچنین نخستین اجرای نمایشنامه «مرگ بسی اسمیت»^۴ اثر دیگر آلبی نیز در برلین بود، این اثر، ماجرای مرگ تصنیف خوان سیاهپوستی به نام بسی اسمیت است که قربانی تعصبات تبعیض نژادی می شود.

روای آمریکائی^۵ (۱۹۶۱) اثر بعدی آلبی نمایشنامه ایست که در آن نویسنده کاریکاتوری از امریکای زمانش را مجسم می سازد.

پس از این آثار آلبی در خارج از امریکا شهرتی نسبی کسب کرد و محتوای آثارش به او این امکان را داد تا در زمره اعضای نهضت تئاتر پیشرو^۶ درآید.

نمایشنامه «چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد»^۷ در سال ۱۹۶۲ شهرتی جهانی برای نویسنده اش به همراه آورد، و پس از اجرایی موفق در صحنه از سوی هالیوود به فیلم درآمد. آلبس کوچولو^۸ (۱۹۶۴) اثر دیگر آلبی به گونه ای با آثار پیشین او متفاوت است، در این اثر که جنبه های انتزاعی برجسته ای دارد، بیان عقاید و اعتراضات نویسنده ای جوان چون آلبی را مشاهده می کنیم که نسبت به بکارگرفتن انسانها به عنوان ابزار در جوامع معاصر فریاد اعتراض سر می دهد.

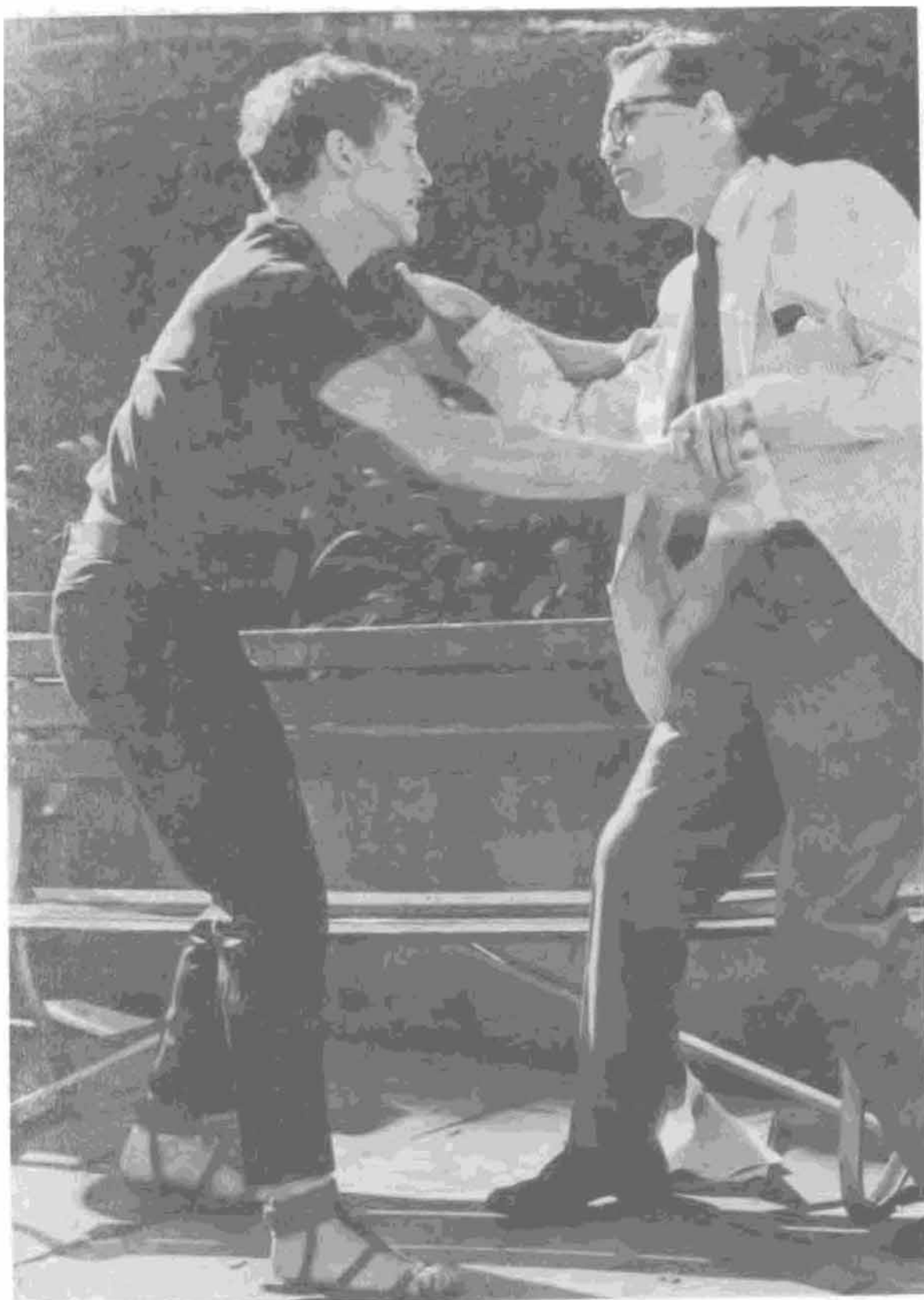
توازی ظریف^۹ (۱۹۶۶) نمایشنامه دیگر آلبی در همان سال به صحنه رفت، این اثر تا حدی در روال چه کسی از ویرجینیا وولف می ترسد؟ می باشد. ولی همانطور که از عنوان آن برمی آید نمایشنامه ایست ظریف و پراندیشه و بیشتر متکی بر این اصل که در آن به صورتی ذهنی با درونی يك مطلب و شکل انحراف یافته همان مطلب در کنار هم قرار می گیرند، هنگام خواندن این اثر باید متوجه رشته های جداگانه ای که به هم تنیده می شود بود.

از همان هنگام که نمایشنامه ماجرای باغ وحش به همراه آخرین نوار کراپ اثر ساموئل بکت متفقاً به روی صحنه رفت نام ادوارد آلبی با نمایشنامه نویسان پوچ گرای اروپائی مرتبط شد.

آلبی نیز مانند نمایشنامه نویسان پوچ گرای اروپائی، سعی نموده است که واقعیت وضعیت انسان را به نمایش درآورد با این تفاوت که سارتر، کامو، بکت، بونسکو، ژنه و پبتر این واقعیت ها را در منطق خاص فلسفه پوچی نشان می دهند در صورتی که آلبی توجه خود را به توهمات که انسان را از واقعیت جدا می سازد معطوف می نماید. در نظر اروپائیان پوچی ویی معنائی واقعیتی متافیزیکی است، در نظر آلبی جهان بی معنا است زیرا که زیر بناهای اخلاقی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی را که بشر برای دست یافتن بر تخیلاتش درباره خود بنا کرده است فرو ریخته اند، به هر حال توهم کماکان در نمایشنامه های آلبی حضور دارد، و هرچه به جلوتر می آئیم دید او از واقعیت رفته رفته پیچیده تر می شود.

آمریکا - اثر آگنی - از نمایشنامه‌روای آمریکایی - صفحه ۵۵





صحنه ای از نمایش ماجرای باغ وحش
اثر ادوارد آلبی

اثر دیگر آلبی «جعبه شن» نام دارد که تشابهاتی با رؤیای امریکای دارد. خود آلبی در این باره می‌گوید: برای جعبه‌شن چندین شخصیت از رؤیای امریکای استخراج کردم و آنها را در موقعیتی متفاوت لکن با سرنوشتی یکسان قرار دادم، جعبه‌شن «نام گور مادر بزرگ است که نسل اول امریکا را مجسم می‌سازد و رؤیای امریکائی «گویای نسل سوم امریکاست. در هر دو غایشنامه فکر قتاله در نسل میانی و به‌خصوص در شخصیت «مامی» قرار داده شده است، تأثیر اوژن یونسکو در این غایشنامه به‌وضوح بر آلبی مشهود است این غایشنامه نیز همچون آوازخوان طاس اثر یونسکو برنگرشی پوچگرایانه بنا شده است.

آلبی در غایشنامه نویسی اعتقادی به پایان خوش اثر ندارد و برای خلق موقعیت‌های تراژیک خود را دچار زحمت نمی‌کند بلکه او با نویسندگان پوچگرا در این نقطه نظر هم عقیده است، بنا برگفته خود او، جذب هنری آن قسمت از فلسفه اگزیستانسیالیسم و بعد از اگزیستانسیالیسم است که در اصل با کوشش بشر برای معنی دادن به موقعیت بدون مفهوم جهانی، دنیا سروکار دارد». در آثار آلبی جنبه‌های محلی ارزش کمتری دارد تا جنبه‌های جهانی، دنیائی که او تصویر می‌کند همه جا و هیچ جاست و به‌طور کلی جهان است نه مکانی به‌خصوص.

پانویس

1- Reed Albee

۲. تورنتون واپلدر Thornton نمایشنامه نویس امریکانی متولد ۱۸۹۸ م

۳. ماجرای باغ وحش The Zoo Story. ترجمه حسین پرورش. تهران، انتشارات پژوهشکده تئاتر دانشکده هنرهای زیبا ۱۳۵۸.

4- Death of Bessie Smith

۵. رویای امریکانی ۱۹۶۱ American Dram. ترجمه رضا کرم رضانی همراه با مستاجر جدید اثر اوژن یونسکو تهران ۱۳۵۰.

6- Avert Gard Theater

7- Who's Afraid of Virgine Woolf

8- Tny Albee

9- A Delicate Balance

10- The Sand Box

منابع

1- Mc Grow Hill Encyclopedia of World Drama volum (1)

2- A Dictionary of The Theatre John Russell Taylor

۳. پایان نامه لیسانس دانشکده هنرهای دراماتیک، فریماه... فرجامی. تهران ۱۳۵۶. «ادوارد آلبی و تحلیل نمایشنامه ماجرای باغ وحش».

۴. تاریخ ادبیات امریکا، ویلسن ویکر، ترجمه حسن جوادی، انتشارات امیرکبیر، تهران.

WORLD DRAMATISTS

Written by: Mansour khalaj

ISBN - 964 - 471 - 392 - 3



انتشارات برگ

تهران - صندوق پستی ۳۹۳۹ / ۱۵۸۷۵ - تلفن: ۸۸۹۲۰۰۶

مرکز بخش: بازرگانی مؤسسه انتشارات سورہ

تلفن: ۸۸۱۱۷۶۶ - تلفکس: ۸۸۰۶۹۸۸

